

ارتش شیطان

تدوین: المؤمن الرشید

برگردان: عبدالباسط داعی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي أكمل لنا الدين، وجعله شرعةً سالحةً خالدةً للعالمين، والصلاة والسلام على سيدنا نبي الرحمة المهداه للتقلين، الموصوف بأنه بالمؤمنين رؤوف رحيم.

فإذا كنا قد تركنا أسباب التقدم التي هي موجودة في الإسلام فليس هذا عيب الإسلام، وإنما العيب في عدم تطبيق تعاليم الإسلام التطبيق الصحيح السليم.

الله متعال را به خاطر نعمت‌های بی‌بدیل، بی‌نهایت و خوبش سپاس‌گزار هستم و درود بر محبوب‌مان، پیامبر رحمت و رأفت محمد ﷺ و یاران با وفایش ﷺ.

مجموعه ویدیوهای ارتش شیطان یکی از بهترین، دقیق‌ترین و مهم‌ترین مجموعه‌های اطلاع‌رسانی است که تا هنوز مشاهده نشده‌ام؛ روی این ملحوظ بر آن شدم تا تمام قسمت‌های این مجموعه‌ی با ارزش به صورت متنی و نوشتاری نیز در ضمن ویدیوها برگردانده شود تا دیگر مسلمان‌های عزیز که با این مجموعه آشنا نیستند و دسترسی ندارند؛ دسترسی پیدا نموده و در نهایت امیدوارم بتوانند از این مجموعه‌ی ارزنده، مفید و مهم استفاده نموده و باعث آگاهی بیشتر گردد ان شاء الله.

این مجموعه‌ی ارزنده و جذاب توسط المؤمن الرشید (Rational Believer) که توسط مجموعه‌ای از جوانان مسلمانان بنیان نهاده شده است و در یوتیوب فعال هستند، نشر می‌شود و تا اکنون بیست و چهار قسمت ویدیوها را به زبان انگلیسی و به صورت بالانویس فارسی، تهیه و نشر نموده‌اند - جزاهم الله کل خیر.

در کل توصیه‌ی صادقانه و خالصانه‌ی بنده برای هر جوان مسلمان این است که از مشاهده و مطالعه‌ی این مجموعه دریغ نکنید؛ چون مجموعه‌ی مفید و مهم است که در تطابق با واقعیت بوده و آشکارکننده‌ی برنامه‌ها و پلان‌های پنهانی و خطرناک شیطان و ارتشش (پلان‌های جهانی شیطان و لشکریان انسی و جنی او) می‌باشد و خیلی در جهت بیدارگری مؤثر و مستدل است.

عبدالباسط داعی

کابل - افغانستان

۱۴۴۱ هـ. ق / ۱۳۹۸ هـ. ش

در باره مجموعه‌ی ویدیویی «ارتش شیطان»

بی‌گمان ابلیس، رهبر شیاطین دنیاست و او شیطان بزرگ است. ارتش او همواره در تلاش‌اند تا بندگانِ الله مهربان را به بردگی گرفته و گرفتارِ فساد کنند. مجموعه ویدیویی «ارتش شیطان» به بیان نکاتی پنهان و قابل توجه از شیطان می‌پردازد که چگونه زندگی انسان را به فساد کشیده و ذهن او را به بردگی می‌کشد.

و این مجموعه شامل بیست و چهار (۲۴) قسمت می‌باشد:

قسمت اول: چرا الله متعال شیطان را آفرید؟.....۴

قسمت دوم: هر انسان یک شیطان و پنج فرشته دارد.....۱۰

قسمت سوم: شیطان چگونه شما را فریب میدهد؟.....۱۴

قسمت چهارم: فراماسونری و ایلومیناتی‌ها.....۲۱

قسمت پنجم: شیطان چگونه بر جهان مسلط است؟.....۳۲

قسمت ششم: تخت شیطان بزرگ (ابلیس) کجاست؟.....۳۹

قسمت هفتم: دجال کیست؟.....۴۸

قسمت هشتم: اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی.....۵۷

قسمت نهم: جادو، معامله سیاه بین انسان و جن.....۷۰

قسمت دهم: هدف نهایی ترویج جادو در جهان.....۸۰

قسمت یازدهم: تلویزیون و تسلط ایلومیناتی بر آن.....۸۷

قسمت دوازدهم: موسیقی چگونه شما را به طرف شیطان می‌برد؟.....۱۰۰

قسمت سیزدهم: برخی از ابعاد شیطانی صنعت موسیقی.....۱۱۸

قسمت چهاردهم: بازی‌های رایانه‌یی (ویدیوگیم)..... ۱۲۷

قسمت پانزدهم: فرقه‌های سری با نشانه‌های آشکار..... ۱۴۴

قسمت شانزدهم: چهره‌تاریک فمینیسم..... ۱۵۱

قسمت هفدهم: صنعت پورن و فیلم‌های مستهجن..... ۱۶۱

قسمت هجدهم: تغییر در خلقتِ الله (عهدی از سوی شیطان)..... ۱۷۴

قسمت نوزدهم: سیستم آموزشی و برده داری نوین..... ۱۸۵

قسمت بیستم: ساینس (علم) و شستشوی مغزی..... ۲۰۲

قسمت بیست‌ویکم: خطر محصولات دستکاری شده‌ی ژنتیکی (GMO)..... ۲۲۱

قسمت بیست‌ودوم: خطر غذاهای فرآوری شده (فست فود)..... ۲۳۲

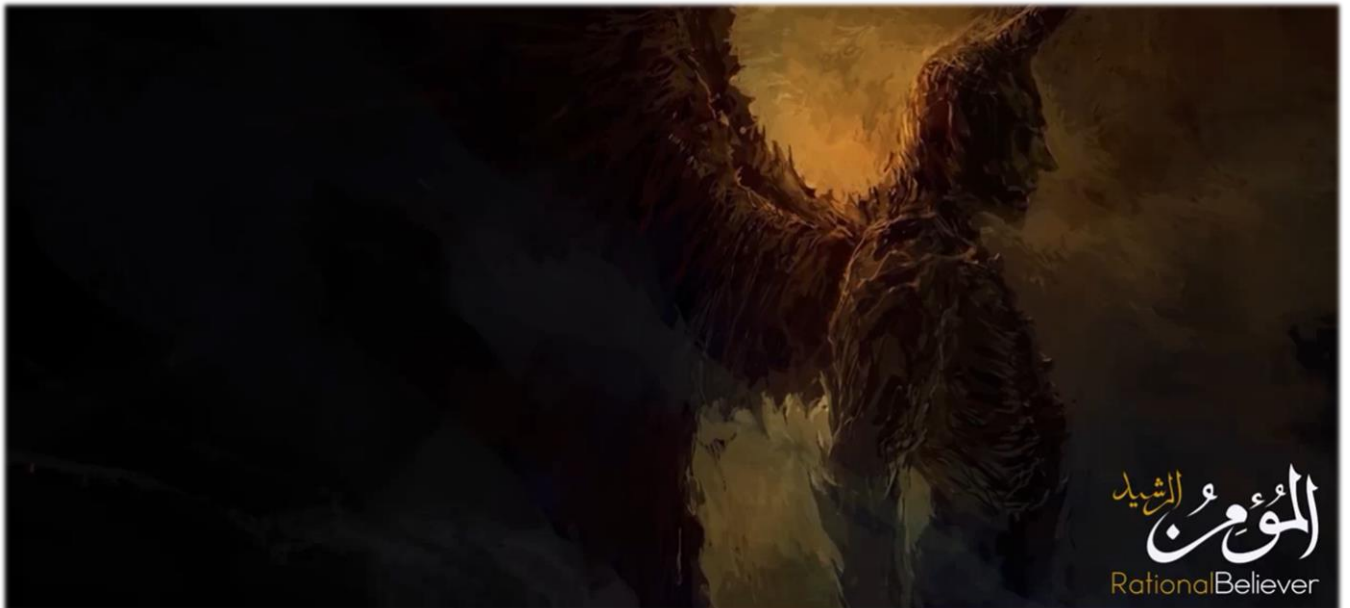
قسمت بیست‌وسوم: پروژه‌ی فرا انسانیسم/انسانیت (ترانس هیومانیسم)..... ۲۴۳

قسمت بیست‌وچهارم: بزرگ‌ترین فتنه‌ی عصر..... ۲۵۳

قسمت اول:

چرا الله متعال

شیطان را آفرید؟



قسمت اول: چرا الله متعال شیطان را آفرید؟

واقعاً این شیطان کیست؟

آیا حقیقت دارد؟

یا اینکه وهم و یا خیال پردازی ذهن شماست؟

و یا اینکه یک پدیده فلسفی است؟

بر اساس قرآن عظیم الشان او واقعاً وجود دارد، موجودیت اش حقیقیست، فقط شما او را دیده نمی‌توانید، او قبل از ما زندگی می‌کرد و هنوز هم زنده است.

این واقعاً موضوع عجیبی است، این طور نیست!؟

واقعاً عجیب است!

کلمه شیطان از مصدر شَطَنَ (شَطَنَ) گرفته شده، یعنی ناپاک و پست. شیطان به موجودی اطلاق می‌شود که سرکش و متمرّد باشد، بدون در نظر داشت اینکه انسان باشد یا جن. گفته می‌شود که به معنای روح شریر و پلید نیز است که از الله عزّ و جلّ و از حقیقت دوری می‌کند.

چنانچه الله متعال می‌فرماید، شیطان در هر دو نوع (جن و انسان) می‌باشد: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ﴾ [الأنعام: ۱۱۲].

«و همچنین برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم».

حال! اهمیت اش چیست؟ چرا باید به موجودیت جن باور داشته باشیم!؟

خوب! چون آن‌ها مربوط به غیب می‌شوند، غیب به چیزهای گفته می‌شود که از دید ما پنهان هستند.

من و شما موافقیم که الله متعال را دیده نمی‌توانیم، درست! پس او تعالی در غیب است. ما موافقیم که ملائک موجود اند؛ ولی آن‌ها را دیده نمی‌توانیم! آن‌ها در غیب هستند و از نور خلق

شده اند و حال جن! و ما آن‌ها را دیده نمی‌توانیم، آن‌ها نیز در غیب هستند و از آتشی خلق شده اند که دود ندارد و اگر آتش چیزی چون دود نداشته باشد فقط حرارت است و شما قادر به دیدن آن هم نیستید، حرارت وجود دارد ولی ما دیده نمی‌توانیم، همین طور نیست؟!

هر دو نوع شیاطین در صدد این هستند که مردم را به اعمال زشت سوق دهند، شیاطین جن طوری به قلب شما وسوسه می‌کنند که، نه آن‌ها را می‌بینید و نه وسوسه‌ی‌شان را می‌شنوید و شیاطین انسی طوری به قلب شما وسوسه می‌کنند که هم می‌بینید و هم می‌شنوید؛ اما درک نمی‌کنید که وسوسه شیطان نیست! و شیطان انسی هر کسی بوده می‌تواند حتی دوست شما که شما را به نوشیدن الکل و یا هر عمل زشت دیگر تشویق می‌کند.

از آنجایی که سؤال مربوط به اِبلیس می‌شود باید به خاطر داشت که شیطان اسم عام است؛ اما اِبلیس اسم خاص.

اِبلیس نیز از جمله جنیان است و اولین مخلوقیست که از امر الله متعال سرپیچی کرد.

ما جن را دیده نمی‌توانیم؛ ولی گفتیم که آن‌ها حق انتخاب دارند، آن‌ها حتی پیشتر از خلقت آدم (انسان) حق انتخاب داشتند و انتخاب آن‌ها بعضاً خوب می‌بود و بعضاً بد. در بین آن‌ها یکی به نام اِبلیس است و او کیست؟ اِبلیس کیست؟

ممکن بگویید: او شیطان است، چنانچه در زبان عربی به او اطلاق می‌شود؛ اما حقیقتاً او در ابتداء یک عابد (عبادت کننده) بود و او تا حدی برای الله متعال عبادت می‌کرد که الله متعال او را بلند کرد تا حدی که حتی با ملائک هم صف شد (به خاطر داشته باشید! که اِبلیس از جمله ملائک نیست) ولی او با ملائک عبادت می‌کرد و آن هم به خاطر عبادت خودش بود که مقامش بلند شد، آنقدر عزیز شد که الله متعال او را بلند نمود و سپس چی شد؟... آه! این یک داستان مهم است.

حال اندکی از اصل موضوع دور می‌شویم تا یک غلط فهمی بزرگ را از ذهن تان دور کنم و آن اینکه برخی‌ها به این فکر اند که او (اِبلیس) از جمله ملائک است. ملائک خطاء نمی‌کنند، آن‌ها چیزی را انجام می‌دهند که به آن امر شده باشند.

پس زمانیکه الله متعال بهترین مخلوق خود را خلق نمود، کی را خلق نمود؟ او تعالی آدم (انسان) را خلق کرد... او تعالی آدم -علیه السلام- را خلق نمود. او تعالی آدم -علیه السلام- را از گل خلق نمود. حال می‌خواهم بگویم که چی اتفاق افتاد بعد از اینکه الله متعال آدم را خلق کرد.

الله عزّ وجلّ تمام ملائک را امر نمود که به آدم سجده کنند و همه ملائک سجده کردند؛ چون آن‌ها باید چیزی را که امر شده بودند انجام می‌دادند و آن‌ها سجده کردند، همه‌ی آن‌ها سجده کردند جز ابلیس... او سجده نکرد.

حال اگر این را خوانده باشید از محتوای آن میدانید که او (ابلیس) از جمله ملائک نبود و اگر فقط این کلمات (تمام آن‌ها سجده کردند جز ابلیس) را بخوانید، خواهید گفت که: این یعنی ابلیس از جمله ملائک بود؛ اما در آیات دیگر قرآن عظیم الشان الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ﴾ [الکهف: ۵۰]. او از جمله ملائک نبود بلکه از جنیان بود و او از آتش بی دود خلق شده ﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَّارٍ﴾ [الرحمن: ۱۵]. و این دقیقاً چیزیست که ابلیس خودش گفت: آدم را از گل خلق نمودی؛ اما من از چیزی بهتری خلق شده‌ام (از آتش بی دود) پس من از سجده کردن انکار می‌کنم، چرا؟ بخاطری که من از او بهترم، من از آدم بهترم و به او سجده نمی‌کنم.

با این کار، او نافرمانی الله متعال را کرد و هر کسی که نافرمانی الله متعال را کند، خود را در مشکل انداخته، خصوصاً وقتی که از روی کبر و غرور چنین کند، من نافرمانی می‌کنم؛ چون من بهتر می‌دانم و با این کار ابلیس خود را در بدترین شرایط با الله متعال قرار داد.

و الله متعال او را تا ابد به جهنم محکوم کرد و او (ابلیس) گفت: برایم مهم نیست، فقط بگذار که او (آدم) و فرزندان او را با خود به جهنم ببرم. چی؟! برای چی؟ بخاطری چیزی که آنرا (کبر) می‌نامیم.

کِبَر چیست؟ کبر از کِبَر گرفته شده و کِبَر مصدر کلمه (أکبر) است و فقط الله متعال اکبر است و او تعالی از هر چیزی بزرگتر و بزرگتر است و انسان و یا هر چیزی دیگری چون (جن و ملائک) حق این را ندارد که نزد الله متعال آمده و بگوید: آه! من چنین ام و چنان ام. کیستی؟ الله متعال به تو امر نموده و باید انجام بدهی.

حال! نکته مهم این است که اکثراً به این فکر اند که این بخاطر شیطان است که ما مرتکب گناه می شویم، روی این ملحوظ می پرسند که چرا الله متعال شیطان را خلق نمود؟ و یا اینکه چرا الله متعال شیطان را از بین نبرد که ما مرتکب گناه نمی شدیم؟! اینجا یک غلط فهمی رخ داده، شیطان کاری جز وسوسه نمی تواند، برای وضاحت بیشتر بگذارید سؤالی بپرسم:

قبل از اینکه ابلیس شیطان شود، شیطان دیگری وجود نداشت، درست؟ پس چه کسی به ابلیس گفت که نافرمانی الله متعال را کند؟

جواب اینجاست! قبل از او شیطانی وجود نداشت، این نفسش بود که او را به نافرمانی وادار کرد. فرض کنید که اگر شیطان هم نمی بود باز هم ما نفس می داشتیم، پس گناه می کردیم؛ چون این دنیا امتحانیست برای انسان و جن! ابلیس نیز در این امتحان شامل است؛ چون او جن است و نفس دارد.

پس الله متعال او را شیطان خلق نکرد؛ بلکه او خودش انتخاب کرد که شیطان شود، نه تنها ابلیس؛ بلکه همه شیاطین با نافرمانی الله، انتخاب می کنند که شیطان باشند.

بعد چی شد؟ زمانی که الله متعال به آدم گفت: در بهشت از هر چه می خواهی استفاده کن، برو و لذت ببر ولی آنجا یک درخت است که نباید از آن بخوری! البته که بقیه داستان را می دانید... سپس شیطان نزد او و حوا آمد و آن‌ها را تشویق به خوردن از آن درخت نمود و آن‌ها از آنجا فرود آمدند؛ ولی الله متعال می دانست که آن‌ها از آن درخت خواهند خورد، به همان لحاظ آن درخت را آنجا قرار داد.

تمام دلیلی که این قصه را به شما گفتم این بود تا این زیبایی اسلام را بدانید که این زندگی چیزی نیست جز امتحان!

این واضح است که إبلیس اولین تمام شیاطین بود؛ بناءً او رهبر آن‌هاست و تمام شیاطین وسیله امتحان هستند، اگر چه خودشان نیز شامل این امتحان اند.

قسمت دوم:

هر انسان یک شیطان و

پنج فرشته دارد.



قسمت دوم: هر انسان یک شیطان و پنج فرشته دارد.

ابن ابی حاتم -رضی الله عنه- یکی از علمای بزرگ حدیث در سنن خود نقل می کند: «که ایلیس دعاء کرد، یا الله! تو مرا خلق کردی تا سبب گمراهی فرزندانِ آدم شوم، من تسلطی بر آن ها نخواهم داشت مگر اینکه تو به من اجازه دهی! پس به من قدرت این را بده که سبب گمراهی شان گردم، الله متعال فرمود: برو این قدرت را به تو دادم. سپس شیطان گفت: یا الله! قدرت بیشتر می خواهم. دقت کنید! او از الله عزّ وجلّ بیشتر خواست. بناءً الله سبحانه فرمود: هر گاه یک فرزندِ آدم تولد شد، یک شیطانِ دیگر با وی تولد خواهد شد یعنی برای هر فردی که در این دنیا وجود دارد یک شیطان (قرین) گماشته شده است؛ چون الله متعال اجازه زاد و ولد را به شیطان داده تا اینکه فرزندانِ بیشتری داشته باشد یعنی با هر فرزندِ آدم یک شیطان نیز تولد می شود.

سپس شیطان گفت: یا الله! بیشتر می خواهم و الله متعال برایش فرمود: برایت این قدرت را می دهم که مثل خون در رگ های بنی آدم جریان داشته باشی! پس الله متعال این توان را برایش داد که در وجود مان داخل شده و بگونه نامرئی و نامعلوم با افکار مان بازی نماید، طوریکه بعضاً فکر می کنیم که این افکار خودمان است؛ ولی افکارِ شیطان است که با وسوسه های شرورانه شیطان در ذهن مان خطور کند.

و سپس شیطان گفت: یا الله! باز هم بیشتر می خواهم و الله سبحانه و تعالی در این آیه بیان می کند: ﴿وَاسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الإسراء: ۶۴].

«و با فریاد خویش هر که را توانی از جای بر انگیز و به یاری سواران و پیادگان بر آنان بتاز و در مال و فرزند با آنان شرکت جوی و به آن ها وعده بده و حال آنکه شیطان جز به فریبی وعده ی شان ندهد».

این آیه چه می فرماید؟

و ای شیطان نیروها و لشکریان خود را متحد ساز، همه سواران خویش را که از آتش جهنم هستند نیز فرا خوان! و نیز شیاطین پیاده خود را که عساکر شیطان هستند جمع کن! و برو حمله (جنگ) خود را بر علیه بشر آغاز کن! و با قوه‌های شیطانی خویش در آنان نفوذ کن و تخریب‌شان کن! و وعده‌های از آسمان و زمین برای‌شان بده و سپس الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ و هر آنچه شیطان به شما وعده می‌دهد سرابی بیش نیست و وعده‌های او جز خواب و خیال و فساد چیزی نیست، وعده‌های باطل و دروغ.

در ادامه این حدیث آمده که سیدنا آدم -علیه السلام- این دعای شیطان را شنید و او نیز نزد الله متعال دعاء کرد و گفت: پروردگرم! تو به شیطان اینقدر، قدرت و تسلط را بالای من عطاء فرمودی! پس برای من چه می‌دهی یا الله! برایم چیزی عطاء کن.

الله متعال فرمود: هیچ فرزندی از تو به دنیا نخواهد آمد مگر اینکه دو ملک را بر او بگمارم. یک شیطان؛ اما دو ملک که او را همیشه از شر شیطان در امان داشته باشند. روی این ملحوظ او تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ [الرعد: ۱۱].

«برای هر انسان دو ملک را گماشته‌ایم، یکی در پیشرو و دیگری در عقب‌اش که به فرمان الله عزّ وجلّ از او حفاظت می‌کنند».

ما هر زمان پنج ملک داریم، شیطان یک دشمن است؛ اما پنج ملک با ماست، دو ملک برای نوشتن اعمال خوب و بد مان در طرف راست و چپ قرار دارند و دو ملک دیگر برای حفاظت مان در پیشرو و عقب مان که آن‌ها تبدیل نیز می‌شوند و پنجمین ملک همیشه در گوش مان برای انجام کارهای نیک و سوسه می‌کند! کار خوب کن! کار خوب کن! سبحان الله بگو! الحمد لله بگو! لا إله إلا الله بگو! و او برای وسوسه اعمال نیک مان گماشته شده است.

پنج ملک، الله أكبر! بناءً آدم -علیه السلام- خوشحال شد و گفت: یا الله! بیشتر می‌خواهم. الله متعال فرمود: برای هر عمل بد یک عمل بد می‌نویسم و یا آنرا حذف می‌کنم (آن را می‌بخشم)؛ اما برای هر عمل نیک ده عمل نیک می‌نویسم! آدم -علیه السلام- خوشحال شد و گفت: یا الله! بیشتر برایم عطاء کن؛ سپس الله مهربان فرمود: وعده می‌دهم که در بخشش‌م تا

زمانیکه روح، بدن را ترک نکند باز است (تا زمانی که زنده هستی در بخششِ الله مهربان همیشه باز است و سپس چون شیطان چهار (۴) بار خواست، آدم -علیه السلام- پدرمان هم برای بار چهارم خواست! پروردگارا! بیشتر می‌خواهم... و الله مهربان در پاسخش فرمود: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾ [الزمر: ۵۳].

«بگو! این بندگانم که به سبب گناه بر نفس‌های‌تان ظلم کردید، هیچ‌گاه از رحمت الله متعال نا امید مباشید».

اصلاً نا امید مباش...! هیچ شکی نداشته باشید که الله مهربان ما را بسیار دوست دارد، او بسیار متوجه ماست او تعالی می‌خواهد که با او در بهشت باشیم و او اصلاً ما را برای مجازات خلق نکرده! به همین دلیل این آیه قوی‌ترین آیه قرآن عظیم‌الشأن است.

چنانچه روایت شده برخی از علماء گفتند کدام آیه، عظیم‌ترین آیه است؟ گفتند: آیه الكرسی.

دیگری پرسید کدام آیه عظیم‌ترین آیه برای شناخت الله است... سورة إخلاص.

و سپس گفتند: کدام آیه عظیم‌ترین آیه برای خوشنودیست که خوشی عظیمی را برای مان به وجود می‌آورد؟ این است آیه خشنودی ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳].

«بگو! این بندگانم که به سبب گناه بر نفس‌های‌تان ظلم کردید، هیچ‌گاه از رحمت الله متعال نا امید مباشید. قطعاً الله همه‌ی گناهان را می‌آمرزد؛ چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است».

الله مهربان دوست دارد که ببخشد و او همه‌ی گناهان گذشته، آینده و حال‌تان را می‌بخشد، همه‌ی گناهان‌تان را، به تحقیق که او بخشاینده و مهربان است.

قسمت سوم:

شیطان چگونه شما را

فریب می دهد؟



قسمت سوم: شیطان چگونه شما را فریب می دهد؟

برای شیطان ساده نیست که انسان را فریب دهد مگر اینکه از اسباب و شیوه های کار گیرد که شیطانی بودن آن به ساده گی قابل درک نباشد، به همین لحاظ می تواند انسان را به راحتی و سادگی فریب دهد.

پس این اسباب و راه کارها کدامها اند؟

۱- زیبا جلوه دادن باطل:

این پر کاربردترین طریقه یی است که شیطان برای اغفال بشر به کار می برد، شیطان همواره می کوشد تا باطل را؛ چون حق نشان دهد، گذاشتن اسم های زیبا روی اعمال حرام، او حرام را در چشمان تان آنقدر زیبا می سازد تا اینکه شما را مرتکب آن عمل ناپسند سازد، چنانچه خودش می گوید: ﴿ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴾ [الحجر: ۴۰].

«پروردگارا! چون تو مرا گمراه ساختی من هم باطل را در نظر شان زیبا جلوه می دهم و همه ی شان را گمراه می سازم».

ابلیس از همین وسیله برای فریب دادن آدم -علیه السلام- استفاده نمود، خوردن از درختی که برای او و حوا منع شده بود، ابلیس این عمل را برای شان زیبا ساخت و به آنها گفت: اگر از این درخت بخورید تا ابد در بهشت خواهید ماند و یا اینکه تبدیل به ملائک می شوید! او این عمل را آنقدر زیبا جلوه داد تا اینکه از او اطاعت کردند و بر اثر این فریب به زمین فرستاده شدند.

الله سبحانه و تعالی در جای دیگر نیز می فرماید: ﴿ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ [النحل: ۶۳].

«سوگند به الله که برای مردمی که قبل از تو بوده اند، پیامبرانی فرستادیم؛ اما شیطان اعمال شان را در نظرشان بیاراست و در آن روز شیطان دوست شان خواهد بود و آنها را عذابی دردآور در پیش است».

۲- تأخیر انداختن در انجام اعمال نیک:

وسیله دیگری که شیطان آن را بکار می برد، این است که سبب تأخیر در انجام کارهای خوب می شود، به شما می گوید: هنوز وقت دارید! هنوز برای نماز وقت است، بعداً بخوان! در شما تنبلی ایجاد می کند تا اینکه وقت نماز بگذرد.

از جوانانی زیادی شنیده ام که می گویند: برای عبادت وقت زیادی دارم، فعلاً وقت لذت بردن از زندگیست، زمانی که پیر شدم توبه می کنم و نماز خواهم خواند.

آه واقعاً! اگر در جوانی مرگ به سراغت آمد چه؟!

در عبادت تان تأخیر ایجاد نکنید!

اگر می خواهید فردا عبادت کنید، همین امروز کنید! و اگر امروز، چرا بعداً؟!

همین حالا اقدام کنید، نگذارید شیطان وقت تان را دزدی نماید.

۳- وعده نمودن به تحقق آرزوها و لذت های دنیوی:

شیطان دوست دارد تا آرزوها و نکات ضعف مردم را بداند و به آن ها وعده های می دهد، برای شان چراغ های سبز را نشان می دهد که سبب گمراهی آنان می شود، الله متعال می فرماید:

﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [النساء: ۱۲۰].

«شیطان به آنان وعده های می دهد و توقعات آن ها را بیشتر می سازد؛ اما وعده شیطان جز فریب نیست».

شیطان شما را با تمایلات گوناگون مصروف می سازد، تمایلاتی که در حقیقت هیچ سودی به شما ندارد، او شما را مصروف جمع آوری پول، کسب شهرت و برآورده ساختن لذت های زودگذر، می سازد و سر انجام خواهید دانست که زمان تان به سر رسیده و هیچ چیزی ندارید.

لحظه یی در مورد سرمایه دارترین ها فکر کنید! آیا سرمایه آن ها کمک می تواند تا یک دقیقه به عمر خود بیافزایند وقتی که مرگ سراغ شان می آید؟ یقیناً خیر... چرا؟! چون در حقیقت

سرمایه آن‌ها سرابی بیش نیست که سودی به آنان نمی‌رساند مگر اینکه آنرا در راه الله صرف نمایند.

۴- اظهار خیرخواهی:

شیطان مردم را گمراه می‌سازد و برای‌شان اظهار خیرخواهی می‌کند و می‌گوید که خوبی‌شان را می‌خواهد، چنانچه در داستانِ آدم -علیه السلام- ذکر گردیده ﴿وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾ [الأعراف: ۲۱].

«و شیطان به آن‌ها قسم خورد که یقیناً من خیر خواه شما هستم».

همراهی مردم دیگر هم چنین می‌کند، طوری که شیاطین آن‌ها را به انواع گوناگون فریب می‌دهند و ادعای خیرخواهی می‌کنند.

۵- گمراه ساختن تدریجی:

راهکار دیگر شیطان این است که او مردم را قدم به قدم گمراه می‌سازد. او نمی‌تواند به یکباره گی انسان را مرتکب انجام گناهان کبیره سازد، قدم‌های اولیه برای گناهان کبیره، گناهان صغیره‌اند.

۶- ایجاد شک و تردید:

این وسیله است که شیطان به واسطه آن شک را در قلب مردم ایجاد می‌کند و عقیده‌شان را در تزلزل می‌اندازد.

روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «شیطان نزد شما می‌آید و می‌پرسد: این را که خلق نموده؟ آنرا کی خلق نموده؟ تا زمانیکه می‌پرسد: الله را کی خلق کرده است؟ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به ما دستور داده که در چنین حالتی از شر شیطان به الله پناه ببریم، اینجا منظور از (شر شیطان) شک داشتن است. اگر چه این سؤال پاسخ دارد که ما در ویدیوهای قبلی به آن پرداختیم؛ اما حتی اگر به کدام پرسشی پاسخی هم نیافتیم، نباید عقیده خود را ضعیف بسازیم و بگذاریم که شیطان ما را هدف قرار دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰].

«ای مؤمنان خمر، میسر، انصاب و ازلام پلید و عمل شیطانی اند، از آن‌ها پرهیز کنید باشد که رستگار شوید.»

۷- خمر: شراب و انواع دیگر مواد نشه آور و مخدر.

۸- میسر: همه انواع قمار.

۹- انصاب: هر آنچه به جای الله سبحانه و تعالی مورد پرستش قرار گیرد.

۱۰- ازلام: لوازم که برای فال بینی و غیب‌گویی استفاده می‌شوند.

۱۱- جادو: هر کسی که به جادوگران گوش می‌دهد، هر کسی که به سوی جادوگران می‌رود، هر کسی که به جادوگران باور داشته باشد، به الله عزّ و جلّ کافر شده است! چرا؟ چون یکی از اعمالی که قدرت الله عزّ و جلّ را زیر سؤال می‌برد جادو است.

با جادوگران زمانی که می‌بینید چگونه کار می‌کنند؟ از خود می‌پرسید: آیا این شخص بسیار قدرت‌مند نیست؟ آیا بسیار مقدس نیستند؟ شما شروع به فراموش کردنِ الله عزّ و جلّ می‌کنید! چیزی که در حقیقت رخ می‌دهد، این است که تمام توجه‌تان به قدرت آن فرد جلب می‌شود، انحراف بزرگ، آن مردم بی‌گناه شامل‌گناه می‌شوند توسط فردی که ادعاء دارد که از غیب آگاه است، می‌دانید چگونه کار می‌کنند؟ بعضاً با جن ارتباط برقرار می‌کنند که این کار در حقیقت حرام است؛ الله متعال در قرآن عظیم‌الشان در سوره جن می‌فرماید یکی از نکاتی که ذکر گردیده این است که مردمی از انسان‌ها هستند که از جنیان کمک می‌طلبند و آن جنیان هم آنان را بیشتر و بیشتر گمراه می‌سازد، این آیه قرآن است، سوره جن را باز کنید و بخوانید.

بناءً مردی ما شاء الله با ریشِ دراز و دستارِ گلابی درازتر از همیشه، می‌گوید: که بگو سبحان الله! شما می‌گویید: سبحان الله، سبحان الله، سبحان الله. می‌گوید: الحمد لله بگو! شما می‌گویید: الحمد لله الحمد لله. حال بگذار برایت بگویم که مشکل چیست. باید این برگ‌ها و این

لیموها را همراه با این پارچه‌ها بگیری و چنین و چنان کنی و باید همه را با هم انجام دهی و سپس خوب خواهی شد و شما می‌گویید: شکرًا جزاک الله خیرا... (تشکر خیر ببینید)؛ این مرد مرا خوب ساخت و پولی هم نگرفت! در حقیقت کاری که او کرد این بود که ایمان‌تان را گرفت.

نتیجه‌اش چه خواهد بود؟!

اولین کاری که می‌کنند این است که بالای الله متعال می‌خندند و پیامبرش را تمسخر می‌کنند. می‌گویند: هاهها! تو گفتی که برای سجده کنند؛ ولی ما وعده کردیم که گمراه‌شان می‌کنیم... ببین! آن‌ها آماده‌اند که لیموها را قطع کنند و گلبرگها را بگذارند، آن‌ها آماده‌اند که کارهای را بکنند که هیچ مفهوم ندارد... برای تو نه؛ بلکه برای ما.

می‌دانید؟! آن‌ها فقط ایمان‌تان را از شما گرفتند. آن‌ها شما را وادار به عبادت شیطان کردند بدون اینکه بدانید. هنوز هم می‌گویید: الله أكبر.

۱۲- موسیقی:

اگر به سنت مراجعه کنید، معتبرترین کتاب برای مسلمانان (از هر مسلمان که سنت را بر پا می‌کند) بپرسید می‌گوید، صحیح البخاری است. معتبرترین کتاب در روی زمین بعد از قرآن صحیح البخاری است.

در صحیح البخاری رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «مردمی از امت من خواهند آمد که حرام را حلال می‌دانند، آن‌ها زنا، ابریشم، استفاده مخدرات (خمر) و حالات موسیقی را حلال می‌دانند».

پیامبر محبوب‌مان -صلی الله علیه وسلم- چهار (۴) چیز را گفت که مردمی خواهند آمد که آن‌ها را حلال می‌دانند. بناء رسول الله ﷺ کسی است که موسیقی را حرام می‌داند گفته.

این حقیقت است، برخی از علماء موسیقی را (قرآن شیطان) می نامند و موسیقی داخل قلب می شود و قلب را تسخیر می کند و در قلب جایی برای قرآن باقی نمی ماند. این حقیقت است، موسیقی قرآن را از قلبها بیرون می کند.

بناءً وقتی محبوبمان رسول الله ﷺ ما را از آن هشدار می دهد، حتماً خطرناک است، خطرناک برای روحمان.

۱۳- لشکریان (انسی و جنی) شیطان، انجمنهای سری، ایلومیناتی، دسیسههای پنهانی و...

قسمت چهارم:

فراماسونری و

ایلو میناتی ها.



قسمت چهارم: فراماسونری و ایلومیناتی‌ها.

او همیشه در صددِ درهم شکستنِ توست، تا تو را غمگین سازد! تا تو را در تاریکی (گمراهی) نگهدارد! از همان ابتداء (زمانی که دشمنی خود را نسبت به انسان اظهار کرد).

﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الحجر: ۴۰].

«ابلیس گفت: پروردگارا! چون تو مرا (به خاطر انسان) نومید کردی، من هم بدی‌ها را در نظرشان می‌آرایم و گمراه‌شان خواهم کرد».

و در طول تاریخ او باعث شرارت و ویرانی میان ملت‌ها شد و امروز او قدرتمندتر از هر زمان دیگر است، ارتش او قدرتمند شده:

شیطان پرستان؛

فری‌ماسون‌ها؛

ایلومیناتی؛

آن‌ها به او (ابلیس) بسیار وفادار هستند.

آنان هر جنگی را طراحی نمودند و کوشش کردند تا افکار خود را در اذهان شما تلقین کنند.

آنان دین دلخواه‌شان (شیطان پرستی) را، نظام سیاسی دلخواه‌شان را و نظام اقتصادی نوین را تأسیس کردند.

آنان با طرح‌هایی زیرکانه و با گماشتنِ افرادشان در دولت‌ها و شرکت‌ها در صددِ ادارهٔ مردم و کنترل امور جهان هستند تا بتوانند نفوذ و اقتدار سیاسی را به دست آورند و در نهایت نظم نوین جهانی را پیاده سازند.

سخنانِ یکی از سرانِ غربی.



می گوید: یک نظم نوین جهانی، یک جهان با حاکمیت قانون نه قانون جنگل ادارهٔ امور دنیا را به عهده می گیرد. اگر در طرح مان پیروز شدیم (که می شویم) ما شانسِ واقعی این نظم نوین جهانی را خواهیم داشت؛ نظمی که در آن ملل متحد و قابل اعتماد می توانند نقشِ صلح آمیزِ خود را در عملی ساختنِ اهداف و وعده های مؤسسين ملل متحد ایفاء کند. (پایان سخنانش)

ما شاهد یک تغییر بزرگ در اجتماع هستیم به اوج رسیدن یک نظم نوین جهانی.

ما شاهد یک نوع ادغام میان تکنالوژی معلوماتی و تجارت هستیم.

ما شاهد انتقال سریع افکار، فرهنگ، سیاست و اقتصاد از یک ملت به ملت دیگر هستیم و با این تکنالوژی همراه با قابلیت انتقال افکار، روند ارزش های مردمی، روند خوراک شان، علایق شان، سرگرمی های شان، مفاهیم نژادی شان، فرهنگ شان و افکارشان در تمام دنیا منتقل می شود.

یک نوع جهانی شدن و با این پیشرفت در تکنالوژی معلوماتی و با این رویدادهای بزرگی به وقوع می پیوندد که به اوج خود رسیده و ما می بینیم که مردم بیچاره آغشته هستند و می گوئیم: مردم را چه شده؟! دنیا را چه شده؟! با آنکه آن همه دیدگاه های متفاوت، ملت های متفاوت و روش های مختلف داشت که متهم همدیگر بودند.

حال شاهد آن هستیم که سیاست خالی از اقتدار اصلی است، بر عکس اقتصاد تمام امور اجتماع را کنترل می کند. ما شاهد هستیم که دولت ها در خدمت ساختارهای اقتصادی هستند و اینکه قدرت اصلی دیگر در دست جنرال ها نیست؛ بلکه قدرت در اختیار کسانی است که اقتصاد را به چرخش در می آورند، در اختیار سیستم بانکداری و سپس شاهد آنیم که سیاست مداران نقش (دفاتر روابط عامه) را بازی می کنند، فقط به منظوری اینکه مردم را کنترل کنند، خواه با آرام ساختن و خواباندن آن ها، خواه با از بین بردن آن ها.

و سپس می بینیم که انبوهی از مردم پریشان و گرفتار می شوند؛ چون زندگی شان با سلسله یی از رویدادهای فرهنگی بمبارد شده است و این رویدادهای فرهنگی مهم ترین جزء زندگی شان شده (جام جهانی، مجموعه لیگ برتر، رگبی، کرکت، هاکی، تنیس) هر ورزشی که باشد!

می بینیم که تمام ملت ها در گرد ورزش جمع می شوند و قهرمانان ملی ورزشکاران می شوند؛ حتی در عربستان سعودی و در کشورهای اسلامی خودمان! قهرمانان فعلی همان فوتبالیست ها شده اند! کسی که توپ کوچکی را داخل جال شوت می کند؛ قهرمان مردم می شود، در حالی که در روی زمین کشتارها صورت می گیرد؛ ولی ما با این رویدادها مشغول شده ایم و این یک نوع تلقین ذهنی است که بر ما تحمیل می شود، با استفاده از موسیقی قوق که با احساسات مان بازی می کنند و با ویدیوهایی که به دورترین نقطه دنیا پخش می شود.

طرز تفکر مردم تغییر کرده، امروزه مردم عاشق قهرمانان ورزشی هستند! حتی در مورد هویت خود سردرگم شده اند:

کوشش دارند خود را تغییر دهند!

رنگ موی خود را تغییر می دهند!

رنگ چشم خود را تغییر می دهند!

طرز سخن گفتن خود را تغییر می دهند!

طرز لباس پوشیدن خود را تغییر می دهند! در سطح گسترده.

و سپس شاهد اعتیاد مردم به مخدرات هستیم که به نقطه رسیده که بشر از این ندیده بود و بعد از سفر به بیش از سی و شش (۳۶) کشور با دیدن و بودن همراهی مسلمانان، دیدم که در تمام جوامع، مردم جوان به مخدرات آغشته و سرگردان هستند! در کشورهای مان به شکل گسترده رایج شده به هر نوعی که باشد (کوکائین، ال اس دی، سایکدیلیک، دیپرسانت و...) شما را در حالت‌های مختلف قرار داده و گیج می کند؛ اما یک دنیایی دروغین و یک وابستگی دروغین را برای تان ایجاد می کند؛ بناءً شما وابسته به مخدرات می شوید و الله متعال را فراموش می کنید (خدای شما همان مواد مخدر می شود! خدای شما ماده نشه آور می شود!) و این وابستگی را در میان انبوهی از مردم مروج ساختند.

طرح ماسونی آن‌ها این است که جهان را برای آمدن (المسیح الدجال / مسیح دروغین) آماده سازند.

از انس بن مالک -رضی الله عنه- روایت است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «هیچ پیامبری نبود که قومش را نسبت به او هشدار نداده باشد، بدانید که او یک چشم دارد و پروردگار (الله) شما یک چشمی نیست و در پیشانی او حروف (ک.ف.ر) نوشته شده است»^۱.

این اسکناس دالر است که فعلا مروج است.



و در عقب اسکناس یک دالری یک مهر (نشان) قرار دارد که به آن مهر سلطنتی ایالات متحده گفته می‌شود. این چیز است که به آن اطلاق می‌شود، این مهر آن‌هاست.



و این دقیقا چیزی که در عقب مهر ایالات متحده است، یک هرم همراه با یک چشم.



حال این چشم برای آن‌ها رب النوع آفتاب است که کلمه شعاع را از همینجا می‌گیریم (شعاع آفتاب) این خدای آفتاب است، دقیقا خصوصیات میتراپی را دارد، این خدای (شعاع) ماسون‌هاست.

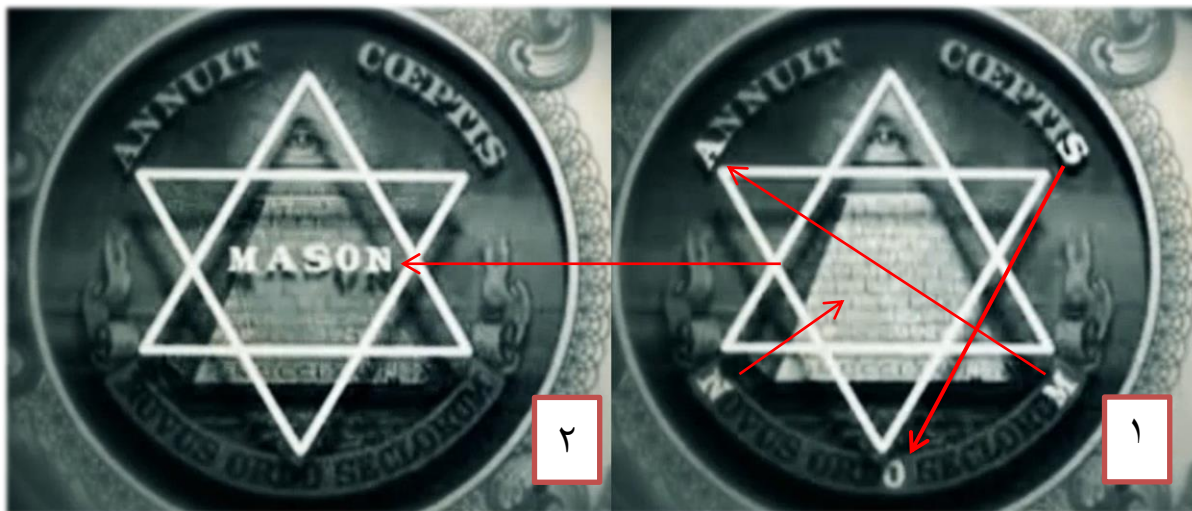
سیزده (۱۳) ستاره پنج ضلعی که اگر بین آن‌ها خطوط را رسم کنید، یک ستاره شش ضلعی رسم می‌شود.



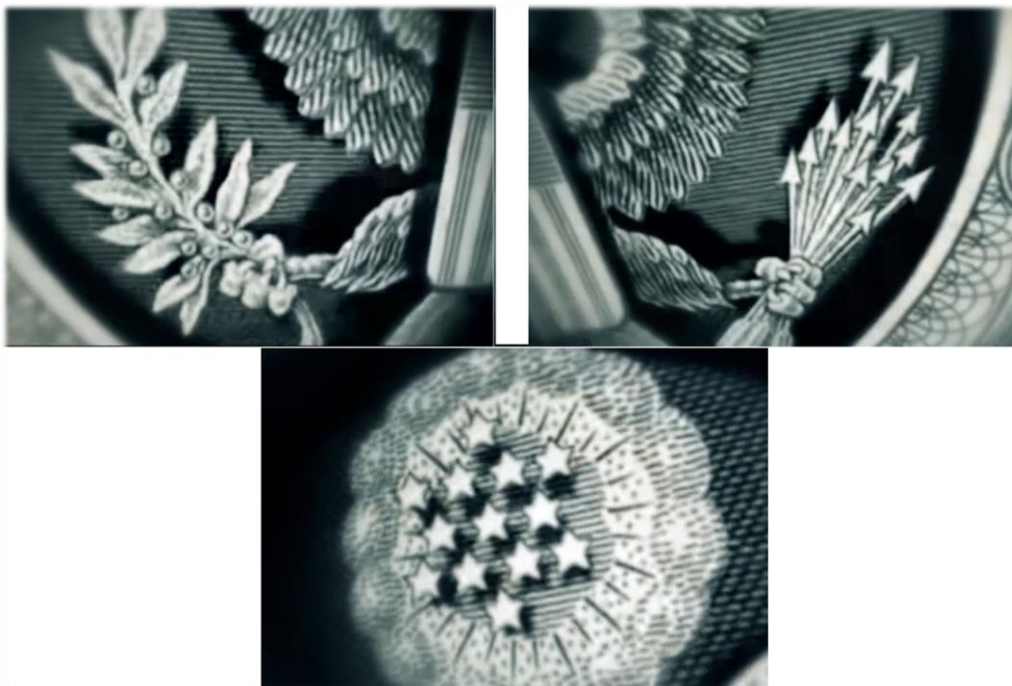
اگر این ستاره شش ضلعی را گرفته و بر روی عکس هرم قرار دهید، زوایای آن به حروف مخصوص اطراف آن اشاره می کند که گفته می شود یک اناگرام است.



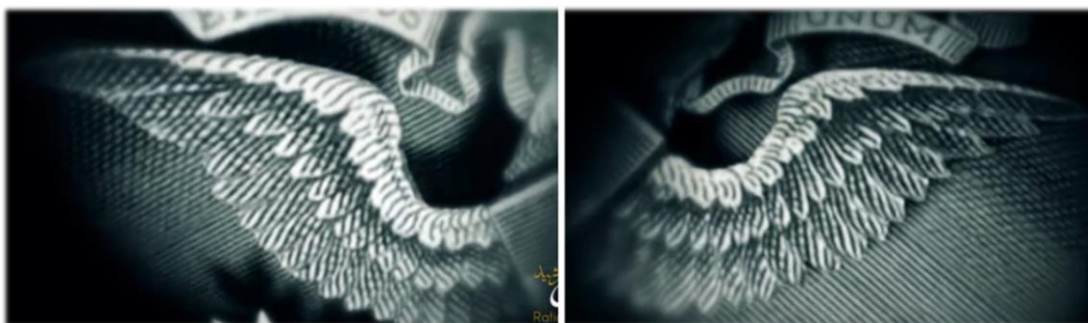
در لغت نامه آمریکایی کلمه‌یی بنام (انagram) وجود دارد که به معنای جابجایی عمدی حروف یک کلمه برای پنهان کردن آن کلمه می باشد؛ پس اگر شما این حروف را دوباره سر جای شان قرار دهید، کلمه (ماسون) تشکیل می شود.



به همین ترتیب ما می‌دانیم که طرح سلطنتی از افکار ماسون‌ها منشأ می‌گیرد. این تحقیق در معانی پنهانی تنها به ایکنوگرافی مختص نمی‌شود، این گفته می‌شود که عدد ۱۳ (یکی از شوم‌ترین اعداد در آئین غرب) در میان سمبول‌های یک دالری پنهان است و آن‌ها به تکرار عدد سمبولیک ۱۳ اشاره کرده‌اند! سیزده (۱۳) برگ در شاخهٔ زیتون در چنگال راست عقاب قرار دارد و ۱۳ تیر در چنگال چپش، و ۱۳ ستاره بالای سر عقاب، ۱۳ خط و نوار بر روی سپر.



پره‌های عقاب را حساب کنید خواهید دید که ۳۲ پر در بال چپ پرنده و ۳۳ پر در بال راست آن قرار دارد.



چنین برداشت می‌شود که این به ۳۳ درجهٔ ماسونی اشاره دارد که توسط شورای عالی خاندان اسکاتلندی معرفی شد که برجسته‌ترین نظام ماسونی آمریکا می‌باشد و مرکز فرماندهی آن در واشنگتن می‌باشد.

اگر ببینید تمام هرم درست شده به جزء قسمت بالایی آن^۱ و چشم بالای آن معلق است و تا حال پایین نیامده است؛ چون آن‌ها باور دارند که تا پروژهٔ ماسونی آن‌ها به اتمام برسد که عبارت است از چی می‌گویند در پایین (نوز اور دو سکلوروم).



NOVUS ORDO SECLORUM

و سپس (انویت کوپتیس = او از پروژهٔ ما راضی است).



ANNUIT COEPTIS

۱- در صفحه‌ی قبلی تصویر موجود است و می‌توانید دوباره مشاهده نمایید.

به عبارتی دیگر خدایی که آن‌ها به او ایمان دارند از این پروژه خرسند است.

حال سؤال این است که این پروژه چیست؟!

این پروژه چیست که خدای آن‌ها از آن راضی است؟!

پاسخ: این پروژه عبارت است از سکولار ساختن دنیا (خالی کردن دنیا از عقاید دینی) و این است پروژه آن‌ها و به همین لحاظ گفته می‌شود (نووز آوردو سکلوروم) یک نظم سکولار یا دنیا پرستی.

خالی کردن
دنیا از
عقاید دینی!



بعضاً حقیقت آنقدر آشکار می‌باشد که درک نمی‌شود. به همین دلیل نیاز است تا زاویه دید خود را نسبت به دنیا از باور کورکورانه به باور هوشیارانه تغییر دهیم! سپس خواهیم فهمید که بر این جهان چه می‌گذرد.

آیا ما در جهان با اجندهای دقیق و از قبل تعیین شده زندگی می‌کنیم؟! آیا ما در جهان آزاد زندگی می‌کنیم و یا همه چیز توسط طبقه ممتاز تحت کنترل است؟! ذهن‌ت را باز کن!

قسمت پنجم:

شیطان چگونه بر جهان

مسلط است؟



قسمت پنجم: شیطان چگونه بر جهان مسلط است؟

می‌دانید ابلیس چگونه اجتماع را رهبری می‌کند؟

از دو شیوه مؤثر کار می‌گیرد:

۱- کنترل ذهن

کنترل ذهن یعنی کنترل نمودن افکار، رفتار، احساسات و تصامیم یک فرد از طریق راهکارهای فیزیکی، روانی و ماوراء الطبیعی. و همچنان به معنای ضعیف نمودن توانایی یک فرد در تفکر مستقلانه و منتقدانه به منظور وارد نمودن افکار جدید در ذهنش و ایجاد تغییر در رفتار، ارزشها و عقاید وی می‌باشد.

به سخنان این فرد توجه کنید.



می‌گوید: و امروز این دودمان مرکب بنام ایلومیناتی یاد می‌شود و آن‌ها کسانی هستند که شرکت‌های بین‌المللی، دولت‌ها، سیستم بانکداری و تمام صنایعی که اداره امور اجتماع را به عهده دارند را کنترل می‌کنند و چون نظر به نفوس جهانی این‌ها در اقلیت قرار دارند، هدف‌شان این است که متباقی مردم را در زندان ارتعاشی (فکری) تحت بردگی خود در آورند تا اینکه این اقلیت اکثریت وسیعی را در کنترل داشته باشند. (پایان سخنانش)

ما را برای چیزی آماده ساخته‌اند، افکارمان را برای چیزی آماده ساخته‌اند و این تصادفی نیست و ما مردم بیچاره کوشش می‌کنیم که نظری به دنیا بیاندازیم و کوشش آن را داریم تا

بفهمیم چه چیزی در حال وقوع است، ما می‌بینیم که همه چیز به سمت یک دولت جهانی در حرکت است.

کنترول و دستکاری افکار سیاسی اسلحه مهمی برای فریماسون‌ها در کنترول دولت‌ها و ملت‌هاست. فریماسون‌ها می‌دانند که پلان آن‌ها برای یک دولت جهانی وابسته به مطیع ساختن مردم است و بزرگترین تهدید سر راه پلان آن‌ها تهدید یک فکر آزاد است و برای اینکه این تهدید را از سر راه خود بردارند، آن‌ها پلان گرفته‌اند که تمام ابعاد زندگی مردم را در کنترول داشته باشند؛ تا زندگی شما را در کنترول داشته باشند.

۲- تقسیم بندی اجتماع

تقسیم بندی بازار یک اصطلاح اقتصادی است که به معنای تقسیم نمودن مشتریان به گروه‌های مختلف بر اساس خصوصیات متفاوت آن‌ها می‌باشد. این گروه‌ها متشکل از مشتریانی است که یکسان به استراتژی‌های بازار یابی واکنش نشان می‌دهند و مشتریانی که دارای ضروریات علایق و موقعیت یکسان هستند.

دقیقاً همین موضوع امروزه در اجتماع ما صدق می‌کند، طبقه ممتاز جامعه را به گروه‌های مختلف طبقه بندی نموده‌اند و برای هر گروه برنامه‌های مشخصی طرح ریزی می‌کنند و این گروه بندی بر اساس تفاوت‌های مردم صورت گرفته، بر اساس جنسیت‌شان، سن‌شان، استاندارد زندگی‌شان، ملیت‌شان، کشورهای‌شان، ضروریات‌شان، علایق‌شان و بر اساس سطح آگاهی‌شان.

بناءً اجتماع را تقسیم بندی نموده‌اند و مردم را کنترول می‌کنند و اسلحه‌یی که از آن استفاده می‌کنند در خانه‌های تان است (تلویزیون)؛ حتی در جیب‌های تان (موبایل)...!

به سخنان این فرد توجه کنید.



می گوید: این دلیل دارد که سیستم آموزش خراب شده و این دلیلیست که هیچ گاه خوب نخواهد شد! منتظر نباشید... خوب نخواهد شد، به چیزی که دارید قانع باشید؛ چون صاحبان این کشور این را نمی خواهند، من در مورد صاحبان واقعی حرف می زنم! صاحبان واقعی... سرمایه دار... بزرگ! سرمایه داران بزرگ تجارت پیشه که همه امور و تصمیم اجتماع را در کنترل دارند. سیاست مداران را فراموش کنید! آن ها مهم نیستند؛ سیاستمداران را گذاشته اند تا شما فکر کنید حق انتخاب دارید؛ ندارید! شما حق انتخاب ندارید، شما صاحب اختیار دارید، اختیار تان به دست آنهاست! آن ها مالک همه چیز اند، مالک کشورهای مهم، آن ها مالک و اداره کننده شرکت ها هستند، از بسیار قبل سنا، کنگره، خانه ها و تالارهای شهر را خریداری کرده اند! قاضی ها را در جیب خود دارند! آن ها مالک مدیاهای بزرگ هستند! بناءً تمام معلوماتی را که می شنوید کنترل می کنند! سالانه میلیاردها دالر را صرف تبلیغات می کنند (تحمیل معلومات به منظور رسیدن به اهداف شان). (پایان سخنانش)

یکی دیگر از اهل غرب می گوید: تو نمی توانی حقیقت را تحمل کنی، پس ما در جهانی زندگی می کنیم که با دیوارها بسته است و آن دیوارها با افراد مسلح محافظت می شود. (پایان سخنانش)

ما می بینیم که مردم در مورد تشکیل فریماسون ها سخن می گویند، در مورد ایلومیناتی، بانکداران بین المللی، صهیونیست ها، هوشیاری موجودات فرازمینی؛ حتی بعضی گروه های پیدا شده اند (گروه های شیطانی)، ادیان عصر نوین، و چیزی که ما متوجه شدیم این است که تمام این گروه ها یک نیرو را پرستش می کنند، اگر در سطح بالای این گروه ها بروید می بینید که آن ها یک نوع عبادت دارند که برای خداوند نیست (عبادت شان برای خدای موسی یا عیسی یا محمد -علیهم السلام- نیست)؛ بلکه برای نیروی دیگریست و آن ها او را می پرستند، آن ها از این نیرو قدرت می خواهند و کسب می کنند.

الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾ [البقرة: ۲۶۷]. که شیطان شما را به فقر تهدید می کند و سپس به فحشاء امر می کند، به فحشاء دعوت تان می کند و ما شاهد زمینه های مشخصی هستیم، این زمینه های را در ذهن تان داشته باشید زمانی که در مورد یک سیستم بین المللی فکر می کنید؛ تهداب این سیستم که ما در آن زندگی می کنیم چیست؟ ترس از فقر، شرارت و فساد.

به گروه ها مختلفی که در مقابل ما قرار دارند نگاه کنید شرارت، بروید به فیلم ها و ببینید، قهرمان ۵۰ درصد فیلمها یک مجرم است! امروزه دزدها و راه زن ها قهرمانان هستند که مردم و خصوصاً جوانان آن ها را الگو قرار داده و می پرستند.

موسیقی را ببینید! ببینید که چه الفاظی از هرج و مرج و موسیقی در میان جوانان بیرون می شود.

سپس به دنیا ببینید! بد اخلاقی و شما آن را در فیلم ها و پرورگرام ها مشاهده می کنید و بعضی از مسلمانان نیز مشاهده می کنند (خصوصاً خواهران در جریان روز این برنامه ها را مشاهده می کنند) آن ها برنامه (DAYS OUR LIVES) را می بینند، سریال (SOAP)

OPERAS) را می بینند که با همسایه‌اش می‌خواهد و برنامه‌هایی از این قبیل و حتی این سریال‌ها را ثبت می‌کنند تا اینکه بعداً رفتند خانه، آنرا تماشا کنند^۱.

این روند کنترل ذهن در هر جا است در مکتب، دانشگاه، در مدیا، در سیاست و توسط سازمان‌های خاصی چون:

👉 بی بی سی؛

👉 سی ان ان؛

👉 فیفا؛

👉 ناسا؛

👉 نشنل جیوگرافیک؛

👉 صنایع موسیقی؛

👉 سیستم بانکداری و غیره تحت اداره طبقه ممتاز جامعه (ایلومیناتی/انجمن‌های مخفی) صورت می‌گیرد.

و اسلحه‌یی بر علیه شما استفاده می‌کنند در خانه‌های خودتان است! که شما و اطفال تان را سرگرم ساخته و به تدریج اذهانتان را منحرف می‌سازد؛ ببینید آن‌ها چگونه اخلاق و انسانیت را از بین برده‌اند و شما را وابسته (معتاد) به تولیدات خویش ساخته‌اند.

۴- للأسف الشديد این چنین سریال‌های مزخرف و مخرب به طور گسترده در رسانه‌های افغانستان و... نیز شب و روز پخش و نشر می‌شوند.

به گفت‌وگوی این دو فرد توجه کنید.



فرد ۱: می‌دانی در مورد چه حرف می‌زنم؟

فرد ۲: ماتریکس

فرد ۱: می‌خواهی بدانی ماتریکس چیست؟ ماتریکس در هر جاست، در دور و بر ما؛ حتی همین الان در همین اتاق! وقتی پنجره را باز کنی آن را می‌بینی! و یا وقتی که تلویزیون را روشن کنی! می‌توانی احساسش کنی وقتی سرِ کار می‌روی! وقتی به کلیسا می‌روی! وقتی که مالیات را می‌پردازی! ماتریکس جهانیست که روی چشمانت کشیده شده است تا حقیقت را دیده نتوانی!

فرد ۲: کدام حقیقت؟!

فرد ۱: حقیقتی که تو یک برده هستی نئو! مانند هر کس دیگر تو نیز در اسارت به دنیا آمدی! در زندانی به دنیا آمده که نه آن را لمس می‌توانی، نه بو و نه چشیده می‌توانی! زندان برای ذهن. (پایان سخنانشان)

ذهنت را باز کن، نگذار که چشم ذهن‌ت را فریب دهد.

قسمت ششم:

تخت شیطان بزرگ

(ابلیس) کجاست؟



قسمت ششم: تخت شیطان بزرگ (ابلیس) کجاست؟

ابلیس: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲].

«ابلیس گفت: من از او (آدم) بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل».

الله متعال: ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الحجر: ۳۴-۳۵].

«الله متعال فرمود: (چون از من سرپیچی کردی) پس از بهشت بیرون شو، چرا که تو (از

رحمت من) مطرود (و از منزلت کرامت رانده) هستی و تا روز قیامت لعنت من بر توست».

ابلیس: ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [الحجر: ۳۶].

«ابلیس گفت: ای پروردگار من، مرا تا روزی که از نو زنده شوند، مهلت ده».

الله متعال: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ [الحجر: ۳۷-۳۸].

«الله متعال فرمود: تو از مهلت یافتگانی، تا آن روز معین معلوم».

ابلیس: ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ [ص: ۸۲-۸۳].

«ابلیس گفت: به عزت سوگند همه آنان را گمراه می‌کنم؛ مگر آن‌ها که از بندگانِ مخلص تو

باشند».

الله متعال: ﴿قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [ص:

۸۴-۸۵].

«الله متعال فرمود: به حق سوگند و حق می‌گویم که جهنم را از تو و پیروانت پر خواهم کرد».

پس ابلیس هنوز زنده است؛ اما او فعلاً کجاست؟! و چگونه به گمراه ساختن بشر می

پردازد؟! مردم در مورد ابلیس می‌پرسند که او و عرش او کجاست؟

در یک حدیث که در صحیح مسلم از جابر -رضی الله عنه- نقل شده است که رسول الله

-صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «که عرش شیطان (ابلیس) بر روی آب قرار دارد».

عرش شیطان (ابلیس)، شیطان بزرگ (ابلیس) عرش (تخت) او بر روی آب قرار دارد. کجا؟! کدام آب؟! کدام بحر؟! الله سبحان بهتر می‌داند؛ اما دلایل مشخصی وجود دارد که به ما می‌فهماند که عرش او کجا بوده می‌تواند.

حدیث دیگری در صحیح مسلم نیز وجود دارد که می‌فرماید: «إِنَّهُ عِنْدَ بَرْزَخِ الْمَاءِ» برزخ چیست؟ برزخ مانند حایلی است که در میان آب شور و شیرین است.

﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ حایلی در میان آب شور که مانع درهم آمیختن آن دو می‌شود.

برزخ یک حایل (مانع) است.

در این حدیث گفته شده که عرش شیطان بر روی برزخی قرار دارد که باز هم دلالت به مکانی بر روی آب (بحر) می‌کند.

اما می‌خواهم چیزی را اینجا یادآوری کنم، آیا در مورد مثلث برمودا شنیده اید؟ در آن جا چه رخ می‌دهد؟ چیزی که هیچ کس نتوانسته تا به حال آن را بیان کند. آیا در مورد پرواز ۱۹ چیزی شنیده اید؟ هواپیماها و کشتی‌هایی که در این مکان ناپدید شده‌اند؛ پرواز استار تایگر ۱۹۴۸، آن‌ها دستگاه ضبط صوت هواپیما را گرفتند و شنیدند که خلبان (پیلوت) می‌گوید: چیزی را می‌بینم، چیزی را می‌بینم؛ اما نمی‌دانم چیست! و هیچ کس نمی‌دانست که چه جریان دارد، می‌گفت: چیزی را می‌بینم؛ اما نمی‌دانم چیست. آن‌ها گفتند: درست است برای کمک می‌فرستم! (این نوار ضبط شده و شما می‌توانید آن را در اینترنت پیدا کنید) ما برای کمک می‌فرستیم، درست است؟ و خلبان دوباره برگشت و گفت: نه من نمی‌توانم هواپیما را کنترل کنم؛ نمی‌دانم که این چیست! و دوباره برگشت و گفت: کسی را برای کمک نفرستید، کس کمک کرده نمی‌تواند، کسی را نفرستید و پس از دقایقی ناپدید شد؛ تنها یک پرواز نه؛ بلکه پروازها و کشتی‌های متعددی در منطقه مثلث برمودا ناپدید شده‌اند. بناءً بعضی‌ها می‌گویند: که آیا عرش شیطان همانجاست؟ الله متعال بهتر می‌داند؛ اما امکان دارد. پس بر اساس حدیثی که از جابر -رضی الله عنه- نقل شده است، عرش ابلیس بر روی آب است.

اِبلِیس ارتشِ خود را برای ایجاد نفاق می فرستد و نزدیک ترین ها از حیث مقام نزد اِبلِیس کسانی اند که در ایجاد فتنه و نفاق بهتر اند و نزدیک ترین ارتش اِبلِیس جنیان اند که مستقیماً با او در تماس اند (چون خود اِبلِیس نیز از جنیان است) و آن ها از اِبلِیس فرمان گرفته و گزارشِ فعالیت های خود را به او می دهند و این جنیان همراهی ارتش درجه دوم اِبلِیس (شبکه ایلومیناتی) در تماس هستند و اِبلِیس توسط این شبکه (ایلومیناتی) اهداف جهانی خود را عملی می سازد.

ساختار شبکه ایلومیناتی

رتبه های خاص: مربوط اعضای (انجمن برادری سفید) که دارای رتبه های ماسونیک (۷-۱۳) هستند، می باشد که در برگیرنده:

پادشاهان؛

فیلسوفان؛

کشیش ها؛

اعضای شورا؛

و کمیته خاص... می باشد.

طبقه (سلسله سران روحانی): این طبقه مربوط اعضای (انجمن برادری سرخ) که دارای رتبه های ماسونیک (۴-۶) می باشد که در بر گیرنده:

انجمن زائرین؛

شهزاده ها؛

گروه های میز گرد... می باشد.

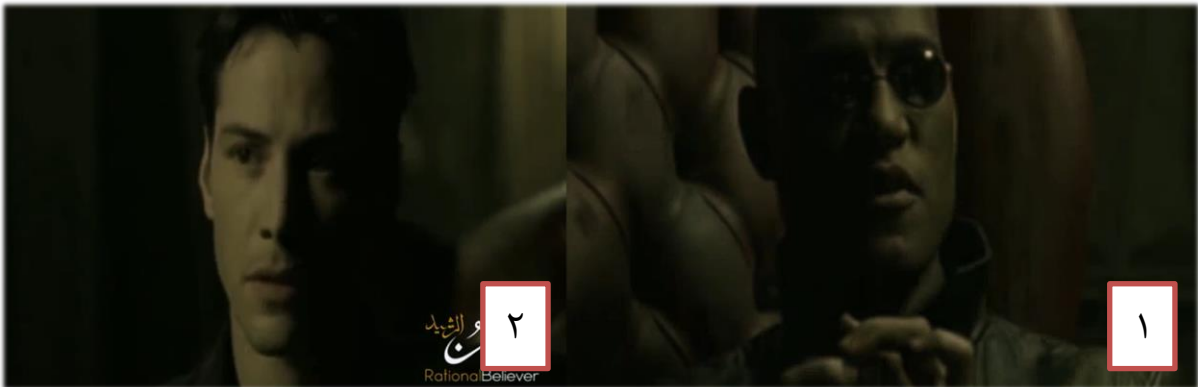
طبقه هرج و مرج (اغتشاشگر): این طبقه مربوط اعضای (انجمن برادری سیاه) که دارای رتبه های ماسونیک (۱-۳) هستند، می باشد که در برگیرنده:

انجمن رهبری جمجه و استخوان‌ها؛

جادوگران؛

شوالیه‌های معابد... می‌باشد.

سخنان این دو فرد.



فرد ۱: فکر می‌کنم کمی احساس آلیس داری که در حال لغزیدن در لانه خرگوش بود، ها؟!

فرد ۲: می‌توان همین‌طور گفتم.

فرد ۱: من آن را در چشمانت می‌بینیم، تو فعلاً مانند کسی هستی که چیزی را که می‌بیند باور کند؛ چون توقع دارد بیدار شود؛ اما چیزی که می‌بینی، دور از حقیقت نیست. (پایان سخنان شان)

فکر می‌کنید چه کسی در عقب سیستم (نظم نوین جهانی) است؟

به گفته‌های این فرد توجه کنید.

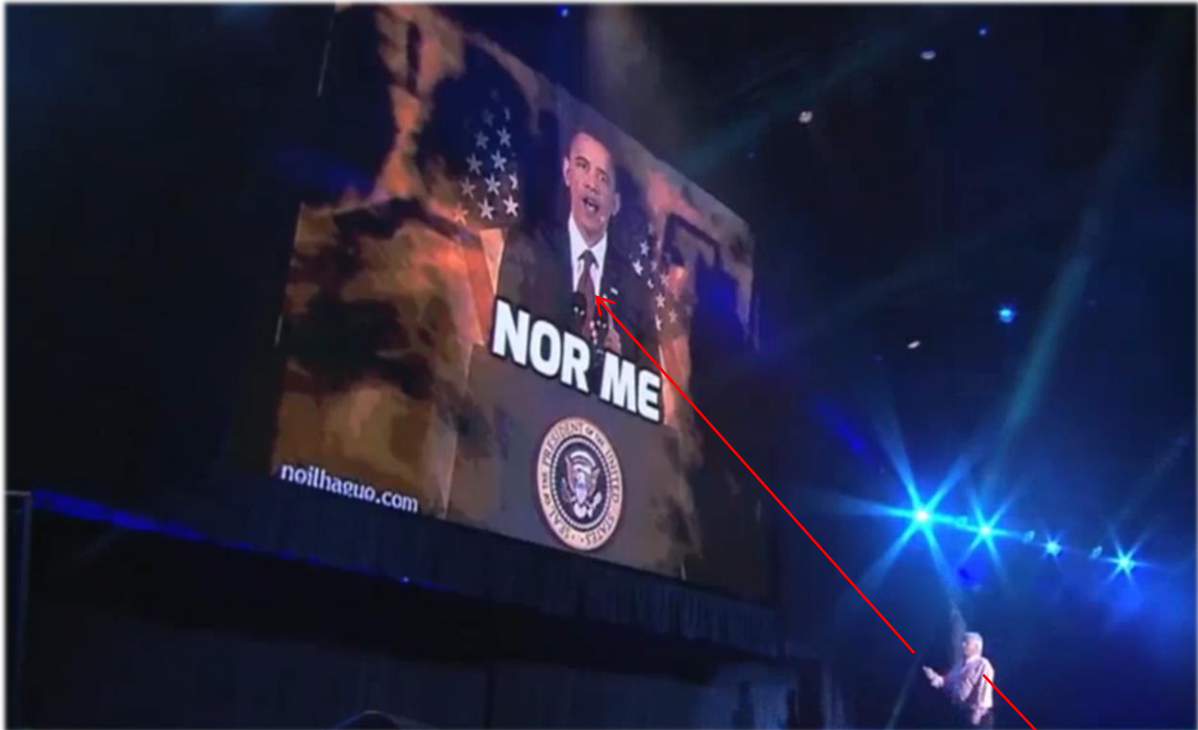


می‌گوید: در نهایت چه کسی و یا چه چیزی در عقب این است و یا چه کسی در انتهای لانه خرگوش است؟ خوب! این‌ها که نیستند.



می‌گوید: چون این‌ها فقط امروز روی صحنه هستند و فردا می‌روند؛ آن‌ها دست‌نشانده سیستمی است که دیروز، امروز، فردا و روز بعد جریان دارد.

و:



می‌گوید: او (اوباما) نیز نیست، فرقی نمی‌کند که حتی قدرتمندترین مرد دنیا پنداشته شود! او یکی از دیگر دست نشانده‌های دستکش خونین است و هر کس دیگر که در آینده این وظیفه را به دوش داشته باشد، نیز نیست (چون کلینتون، دونالد ترامپ و...) این‌ها رهبران و رئیس‌جمهورانی‌اند که امروز روی صحنه هستند و فردا با دیگران جایگزین خواهند شد؛ اما سیستم همواره جریان دارد؛ چون چیزی یا کسی در عقب آن است که آن را جهت‌دهی می‌کند!

شرکت‌ها نیز در عقب سیستم نیستند؛ آن‌ها فقط در سطح اجرائیه سیستم هستند، آن‌ها باعث به وجود آمدن این سیستم نشده و منشأ آن نیستند؛ حتی افراد (میزهای گرد) در عقب سیستم نیستند! آن‌ها نیز در سطح اجرائیه قرار دارند تا سایه‌ها بروید، بیشتر به سمت منشأ آن بروید؛ اما هنوز هم به انتها نرسیده‌اید بلکه در سطح اجرائیه هستید؛ حتی در اعماق لانه

خرگوش بروید و سپس به مردمی چون راتچایلدها خواهید رسید؛ ما زنده گی شما را کنترل می کنیم؛ اما شما، ما را دیده نمی توانید!

اما سطوحی در عقب آن نیز است، جایی که مبداء سیستم است؛ اما مبداء آن کجاست؟! این حقیقتی (سیستم) را که ما تجربه می کنیم توسط نیرویی به وجود آمده است که مردم های قدیم آن را به نام «آرکان ها» یاد می کردند؛ اما این نیرو یا موجودات در دوره های مختلف به نام های مختلف یاد می شدند.

و شما این را در سراسر دنیا می بینید در آمریکای شرقی و مرکزی و جاهای دیگر، آن ها را بنام «خدایان نوع مار» می نامند.

زولوها آنان را چیتاهوری «فرزندان مار» می نامند.

در سومر، بابل (عراق امروزی) بنام «انوناکی» یاد می شدند.

هوپی ها (مردم آمریکای شمالی) آن ها را «برادران مار» می نامند. آن ها مردم ستاره یاد می شدند (مثال های فراوان دارد).

آن ها در عیسویت بنام دیمون «دیو/عفریت» یاد می شوند.

روحانی های غرب آن ها را بنام «آرکان» می شناسند.

و در جهان اسلام و قبل از اسلام بنام «جن» یاد می شوند و اصلاً از انرژی (زبانۀ آتش) ساخته شده اند. شیطان بزرگ بنام (فریب دهند) و جن جنیان (ابلیس) نامیده می شود و روحانی های غرب آن را «آرکان» می نامند. (پایان سخنانش)

بناء نیروی اصلی در عقب این سیستم ابلیس است و او ارتش خود را برای ایجاد نفاق می فرستد و نزدیک ترین ها از حیث مقام به او کسانی اند که در ایجاد فتنه برتر اند.

و زمانی که برای گزارش فعالیت های خود نزد ابلیس بر می گردند؛ یکی از آن ها می گوید: من چنین و چنان کردم! ابلیس می گوید: تو هیچ کاری نکردی. ابلیس با دیگر شیاطین می نشیند و آن ها گزارش فعالیت های خود را به او می دهند. یک شیطان (جن) می آید و می گوید و این مرد

را وادار به زنا نمودم^۱. شیطانِ دیگر می آید و می گوید: من این مرد را وادار به دزدی کردم، این شخص را وادار به این و آن کردم، من این زن را وادار به بی حجابی کردم، بالاخره آن‌ها به گزارش‌های خود ادامه می‌دهند؛ سپس یک شیطان می آید و می گوید: این جن می ایستد و می گوید: امروز من توانستم یک زن را از شوهرش جدا کنم! می دانید اِبلیس چه می گوید؟! بله تو، تو مرد من هستی، بیا و بر سرش تاج می‌گزارد^۲.

اندکی به این بیاندیشید!

استعمال دخانیات حرام است؛

کشتن حرام است؛

زنا حرام است؛

و هر گناهی که باشد حرام است.

طلاق حرام نیست، طلاق حرام نیست!؛ اما چرا شیطان از طلاق خوشحال می‌شود؟! چرا؟ دشمن تان چه را دوست دارد؟ (تفرقه انداختن و حکومت کردن را) با طلاق او می‌تواند که میان اولین واحد یک اجتماع تفرقه و جدایی ایجاد کند؛ چون جامعه از چه تشکیل شده است؟ از واحدها، خشت‌های (آجرهای) یک دیوار را تصور کنید، فامیل اولین خشت در اجتماع است (اولین واحد) بناءً برایش آسان می‌شود که جامعه/اجتماع را از هم جدا سازد! او (اِبلیس) پلان‌های طویل‌المدت دارد.

و در کل او نمی‌تواند بر شما حکومت کند تا زمانیکه متحد هستید!

۵- این حدیث در بخاری و مسلم ذکر گردیده بناء صحیح است.

۶- حدیث صحیح مسلم، راوی جابر -رضی الله عنه-.

قسمت هفتم:

دجال کیست؟



قسمت هفتم: دجال کیست؟

هر گاه می‌خواستیم در مورد چیزهایی از غیب سخن بگوییم، این مهم است که خود را به کتابِ الله متعال و سنتِ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- محدود سازیم؛ چون هیچ مرجع دیگری نداریم برای:

دانستنِ اتفاقاتِ آینده؛

برای درکِ موضوعاتِ غیب؛

خبرهای روز قیامت؛

اتفاقاتِ داخلِ قبر؛

اتفاقاتِ روزِ قیامت؛

چگونگی بهشت و جهنم؛

و ... هیچ راهی برای درکِ این موضوعات نداریم جز اینکه آن را از کتابِ الله و سخنانِ رسولش بگیریم.

مسیح الدجال، (که الله من و شما را از فتنه او در امان داشته باشد) الله متعال در مورد او به ما گفته است و او یکی از موارد غیب است (حقیقی که در مورد دجال است را به واسطه پیامبرش به ما بیان نموده است) پس این یکی از مواردی است که ما آن را متعلق به غیب می‌دانیم و زمانی که می‌بینیم مردم بیچاره در باره دجال سخن می‌گویند؛ بسیاری را می‌بینی که چیزهایی را از نزد خود اضافه می‌کنند تا داستان را زیبا جلوه دهند؛ چون خوش آیند به نظر می‌رسد و همه را احساساتی می‌سازد؛ اما در نهایت هیچ خوبی را در پی ندارد.

طوری که گفتم دجال طبق شرایط فعلی تفسیر شده است، طوری که کشورها و سیستمها منحیث دجال شناسایی شده اند. هر چند زمانی به سخنانِ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- راجع به دجال توجه کنیم، برای مان مشخص می‌شود که اکثر چیزهایی را که در یوتیوب راجع به دجال می‌شنویم، اشتباه هستند.

محمد -صلی الله علیه وسلم- برای مان توضیحاتِ مشخصی داده در مورد دجال، در مورد زمانش، در مورد مشکلاتی که جهان متقبل می‌شود تا مرگ او (دجال). تمام داستان را بسیار واضح بیان نموده.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «ای امت! هیچ فتنه‌یی در روزی زمین نبوده، هیچ مصیبتی در روی زمین نبوده از زمانیکه الله عزّ وجلّ فرزندِ آدم را خلق کرده هیچ فتنه‌یی نبوده و تا قیامت نخواهد بود که از فتنه‌یی مسیح الدجال بزرگتر باشد».

هیچ کس از این مصیبت فرار کرده نمی‌تواند مگر اینکه از ما قبل آن فرار کرده باشد این یعنی که شما می‌توانید موفق به فرار باشید؛ اما در صورتیکه از فتنه‌هایی که قبل از دجال می‌آیند فرار کنید یعنی مصیبت‌ها و علایمی که پیش از دجال می‌آیند و اگر از آنها خود داری کردید؛ پس به إذن الله عزّ وجلّ از فتنه دجال نیز در امان خواهید بود.

هر قدر که به قیامت نزدیک می‌شد، پیامبران بیشتر به امت خود در مورد دجال می‌گفتند! رسول الله -صلی الله علیه وسلم- آنقدر در مورد دجال برای مان بیان کرده که ما بدون هیچ شکی می‌دانیم که او کیست و از کجا ظهور خواهد کرد.

او با گفتنِ اینکه: من پیامبر هستم شروع می‌کند در حالی که بعد از من هیچ پیامبری نیست و شما باید به خاطر داشته باشید چون وقتی دجال می‌آید مردم را آشفته می‌سازد و مرده را به إذن الله متعال زنده می‌سازد؛ حتی والدین تان را در مقابل تان زنده می‌کند برای شاهی تا به تو بگویند: او الله است!

شما باید این (موارد متذکره) را به خاطر داشته باشید.

شما باید به خاطر بسپارید که هیچ پیامبری بعد از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نخواهد آمد، هیچ پیامبری و سپس بار دوم ادعاء می‌کند که من پروردگارتان هستم؛ اما شما تا نمیرید (فوت نکنید) پروردگار تان را نخواهید دید و این نکته دوم است که باید به خاطر داشته باشید که شما نمی‌توانید الله متعال را در این دنیا ببینید؛ شما الله متعال را وقتی بمیرید خواهید دید و به إذن الله متعال دیدار او تعالی برای شما نعمتی خواهد بود در جنت فردوس الاعلی.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: «که چشم راست دجال کور است (او هم چشم راست دارد و هم چپ) با چشم چپش می بیند و چشم راستش کور است».

این نباید از شما پنهان بماند که الله یک چشمی نیست و این نکته سوم است.

۱- هیچ پیامبری بعد از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نیست.

۲- شما الله متعال را نخواهید دید تا وقتی که زنده هستید.

۳- پروردگارتان یک چشم نیست.

و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- این سخن را تا حدی تکرار کرد که صحابه -رضی الله تعالی عنهم- فکر کردند که توقف نخواهد داشت؛ ایشان می فرمودند: پروردگار تان یک چشمی نیست! به خاطر داشته باشید پروردگارتان یک چشمی نیست! پروردگارتان یک چشمی نیست و این سخن را مکرراً به زبان می آورد؛ چون فتنه دجال آنقدر شدید است که یک انسان را از درون تکان می دهد.

باید به خاطر داشته باشید که هیچ پیامبری بعد از رسول الله -علیه السلام- نیست، تا زنده هستید پروردگارتان را نخواهید دید و پروردگارتان اعور (یک چشمی) نیست.

او (دجال) مردیست با موهای ضخیم و پیچ دار (فرفری)، در وسط پیشانی اش (کافر) و یا (کفر) نوشته شده. بناءً یا نوشته شده ک-ف-ر (کفر) و یا کافر نوشته شده، هر کسی که او را خوش ندارد می تواند آن را بخواند و در روایتی دیگر هر مؤمن (مسلمان) آن را خوانده می تواند.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- نیز فرموده: «قیامت نخواهد آمد تا اینکه ۳۰ دجال ظاهر شوند و هر یک ادعای پیامبری خواهد کرد».

پس اینها دجالهای کوچک هستند؛ دجال یعنی (فریب دهند)، ریشه آن (دَجَل) است یعنی (فریب دادن) او فریب دهنده است؛ اَمَّا الْمَسِيحُ الدَّجَالُ فَرِيْبٌ دَهْنَةٌ بَزْرُغٌ وَ نَهَائِيْبٌ اسْت.

از فتنه های او این است که با خود بهشت و جهنمی خواهد داشت (او با خود بهشت و آتشی خواهد داشت) تصور کنید کسی بهشتی را در مقابل چشمتان بیاورد (او بهشتی را در مقابلتان

می آورد) و نیز آتش جهنم را در مقابل تان می آورد و یا دریای سرد و آتش سوزنده‌یی را برای تان می آورد؛ کوهی از نان و چیزی همانند بهشت و آتش دوزخ را با خود دارد! پس بهشت واقعی نیست... هیچ چیز با دجال واقعی نیست (چیزی که با خود می آورد یک تصویری و توهمی از بهشت خواهد بود که می بینید و فکر می کنید بهشت است!) و فکر می کنید که این الله است که بهشت را برای تان آورده و نیز جهنمی با خود دارد؛ اما او پروردگارتان نه بلکه دجال است (بزرگترین دروغگویی که الله سبحانه و تعالی در روی زمین قرار خواهد داد). بناءً رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «دوزخ او بهشت و بهشتش جهنم است».

پس دجال خود سیستم نیست و یا چیزی دیگری؛ بلکه یک انسان است؛ اما سیستم برای ظهور او کار می کند؛ چون سیستم توسط شیطان رهبری می شود و دجال محبوب شیطان است.

آیا دشمن تان (ابلیس) به دنبال چیست (چی می خواهد؟) او می خواهد که فتنه را در بین مردم ایجاد کند و چون بزرگترین فتنه در زمان دجال خواهد بود، شیطان کوشش دارد که زمینه ظهور دجال را فراهم کند.

در ۶ دسامبر سخنان ترامپ (رئیس جمهور آمریکا) جهان را تکان داد.



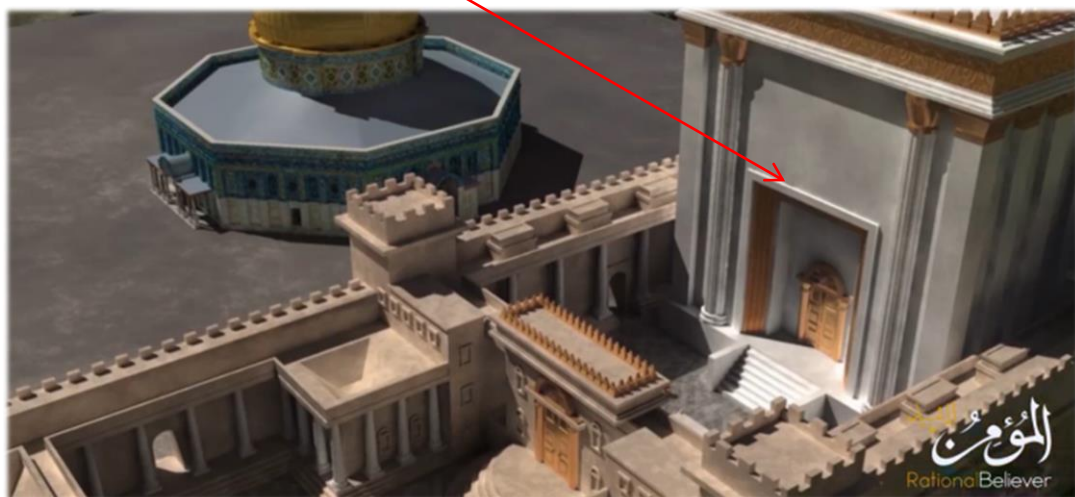
«او یورشلیم را مرکز اسرائیل خواند».

خبرنگار آمریکایی: معبد ماونت (بیت المقدس) در ساحه معابد اول و دوم یهودیان قرار دارد؛ اما صدها سال مکانی مقدس برای مسلمانان بوده است، فعلاً مسجد الأقصى و مسجد طلایی قبه السخره در این مکانی قرار دارند؛ اما بعضی از یهودیان می خواهند که معبد سوم درینجا ساخته شود.

در یکی از برنامه های تلویزیونی غرب.



فرد سوم از سمت چپ می گوید: معبد بزرگ در اسرائیل در حال ساخت است.

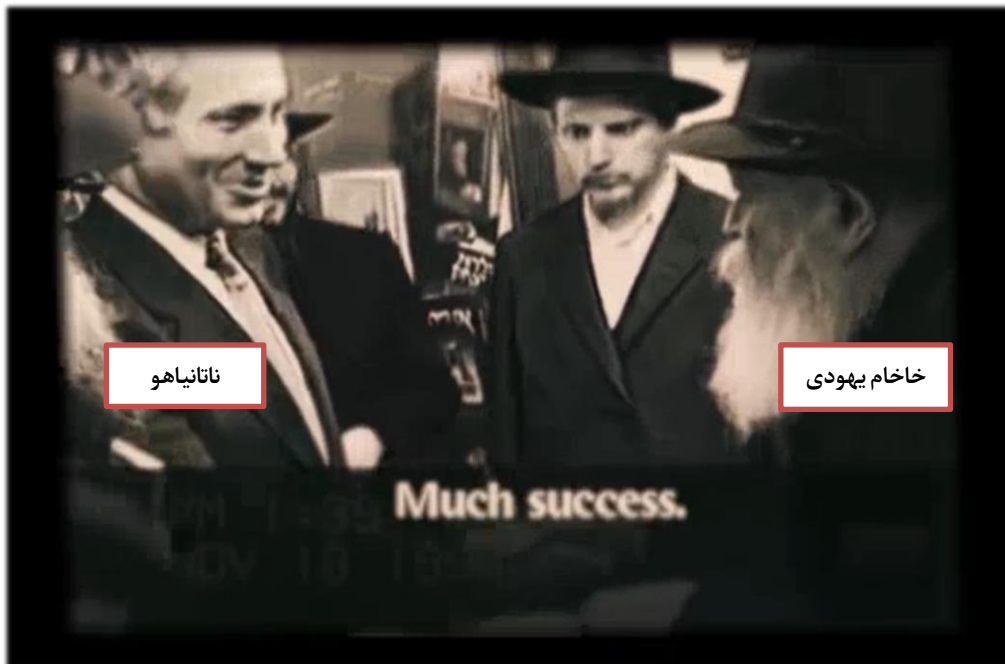


ادامه سخنانش: آیا باور دارید؟ من از شما نپرسیده بودم.

فرد چهارم از سمت چپ در همان تصویر: آه! بله دقیقاً فعلاً برای ساخت آن حمایتی وجود دارد، می‌دانستید؟ اولین کاری که بعد از انتخاب شدن ترامپ صورت گرفت، خاخام‌های اسرائیل به او گفتند که نفوذ بین‌المللی خود را برای چی به کار ببرند؟ برای بازسازی معبد، فکر نکنید که این اتفاق نمی‌افتد! من فکر می‌کنم نیروی جنبشی طرف ما است و ما به طرف یک نقطه مهم روان هستیم و بعضی از خاخام‌های عرفانی خیلی کنجکاوانه به موضوع توجه دارند.

خاخام‌های اسرائیل: پیروزی ترامپ بگونه الهی برای آغاز پروسه مسیحیه (آمدن مسیح) صورت گرفت؛ ترامپ در سال ۲۰۱۲ به اسرائیل رفت و از کانديد شدن به ریاست جمهوری آمریکا صرف نظر کرد! با سران ایالات ملاقات نمود و بیرون آمد! می‌توانید این را در یوتیوب مشاهده کنید! به یهودیان گفت که: به بنیامین ناتانیاهو در حزب لکود رأی بدهید که آن‌ها همین کار را کردند، درست؟

این تصویر ملاقاتیست بین ناتانیاهو و خاخام یهودی که در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۰ صورت گرفته است و به ناتانیاهو دستور داده می‌شود که آمدن مسیح را سرعت بخشد.



گفتگوی شان:

خاخام یهودی: موفقیتِ بسیار! مدت زیاد می شود که ندیدمت! برایت آرزوی موفقیت دارم، یک سعادت دوگانه (دو طرفه).

ناتانیاهو: من برای درخواستِ کمک و دعای خیر آمدم در همه امور- امور شخصی و سیاسی.

خاخام یهودی: از ملاقاتِ قبلی مان تا حال بعضی کارها پیش رفته، چیزی که تا به حال تغییر نکرده این است که مسیح هنوز نیامده است! کاری کن تا زودتر ظهور کند!
ناتانیاهو: می کنیم... می کنیم.

خاخام یهودی: طوریکه معلوم می شود کافی نیست؛ چون وقتِ بسیار را از دست دادیم ولی هنوز هم او (مسیح) نیامده است؛ پس تا وقت دارید کوشش کنید.
ناتانیاهو: درست است.

خاخام یهودی: اخبار خوی- با مسرت و خوشی، می دانی که چسیدیمها هر کار را با خوشی انجام می دهند؟
ناتانیاهو: بله.

خاخام یهودی: اخبار خوب و موفقیت بیشتر. (پایان سخنان شان)

فردِ چهارم از سمت چپ در همان تصویر: آن‌ها منتظر یک پادشاه هستند؛ آن‌ها منتظر یک رهبرِ سیاسی هستند، حقیقتاً به روایت آن‌ها کسی است که مسح شده باشد و این بر می گردد به گذشته‌ها که یک پادشاه را مسح می کردند و او را منحیث فردی تصور می کردند که خدا برایش فرستاده؛ آن‌ها نیز باور دارند که مسیح ظهور می کند، ما می گوئیم مسیح دوباره ظهور می کند؛ اما مسیحِ آن‌ها مسیحِ دروغین (المسیح الدجال) است. مسیح آن‌ها دجال است... درست؟

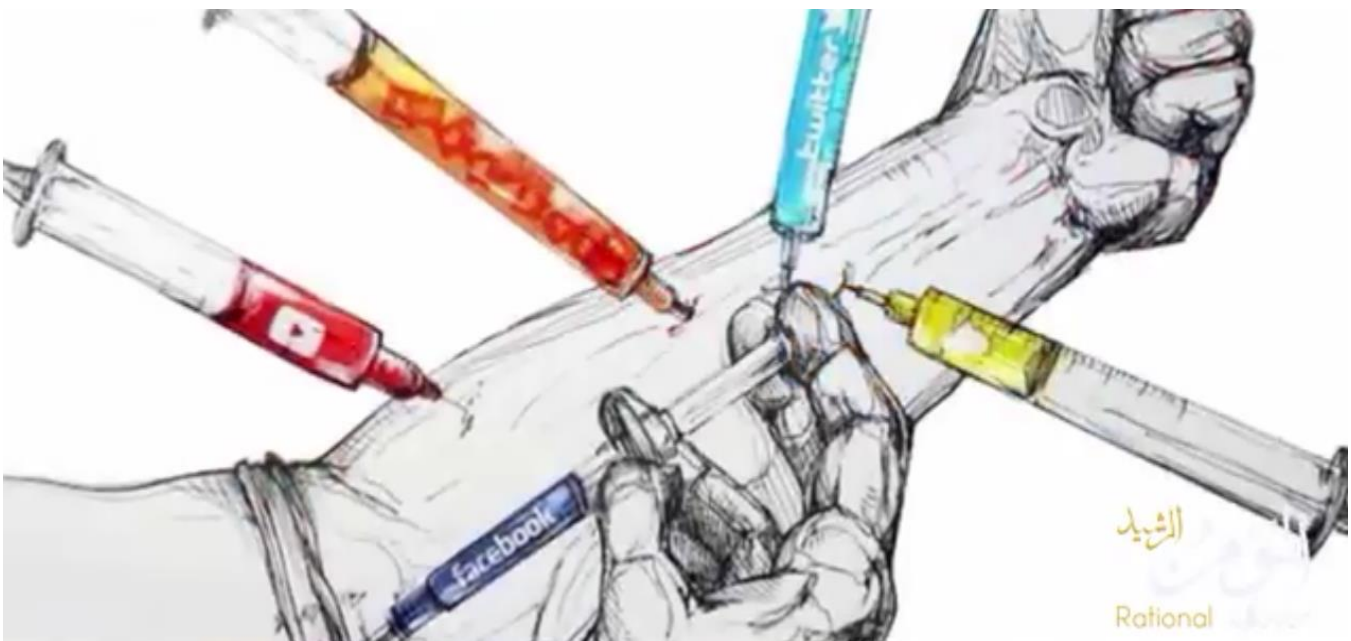
شبکه ایلومیناتی همواره در کوشش است تا همه ابعاد زندگی تان را با اجندهای از قبل تعیین شده کاملاً در کنترل در آورد تا شما را به این سازد که دجال را منحیث پروردگارتان قبول کنید؛ چون وقتی دجال می آید ادعای خدایی نیز می کند.

می خواهید این اجندها را بدانید؟!

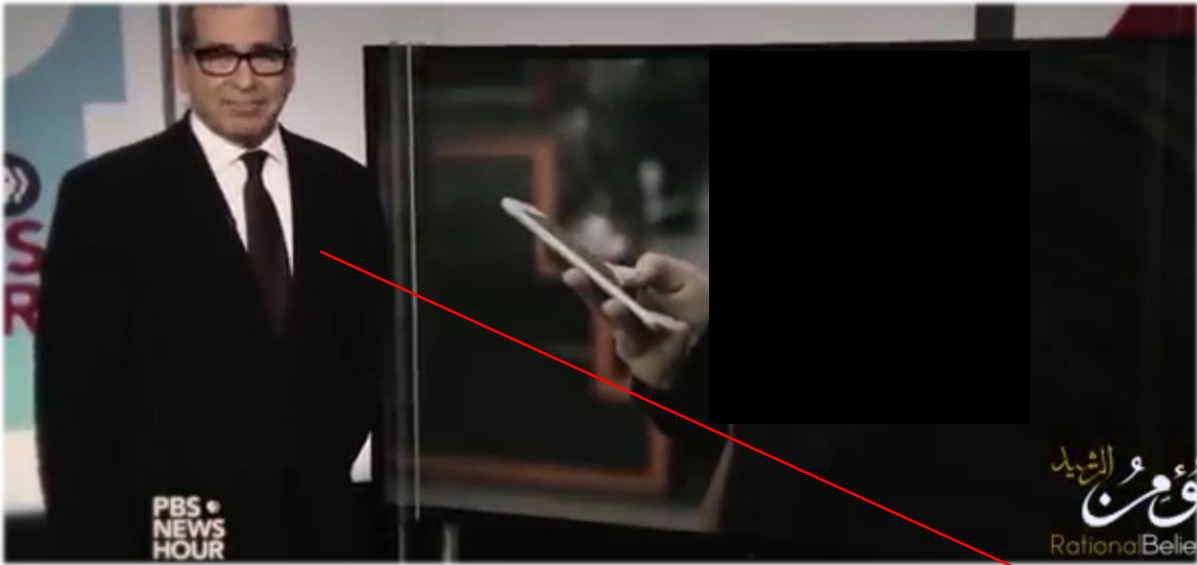
قسمت های بعدی را بخوانید...

قسمت هشتم:

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی.



قسمت هشتم: اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی.



می‌گوید: یک میلیاردان موبایل‌های هوشمند داریم و می‌دانیم که چقدر اعتیاد آور است. یک کارمند سابق گوگل می‌گوید: این تصادفی نیست؛ بلکه یک طرح قصدی می‌باشد و او، از تلاش‌های بی‌وقفه طراحان این نرم افزارها شاکی است که می‌خواهند همیشه ما را با این ابزارها مصروف نگهدارند.



فرد ۱: پس هدف این است که ما را با موبایل‌های مان مصروف نگهدارند؛ اما چرا؟

فرد ۲: برای هر شرکتی که شیوه تجارت آن تبلیغات و یا وابسته به تبلیغات باشد یعنی برای شان مهم است که مردم چقدر وقت را بالای تولیدات آن‌ها سپری می‌کند. می‌دانید! هر قدر وقت بیشتری را مصرف کنند، پول بیشتری گیر این‌ها می‌آید؛ پس اصل بازی این است که چگونه از روش‌های فریبنده استفاده کنند تا مردم وقت بیشترشان را صرف این تولیدات کنند و فردا باز هم بیایند. (پایان سخنان شان)



می‌گوید: می‌دانید! اندیشه‌یی که برای ساخت این برنامه‌ها به کار رفته، مثلاً در فیسبوک که اولین برنامه بود، آن اندیشه این بود که چگونه وقت و توجه‌تان را جلب تولیدات خود سازیم! این یعنی هر بار برای شما اندکی دوپامین تدریق کنیم تا شما را به طرف برنامه خود بکشیم.



چون وقتی کسی عکس یا پُستِ شما را لایک یا بالای آن کامنت بگذارد؛ باعث می‌شود که شما به مطالبِ بیشتری سر بزیند و در نهایت لایک و کامنتِ بیشتر گرفته و مصروف آن شوید؛ این روندِ اجتماعی فیسبوک است! این دقیقاً چیزیست که حکرهایی؛ چون من به آن دست می‌یابند؛ چون در حقیقت شما از آسیب‌پذیری روانی مردم بهره‌برداری می‌کنید! من معتقد هستم که سازنده‌گانِ این برنامه‌ها خواه من باشم، خواه مارک، خواه کیوین سیستم (مالک انستاگرام) یا هر کس دیگر؛ این را می‌دانستیم ولی با آن هم این کار را کردیم. (پایانِ سخنانش)



می‌گوید: من فکر می‌کنم که ما به نحوی در اعماق ذهن خود این را می‌دانستیم که چیزی بدی می‌تواند اتفاق بیافتد؛ اما نحوه‌ی برداشتِ ما از آن اشتباه بوده است. به نظرم این دقیقاً نقطه ایست که ما ابزاری را طرح کردیم که ساختارِ اجتماع را از بین می‌برد (ما فعلاً در همین وضعیت قرار داریم) من شما را من حیثِ رهبرِ آینده توصیه می‌کنم که این موضوع را جدی بگیرید؛ اگر جانوری را تغذیه کنید او شما را از بین خواهد برد و اگر از آن دوری کنید، شانس برای حفاظت و مقابله با او را خواهید داشت و این زمان نیست که مردم باید از این وسایل سَخْت دوری کنند.

این دوپامین کوتاه مدتی را که در برنامه فیسبوک ترتیب نمودیم جامعه را از بین می برد.



این دوپامین کوتاه مدتی را که در برنامه فیسبوک ترتیب نمودیم جامعه را از بین می برد! عدم نشست و برخاست واقعی، عدم همکاری، پخش اطلاعات غلط و دروغ؛ این مشکلی نیست که در آمریکا باشد و یا تبلیغی به نفع روسیه، بلکه یک مشکل جهانیست! بناءً به نظرم ما در بدترین شرایط ممکن قرار داریم! این در حقیقت ریشه اخلاق و رفتار مردم با همدیگر از بین می برد و من برایش راه حل خوبی ندارم؛ راه حل من این است که دیگر از این ابزار استفاده نمی کنم.

می دانید! شخصیت های بد عده کثیری از مردم را کنترل می کنند تا هر چه دل شان می خواهد بکنند، واقعاً در شرایط بدی قرار داریم و این مشکل را خودمان به وجود آوردیم... درست؟! زندگی مان را در محور این حس دروغین تکامل (پیشرفت) قرار دادیم؛ چون با این سیگنال های کوتاه مدت (مانند لایک ها و قلب ها) تشویق می شویم.



و ما آن را ارزش داده و با حقیقت اشتباه گرفتیم و چیزی که در عوض به دست می آوریم یک محبوبیت جعلی و شکننده یی است که زودگذر است و طوری که گفتم شما را بیشتر از گذشته تهی و خالی می سازد. درک نمی توانید؛ اما روی شما کار می شود. (پایان سخنانش)

اگر به چیزی معتاد شوید زندگی تان به آن متمرکز می شود و دشمن تان شما را از طریق چیزی که به آن تمرکز دارید، به راحتی کنترل می تواند.

کنترل نمودن کسی از طریق شبکه های اجتماعی تنها به این معنا نیست که عکس و یا ویدیوی او را داشته باشید؛ بلکه شما می توانید برنامه هایی را نیز در آن شبکه ها قرار دهید که رفتار او را تغییر داده و اخلاق و عقاید او را از بین ببرید و اینکه او را از ارزش های واقعی دور سازید (این چیز است که آن ها با شما می کنند) آن ها ذهن تان را با این چیز ها مصروف می سازند تا اینکه به موارد مهم وقت نداشته باشید؛ به عبارت دیگر شما را با این شبکه ها، برده سیستم خود می سازند و شیطان با این ابزار مخصوص وقت شما را می دزدد؛ چون با یک صفحه یی که حاوی محتویات نامحدود است شما را به دام انداخته و عمرتان را می مکد!



در حقیقت تنها نشسته اید و با آن شبکه ها مصروف هستید و تصور می کنید که با همه دنیا در ارتباط هستید (اینگونه است که مردم را از هم جدا ساخته و جوامع را رهبری می کنند).

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در حدیثی می‌فرماید: «پاهای فرزندِ آدم در روز قیامت تکان نخواهد خورد و به هیچ طرفی نمی‌روند تا اینکه در مورد چهار چیز از او پرسیده شود: در مورد عمرش که چگونه آن را سپری کرده؟!»^۱.



مثلاً کسانی که به شبکه‌های اجتماعی معتاد هستند و فکر می‌کنند که (آه من ۵۰۰۰ فالور (پیرو) دارم)، می‌دانید به آن‌ها احساسِ یک موفقیتِ دروغین دست می‌دهد! و وقتی بعد از ۵۰۵ یا (طبق گزارش بعد ۹ ساعت در روز) مصروف بودن با این شبکه‌ها، همراهی‌شان حرف بزنی و بپرسی که برای زندگی روزمره‌ات چی کردی؟! و یا چه کار مثبتی برای فامیلت، فرزندان، والدینت، همسایه‌ات و یا برای امت اسلام انجام دادی؟ و می‌گویند: من چیزی را در فیسبوک پُست کردم و ۲۰۰ لایک گرفتم و طوری راه می‌روند که گویی واقعاً دستاورد مهمی داشته‌اند.

واقعاً برایم جالب است! زندگی ما آنقدر وابسته به این شبکه‌ها شده که به ناحق غم و تشویش ایجاد می‌کند، چرا؟! چون شما آنقدر وابسته شده‌اید که می‌خواهید بدانید دیگران چگونه زندگی می‌کنند و فقط چیزهایی را می‌بینید که خودتان در زندگی خود ندارید که حتی داشته‌های خود را فراموش می‌کنید و این واقعاً برایم جالب است! باز هم ببخشید این نظر شخصی خودم است.

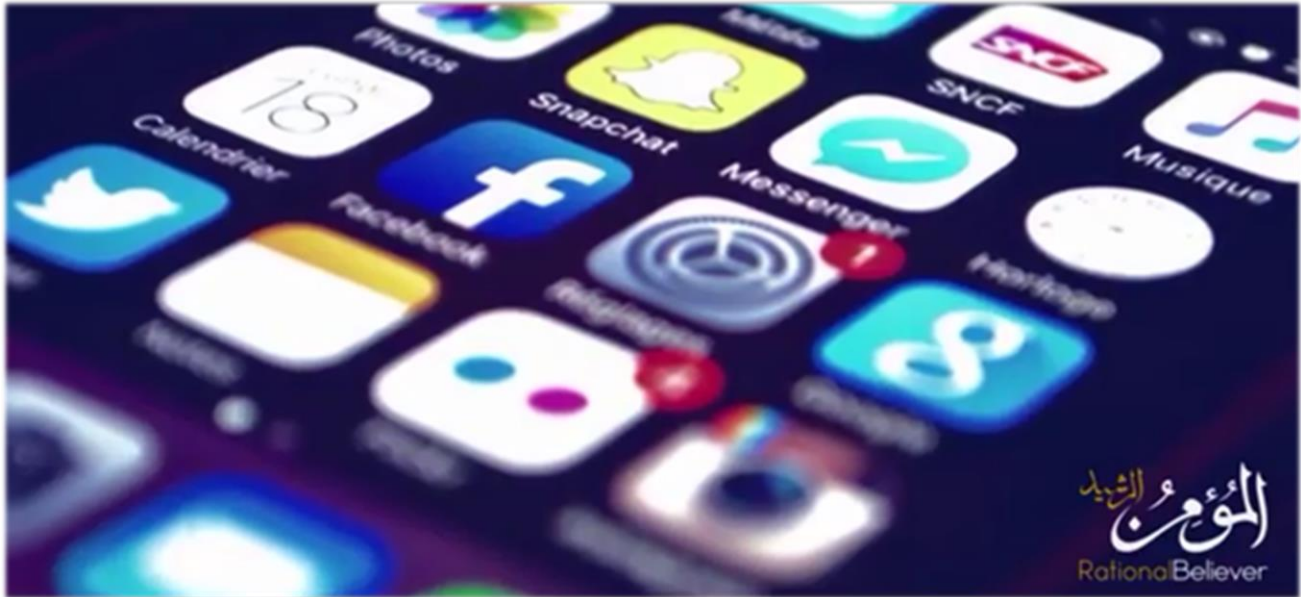
۱- «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمُرِهِ فِيْمَا أَفْنَاهُ» سنن ترمذی (۲۴۱۷).

آیا ما آنقدر پست شده ایم و ضرورت داریم به دنیا نشان بدهیم که ما کجا هستیم، چی می خوریم و با کی هستیم؟! و آیا شما آنقدر پست شده اید که باید دیگران را تعقیب (دنبال) کنید؛ واقعاً نمی دانم؛ مثلاً: زمانی که مردم عکس سلفی می گیرند، صرف طعامِ ظهر (نهار)! والله! جالب به نظر می رسد؛ اما تأثیری که بالای افراد و حتی زوجها دارد را نمی دانید (شاید زیاده روی کنم؛ اما به نظر من مردم در یک دروغ زندگی می کنند) این قیافه یی که دختران و حتی پسرها وقت عکس گرفتن به خود می گیرند چه نام دارد؟ نمی دانم چه نام دارد؛ اما به هر صورت. عکس های خود را می گیرند و در اینترنت پخش می کنند (واقعاً برایم جالب است) اگر واقعاً راست می گویی! چرا صبح وقتی از خواب بیدار می شوی، عکس نمی گیری (چون آن چیزها در چشمات وجود دارد) خیر! تصویر انتخاب شده است و من فقط وقتی عکس می گیرم که در تعطیلات باشم و یا چیز جالبی داشته باشم و کوشش می کنم که به دنیا نشان دهم که من اینگونه زندگی می کنم؛ اما در حقیقت تو این طور زندگی نمی کنی، تو نیز مانند دیگران یک انسان هستی و در نتیجه چیزی که رخ می دهد این است که... والله من به مردم می گویم: حتی اگر در زندگی ات خوش هستی آن را به دنیا نشان نده؛ چون مردم از تو متنفر خواهند شد و آرزو می کنند که چیزی را که تو داری آن ها نیز داشته باشند و آرزو می کنند که الله آن چیز را از تو بگیرد و به آن ها بدهد.

اما برادرم/خواهرم، الله متعال آنرا به تو نداده! الله متعال می فرماید: من در مورد چیزی که به شما نداده ام نخواهم پرسید. چرا هر چیز را بر خود سخت می سازید! برادرانی که تمام روز را کار می کنند و با موتر (ماشین) این طرف و آن طرف می روند به هر زنی که در راه شان می آید نگاه می کنند و تحسین می کنند. الله اکبر! خانه می آید و می گوید: من از همسرم خسته شده ام! بله باید از همسرت خسته شده باشی.

اگر ۱۰ درصد وقتی را که زن های مردم را می بینی، برای دیدن چیزی که الله برایت داده، تخصیص دهی، شاید زیبایی او را نیز تحسین کنی؛ اما این کار را نمی کنی! تو به چیزهایی که مربوط به تو نمی شوند تماشا می کنی، تو می خواهی زندگی که از تو نیست را تجربه کنی، والله! فقط زندگی خودت را بکن!

شبکه‌های اجتماعی از جمله‌ی بزرگترین فتنه‌های این زمان هستند.



چون آسان‌ترین راه برای دشمن‌تان (شیطان) است که شما را کنترل نموده و مصروف خواهشات غلط بسازد و این چیز است که شیطان آنرا بسیار خوش دارد.

به خاطر داشته باشید زمانی که چیزی را در اینترنت پخش می‌کنید یا می‌نویسید که محتوای آن انعکاس دهنده بد اخلاقی باشد؛ عده کثیری از مردم آنرا خواهند دید و خواند و هنگامی که فردی آنرا ببیند، گناهی در حساب شما افزوده می‌شود و شما در قبال آن نزد الله عزّ وجلّ مسئول هستید.

سبحان الله! بعضی کلمات هستند که ما می‌گوییم و مردم اینجا می‌شنوند؛ اما کلماتی هم هستند که شما آنرا در اینترنت پخش می‌کنید و هیچ کنترولی ندارید و نمی‌توانید که چقدر مردم آنرا خواهند دید و خواهند خواند. این چیزی نیست که فقط به زبان می‌گوییم؛ چون وقتی چیزی را می‌نویسیم کسی دیگری آنرا می‌خواند و آنرا تکرار می‌کند.

می دانید! مردمی را در کشورهای اسلامی دیده ایم که اسلام را ترک کرده اند و بر اثر مشغول بودن با شبکه‌های اجتماعی (چون فیسبوک، توئیتر و چت رومها) کافر شده اند! آن‌ها در صفحات فتنه انگیزی داخل می شوند و علم هم ندارند که با آن مبارزه کنند.

همچنان زمانی که یک مطلب ضد اخلاقی را لایک می کنید؛ این لایک شما باعث می شود که آن شبکه اجتماعی آن محتوای ضد اخلاقی را به تعداد بیشتری از مردم پیشنهاد کند (حال تصور کنید که گناه شما چقدر بزرگ خواهد بود اگر چنین محتوا را لایک یا با دیگران شریک کنید).

هنوز فکر می کنید تمام این‌ها تصادفی هستند؟! ببینید که چه کسی در عقبِ مأموریتِ فیسبوک دست دارد.



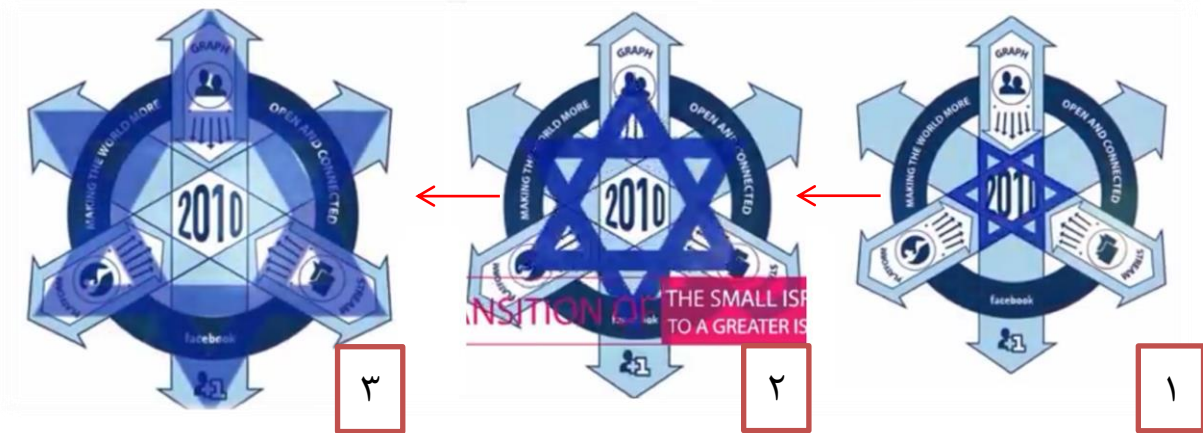
فرد ۱: جاکت گرمی است.

فرد ۲: نه! جاکت ضخیم است، این جاکت شرکت ماست که در داخل آن مأموریت خود را چاپ کرده ایم.

فرد ۱: چی؟ واقعاً؟ آه خدای من! داخل جاکت را ببینید. این چیست؟

فرد ۲: اتصال و نزدیک ساختن دنیا.

فرد ۱: آه خدای من! این مثل یک آیین مرموز است؛ ببینید! اتصال و نزدیک ساختن دنیا؛ پلتفرم نمودار جریان و سمبول عجیب در داخل جاکت که ممکن است برای ایلومیناتی باشد.



انتقال اسرائیل کوچک به اسرائیل بزرگ.

خبرنگار غربی: بر اساس اداره امنیت کشور، فیسبوک از سال تأسیس اش ۲۰۰۴ بدینسو جایگزین همه برنامه‌های جمع‌آوری اطلاعات (سی آی ای) شده است.



می‌گوید: بعد از سال‌ها نظارت مخفیانه بر اجتماع برای مان جالب است که مردم به خواست خود جزئیات زندگی‌شان را انتشار می‌کنند که:

کجا زندگی می‌کنند!

دیدگاه سیاسی و مذهبی شان چیست؟

لیست الفبایی دوستان شان!

ایمیل آدرس های شخصی شان!

شماره های تماس شان!

صدها قطعه عکس شان!

حتی جزئیات لحظه به لحظه زندگی خود را انتشار می کنند؛ این در حقیقت یکی از رویاهای (سی آی ای) است که تحقق یافته است.

گزارشگری غربی: بیشتری این افتخار بر می گردد به مأمور سی آی ای (مارک زکربرگ).



کسیکه عملیات روزمره فیسبوک را به عهده دارد. این مأمور گماشته شده که ملقب به سرپرست می باشد در همین اواخر به منظور قدردانی از زحماتش در برنامه فیسبوک مدال فراست را بدست آورد، او فیسبوک را یکی از قوی ترین وسیله های کنترل مردم (که تا به حال ساخته شده) نامید. (پایان سخنان گزارشگر)

این شبکه ها به این منظور طرح شده اند تا شما را تنها نگذاشته و از حقیقت دورتان کند تا باعث ایجاد افسردگی و پخش معلومات غلط گردیده و باعث فتنه شوند تا اینکه عقاید شما را از

بین برده و سبب گناهان کبیره شوند تا اینکه شما را از تفکر آزاد دور ساخته و حریم خصوصی تان را از بین ببرد و در نهایت شما را کنترل کند.

تله (دام) دقیق شیطان!

وقتتان را برای ارزش‌های اصلی صرف کنید و نگذارید که شیطان آنرا بدزدد و اطفال معصومتان را از این دام برهاند.

پیامبری محبوب‌مان محمد -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «زمان مرگ که، زبان بسیار سنگین می‌شود و شما نمی‌توانید بگویید: سبحان الله و بحمده».

بسیار وقتتان را در شبکه‌های اجتماعی صرف می‌کنید و چیزی که بسیار عجیب است این است که اکثرمان در موبایل‌های مان قرآن را داریم؛ ولی روزها می‌گذرد و ما قرآن را باز نمی‌کنیم. ما باید بترسیم که این قرآنی که در موبایل و یا آیپدهای مان است، در روز قیامت می‌آید. رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در روز قیامت نزد الله متعال شکایت می‌کند: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: ۳۰].

«و پیغمبر (شکوه کنان از کیفیت برخورد مردمان با قرآن) عرض می‌کند، پروردگارا! قوم من این قرآن را (که وسیلهٔ سعادت دو جهان بود) رها و از آن دوری کرده‌اند (و از ترتیل و تدبیر و عمل بدان غافل شده‌اند)».

«ای پروردگارم! قوم من قرآن را نادیده گرفتند».

مسلمانان این کتاب را نادیده گرفتند...

اگر خودتان خود را کنترل نکنید! دیگران شما را کنترل خواهند کرد.

قسمت نهم:

جادو، معاملهٔ سیاه بین

انسان و جن.



قسمت نهم: جادو، معامله سیاه بین انسان و جن.

الله متعال می فرماید: ﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۲].

«و از آنچه شیاطین در عصر پادشاهی سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند، سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود و) کافر نشد، می آموختند به مردم جادو را و آنچه را که بر دو ملک (هاروت و ماروت) در بابل نازل شد و کسی را نمی آموختند نگر اینکه به او می گفتند: جز این نیست که ما آزمایشی از جانب الله هستیم زنهار کافر مشو، پس می آموختند از آنان آنچه را که بین مرد و زنش جدائی می افکند و زیان نمی رساندند با آن کسی را جز به إذن الله و آنچه را می آموختند که برای شان زیان داشت، نه سود و مسلماً می دانستند هر که خریدار سحر (جادو) باشد، بهره یی در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروختند، اگر می دانستند».

منشأ سحر و جادو

بابل چقدر قدامت دارد؟



گفته می‌شود که قدیمی‌ترین شهر بود؛ هیچ تمدنی پیش‌تر از تمدن بابلیان نبود، اولین تمدن اصلی به بابل تعلق داشت.

پس ما بر می‌گردیم به زمانی ماقبل عصر ابراهیم؛ بر می‌گردیم به خیلی قبل‌ها (پیش‌تر از زمان موسی -علیه السلام- و پیش‌تر از زمان سلیمان -علیه السلام- پس الله متعال برای ما، مبداء سحر و جادو را بیان می‌کند و این است داستانش.

الله متعال در مورد منشأ سحر به ما خبر می‌دهد که سحر چیست؟ ﴿وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَاوُوتَ وَمَأْرُوتَ﴾ الله متعال دو ملک (فرشته) را فرستاد با علم اینکه چگونه می‌توان با جنیان ارتباط برقرار کرد (علم جادو) و این دو ملک به شهر بابل فرستاده شدند و این دو ملک اجازه داشتند که، به هر کسی که بخواهد سحر (جادو) را یاد دهند؛ اما این دو ملک (فرشته) با یک هشدار بزرگ آمده بودند و آن هشدار این بود که: ﴿إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ این دو ملک به هر کسی که می‌خواست سحر را از آن‌ها بیاموزد می‌گفتند ما آزمایشی از جانب الله عز و جل هستیم، با یاد گرفتن سحر از ما، کافر مشوید؛ ولی اگر کسی اصرار می‌کرد به او یاد می‌دادند. واضح شد؟!

پس این دو فرشته آزمایش بودند و حتی می‌گفتند که ما آزمایش هستیم و هیچ فردی را آموزش نمی‌دادند مگر اینکه می‌گفتند: اگر تو این (جادو) را از ما یاد بگیری کافر می‌شوی؛ اما آن‌ها با آن هم می‌خواستند که یاد بگیرند؛ پس الله متعال می‌فرماید: ﴿فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا﴾ مردم نزد آن‌ها می‌آموختند ﴿مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ﴾ آنچه را که بین مرد و همسرش جدائی می‌انداخت و مشکل می‌آفرید ﴿وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ و آن‌ها بی اراده الله به هیچ کسی آسیب رسانده نمی‌توانستند. سحر و جادو از الله متعال کرده قوی‌تر نیست؛ اگر الله بخواهد آن را دفع می‌کند، پس آن به کسی آسیب نمی‌رساندند مگر اینکه اراده الله متعال در آن می‌بود و ﴿وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ﴾ آن‌ها چیزی را می‌آموختند که برای خودشان جز زیان چیزی در پی نداشت؛ پس هیچ نفع در جادو نیست جز شر! و ﴿وَلَقَدْ عَلِمُوا﴾ و آن دو فرشته به آن‌ها یاد می‌دادند و می‌گفتند ((لَمَنِ اشْتَرَاهُ)) هر که این علم را از آنان فرا گیرد ﴿مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ بهره‌ی در آخرت نخواهد داشت، شما می‌توانید این دنیا را در بدل آخرت

بخرید ﴿وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ و به چه قیمت زشتی خود را فروختند اگر می دانستند.

پس جادو یعنی یک جادوگر با جن ارتباط برقرار می کند تا آن جن برایش کار کند (این نکته اصلی جادو است) اینکه جادو یک داد و ستد و یا یک معامله بین جن و جادوگر است.

سحر به معنای واقعی یک معامله تجاری است مانند اینکه به مغازه یی رفته پول بدهی و در بدل چیزی بخری (سحر یک معامله است) و جادو گر چیزی به جن می دهد و جن در بدلش چیزی به جادو گر می دهد و هر دوی آن ها به همدیگر نیاز دارند؛ ولی قوی تر در میان آن دو جن است نه جادوگر.

خصوصیات جنیان

خصوصیات جن چیست و آن ها چقدر قدرتمند هستند؟ جادو چگونه کار می کند؟

حدیث صحیحی وجود دارد که خیلی جالب است! پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «جنیان سه نوع هستند: یک نوع آن ها بال دارد و در هوا پرواز می کند و سرگردان می باشد (آن ها در آسمان پرواز می کنند در حرکت هستند و زندگی خود را می کنند) نوع دیگر آن ها به شکل حیوانات است (گروهی از جن هستند که معمولاً به شکل حیوانات ظاهر می شوند و دو حیوان است که جنیان مشخصاً دوست دارند که به آن شکل ظاهر شوند؛ اما بعضاً به شکل حیوانات دیگر نیز در می آیند و آن دو حیوان که آن ها دوست دارند در آن شکل ظاهر شوند، مارها و سگ ها می باشند؛ اما این بدان معنا نیست که آن ها به شکل دیگری ظاهر شده نمی توانند) نوع سوم جنیان همان هستند که می آیند و می روند (این همان نوع ایست که می خواهد ما را تحریک کند) همان نوعی که می خواهد ما را بترساند و در زندگی های مان وارد شود».

سؤالی که خلق می شود این است که آیا جنیان همین سه نوع را دارند؟ برخی از علماء می فرمایند که در قرآن و سنت بیشتر از این ها ذکر شده؛ بناءً این ها فقط مثالی از سه نوع آن ها می باشد.

پس به خاطر بسپارید! یک نوع آن‌ها در هوا پرواز می‌کند این یعنی یک نوع آن‌ها می‌تواند در هوا پرواز و انواع دیگر نمی‌تواند.

بعضی از آن‌ها خوب هستند و بعضی بد؛ جنیان خوب جن گفته می‌شوند و جنیان بد شیاطین گفته می‌شوند.

جنیان در کل متفاوت اند، توانایی‌های متفاوت، خصوصیات متفاوت؛ آن‌ها کارهای‌شان را همدیگر متفاوت است و علایق متفاوت دارند و طبقاتی متفاوتی از شیاطین وجود دارد؛ یک شیطان المارد نام دارد، دیگری عفریت. مانند این مجرم‌ها بعضی از آن‌ها ظالم هستند، بعضی متجاوز و بعضی هم کافر. همینطور برای شیاطین درجاتی وجود دارد؛ همینطور برای شیاطین درجاتی نظر به کفر و نظر به قدرت‌شان وجود دارد و هر کدام آن‌ها قدرت و توانایی متفاوتی دارد؛ درست مانند شما برادران و خواهران (برخی از شما ۲۰ کیلو و برخی دیگر ۲۰۰ کیلو را بلند کرده می‌تواند) برخی از شما ذکاوت بیشتری دارد و برخی ذکاوت کمتر.

الله متعال می‌فرماید که جنیان گفتند: ﴿وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ﴾ [الجن: ۱۱]. «بعضی از ما نیکوکار اند و بعضی دیگر نه»، ﴿كُنَّا طَرَائِقُ قَدَدًا﴾ «و ما طریقه‌ها و تفکرات متفاوت داریم».

برخی از جنیان مسلمان اند و برخی دیگر کافر اند، برخی یهود، نصارا، راهب و هر چیز دیگر... درست مانند انسان‌ها.

جن یک توانایی بی نظیر دارد که واقعاً عجیب است و فیزیک دانانی که مسلمان اند، باید در این امر شگفت زده شوند و آن قدرت تبدیل کردن ماده به انرژی و بر عکس آن می‌باشد و این چیز است که ما در صدد آن هستیم (ما می‌دانیم که ماده و انرژی^۱ با هم رابطه مستقیم دارند) جنیان این قدرت را دارند؛ چگونه آن را می‌دانیم؟! داستان تخت، تخت بلقیس (ملکه سبا) تختی که باید از یمن به اورشلیم آورده می‌شد ﴿قَالَ عَفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنَّ﴾ چنانچه در صفحه قبلی

تذکر دادیم، جنیان طبقاتی مختلفی دارند و عفریت شرورترین و قوی‌ترین آنهاست (طبق ادبیات غربی عفریت همان دیمون «دیو» هستند) آنها بدترین‌شان هستند.

پس عفریت به سلیمان گفت: قبل از اینکه از جای بلند شوی من آن تخت را برایت حاضر می‌کنم که بر اساس علم فیزیک کاملاً منطقی است؛ پس باید این را در نظر داشته باشیم که همه جنیان آنقدر قدرتمند نیستند، حقیقتی که فقط یکی از آنها گفت می‌تواند این کار را کند! واضح می‌سازد که بقیه آنها قادر به انجام آن نبودند و این واضح است که تخت باید داخل قصر باشد و اگر او می‌خواست تخت را بیاورد در هوا پرواز نمی‌کرد که همه او را ببینند؛ بلکه از قصر غایب شده و ناگهان نزد سلیمان -علیه السلام- حاضر می‌شد؛ این یعنی چه؟

یعنی به نحوی جن قدرت آن را دارد که ماده را به انرژی تبدیل کند و آن را انتقال دهد و دوباره به حالت اولش (ماده) برگرداند، به هر صورت این چیز است که واضح است نظر به چیزهایی که رخ می‌دهد، این برای جادوگران آسان است که یک شیء گم شده را ناگهان حاضر کند و یا وقتی که به توپ‌های کریستالی مشاهده می‌کنید چیزهای عجیبی را می‌بینید و آنها جن هستند که بازی می‌کنند و شما را می‌فریبند.



پس تمام این‌ها امکان دارد و این را بنا بر تجربه روزمره خود می‌دانیم؛ حال می‌دانیم هر چیزی را که جن انجام می‌دهد برای خود جن طبیعی و آسان است ولی برای ما نه!

پس جن‌ها موجودات نامرئی هستند؛ ولی این توانایی را دارند که خود را به اشکال دیگر چون حیوانات و انسان‌ها حاضر کنند و آن‌ها توانایی آن را دارند که ماده را به انرژی تبدیل کنند و بر عکس و آن‌ها نسبتاً قوی و سریع هستند؛ پس جادو در حقیقت همان کارکرد جن (موجود نامرئی) برای انسان است.

چرا جن‌ها برای جادوگر کار می‌کنند؟

خوب حال ما فهمیدیم که جادو چیست... جادو همان عملکرد های جن است، سؤال اینجاست که چرا جن این کار را می‌کند؟ چه بدست می‌آورد؟

جن نیازی به امریکن اکسپرس، پول و کریدیت شما ندارد؛ حتی نیازی به غذایی شما ندارد... پس چی می‌خواهد؟

یک جادوگر نمی‌تواند جادو کند مگر اینکه شرک بورزد؛ مگر اینکه کافر شود؛ مگر اینکه بر احکام الله متعال به طور مطلق کافر بورزد.

برای تان داستانِ جادوگری را نقل می‌کنم که توبه کرد.

او داستان خود را گفت که چگونه به سحر رو آورد؛ او گفت من یک معلمی داشتم که جادوگر بود، او تمام قدرت و توانایی‌های خود را به من نشان داد و من علاقه مند به آموختن جادو شدم. او گفت: من به غاری تاریک رفتم که خیلی دور بود و گفت: من روزها بدون آتش، چراغ و گرما در آنجا بودم! گفت: در بین دایره‌یی نشستم و این دایره را برای خوابیدن و رفع حاجت استفاده می‌کردم؛ او باید در بین نجاست خود روزها را سپری می‌کرد و زمانی که به ناپاکی مطلق رسید و کاملاً با نجاست آلوده شد؛ شیاطین (جن‌ها) حاضر شدند و به او می‌آموختند که چه کند و برایش چیزهایی را یاد دادند و او گفت: باز هم می‌خواهم، باز هم می‌خواهم. آن‌ها گفتند: نه نه کافی نیست! برایت بیشتر از این یاد نمی‌دهیم مگر اینکه بزوی و مرتکب زنا شوی و زنا معمولی نه؛ بلکه با محارم خود زنا کنی! برو و با یکی از محارم خود زنا کن (با خواهرت، با مادرت، با

عمهات، با خاله‌ات...) و بعد برایت بیشتر یاد می‌دهیم و سبحان الله! این فرد همینگونه پیش رفت؛ از او خواسته شد که به قرآن بی‌حرمتی کند. می‌دانید! بعضی از آن‌ها (جادوگران) قرآن را زیر پای خود می‌گزارند (یک فرد زمانی ساحر می‌شود که به بالاترین درجه کفر رسیده باشد) که دیگر هیچ راهی برای بازگشت نداشته باشید و بعد می‌تواند که پیش برود و نباید گول فردی را بخورید که در ظاهر با تقوا معلوم می‌شود؛ چون بیشتر آن‌ها در مسجد گرفته شده‌اند که بدون وضوء نماز می‌خواندند! به رنگ مثال، و یا در دست‌شان تسبیح و یا چیز دیگری می‌باشد و یا قرآن نزدشان باز بوده و وقتی که خواستند صفحات دیگر آن را ببینند خالی بوده و یا نام‌های شیطان در صفحات دیگر آن بوده؛ ولی فقط همان صفحه را باز می‌گذارد که در آن آیات قرآن است! و می‌گویند: من شخص پاک‌هستم، شیخ هستم، پیر هستم و یا هر چیز دیگر و سبحان الله! حقیقت این افراد چیز است که برای تان گفتم.

این خصوصیات یک ساحر است گذشته از آن که ظاهرش چگونه است؛ در حقیقت به نحوی به الله متعال کفر می‌ورزند! نزد شان آیه الکرسی است؛ ولی فقط در وسط آن نوشته است یا شیطان یا کمک کن و یا در گوشه‌ی نوشته است یا محمد یا علی یا... طلب کمک از هر کسی جز الله متعال و یا کلماتی مشخصی را برعکس و یا غلط نوشته‌اند و یا در اطراف آن حروفی وجود دارد.

این حروفی که می‌بینیم چه معنا دارد؟! ع ع ج ج ج؛ هر یک از آن‌ها یک معنا دارد، هر یک از این حروف به معنای طلب کمک از جن است. حرف (ع) طبق گفته خیلی‌ها، طریقه‌ی است برای کمک خواستن از پادشاه جنیان. اگر تعویذی یافتید که در آن ((قل هو الله احد)) نوشته شده بود و بر بالای آن حرف (ع) باشد، فکر نکنید که اشکالی ندارد.

ساحران، پیامبران شیطان (ابلیس) هستند که با معجزات دروغین‌شان مردم را فریب داده و آن‌ها را به سوی کفر سوق می‌دهند؛ پس جن‌ها برای جادوگران کار می‌کنند و در عوض جادوگران آن‌ها را پرستش می‌کنند و از طریق جادو مردم را به کفر سوق می‌دهند.

حکم تعویذ در اسلام

تعویذ و طلسم از دیدگاه اسلام بطور مطلق حرام است.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «آن را از بین ببر وگرنه هیچگاه پیروز نخواهی شد».

ما باید تعویذ را به دو بخش تقسیم کنیم: یکی آنکه کاملاً از قرآن است و دیگر آنکه غیر از قرآن است. آنکه کاملاً از قرآن است بدون شک که حرام است؛ اما انسان را کافر نمی‌سازد (حرام است، گناه بزرگ است، بدعت (نوآوری) است و هیچ اساسی در سنت رسول الله ندارد)؛ ولی انسان را از دایره اسلام خارج نمی‌کند؛ چون قرآن کلام الله متعال است و صفتی از صفات الله متعال می‌باشد و شما با کمک خواستن از قرآن مرتکب شرک نمی‌شوید؛ اما مشخصاً یک نوآوری (بدعت) در دین است که قرآن را نوشته و آنرا در گردن‌تان آویزان کنید و این به شدت مورد تنفر صحابی ابن مسعود -رضی الله عنه- بود و نه کدام صحابی آنرا نقل کرده است که آن‌ها چنین کرده باشند و اما چیزی (تعویذ) که غیر از قرآن را در خود دارد، اگر آن فرد باور کند که خود تعویذ سبب منفعت به اوست؛ پس کافر شده و از اهل جهنم می‌باشد؛ اما اگر فردی فکر کند که منفعت از جانب الله متعال است و این تعویذ فقط یک شیوه است که می‌توان با آن از الله عزّ وجلّ منفعت جست، در این صورت فقط مرتکب گناه بزرگی شده است.

پس هر نوع تعویذ و طلسم و هر چیزی که در دست و یا گردن بسته می‌شوند، حرام هستند و من شما را هشدار می‌دهم از مردمی که می‌گویند این فقط از قرآن است و من نمی‌دانم که چقدر تعویذ را باز کرده‌ام (فکر نمی‌کنم دروغ باشد اگر بگویم که صدها و یا بیشتر از هزار تعویذ را باز کرده‌ام^۱) و از بین آن همه فقط ۳ تای آن خالص از قرآن بود و تقریباً نصف تعویذهایی را که باز کردم صاحبش می‌گفت: والله والله والله این فقط از قرآن است. شیخم به من قسم خورد که این فقط از قرآن است، فقط آیه الكرسي است و بس و وقتی آنرا باز می‌کردیم یا شیطان کمکم کن یا شیطان کمکم کن و یا آیه الكرسي اشتباه نوشته شده بود و یا چیزهایی در ستاره نوشته بود و حروف ع و ج داشت و یا نوشته بود "یا فلان، یا فلان" و این‌ها مردمی هستند که می‌گویند: این

۸- سخنران (عالم مسلمان).

فقط از قرآن است و من که معمولاً به مردم می‌گویم: اگر فکر می‌کنید که تعویذتان فقط از قرآن است؛ بیارید و آن را باز کنید؛ اگر فقط از قرآن بود برایت می‌دهم و هر کاری خواستی با آن بکن؛ اما فقط ۳ بار از میان صدها تعویذ، تعویذی را یافتم که فقط از قرآن بود و با آن هم آن‌ها فکر می‌کردند که جادوگر آن‌ها را فریب داده؛ می‌گفتند: سبحان الله من از او خواستم برای یک چیز خوبی بدهد، این چیست؟ من خودم هم می‌توانستم آیه الكرسي را پرینت کنم. عكس العمل مردم این بود و سبحان الله تمام این تعویذات و طلسم‌هایی را که می‌بینیم به شکلی از اشکال حاوی شرک هستند و این نکته مهمیست که مردم باید متوجه باشند.

قسمت دهم:

هدف نهایی ترویج جادو

در جهان.



قسمت دهم: هدف نهایی ترویج جادو در جهان.

انواع مختلف سحر و جادو

حکم این جادوی (تظاهری) چیست؟ حکم این چیست که برای اطفال تان بستهبندی از ابزار جادو، بخرید که با آن تردستی (شعبده بازی) انجام دهند و کارتی را پنهان کنند؟



یک کارت را انتخاب کن... این در حقیقت چیز است که بدون شک حرام است. چرا؟؛ چون این به نحوی تقلید از جادوگران است؛ چون باعث می شود که آن ها به جادو و جادوگران علاقه پیدا کنند و آن ها را تشویق به یاد گرفتن جادو می کند و در نهایت برای آن ها یک وابستگی نسبت به جادو و جادوگران، ایجاد می کند و این قدم ابتدائی بسوی فراگیری جادوی واقعی است.

بناءً خریدن همچو ابزار برای اطفال تان مجاز نیست (هر گونه علم دیگری که به جادو ربط داشته باشد، عین حکم را دارد)؛ به طور مثال: فال بینی، غیب گویی، فال چای، کف شناسی، پیش بینی، یک فال بین که بگوید: من می توانم بگویم که موتر (ماشین) شما را کی و از کجا

دزدی کرده است! فردی دیشب شیشه پنجره شما را شکسته و من می توانم بگویم که او کی بوده؛ افرادی که غیب گویی می کنند. تمام این ها حرام و تحت حکم جادو هستند.

افرادی چون دیود بلیم، کریس انجل و غیره را که در تلویزیون می بینم چطور؟! حکم مشاهده آن ها چیست؟



گفته می شود که این افراد برای نمایش خود از ترفندهای دوربین (کمره)، استدیو و تصاویر پردازش شده کامپیوتر استفاده می کنند. حتی اگر چنین باشد باز هم مشاهده نمایش آن ها حرام است؛ اما نظر به علم اندکی که من دارم و الله بهتر می داند، برای من چنین به نظر می رسد که این ها واقعاً از جادو کار می گیرند و این واضح است که تعریف جادوگر (ساحر) خیلی به آن ها صدق می کند و بعضی کارهایی که می کنند اصلاً با ترفندهای کامپیوتر قابل بیان نیست، حتی اگر چنین می بود باز هم مجاز نیست که این برنامه ها را مشاهده کنید؛ چون این چیز است که باعث ایجاد علاقه نسبت به جادو و جادوگران می شود، باعث دوست داشتن کسانی می شود که دشمن الله و رسولش هستند، بناءً در هر حال مجاز نیست؛ اما چنین به نظر می رسد که اکثر آن ها واقعاً جادوگر هستند و مشاهده آن ها خطرناک است.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «هر کسی نزد فالبینی (غیب گو) برود و از او سؤال کند؛ نمازش تا چهل روز قبول نمی شود و هر کسی به حرف آن ها باور کند به آنچه که به رسول الله نازل شده است، کفر ورزیده!».»

نظر به رأی اکثر علماء که به این سؤال پاسخ داده‌اند، مشاهده جادوگری که غیب‌گویی می‌کند شما از کسانی می‌سازد که ۴۰ روز نمازش قبول نمی‌شود و باور کردن به آن‌ها، شما را از دایره اسلام بیرون می‌کند (مشاهده چنین افراد در تلویزیون باعث می‌شود که نمازتان برای ۴۰ روز قبول نشود، والله اعلم) باور کردن به جادو و قدرت آن‌ها، شما را کافر می‌سازد؛ پس این یک موضوع خیلی جدی است.

چرا مردم رو به جادو می‌آورند؟

بعضاً مردم داخل سحر و جادو می‌شوند چون آن‌ها دست به کارهایی می‌زنند، چیزهایی از قبیل شعبده بازی، مثلاً چیزی را در یک آستین می‌گذارند و از آستین دیگر بیرون می‌کنند و می‌خواهند که بیشتر و بیشتر بیاموزند (مثل اعتیاد به مواد مخدر!) و این برای‌شان کافی نیست که فقط سکه‌یی را ناپدید کرده و آن را در دست دیگر پدیدار کنند و باید بیشتر و بیشتر بیاموزند تا اینکه شاید از چیزهایی چون (تخته‌ویجی) کار بگیرند که به واسطه آن شیطان را فرا خوانند و وقتی در تله (دام) شیطان افتادند بیشتر و بیشتر می‌روند.

بعضی‌ها نادانسته داخل جادو می‌شوند؛ چون کتاب‌هایی را می‌خوانند که می‌گویند: این کار را بکن! این باعث می‌شود که محبت خانم‌ات نسبت به تو بیشتر شود! این باعث می‌شود که محبت شوهرت نسبت به تو بیشتر شود! این باعث می‌شود که دشمنانت از تو متنفر شوند! این باعث تخریب دشمنانت می‌شود. این‌ها را بنویس، این چیزها را بخوان و این کارها را بکن؛ پس مردم از راه‌های مختلف داخل جادو می‌شوند، بعضی‌ها از خواهشات‌شان (ثروت، شهرت و دارایی) پیروی می‌کنند، بعضی‌ها تحت تأثیر خواهشات دنیوی خود قرار می‌گیرند که بعداً به خواهیم پرداخت.

بعضی‌ها به تدریج رو به جادو می‌آورند؛ به تدریج قدم به قدم از ترفندهای ساده شروع می‌کنند، همینطور پیش رفته و در نهایت به جادوی واقعی رو می‌آورند و بعضاً مردم این معلومات را در کتاب‌ها می‌یابند و نادانسته به آن باور می‌کنند که چیزی خوب‌یست و وقتی به آن آغشته شدند در چنگ شیطان می‌افتند و وقتی در چنگ شیطان افتادند به جادوی واقعی مبتلاء می‌شوند.

امروزه طبقه ممتاز جامعه، میلیون‌ها دلار را صرف برنامه‌های تلویزیونی مانند (استعداد برتر آمریکا، استعداد برتر انگلیس، رازهای بزرگ جادو...) می‌کنند که همه این برنامه‌ها سحر و جادو را ترویج می‌کنند؛ آن‌ها در حقیقت سرمایه‌گذاری در ترویج جادو و ترغیب مردم به آن می‌کنند و به واسطه این پروژه می‌خواهند جامعه را به این باور برسانند که انسان‌ها قادر هستند که به قدرت ماورائی و یا قدرت خدایی برسند.

این ویدیو (که در اینجا برای اثبات تصویرش را گرفتم و می‌توانید به یوتیوب سر بزنید و مشاهده نمایید) مثالی از هزاران برنامه‌های تلویزیونی است که ترویج دهنده سحر و جادو می‌باشند. ببینید که دسیسه پنهانی در عقب این برنامه‌ها چیست؟



می‌گوید: چون ما انسان هستیم، ما همه کله (فکر) خاص داریم، ذکاوت مان، ما را قادر به این می‌سازد که خدای کائنات خود باشیم. (پایان سخنانش)

و در نتیجه عده کثیری این جادوگران را منحیث بت (خدای) قبول دارند؛ فکر کنید چه اتفاقی خواهد افتاد وقتی دجال بزرگترین جادوگر) بیاید و با معجزات دروغین خود دعوی خدایی کند.

کابالا چیست؟

کابالا جادوی قدیمی یهودیان است که امروزه توسط طبقه ممتاز (ایلومیناتی) به کار برده می شود. آن ها از اعداد و علامات به منظور برقراری ارتباط با جنیان استفاده می کنند و یا با بکارگیری این اعداد و علامات در رخدادهای بزرگ، بندگی خود را به سرور خود (ابلیس) اظهار می کنند.



اکثر اتفاقاتی که رخ می دهد در همین زمینه است و درک آن برای مردم خیلی دشوار است؛ اما اگر آن را مطالعه کنی خواهی دانست که اکثر مردمی که در کنترل اجتماع دخیل هستند، در حقیقت شدیداً داخل این علم (جادو) هستند و این را وقتی خواهید دانست که تحقیق کنید.

اکثر مردمانی که در صنعت فیلم، موسیقی و اخبار (اطلاع رسانی) مشغول هستند، می دانند که چگونه اذهان مردم را کنترل کنند، خواه این کار را توسط همین جادو می کنند، خواه توسط نیروی تکنالوژی و جادوی برتر! نتیجه یکی خواهد بود، مردمی را می بینی که گویی که

توسط نیرویی گرفته شده‌اند، این واقعاً عجیب است که ستلایت‌ها را در ارتفاع ۲۲۰۰۰ مایل قرار می‌دهند؛ چون آن‌ها (۱۱، ۲۲، ۳۳) اعداد خاص شان است؛ چون ضرب ۱۱ را، در خود دارند... و چیزهایی از این قبیل.

خوب من نمی‌دانم ولی ما همه می‌خواهیم از این سر در بیاوریم؛ اما این چیزها حقیقت دارند... جادو و یا هر چه آن‌را می‌نامید حقیقت دارد.

در این سال‌های آخر برایم خیلی واضح شده که چگونه نیرویی در عقب این همه اتفاقات کار می‌کند و حال برایم بیشتر واضح شده که چرا این همه احادیث و دعاها برای حفاظت‌مان، در مقابل این چیزها وجود دارد «أعوذ بكلمات الله التامة من شر غضبه وعقابه، ومن شر عباده، ومن همزات الشياطين وأن يحضرون»^۱ «أعوذ بكلمات الله التامة من شر غضبه وعقابه. این شر است و همچنان شما می‌دانید این‌ها نفوذ شیاطین (جن‌ها) است. رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «وأن يحضرون» «و یا اینکه حاضر شوند».

بنابراین بعد جنیان واقعاً دارد و متأسفانه مردمی هستند که کاملاً در این زمینه مشغول هستند و سعی به آوردن آن‌ها (جن‌ها) از آن بعد به این بعد دارند و این نقطه ایست که همه چیز خیلی عجیب می‌شود.

۹- رواه أبو داود (۳۸۹۳)، و ترمذی (۳۵۲۸) من حدیث عبدالله بن عمرو -رضی الله عنه- .

قسمت یازدهم:

تلویزیون و تسلط

ایلو میناتی بر آن.



قسمت یازدهم: تلویزیون و تسلط ایلومیناتی بر آن.

به سخنان این غربی توجه بفرمایید.



می گوید: بزرگترین وسیله هیپنوتیزم در روی زمین همان جعبه مستطیلی است که در کنج
اتاق تان قرار دارد که دائماً به ما می گوید: چیزی را که می بینی حقیقت است. (پایان
سخنانش)



حقیقت این است که ما از گهواره تا گور توسط چنین افراد هپنوتیزم می شویم: گویندگان خبر، سیاستمداران، معلمین و اساتید. ما مکرراً پرورگرم (تلقین) می شویم تا جهان را به روش معینی مشاهده کنیم.

سحر (جادو) یک حقیقت است و مردم آن را تجربه می کند و یک نوع آن از طریق چشم امکان پذیر است! اغوا کردن (فریفتن) چشم از طریق تلویزیون و نمایش که عبارت است از جادوی چشم. «تُعَرَضُ الْفِتْنُ عَلَى الْقُلُوبِ كَالْحَصِيرِ عَوْدًا عَوْدًا»^۱ می خواهیم این حدیث را ترجمه کنیم. حصیر یک بافت (صفحه) است، مانند ماتریکس به این شکل.



که از بافت های عمودی و افقی ساخته شده و یک صفحه است. و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «فتنه به شکل صفحه به قلبها نمایش داده می شود».



که از دو نوع خطوط تشکیل یافته (خطوط افقی و عمودی) این یک تلویزیون است! به عبارتی این حصیر است (یک صفحه).



و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «فتنه به شکل صفحه به قلبها نمایش داده می شود»، و اینگونه است که شیطان قلبها را تخریب می کند با نشان دادنِ فتنهها در فیلمها و در تلویزیون تا اینکه مردم به خشونت و فحشاء خو بگیرند.

اگر به تمام تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، مشاهده کنید! می بینید که خشونت در مدیا نه تنها از لحاظ کمیت افزایش یافته بلکه همچنان بیشتر گرافیکی، شهوت انگیز و وحشت برانگیز است! این گام های شیطان است.

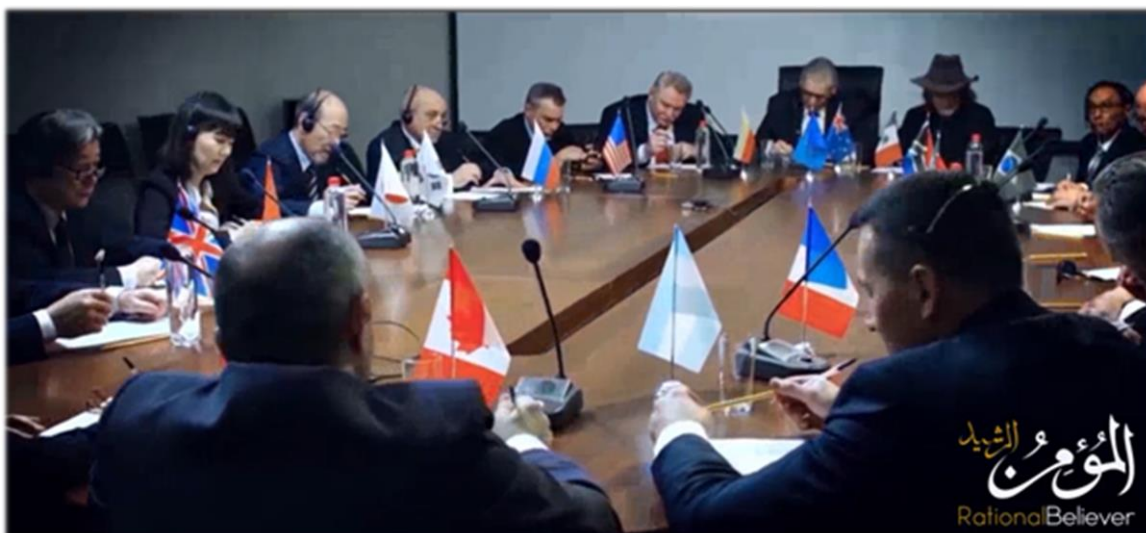
اگر فیلمهایی را از سال ۱۹۳۰، ۱۹۴۰، ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مشاهده کنید؛ می بینید که بسیار آهسته آهسته پیش می رود و مردم را اینگونه می فریبد (مردم را به گونه تدریجی به سمت خود جلب می کند) این است قدمهای شیطان.

فیلم‌های را می بینی که حاوی خشونت است؛ این است قدم‌های شیطان.

خشونت و فحشاء دو وسیله مهم است؛ چون این دو تأثیر بسیار شدیدی بر روان انسان می گذارند و این روشی است که واقعاً قلب‌ها را فاسد می سازد.

این آمار مربوط به آمریکا می شود؛ اما متأسفانه به سوی شما نیز می آید! هشتاد (۸۰) درصد فیلم‌های محدود شده؛ هفتاد (۷۰) درصد گیم‌های (بازی‌های) محدود شده و صد در صد ۱۰۰ درصد موسیقی با محتوای غیر محدود برای اطفال زیر سن هفده (۱۷)، به بازار عرضه می شود.

بناءً آن‌ها می دانند که چه می کنند، آن‌ها نوکرهای (عساکر) شیطان هستند، خواه بدانند یا ندانند ﴿وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ اکثر شان نا آگاه هستند. زمانی که به آن‌ها گفته شود فساد نکنید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا﴾ می گویند: ﴿إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ ما به آزادی بیان باور داریم، ما به بیان هنری باور داریم، ما فاسد نیستیم... نه! آن‌ها ترویج دهنده فساد هستند ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ﴾؛ اما آگاه نیستند... بناءً اکثرشان نوکر هستند.



فعالاً اوسط اطفال در آمریکا دارای سن هجده (۱۸) هستند و تا این سن ۲۰۰۰۰۰ عمل خشونت بار و ۱۶۰۰۰ قتل را مشاهده کرده‌اند! اطفال مان را پروگرام کرده‌اند که خشن به بار بیاید.

این اوسط (میانگین) وقتیست که صرف تماشای تلویزیون می شود: ۵-۱۱ ساعت روزانه در آمریکا.

نود و نه (۹۹) درصد خانواده‌ها حداقل دارای یک تلویزیون هستند؛ به طور اوسط ۲۰۴ تلویزیون در هر خانواده... درست؟ چون بعضی‌ها ۵ تلویزیون دارند، بعضی‌ها در هر اتاق یکی دارند! ۵۶ درصد شهروندان آمریکا برای شبکه‌های کیبل پرداخت می کنند! ۴۹ درصد آن‌ها گفته اند: که بیش از حد تلویزیون مشاهده می کنند؛ واقعاً عجیب است! اطفال بالای سن ۲ سال حدود ۳۴ ساعت در هفته در مقابل تلویزیون می نشینند. از سن ۲ الی ۱۱ سال، ۲۴ ساعت در هفته را صرف تماشای تلویزیون می کنند. از ۵۴ درصد اطفال بین ۴ الی ۶ سال وقتی پرسیده شود که دوست دارید وقت‌تان را بیشتر با پدرتان سپری کنید یا در مقابل تلویزیون؛ تلویزیون را ترجیح داده اند.

متعلمین به طور میانگین ۹۰۰ ساعت را در مکتب می باشند و ۱۲۰۰ ساعت تلویزیون تماشا می کنند. با گذشت زمان از مکتب خارج خواهند شد، عجیب است.

۱۶۰۰۰ بار اعلان تجارتي (۳۰ ثانیه‌یی) در یک سال مشاهده می شود و می دانید چه می گویند: حال پیام مهمی از حامی مالی مان. پیام در عربی رساله است و این دلیل اصلی است. آن‌ها از شما می خواهند که اجناس شان را بخرید و مصرف کنید؛ چون این یک جامعه مصرف کنندگان است.

کارتون‌ها بسیار جدی هستند؛ این کارتون برای نوجوانان است.



کسی که این کارتون را ساخته یک ملحد (کافر) است؛ به هیچ چیز باور ندارد، به همه چیز تمسخر می کند و بدبین است. اطفال این کارتون را می بینند، این کارتون بسیار معروف است.

این یکی کلاً در مورد شبهه، جنیبات و آیین سری می باشد، اسکوبی دو تمام این آئین را در خود دارد.



تمام این کارتون ها به شما عرضه می شود و اطفال تان با این چرندیات رشد می کنند و باید جدی فکر کنید، چرندیات را می آموزند و به آن عمل می کنند! باید جداً فکر کنید که با ذهن اطفال تان چه می شود؛ وقتی بگذارید، تلویزیون را تماشا کنند. اطفال چیزی را که می بینند، تقلید می کنند.

حال ملیفیسنت... ببینید! دیزنی قبلاً فیلم هایی را عرضه می کند که جادوگر یک شخص بود؛ اما حالا آن ها (اطفال) را اغوا کرده اند، این فتنه است.



ببینید! قبلاً جادوگر را به یک عجوزه پیر (پیر زن) تشبیه می کردند؛ ولی با مرور زمان فرق میکند، حال آن ها جادوگر را تشبیه به فردی می کنند که اکثر مردم او را یک زن زیبا می پندارند.



و به او ماسک بافومت را پوشانده اند و حال او اغوا کننده شده.

او (شیطان) مردم را به تدریج منحرف می کند؛ این ها چیست؟! چرا این کار را می کنند؟ چرا بر سرتان شاخ می گذارید؟ ما انسان هستیم، جن نیستیم.



و این علایم را ببینید؛ چرا آن‌ها این سمبول‌ها را استفاده می‌کنند؟ چرا این همه سمبول‌های یک چشمی در بین این هنرمندان وجود دارد.



هیچگاه ندیده‌ام که یک فرد نورمال این کار را بکند؛ چرا آن‌ها چنین می‌کنند؟؛ چون این دین آن‌هاست، آن‌ها خدای یک چشمی را می‌پرستند.

چرا آن‌ها اطفال ما را علاقه مندِ کرکترهای یک چشمی می‌سازند؟



چرا؟! چرا این همه یک چشمی‌ها؟ هدف چیست؟ چرا تمام این سمبول‌ها دارای یک چشم هستند؟

بر اساس (US PATENT 6506 148 B2) صفحات بعضی از تلویزیون‌ها و مانیتورها می‌توانند میدان الکترومقناطیسی ضعیف پخش کنند که در فریکانس‌های (0.5 HZ OR 2.4HZ) انتقال می‌یابند طوریکه رزونانس احساسی را تحریک کنند. اثرات فیزیولوژیکی در پاسخ به تحریک پوست توسط این امواج در یک فرد به گونه‌ی امتحانی مشاهده شده است؛ این امواج رفتار شما را کنترل می‌تواند. این یعنی این امواج تأثیر منفی بر سیستم عصبی شما دارد و باعث می‌شود که مغز شما بر اساس آن از خود عکس العمل نشان دهد و نیز مغز شما را آماده می‌سازد که هر چیزی را از صفحه‌ی تلویزیون اخذ می‌کند، قبول کند.

و می‌دانید! زمانی که شما تلویزیون را تماشا می‌کنید، در یک حالت امواج مغزی می‌روید که متمایل به ترانس (نشه) هیپنوتیزم می‌شوید و آنقدر دقیق است که بر اساس این سیستم بگونه‌ی نیمه آگاه و واقعی ما را تحریک به این می‌کند تا جهان به روش خاصی بنگریم؛ آن‌ها می‌خواهند چیزی که در سر مان است را تلقین کنند تا جهانی را که آن‌ها می‌خواهند ببینیم.

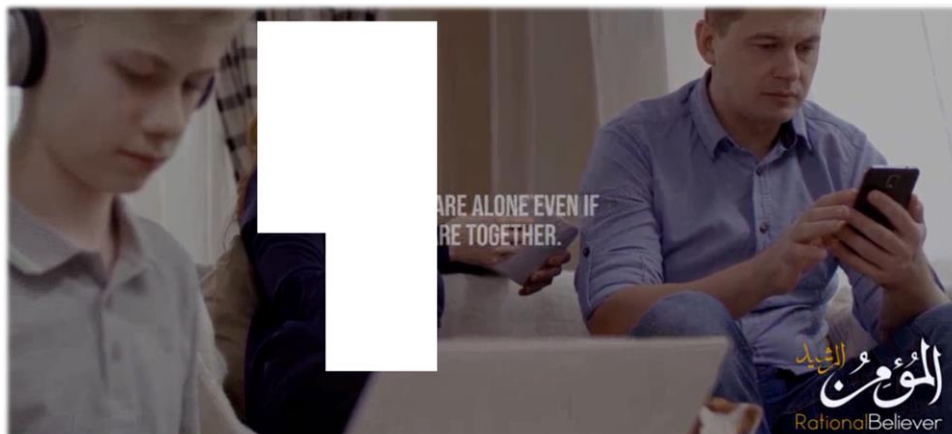
بر اساس فرموده رسول الله -صلی الله علیه وسلم- یکی از علایم قیامت این است که دیش‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کنند و صلۀ رحمی از بین می‌رود. «إِنْ مِنْ أَعْلَامِ السَّاعَةِ وَ أَشْرَاطِهَا أَنْ تَوَاصَلَ الْأَطْبَاقُ وَ أَنْ تَقْطَعَ الْأَرْحَامُ»^۱. این برای من یکی از معجزات پیامبر -صلی الله علیه وسلم- است؛ چون من باور دارم! در الجزائر مردم به دیش چه می‌گویند؟! طَبَّقْ! در آفریقای شمالی به ستلایت دیش اطلاق می‌گویند و این معنای دقیق اش است. در شرق آن را صحنون یا دیشات می‌گویند و صُحُون معنای درست آن نیست؛ چون صَحْن به ظرفی گفته می‌شود که صاف باشد (بشقاب)؛ طَبَّقْ به ظرفِ مقعر گفته می‌شود! بناءً اطلاق معنای دقیق آن است و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- دقیقاً کلمه‌ی بی‌را به کار برده که برای ارتباطات دیش‌ها استفاده می‌شود... مُوَاصَلَات. او -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «تواصل الأَطْبَاق» که دیش‌ها به گونه‌ی متداوم با هم در ارتباط اند و مردم صلۀ رحمی (ارتباطات فامیلی) خود را قطع می‌کنند.

به عبارتی دیگر مردم در خانه‌های خود نشسته و تلویزیون را در ستلایت دیش مشاهده می‌کنند و همسایه‌ی خود را عیادت نمی‌کنند.

این برایم یک حدیث شگفت‌انگیز است.

امروزه تمام خدمات ارتباطی (انترنت، خطوط تلفن، شبکه‌های تلویزیونی و غیره) توسط دیش صورت می‌گیرد و دشمن‌تان (شیطان) شما را با این وسایل از هم جدا ساخته است.

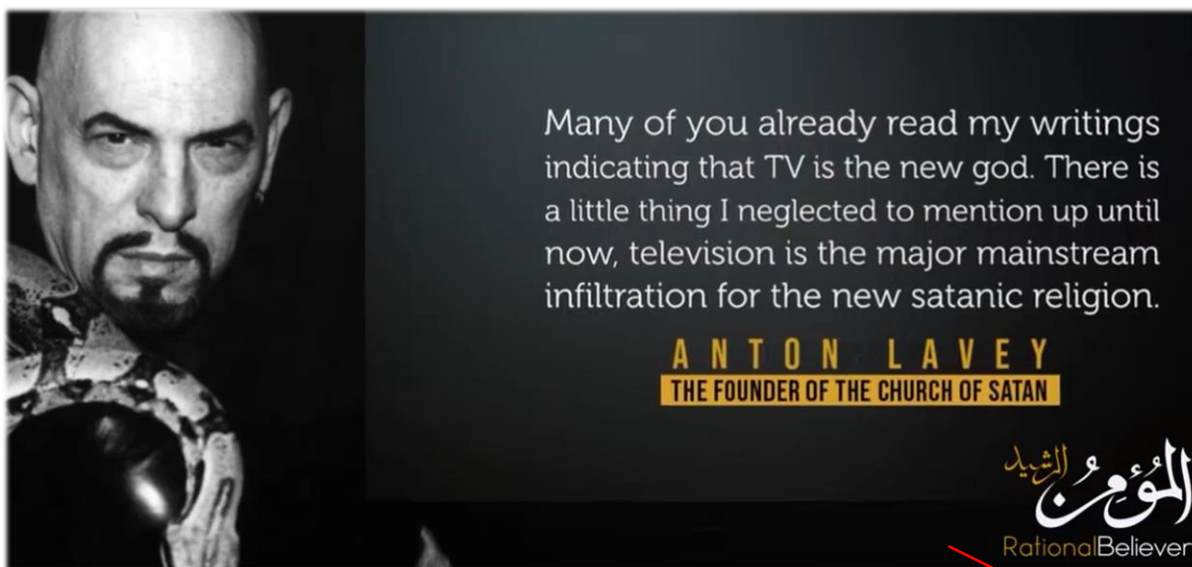
ببینید! شما تنها هستید حتی اگر با هم باشید.



با نسل آینده چه خواهد شد، اگر چنین ادامه یابد؟

شما مسؤول هستید؛ ارزش‌های اصلی و اساسی را به آن‌ها آموزش دهید و آن‌ها را از تأثیرات ابزار نجات دهید.

آنتون لاوی (بنیانگذار معبد شیطان).



می‌گوید: بعضی از شما نوشته‌های مرا راجع به تلویزیون (خدای نوین) مطالعه کرده‌اید. نکته‌ی کوچکی که تا حال یادآوری نکرده‌ام این است که تلویزیون روش اصلی برای نفوذ آئین نوین شیطان پرستی در اجتماع است. (پایان سخنانش)



می‌گوید: تلویزیون وسیله سرگرمی لعنتی است، تلویزیون یک سرکس است، یک کارنیوال است، کاروانی از اکروبات‌ها، قصه‌گویان، رقاصه‌ها، آوازخوان‌ها، جادوگران، شعبده بازاها و

فوتبالیست‌هاست. ما برای از بین بردن خستگی هستیم، خوب اگر حقیقت را می‌خواهید به سوی پروردگارتان بشتابید، به خود رجوع کنید؛ چون این یگانه راهیست که حقیقت را می‌یابید؛ اما شما هیچ حقیقتی را از ما حاصل نخواهید کرد، ما هر چیزی را که می‌خواهید بشنوید برای‌تان می‌گوییم، ما دروغ می‌گوییم، ما برای‌تان می‌گوییم که کوجاک قاتل را دستگیر خواهد کرد و اینکه هیچ کسی در خانه آرچی بنکر مبتلا به سرطان نمی‌شود و هیچ فرقی نمی‌کند که قهرمان (نقش اول فیلم) در چه چالش‌هایی است، نگران نباشید در آخر او برنده خواهد شد، ما هر چرندیاتی را که شما می‌خواهید بشنوید برای‌تان می‌گوییم. ما با فریب سر و کار داریم، هیچ چیزی اینجا حقیقت نیست و شما با سنین، نژادها و عقاید مختلف هر روز و هر شب نشسته و ما را تماشا می‌کنید، ما تمام چیزی هستیم که شما می‌دانید، شما هر چه که اینجا پخش می‌شود را باور می‌کنید، شما به این باور می‌رسید که تلویزیون واقعیت دارد و زندگی خودتان واقعی نیست. هر چه که تلویزیون می‌گوید شما می‌کنید، شما پوشاک و خوراک‌تان را از تلویزیون تقلید می‌کنید. اطفال‌تان را همانطور که تلویزیون می‌گوید بزرگ می‌کنید و حتی افکار‌تان را از آن کاپی می‌کنید! این یک جنون اجتماعی است... مجنون‌ها! به پروردگار سوگند که شما حقیقت هستید و ما یک فریب هستیم؛ پس خاموش کنید تلویزیون‌های‌تان را، خاموش‌شان کنید! همین حالا خاموش‌شان کنید و رهای‌شان کنید! درست در بین همین جمله خاموش‌شان کنید؛ خاموش‌شان کنید!. (پایان سخنانش)

طوفان می‌آید و هیچ مانعی در مقابلش نیست، حال هیچ سقفی وجود ندارد؛ چون سیگنال ستلایت از سقف عبور می‌کند، سیگنال در خانه‌های‌تان وارد شده و شما هیچ مانعی در مقابل آن ندارید. اصحاب کهف چه کار کردند؟ به غار فرار کردند. این چیز است که شما را از دجال حفاظت می‌کند، شما هم در غار باشید و از این چیزها خود را حفاظت کنید.

خانه‌ی شما دارالاسلام است، خانه‌های‌تان را حفاظت کنید و شیطان پرستان را نگذارید که در آن نفوذ کند، اطفال‌تان را حفاظت کنید، آن‌ها پاک و معصوم هستند، ببینید! آن‌ها زیبا هستند، آن‌ها فطرتاً آماده هستند که «لا إله إلا الله محمد رسول الله» را یاد بگیرند، هر چه بگویند آن‌ها باور می‌کنند؛ اما اگر در مقابل این چیزها، رهای‌شان کنید به آن باور خواهند کرد.

قسمت دوازدهم:

موسیقی چگونه شما را به

طرف شیطان می برد؟



قسمت دوازدهم: موسیقی چگونه شما را به طرف شیطان می برد؟

هر کس موسیقی را خوش دارد و از آن لذت می برد، هر کس آوازخوانی، رقص و سرور را خوش دارد؛ پس چرا باید گفت: موسیقی حرام است؟ بسیار ساده است، برای دانستن حکم چیزی باید به قرآن و سنت رجوع کنیم. ما مسلمان هستیم و باید به قرآن و سنت رجوع کنیم. آیا دین خود را خارج از قرآن و سنت گرفته ایم؟ نخیر.

اگر به سنت رجوع کنیم، معتبرترین کتاب برای مسلمانان، هر مسلمانی که پیرو سنت است را بررسی، می گوید: صحیح البخاری. بعد از قرآن این معتبرترین کتاب در روی زمین است و در صحیح البخاری رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «افرادی از امتم خواهند آمد که چیزهای حرام را حلال می شمارند، آن ها زنا را، استفاده از ابریشم برای مردان را، مصرف مسکرات (خمر) را و آلات موسیقی را حلال می شمارند».

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: که مردمی خواهند آمد که این ۴ چیز را حلال می شمارند. پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- خودش موسیقی را حرام گفته است و پی آمدهای آن واقعاً چشم گیر است.

هیچ عالم مسلمانی وجود ندارد که به شما اجازه شنیدن آهنگ های بیانیسی، مدونا، مایکل جکسان و غیره را بدهد. این کاملاً از دایره اسلام خارج است؛ چون در نخست بسیار پلید و زشت است، اشعار آن ها بسیار مزخرف و پلید است، شما را تشویق به آن می کند که بدن تان را حرکت بدهید و طوری که می گویند اندام های تان را تکان بدهید. الله متعال ما را ببخشد. شما اندام های تان را حرکت می دهید و میل جنسی تان بر انگیزته می شود؛ بناءً صنعت موسیقی یک صنعت پلید است. وقتی موسیقی می شنوید کلاً در مورد چگونه جلب کردن جنس مخالف به خود است، کلاً در مورد شهوت و احساسات است، در خانه ناخوش هستید و وقتی به طرف کار می روید هم کارتان را می بینید و فکر می کنید...ووو آنچه در موسیقی شنیدم کاملاً همینجا صدق می کند، چنین چیزها رخ می دهد... آن ها با اذهان ما بازی می کنند.

سال‌هاست که در مورد قدرت تأثیر‌گذاری موسیقی بر ذهن انسان تحقیقات صورت گرفته. صدها مطالعه علمی نشان می‌دهد که موسیقی تأثیر عمیقی بر احساسات، ادراک و رفتار ما دارد.

در سال ۱۸۳۹ هاینریش ویلهلم دوف، کشف جالبی در زمینه امواج صوتی موسیقی کرد. زمانی که از پدیده عجیب ضربان دوگانه مطلع شد، این ضربان، فریکانس‌های مخصوص موسیقی اند که عملکرد امواج مغزی را متأثر ساخته و در نهایت حالت ما را دگرگون می‌کند.

یک تحقیق دیگر در سال ۲۰۱۲ توسط روانشناسی به نام انیت شیرمر، واضح ساخت که ادراک ما از جهان بیرونی می‌تواند توسط ریتم موسیقی، متأثر شود؛ چون امواج مغزی ما با ضربان صوتی هماهنگ می‌شود. نکته بسیار جالب در این تحقیق این است که شیرمر دریافت که وقتی مردم در این هماهنگی قرار می‌گیرند، جهان بیرونی را نیز در همان حالت درک می‌کنند. این یعنی به دلیل کنترل اهتزازات امواج مغزی توسط موسیقی، حالت روانی ما به سادگی تغییر می‌کند.

وقتی امواج مغزی توسط موسیقی کنترل شد، مغز شما با موسیقی هماهنگ می‌شود و اینگونه است که بدن شما از کنترل خودتان بیرون شده و شروع به حرکات غیر ارادی می‌کنید و مغزتان آماده قبول کردن تمام پیام‌های مطرح شده می‌شود، ضربان و نوت‌ها آنقدر تأثیر گذار هستند که شما سریعاً شعر (آهنگ) را حفظ می‌توانید و این اشعار و پیام‌ها بر اخلاق شما تأثیر گذار هستند و اگر ضربان (امواج) قوی‌تر باشند؛ حتی باعث از بین رفتن سلول‌های عصبی‌تان می‌شوند.

موسیقی سیستم احساسات مغز ما را لمس می‌کند و این باعث می‌شود که این قسمت مغز بر قسمت‌های دیگر آن تأثیر گذار شود، فکرش را بکنید، زمانی که ما عاشق می‌شویم چگونه عقل خود را از دست می‌دهیم، این به خاطر قدرت احساسات است. چنین گفته می‌شود که سیستم موسیقی حتی در حصة محدودیت‌های وضع شده خودشان بی توجه است، تنها چیزی که کردند همین بود که یک محدودیت (مشوره والدین) را در عقب سی دی‌ها چاپ کردند. آن‌ها شعر آهنگ‌ها را در معرض دید والدین قرار نمی‌دهند. این عجیب است با وجودی اینکه که

کمسیون ارتباطات فدرال محدودیت‌های سخت در نشرات وضع نموده و موسیقی‌های مشهور بیشتر از طریق همین نشرات (انترنت) به فروش می‌رسند، ما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که یک سیستم وضع شود تا ما را کاملاً از این نشرات مبتذل حفظ کند، ما باید خودمان از خود حفاظت کنیم، ما باید بدانیم که این میدیا و نشرات ما را متأثر ساخته و تغییر می‌دهد و ما باید آگاه باشیم که آن‌ها چه می‌کنند و چگونه می‌کنند و باید تصمیم بگیریم که آیا ما می‌خواهیم این چیزها بر ما تحمیل شود.

به نظرم موسیقی آسان‌ترین راه برای از بین بردن اخلاقیات است، امروزه موسیقی در حقیقت فحاشی صوتی است، دقیقاً همین چیز است، محتویات مبتذل، بی‌حیایی و رکیک، حس انسانیت را از شما دور می‌سازد، باعث می‌شود که زن‌ها را به دیده کالای ببینید؛ حتی بدتر از کالا و بدتر از حیوانات، وقتی این‌ها در مورد زنان حرف می‌زنند مثل این است که در مورد یک حیوان حرف بزنند و اگر به شکل متواتر به این چرندیات گوش دهید گمراه می‌شوید و در هیچ چیز جز نافرمانی الله متعال لذت نخواهید یافت و این نشانه یک قلب بیمار (فاسد) است.

آه بله! موسیقی کاملاً یک ساحه جداست که از این روش‌ها استفاده می‌کند. موسیقی پاپ و تمام فیلم‌های مشهور، تلویزیون و صنعت موسیقی، پیام‌هایی را با خود دارند و تنها یک سرگرمی نیستند. این سرگرمی‌ها رایگان نیستند؛ بلکه یک طرز تفکر خاص را به شما تلقین می‌کنند و مردمی که آن‌ها را تماشا می‌کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ما فکر می‌کنیم که این سرگرمی‌ها مضر نیستند، در حالیکه بسیار مهم هستند. یک نوع سیستم تبلیغات است؛ چون مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بدون اینکه آگاه باشند و این بدترین نوع کنترل مردم در اجتماع است که آن‌ها را بدون اینکه بدانند در کنترل داشته باشید.

حال شما حتی به اشعار گوش داده نمی‌توانید؛ چون خیلی زشت و پلید هستند و فخر الدین الرازی در تفسیر آیه‌یی در مورد شیطان گفته: «تو (شیطان) کوشش می‌کنی که آن‌ها را با صداقت گمراه کنی. او می‌گوید: با اشعار پلید که اطفال شان آن را می‌شنوند و حفظ می‌کنند، آن‌ها را گمراه می‌کند. این در قرن ۱۳ در تفسیر مفاتیح الغیب آمده».

پس حالا وضعیت ما چگونه است! این ها گام های شیطان است او مردم را به تدریج گمراه می سازد.

اطفال در آمریکا به طور اوسط دو و نیم ساعت در روز موسیقی می شنوند.



یک سوم تمام آهنگ های پاپ دارای پیام های تشویقی (مبتذل) است.

تعداد پیام های مبتذل که در خود نوجوانان داده می شود به ۳۵ بار در ساعت می رسد، آن ها روزانه دو و نیم ساعت موسیقی می شنوند، در هر ساعت ۳۵ پیام مبتذل، ۸۴ بار در روز و ۵۹۱ بار در هفته، در مورد الکل و مخدرات در این اشعار گفته می شود، این ها گام های شیطان هستند. ۳۰۷۰۰ بار در سال، طبق آمار درصدی تشویق به مخدرات و الکل در آهنگ ها چنین است. موسیقی پاپ ۹٪، راک ۱۴٪، هیپ هاپ ۲۰٪، آهنگ های (محلی) ۳۶٪، رپ ۷۷٪، و تمام این اطفال به رپ گوش می دهند.

ارتش شیطان.....۱۰۵

این چیز است که این شیطان پرستان می پرستند، بافومیت، اگر متوجه باشید او دو جنسه (ترکیب مذکر و مؤنث) است و نیز علامات و نشانه‌هایی که دارند.



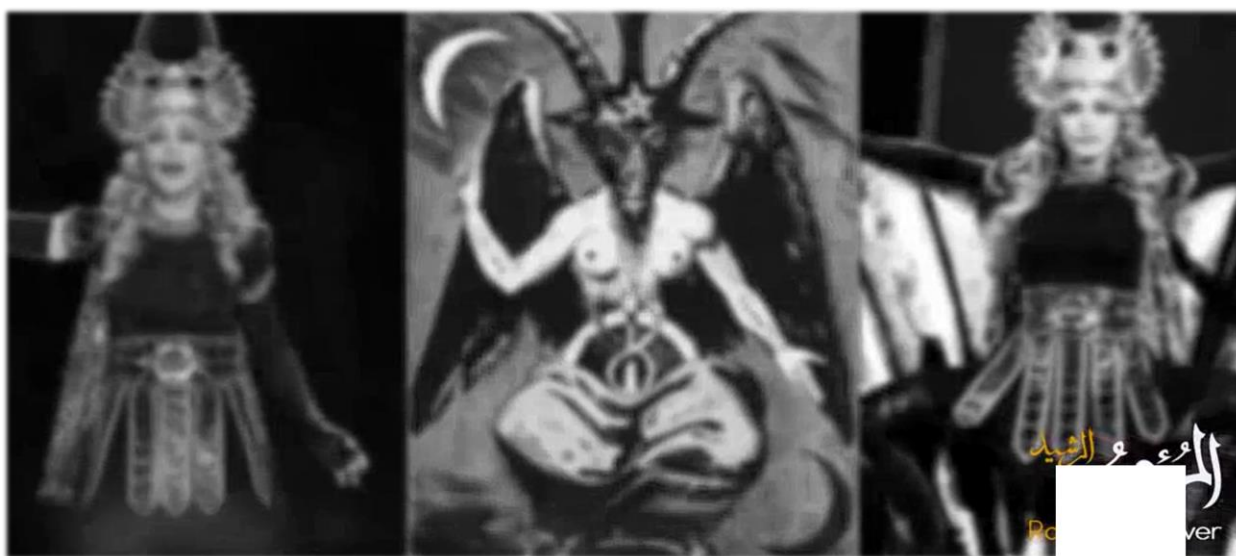
او این علامات را به کار می برد؛ چون عدد ۱۱ شماره شیطان است؛ چون ۱۱ یعنی در پهلوی یک (شکر)، در علم اعداد شان از عدد ۱۱ بسیار استفاده می کنند و آن‌ها ضریب‌های ۱۱ را خوش دارند (۱۱، ۲۲، ۳۳، ۶۶) این ضریب‌ها را خوش دارند، چون آن‌ها در جادوی شان از راز اعداد باخبر اند.



بناءً از این اعداد استفاده می کنند.

وقتی رسول الله -صلی الله علیه وسلم- را جادو کردند؛ در یازده (۱۱) گره دمیدند و به همین دلیل معوذتین یازده آیه دارد؛ چون ما را از جادوی آنها حفظ می کند.

پس ای مردم! این چیزها واقعیت دارد... من آن را، از خود نساخته ام واقعیت دارد، می بینید که مدوناً از بافومت خود تقلید می کند؛ چون او یکی از آنهاست و او یک عدد شناس است و یک عدد شناس است و از علم اعداد کار می گیرد.



لیدی گاگا، ده ها میلیون طرفدار دارد.



بنابر این شیطان پیروان زیادی در تویتر دارد.

حال این مرد (لاوی) معبد شیطان را تأسیس کرد.



او انجیل شیطانی را نوشت و در مورد این نشان که همه آن‌ها به کار می‌برند توضیح داده.



او می‌گوید: این نشانه، نشانه لعنت فرستادن شیطان است.

و می بینی که مردم در کانسرت‌ها این نشانه را به کار می‌برد و فکر می‌کنند خوب است.



مریلن مانسون یکی از پیروان آنتون لای بود.



ده‌ها هزار نفر در کانسرت‌های او اشتراک می‌کنند. او به طور آشکار از مردم می‌خواهد که خداوند را محکوم کنند و می‌گویند: من از شما می‌خواهم امشب خداوند را انکار کنید و آن‌ها همه این کار را می‌کنند.

ای مردم! این‌ها همه واقعیت اند. او به این کار متعهد است او کاهن معبد شیطان است و آن‌ها از موسیقی استفاده می‌کنند؛ چون موسیقی فتنه است، اغوا کننده است، شما را مجذوب خود می‌کند و شما آن را دوست دارید و از آن لذت می‌برید.

حال! این "مایلی" است با موهای شاخ گونه‌اش.



درسته؟ این چیست؟ او در آمریکا میلیون‌ها طرفدار از طبقه اطفال داشت و حال او تبدیل به چنین چیزی شده و اگر توجه کنید این عادت (بیرون کردن زبانش) را از کجا گرفته؛ کالی (یک جن از آیین ویرانگرایی هندوئیزم).



چون این ویران کننده پاکی جوانان است، او واقعاً توسط کالی تسخیر شده، او نمی تواند از این عمل (بیرون کردن زبانش) دست بکشد، حتی از او پرسیدند: چرا این کار را می کنی؟ گفت: مجبورم این کار را بکنم؛ چون کالی (جن) کسیست که این کارها را در کنترل دارد. اگر متوجه باشید آن ها از روش بکماسکینگ (برعکس خوانی) کار می گیرد.



این حرام است که قرآن را برعکس بخوانید، این واضح است چون آن ها در جادو هر چیز را برعکس می خوانند.

الیستر کرولی به آن ها آموخت که چگونه بر عکس حرف بزنند.

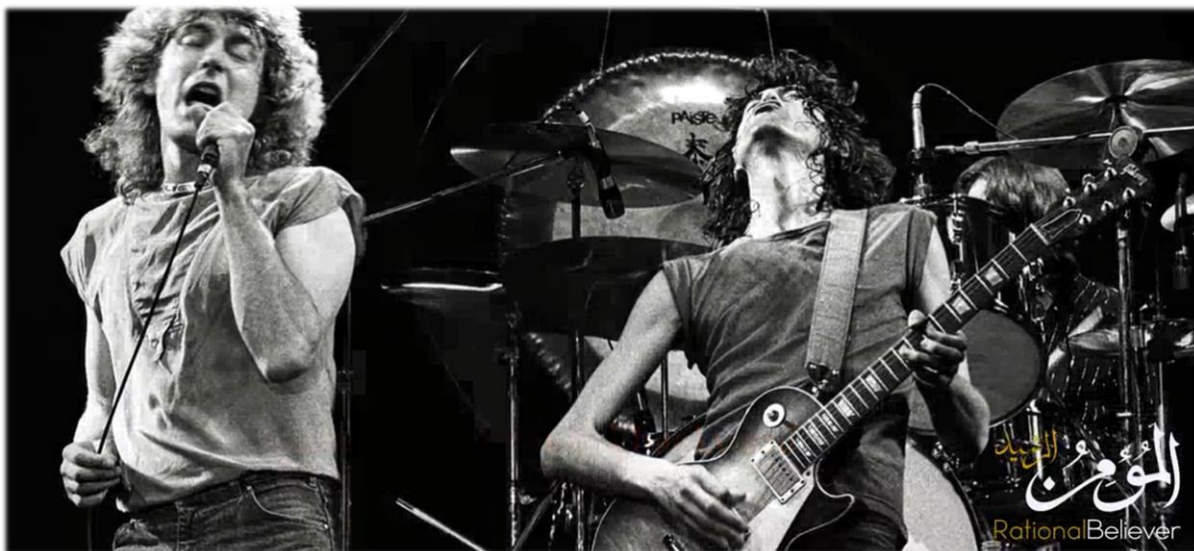


جان لینون می دانست که چگونه برعکس حرف بزند.



و آن ها از روش بکماسکینگ (برعکس خوانی) استفاده می کنند. روشی که با آن هر چیزی را بر عکس می خوانند.

لید زیپلون (پیروان ایستر کرولی) در یکی از آلبوم های خود از این روش استفاده کردند.



بناءً شما پیام های عجیب و غریب را می شنوید.



می گوید: من فکر می کنم که همه ی ما هنرمندان بسیار حساس هستیم و این صنعت موسیقی یک صنعت شیطان است که زندگی و هویت مردم را قربانی خود می کند. (پایان سخنانش)



می گوید: مهم ترین مشکلی که در حال یود بوده است و خواهد بود، سوء استفاده جنسی اطفال است، این بزرگترین مشکل برای اطفال در این صنعت است.

گرداننده از فرد بالا می پرسد: آیا کاستینگ کوچ (رابطه جنسی برای استخدام بازیگر) بالای اطفال هم می شود؟

همین فرد بالا می گوید: بله! اما نه به همان گونه؛ بلکه تحت بعضی از محدودیت‌ها، هیچ کسی در این مورد حرف نمی زند، و این بزرگترین راز است.
گرداننده: آیا به طور گسترده چنین است؟ بله.

مثال دیگر و برنامه دیگر که تصویرشان، مناسب نیست تا اینجا آورده شود و فقط گفتگوی شان را بررسی می کنیم:

گرداننده: حالا در کارت خیلی موفق هستی. آیا در حدود ده سال قبل هم کدام سی دی منتشر کردی؟

مهمان برنامه: بله من زمانی که پانزده (۱۵) ساله بودم یک نوار از انجیل را منتشر کردم؛ چون من در خانواده‌یی بزرگ شده‌ام که همیشه به موسیقی انجیل گوش می‌دادم و والدین‌ام واعظ (خطیب) مسافرتی بودن؛ بناءً در سن (۱۵) تقریباً در مورد چیزهایی می‌خواندم که زندگی‌ام به آن متمرکز بود، به همین ترتیب بعدها با شرکت‌های موسیقی معرفی شدم، قسم می‌خورم من موسیقی را منحیث یک کمک مالی می‌خواستم؛ اما کفایت کننده نبود بناءً روح (نفس) خود را به شیطان فروختم. (پایان سخنانش)



می گوید: من روح‌ام را به شیطان فروختم و می دانم که این معامله ارزشش را ندارد.

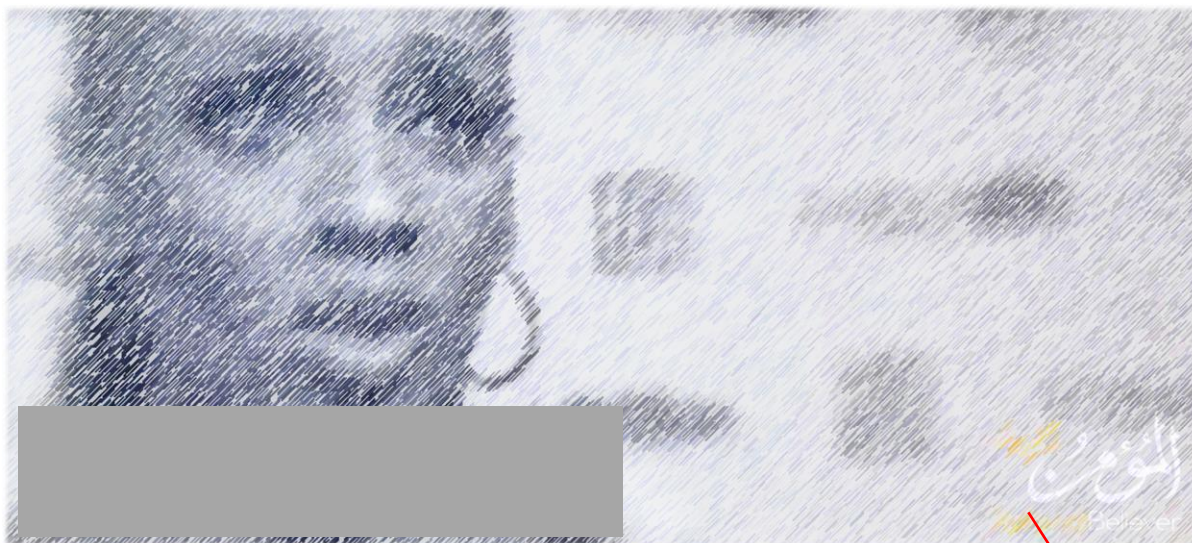
(پایان سخنانش)

از آن جایی که موسیقی یکی از قوی‌ترین اسباب شیطان است، او از آن استفاده کرده تا پیام خود را به اجتماع برساند و به واسطه آن قلب‌ها را فاسد سازد و چون صنعت موسیقی در کنترل شیطان است، هر هنرمندی که بخواهد شهرت کسب کند؛ باید قرار دادی را امضاء کند، قرار دادی که در آن بهای کسب شهرت و ثروت، فروختن روح است، آن‌ها حتی این را در آهنگ‌های خود بیان می‌کنند.

به سخنان این فرد دقت کنید.



می‌گوید: بله من به ایلومیناتی باور دارم، مراحل مشخصی وجود دارد که به آنجا برسی، مراحل که دیگر پیش رفته نمی‌توانی مگر اینکه بعضی چیزها را بدانی و من همینجا خاتمه می‌دهم، منظورم را می‌دانید؟ مراحل مشخصی است که به آنجا برسی، دَری وجود دارد که باید از آن عبور کنی و این وابستگی به خودت دارد که از آن در عبور می‌کنی یا نه و زمانی که عبور کردی... دیگر راه برگشتی وجود ندارد. (پایان سخنانش)



می گوید: اگر هدف نهایی ات کسب شهرت باشد، باید کارهای زیادی بکنی تا به آن برسی، مثلاً اسم ات را با خون در قرار دادی با شیطان درج کنی و این یک جاده یک طرفه است که به هیچ طرف راه ندارد؛ حقیقت همین است، مردم زیادی را دیده ام که به خاطر کسب شهرت و ثروت دست به این کار زدند و در نهایت هیچ ارزشش را ندارد... اصلاً ارزشش را ندارد. (پایان سخنانش)



می گوید: به لوسیفر (شیطان) قسم می خورم. (پایان سخنانش)

متأسفانه! این پیامبران شیطان میلیاردها پیرو دارند.



می‌گوید: ما شاهد جامعه‌یی هستیم که اکثریت مردم دارای هوش ضعیف اند و اندکی از مردم دارای ضریب هوشی بالا هستند. به بیان دیگر این یک نوع سرکوب کردن جامعه است. بناءً همه باید در حد اوسط قرار داشته باشند تا وابسته به دولت باشند؛ چون نمی‌توانند فوقیت (برتری) باشند، مردمی که ضریب هوشی پایینی دارند کاملاً وابسته هستند و در نتیجه این عده کثیر همه چیزی که به خوردشان داده می‌شود را قبول می‌کنند؛ چون آن‌ها توانایی هوشیارانه فکر کردن را ندارند و عده ای اندکی اند که شریق هوشی بالا دارند و عملکرد شناختی ذهن‌شان فعال است و می‌توانند شرایط را واقع بینانه درک کنند و این چیز است که آن‌ها می‌خواهند؛ پس قطعاً این معما را کنار هم بگذارید، چرا آن‌ها پافشاری در مصرف کردن میلیون‌ها دالر برای تبلیغات می‌کنند تا جامعه را سرکوب کنند. (پایان سخنانش)

امروزه! در غرب مردم همه وقت موسیقی می‌شنوند، همیشه گوشی‌های شان وصل است! در ماشین (موتور) سوار می‌شوند و موسیقی را روشن می‌کنند، قدم می‌زنند و گوشی‌های شان وصل است و به موسیقی گوش می‌دهند و مردم لیست طولانی آهنگ‌ها را با خود دارند و برای آن بسیار هزینه کرده‌اند و می‌بینی که همه خود را گم کرده، هیچ وقتی برای فکر کردن ندارند؛

چون زندگی‌شان با این صوت‌ها پر شده، بناءً امروزه شیاطین اسباب زیادی دارند که در گذشته نداشته‌اند... و استفاده مؤثری از آن می‌کنند.

شما نمی‌توانید صنعت موسیقی را کنترل کنید؛ اما می‌توانید خود و اطفال‌تان را در کنترل داشته باشید! به جای موسیقی روح و ذهن خود را با قرآن تغذیه کنید.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «مردمی از امتم خواهند آمد که شراب را با نام‌های دیگر می‌شنوند و بر سرشان آلات موسیقی می‌باشد، الله متعال به زمین امر می‌کند که آن‌ها را ببلعد و آن‌ها را به شکل میمون و خود در می‌آورد»^۱.

آلات موسیقی بر سرشان می‌باشد.



او -صلی الله علیه وسلم- چگونه این را می‌دانست؟ این چیز است که گفته شده من آن را نساخته‌ام؛ فرموده: بر سرشان آلات موسیقی می‌باشد.

در زمان رسول الله چه کسی می‌دانست که این چه معنی دارد؛ اما امروز ما این مردم را در همه جا می‌بینیم، ذهن‌تان آکنده از افکار آن‌هاست... شما دیگر خودتان نیستید، شما به ریحانا، مدونا، هیفا و هبی و یا هر خواننده دیگری که مد روز است گوش می‌دهید.

قسمت سیزدهم:

برخی از ابعادِ شیطانی

صنعت موسیقی.



قسمت سیزدهم: برخی از ابعاد شیطانی صنعت موسیقی.

گر چه بعضی از ابعاد شیطانی صنعت موسیقی را برای تان توضیح دادیم؛ اما بعضی از بینندگان ما ادعاء دارند که ما در این مورد زیاده روی کرده ایم و هیچ ارتباطی بین صنعت موسیقی و شیطان پرستی وجود ندارد.

این ویدیو (می توانید به یوتیوب سر بزنید و مشاهده کنید) یکی از بزرگترین جشنواره های رقص و آواز (کلایمکس) است که سالانه با هزاران شرکت کننده در کشورهای مختلف برگزار می شود، جایی که مراسم شیطانی برگزار شده و از جانب شیطان سخنرانی هایی صورت می گیرد. به هر سخنی که اینجا گفته می شود دقت نموده و بالای آن فکر کنید: او در اطراف شماست، او بر کابوس های شما تسلط دارد، او تاریک ترین احساس است، راهش شما را به تاریکی ها هدایت می کند، آماده باشید؛ چون او امشب اینجا است.



شیطان می گوید: اینجا قلمرو من است، خوش آمدید به کلایمکس، کلایمکس شما را تشویق می کند تا به شیطان درونی خود پیوندید.

گرداننده گان این جشنواره شیطان پرستان هستند.



در هر وقفه موسیقی صدایی پخش می شود که در مورد شیطان سخن می گوید: مدت ها قبل از خلقت انسان نیروی برتری (جن) بر روی زمین حکمفرما بود، نمی توان او را لمس کرد، نمی توان او را شنید؛ اما موجودیت اش را می توان حس کرد.

و آن ها هر دی جی یا خواننده را منحیث خادم شیطان معرفی می کنند تا آمده بر روی استیج (صحنه) اجراء داشته باشد.

یکی از آن ها می گوید: بگذارید کسی را معرفی کنم که تحت سایه ارباب مان (شیطان) قرار دارد، کسی که زندگی (آزادی) خود را برای چیزی برتری فروخته است، او مدیر برنامه امشب ماست و او به رافیان (رذل و بیشراف) ملقب شده است.

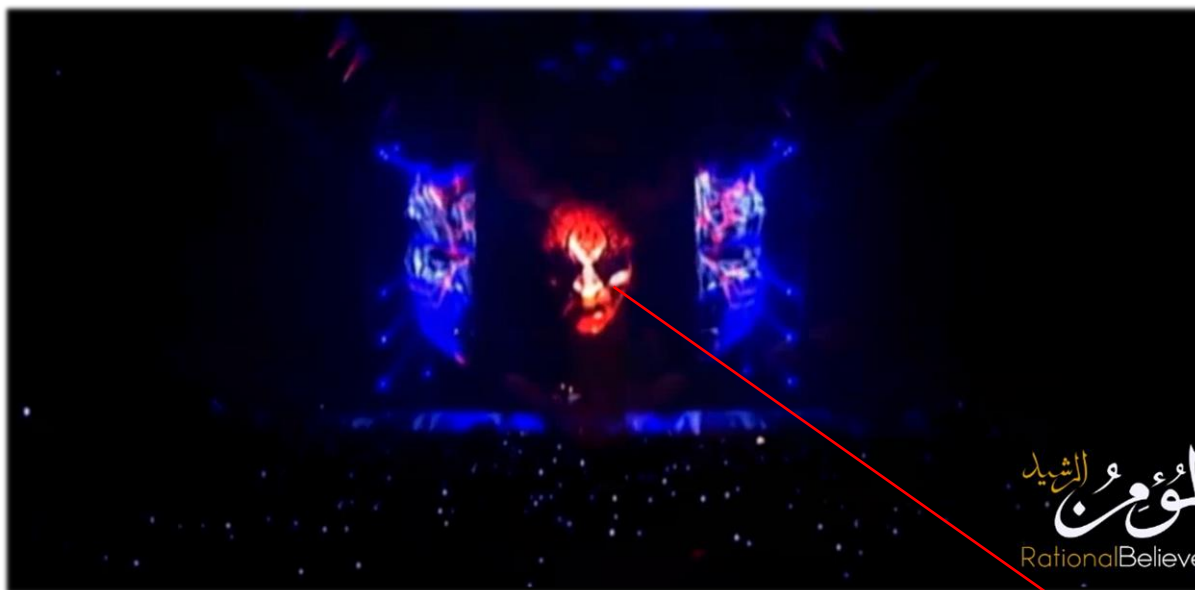
به سخنان این دی جی (خادم شیطان) توجه کنید.



می گوید: امشب من انتخاب شده ام تا تحت سایه اربابم (شیطان) قرار بگیرم و برایم این وظیفه واگذار شده تا شیطان را پذیرفته و ملائک را از خود برانم، بگذارید صدایم شما را هدایت کند؛ اولین شیطانی که باید بر محراب تاریکی اجراء کند، روحیست که سالها رقاصه خانهها را مدیریت می کند، خدای تاریکی از او خواسته تا این مراسم افسانه یی را افتتاح کند که به شما مهارت های خود را آشکار کند تا در اولین قدم های این مسیر نزولی افکارتان را ضعیف سازد. (پایان سخنانش)

بر اساس دروس اسلامی، الله متعال به منظور امتحان برای هر فرد یک جن (قرین) را قرار داده، وظیفه قرین این است تا شما را با وسوسه هایش به پلیدی ها تشویق کند^۱. یکی از دی جی ها چنین می گوید: هر فردی دارای یک بعد تاریک (شیطان) است که قوی و غلبه کننده است، او مسؤول است و بدتر از همه اینکه همه شما او را در خود دارید.

۱- برای جزئیات بیشتر قسمت دوم را مطالعه کنید.



شیطان می گوید: من نمایندگی از شیطان درونی شما (قرین) می کنم، من جسم و روح شما را کنترل می کنم، امشب شما از من هستید. (پایان سخنانش)

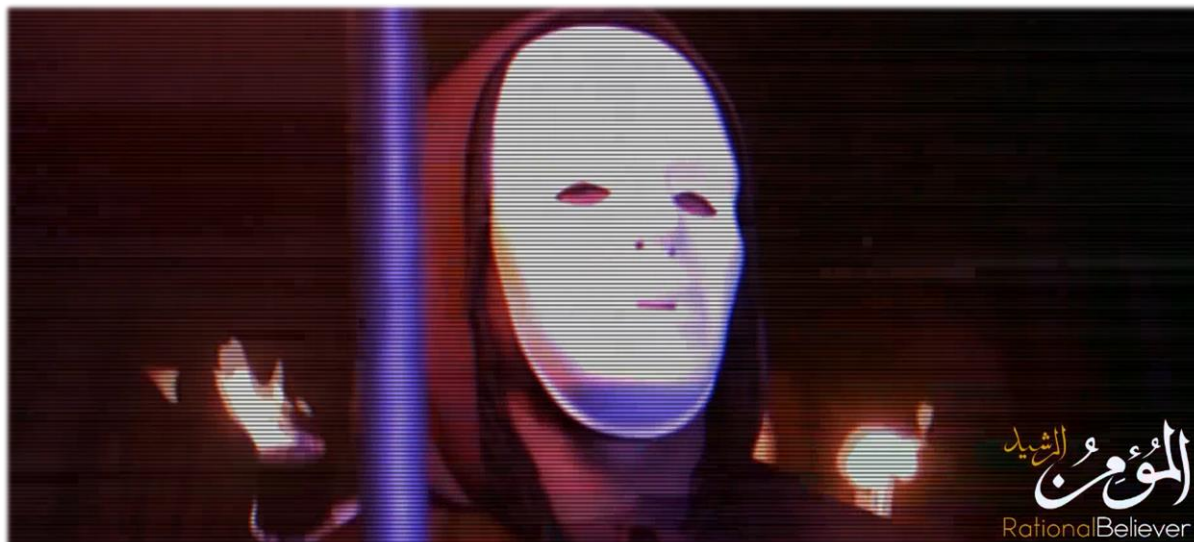
آن ها می دانند که برای هر فرد، یک همراه همیشگی (قرین) وجود دارد و آن را شیطانی درونی می نامند؛ اما چطور این را می دانند؟ چون قرین خدمتگزار شیطان است و او (شیطان) آن ها را با جزئیات می شناسد و به آن ها می آموزد که چگونه مردم را گمراه کنند.

سخنان یکی از گرداننده های جشنواره ی کلایمکس: هرگاه که شما تنها هستید، هرگاه که خواب هستید، او همیشه آنجاست، او بر کابوس های شما تسلط دارد، او شما را با هر قدمی که بر می دارید، کنترل می کند، او در زمین است، او در هوا جاری می شود، او در آب طغیان می کند، او در آب می وزد، او در شعله ها می سوزد و من همه جا در اطراف شما هستم. (پایان سخنانش)

حال اجراء کننده بعدی را بر روی استیج می فرستند، کسی که مردم را بواسطه جادوی موسیقی مسحور می کند.

گرداننده جشنواره کلایمکس: حال اربابمان می خواهد که وسوسه انگیزترین اسلحه اش را استعمال کند که قدیمی ترین طلسم کتاب جادوی سیاه است و می گوید: دومین فرستاده ما،

یکی از دست پرورده‌های دلخواه ارباب مان است و او مفتخر به انجام این بخش مهم در مراسم اربابمان است.



شاید فکر کنید، چگونه ممکن است که بواسطهٔ موسیقی جادو کرد، برای این باید ابتداء بدانید که جادو چیست؛ یکی از انواع جادو این است که شما بواسطهٔ یک جن تسخیر شده و او بدن شما را کنترل کند^۱ و این دی جی‌ها و هنرمندان کوشش می‌کنند که بدن شما را بواسطهٔ این دو وسیله (موسیقی و قرین) کنترل کنند و به همین خاطر بعضی اوقات با ضربان قوی موسیقی بدن‌تان به حرکت‌های ناخودآگاه شروع می‌کند که کاملاً خارج از کنترل شماست و این طور به نظر می‌رسد که گویا تسخیر (مسحور) شده باشید.

گرداننده می‌گوید: وظیفهٔ آن‌ها این است که جمعیت‌های بزرگی را با صوت‌ها و ریتم‌های نفوذکنندهٔ موسیقی، سحر (طلسم) کنند.

دو گروهی از هنرمندان وجود دارند:

۱- آن‌هایی که آگاهانه به شیطان خدمت کرده و اجتماع را فاسد می‌سازند.

۲- آن‌هایی که ناخودآگاه این کار را می‌کنند.

و از میان آن‌هایی که آگاهانه این کار را می‌کنند، فقط عدد اندکی برای اجرای درستی‌های بزرگ انتخاب می‌شوند.

گرداننده کلایمکس می‌گوید: در هر ۱۰۰۰ پیرو فقط یک نفر از خلایق خاصی برخوردار است، خلایقی که با آن حتی ارباب‌مان را مجذوب خود می‌کند و زمانی که چنین شد آن فرد این فرصت را دارد تا بر روی بزرگترین استیج ارباب مان اجرا کند.



آن‌ها حتی می‌گویند که ادیان کوشش دارند تا شما را از موجودیت شیطان اخطار دهند؛ اما شما نمی‌توانید موجودیت او را قبول کنید.

گرداننده کلایمکس می‌گوید: ادیان در کتب مقدس‌شان کوشش به اخطار دادن شما نمودند، درس‌هایی از اقوام صلح جو در مورد حقیقت به شما گفته اند؛ اما این ثابت شده که همه آن‌ها بی‌هوده بودند، شما هنوز به وجود او (شیطان) قانع نشده اید، شما هنوز قدرت بعد تاریکی را احساس نکرده اید و شیطان می‌گوید: من بدتر از آنچه شما تصور می‌کنید هستم.

ببینید که آن‌ها چگونه با فرقه‌های سری (فریماسون‌ها/ ایلومیناتی) در ارتباط اند.

این مراسم با صدای رهبر روحانی ما (رفیان) اجراء می‌شود.



می‌گوید: بگذارید صدایم شما را هدایت کند، من شما را به سطح بالایی از آگاهی می‌رسانم،

مرا تا جهانی با ابعاد دیگر تعقب کنید و خود شاهد باشید پیروانم!

گرداننده می‌گوید: کاهنان فرقه‌های سری با صدای شان ما را خشنود ساختند. (پایان

سخنانش)

بعد از ساعت‌ها موسیقی به حضار می‌گویند: که حال همه شما نفرین شده‌اید و هیچکس این سخنان را جدی نمی‌گیرد؛ چون چشم‌های‌شان به حقیقت کور است.

گرداننده کلایمکس می‌گوید: مبارزه‌یی طولانی بود؛ اما در نهایت خدای تاریکی‌ها، شما را در قلمرو خود فروکش کرد و حال شما ارواح نفرین شده هستید که در زندان ارباب‌مان زندانی شده‌اید، شما اسیر او هستید. (پایان سخنانش)

شما صنعت موسیقی را مانع شده نمی‌توانید؛ اما می‌توانید نفس‌تان را کنترل کنید، آنرا با موسیقی تغذیه نکنید.

قسمت چهاردهم:

بازی‌های رایانه‌یی (ویدیو گیم).



قسمت چهاردهم: بازی‌های رایانه‌یی (ویدیوگیم).

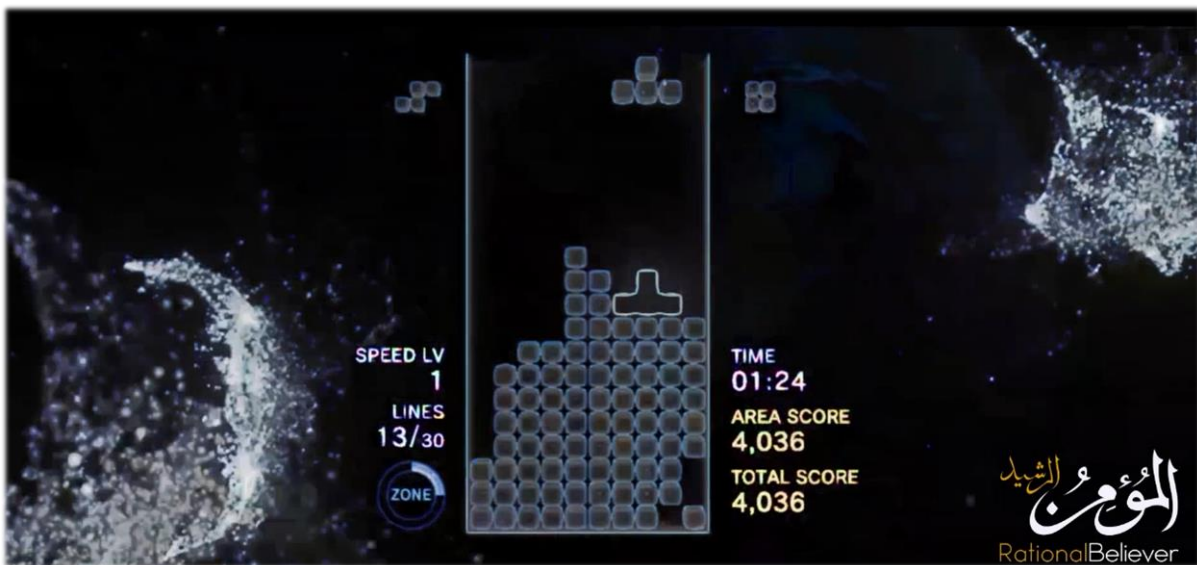
اثرات ویدیوگیم (بازی‌های ویدیویی) آفت بزرگی در جامعه‌مان منظورم جامعه جهانی است. این یک صنعت چند میلیون دالری است که اکنون قدرت و منابع بزرگی را در اختیار دارد که بگونه باور نکردنی مضر و اعتیاد آور است که حتی سبب مرگ مردم شده، یک پسر جاپانی (ژاپنی) تا حدی بازی می‌کرد که بر سرش حمله قلبی آمد، سبب مرگ مردم شده.

این درست است که عده کمی از مردم به آنگونه معتاد می‌شود، به همین دلیل اسلام برای مردم رحمت است؛ چون چیزهایی که برای مردم مضر است را منع نموده است و هر کسی که فقه را خوانده باشد می‌داند که در آن بخشی در مورد بیع است که در آن، فروختن اسباب لهُو منع قرار داده شده است، فروختن گیم (بازی) حرام است، می‌توانید که به بازی‌های خود بپردازید، مثلاً اطفال با سنگ‌ها (هفت سنگ) بازی می‌کنند، اطفال کوچک برای‌شان مهم نیست که چه چیزی را به آن‌ها می‌دهید؛ اما درآمد از طریق فروش اسباب لهُو در شریعت جایز نیست، هیچ کسی دیگر در این مورد حرف نمی‌زند و فکر می‌کنند آه برو این کار را بکن و اشکالی ندارد، این وضعیت کنونی ماست؛ چون شیطان ما را به گونه تدریجی منحرف می‌سازد پس اگر به پی آمدهای آن توجه کنید:

- ✘ انزوای اجتماعی؛
- ✘ تنبلی در درس مکتب؛
- ✘ چاقی (افرادی که بازی می‌کنند چاقتر از آن‌هایی اند که بازی نمی‌کنند)؛
- ✘ ضایع کردن وقت (که در دین ما گناه بزرگی محسوب می‌شود، این حرام است که وقت را ضایع کنیم)؛
- ✘ گرایش به خشونت (این را می‌دانیم)؛
- ✘ ضرر مالی؛
- ✘ و کاهش همدلی (حس همدلی‌تان کمتر می‌شود).



اوسط سنِ افرادی که بازی می کنند ۳۵ سال است، واقعا چکار می کنید؟! جدا میانگین سن آن ها ۳۵ سال است، زمانی که یک بازی به نام تیترس وجود داشت.



و قبلاً آن را بازی نکرده بودم، بناءً شروع به بازی کردن کردم، بله جالب به نظر می‌رسید، من آنرا بازی کردم^۱ و نمی‌دانم برای چند ساعت آنرا بازی کردم وقتی آنرا بس کردم، صورتم را چرخاندم (دور دادم) و دیدم که آن تصاویر جلوی چشمم پایین می‌آمدند و اصلاً دیگر بازی نکردم (خانمم شاهد است) هیچگاه به سراغ آن بازی‌ها نرفتم، من مخالف آن بازی‌ها هستم، آن‌ها بازی‌های مضر هستند و به شما هم توصیه می‌کنم که:

- ✓ این بازی‌ها را کنار بگذارید؛
- ✓ از وقت تان استفاده درست کنید، زبانی را بیاموزید؛
- ✓ بروید با مردم (اورنگ اصلی) در مورد اسلام حرف بزنید؛
- ✓ بروید بگونه گروه‌های داوطلبانه کاغذها را از روی سرک (خیابان) جمع کنید؛
- ✓ جدا بروید یک کار مفید انجام دهید؛
- ✓ بروید فوتبال بازی کنید؛
- ✓ به ملاقات مادر بزرگ‌تان بروید؛
- ✓ بروید به ملاقات مریضانی که هیچ کس جویای احوال‌شان نمی‌شود؛
- ✓ کار مفیدی انجام دهید و وقت‌تان را با این بازی تلف نکنید.

۴۹٪ افرادی که مشغول این بازی‌ها هستند ۱۸ تا ۴۹ ساله هستند، ۲۵٪ زیر سن ۱۸، ۲۶٪ بالای ۵۰ سال؛ بناءً این یک مصیبت عام است.



۱- شخص سخنان (عالم مسلمان) که در مورد خودش می‌گوید.

به این درگیری‌های فیزیکی نگاه کنید.



بازی کن‌ها، ۴۰٪ خانم‌ها در آمریکا در این درگیری‌ها سهم داشته‌اند، ۵۱٪ مردها آن‌هایی که بازی نمی‌کنند را ببینید، ۱۴٪ در برابر ۲۸٪ می‌گویند: آه نمی‌توانی این قیاس را ثابت کنید؛ برای دانستن این حقیقت نیازی به متخصص راکت (موشک) نیست، نتایج ضعیف در مکتب، خانم‌ها ۴۰٪ و ۳۵٪ آقایان، آن‌هایی که بازی نمی‌کنند ۲۰٪ و ۲۳٪، هیچ ربطی ندارد، نمی‌توانی ثابت کنی! صدمه به اموال... بازی کن‌ها ۱۵٪ و ۲۳٪، این‌ها مردمی هستند که به اموال صدمه می‌رسانند، به عبارت دیگر تخلف، ۵٪ خانم‌ها و ۱۰٪ آقایان که به نظرم هنوز هم درصدی بالایی است، ۸۹٪ بازی‌های مشهور دارای محتوای خشونت آمیز است که نیم آن به شکل جدی است.

بازی ایکه بیشتر مورد انتقاد قرار گرفت (گراند تیفت اوتو).



که اصلاً توسط چند جنایت کار ساخته شده است، آن‌ها واقعاً جنایتکار بودند (فروشنده مواد مخدر) که به ایده ساخت این بازی رسیدند، در این بازی شما با کشتن پولیس امتیاز کسب می کنید.

نگاه کنید به این صنعت (صنعت بازی‌های ویدیویی).



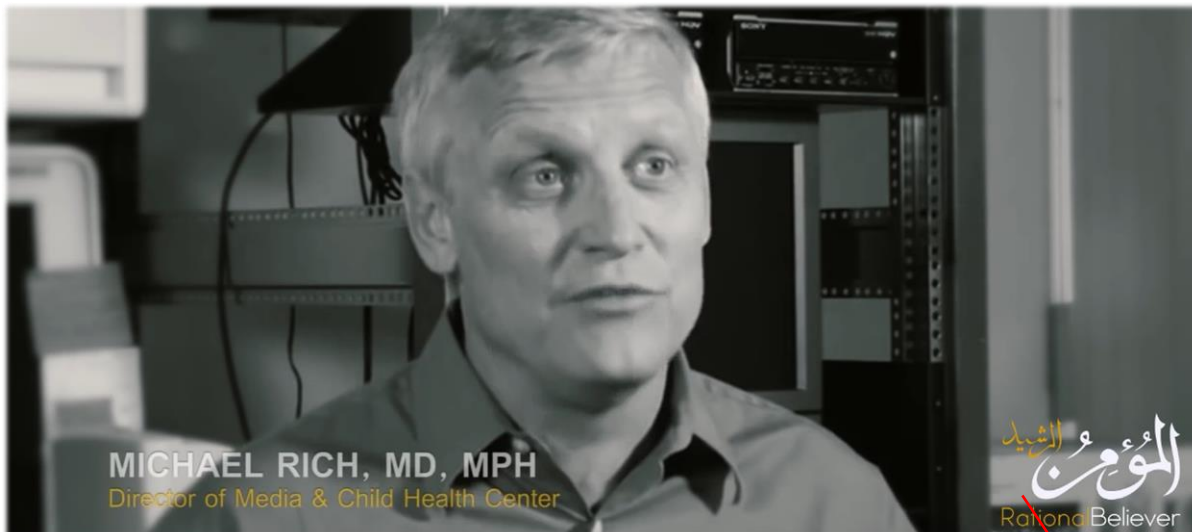
او (شیطان) شما را به تدریج گمراه می کند.

این آمار سال ۲۰۰۸ است که تقریباً صاحب ۱۲ میلیارد دالر بود.



این یعنی قدرت بسیار زیاد... اگر شما آنقدر پول داشته باشید؛ می توانید قضاة را بخرید؛ می توانید مردم را تلقین فکری کنید؛ می توانید کارهای بزرگی بکنید.

به سخنان این فرد (Director Media & Child Health Center) توجه کنید.



می گوید: متأسفانه بازی ها مشهور؛ حتی در بین اطفال همان بازی هایی هستند که به خاطر خشونت علیه دیگران به شما پاداش می دهند و اگر شما به این حقیقت فکر کنید که مردم در مقابل یک بازی شبیه سازی پرواز هواپیما نشسته و می آموزد که چگونه برج های مرکز تجارتي را به خاک یکسان کند و ما اطفال مان را در مقابل بازی های شبیه سازی کشتار قرار می دهیم، ما واقعا به کدام جهت روان هستیم؛ ما باید این حقیقت را در نظر بگیریم که ذهن، افکار و رفتار شان تغییر می کند، اگر تأثیراتی از مدیا و سرگرمی در کار نمی بود ما این کار را نمی کردیم؛ بناءً ما باید با چشمان باز به این مسأله توجه کنیم و بدانیم که ما اطفال خود را تغییر می دهیم، ما خودمان را تغییر می دهیم، ما باید مطمئن شویم که این تغییرات همان چیز است که ما می خواهیم یا نه. (پایان سخنانش)

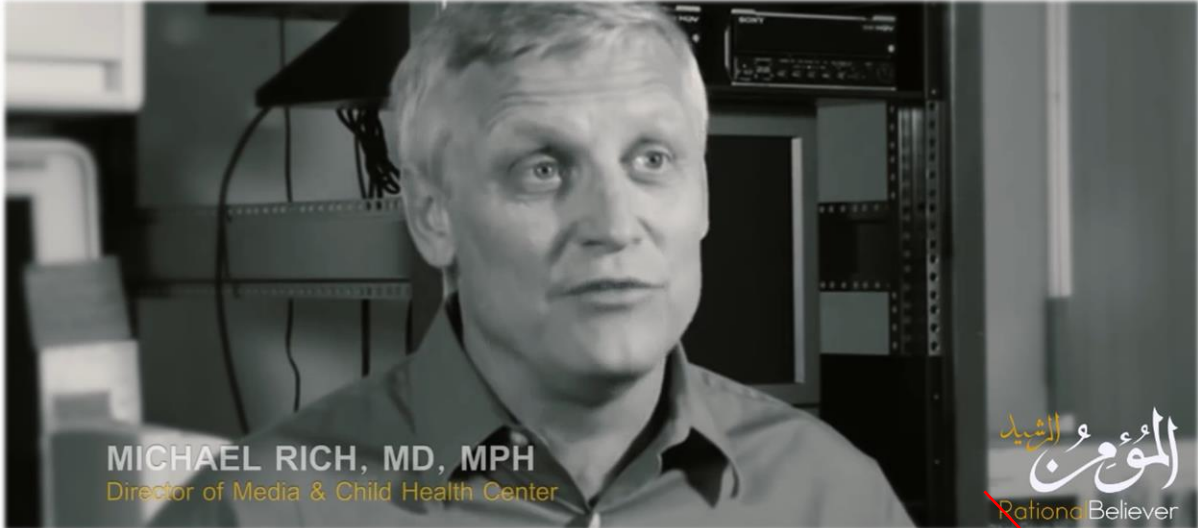
به سخنان یکی از طراحان این ویدیوگیم ها دقت کنید که می گوید: بازی های ویدیویی طوری دیزاین شده اند تا حس همدلی و معیارهای اخلاقی و بخصوص اطفال را تحت تأثیر قرار دهند و این کار باعث شد که من به این کار خاتمه دهم؛ چون من محتوایی را می ساختم که باعث

تخریب همدلی در اطفال و جوانان می‌شد، من طراح صدا بودم تا بواسطه آن شیطان‌ها را (در بازی) زنده بسازم، چرا باید این کار را می‌کردم... این اصلیت من نیست! نمی‌دانم که مردم این را درک می‌کنند یا نه؛ اما این داستان من است که چگونه صنعت ویدیوگیم را ترک کردم؛ چون من نمی‌توانستم بخشی از گروهی باشم که چنین محتوایی را تهیه می‌کنند تا اینکه بیشتر باعث از بین بردن معیارهای اخلاقی مردم گردم. به نظر من هیچکس نباید اطفال خود را اجازه دهد که (ویدیوگیم) بازی کند، هیچکس نباید اطفال خود را اجازه دهد که موبایل داشته باشند یا تلویزیون تماشا کنند! اگر ببینید که چه کسی این گیم‌ها را حمایت می‌کند، می‌دانید! بازی‌های نظامی وجود دارند که توسط خود نظام ساخته می‌شود که اکثراً بازی‌های جنگی هستند و بعضاً توسط (سی آی ای) پشتیبانی مالی می‌شوند، شما باید ببینید که هزینه مالی این بازی‌ها بدوش کیست و از خود خواهید پرسید که پولش از کجا می‌آید؟ در قسمتی از این صنعت نماینده‌یی وجود دارد که ارتباط میان شرکت‌ها و دولت (که به شرکت‌ها می‌گوید چه کار بکنند) را برقرار می‌کند، حال من نمی‌توانم به مرجع خاصی اشاره کنم؛ اما اگر آن بعد قضیه را در نظر بگیرید بسیار واضح خواهد بود که هر چیز مطابق فرمان دولت صورت می‌گیرد بطور مثال چرا شما می‌خواهید چیزی مانند (کال آف دیوتی) را بازی کنید؟

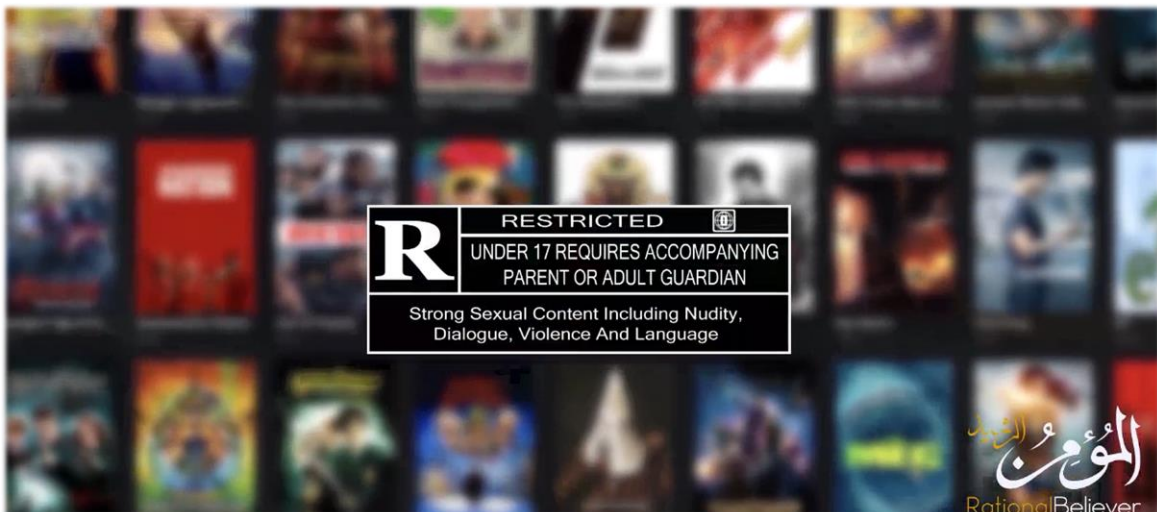


چرا می‌خواهید تفنگی را گرفته و مردم را (بگونه خیالی) بکشید؟! چه چیز باعث می‌شود که ما آنرا سرگرمی فکر کرده و از آن لذت ببریم!؟

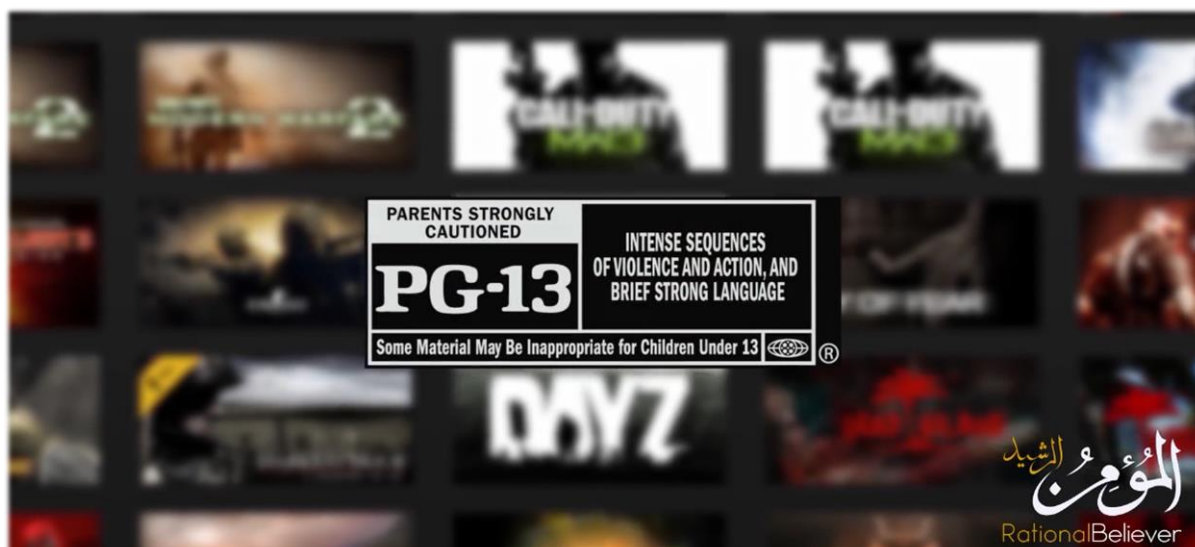
دو باره به سخنان این فرد (Director Media & Child Health Center) توجه کنید.



می گوید: مطالعات پی در پی نشان داده که سیستم وضع محدودیت های سنی، تأثیر گذاری مدیا مورد نظر را دست کم گرفته. مشکل دومی برای من منحیث یک متخصص اطفال و منحیث یکی از والدین این است که محدودیت های وضع شده نه بر اساس علم بوده و نه پی آمدهای پخش این محتوا در نظر گرفته شده، چیزی که آن ها در نظر می گیرند پذیرش اجتماعی آن محتوا است بطور مثال در محدودیت های وضع شده برای فیلم های سینمایی محدودیت (رتبه آر) را برای نشان دادن یک فرد برهنه در نظر گرفته اند.



اما برای دریدن شکم یک انسان فقط محدودیت (رتبه پی جی و یا پی جی ۱۳) در نظر گرفته شده.



و این به ما می آموزاند که این کار نه تنها قابل قبول است؛ بلکه حتی باید خوش آیند باشد، چون ما این کار را برای لذت بردن انجام می دهیم. بناءً متأسفانه سیستم محدودیت ها را باید همانگونه که هستند، دید. آن ها می گویند که ما محدودیت های وضع شده را تشدید کرده ایم؛ اما این تشدیدها فقط بخاطر پذیرش اجتماعی تولیدات شان است نه به منظور صحت و خوبی اطفال. (پایان سخنانش)

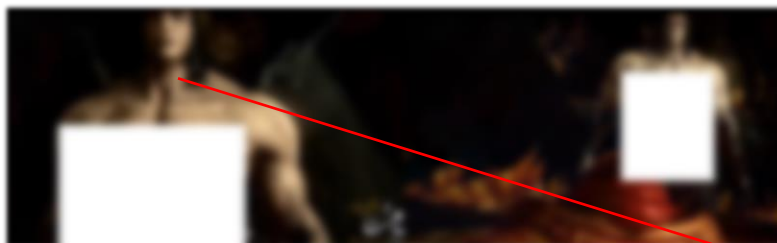
صنعت ویدیوگیم یکی از قوی ترین تله های شیطانی است که بخشی عمیقی از اجتماع را مورد هدف قرار داده و باعث یک نوع اعتیاد جدی در میان مردم شده است و این اعتیاد باعث می شود تا ذهن و رفتار تان به سادگی توسط محتوای آن ها دستکاری شود.

بعضی از شما تصور می کند آه من این بازی ها را ادامه می دهم، من هوشیار هستم و تحت تأثیر محتوای آن ها قرار نخواهم گرفتم؛ پس بگذارید برای تان بگویم که شیطان شما را بیشتر از دیگران هدف قرار داده؛ چون او شما را با ادعای اینکه (هوشیار هستید و تحت تأثیر قرار نمی گیرید) بیشتر از همه به طرف این تله می کشاند.

بینید که چگونه شیطان پرستی را ترویج داده و اطفال تان را برای قبول نمودن آن آماده می سازند.



می گوید: من به نیروهای تاریکی فرمان می دهم که قدرت شرارت را بر من بریزند، بگذارید که درهای دوزخ (جهنم) باز شود و در لبه پرتگاه از من چون برادر و دوست استقبال کنید، من فرمان می دهم که هر چیز طبق خواست من باشد.



می گوید: من قصد دارم این جهان را خراب کنم، اگر من نتوانم جهان انسان ها را فرمانروای کنم؛ پس هیچ کس نباید کند. (پایان سخنانش)

آیا این واقعاً سرگرمی است؟ یا آماده ساختن اطفال تان برای نظم نوین جهانی؟ صنعت ویدیوگیم مربوط به شبکه ایلومیناتی و فرقه‌های سری بوده و اجندای آن‌ها را پیش می‌برد. اطفال شما را شیفته شخصیت‌های دجال مانند ساخته تا دجال واقعی را هنگامی که آمد بپذیرند.

چرا اسم این بازی دارک مسایا (مسیح تاریک) است!؟



این مسیح المظلم (مسیح تاریک) است. چرا این مسیح تاریک یک چشم دارد؟



چه کسی آن‌ها را وادار می‌سازد؟ شاید خودشان ندانند که چه کار می‌کنند؛ اما شیطان آن‌ها را وادار می‌سازد؛ چون او مردم را آماده می‌سازد.



می‌گوید: من در زمان سفر کردم تا شما را هشدار دهم، این گذشته من است؛ ولی آینده شما و این یعنی ختم بشریت، پس باید باهم آن را تغییر دهیم. (پایان سخنانش)

آن‌ها حتی در این بازی‌ها به اسلام توهین می‌کنند؛ دروازه مسجد النبوی.



نشان شیطانی (لوس ایلومینادوس) را بالای اسم پیامبر -صلی الله علیه وسلم- قرار داده‌اند.



مأموریت این بازی این است که باید علیه سیستم شریر مبارزه کرد، هر قدر به هدف نزدیک‌تر می‌شوید متوجه خواهید شد که آیات قرآن و دیگر مقدسات اسلام در این بازی جاگذاری شده و این بگونه ناخودآگاه این احساس را به شما منتقل می‌سازد که گویا سیستم شریری که با آن مبارزه دارید اسلام است؛ **یک اجندای دقیق اسلام ستیزی.**



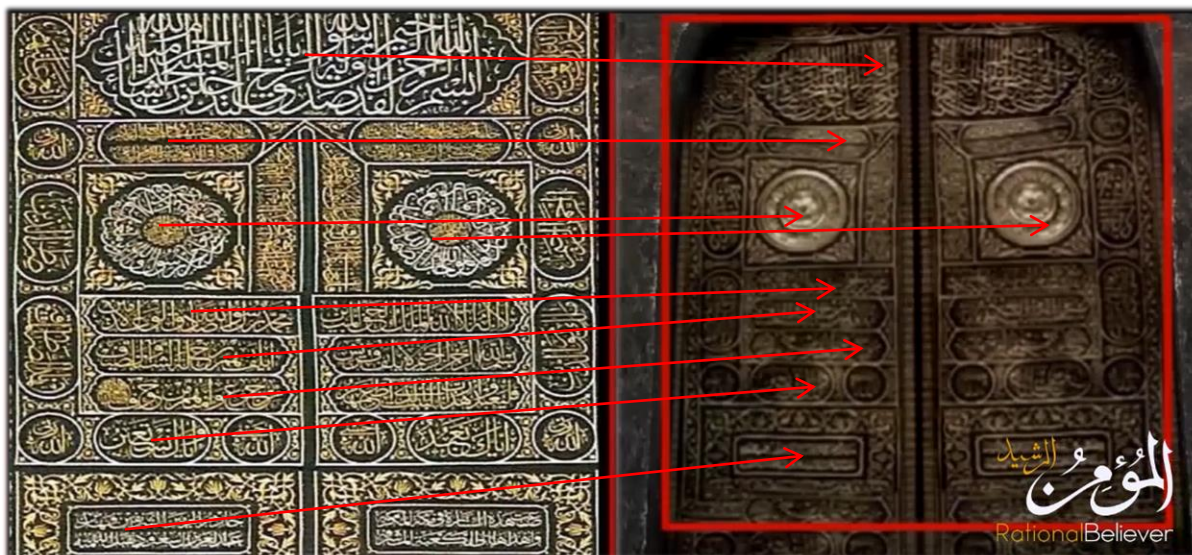
دروازه کعبه در گیم.



و این هم دروازه واقعی کعبه.



عین نشانه‌های که در دروازه کعبه واقعی وجود دارد، همان نشانه‌ها و اشکال نیز در گیم وجود دارد.



آن‌ها دروازه کعبه را در این بازی جاگذاری کرده‌اند.

فردی که در مقابل دروازه است می‌گوید: (بنایی که ترس را بوجود آورد، ترس را).



این‌ها فقط چند مثالی از میان هزاران بازی است که ترویج دهنده فساد هستند و شما آن‌ها را حمایت مالی می‌کنید خواه با خرید تولیدات‌شان (بازی‌ها) و یا با آنلاین بازی کردن؛ چون وقتی شما آنلاین بازی می‌کنید، آن‌ها برای هر ثانیه‌اش پول در آمد می‌کنند خواه با پخش اعلانات و یا استفاده اینترنت برای آن بازی‌ها.

شما همواره در حال پرداخت مقادیر کوچک دالری به شرکت‌های گیم‌سازی هستید و این باعث می‌شود که این شرکت‌ها چندین برابر بیشتر از طریقه‌های دیگر درآمد داشته باشند.

این یعنی شما وقت‌تان (زندگی‌تان) را صرف می‌کنید تا صنعت گیم‌سازی پول بدست آرد؛ زندگی‌تان را صرف منافع شیطان نه بلکه صرف کارهای مفید کنید.

قسمت پانزدهم:

فرقه‌های سری با

نشانه‌های آشکار.



قسمت پانزدهم: فرقه‌های سری با نشانه‌های آشکار.

اکثریت شما این سؤال را مطرح کردید: که اگر فرقه‌های واقعا سری وجود دارند چرا نشانه‌های شان در همه جا آشکار است و چرا هویت خود را پنهان نمی‌کنند؟

این دو دلیل اصلی وجود دارد:

۱- ترویج شیطان پرستی در اجتماع.

فرقه‌های سری می‌دانند که اگر علائم خود را در هر جا آشکار سازند، برای مردم آنقدر عادی خواهد شد که دیگر کسی متوجه تهدید آن نخواهد شد؛ چون اگر چیزی بسیار علنی شود، عام خواهد شد و دیگر کسی آن را جدی نخواهد گرفت، از طرف دیگر این نوعی تبلیغ برای شیطان پرستی و دعوت مردم بسوی آن است تا مردم یا بگونه آگاهانه یا ناخودآگاه در مراسم آن‌ها اشتراک کنند و در نتیجه امروزه شاهدیم که توده‌های مردم از این علائم استفاده کرده و گرایش مردم بسوی نشانه‌ها و علائم شان بیشتر شده و مردم مشتری تولیدات آن‌ها شده و از طرز تفکر شان پیروی می‌کنند و می‌بینیم که مردم در کانسرت‌های شان اشتراک کرده و از مراسم‌شان پیروی می‌کنند؛ حتی بعضی از مردم به فرقه‌های سری پیوسته و عضویت آن را بدست می‌آورند.



بناءً این یک شیوه موفق در گمراه نمودن مردم است که آشکارانه برای خود تبلیغ کنند بجای اینکه خاموش و پنهان باشند و برای دسترسی به این هدف از استفاده هیچ نوع وسیله‌یی که بتواند مردم را جلب کند، دریغ نمی‌کنند.

۲- شیطان می‌خواهد که شما مسئولیت گناه خود را بدوش گرفته و به خواست خود از او پیروی کنید.

شیطان می‌خواهد که شما مرتکب گناه شده و مسئولیت آن را بدوش بگیرید این یعنی اگر نا دانسته مرتکب یک گناه شوید آن گناه قابل بخشش خواهد بود؛ چون شما اصلاً نمی‌دانستید که آن عمل گناه محسوب می‌شود و این چیز است که شیطان آنرا نمی‌خواهد، او می‌خواهد که ابتداء بدانید عملی را که انجام می‌دهید گناه است و سپس شما را دعوت به انجام آن می‌کند و اینگونه است که او مسئولیت گناه را بدوش شما می‌گذارد و تصور کنید که امروزه ما شاهد آن علائم هستیم که عمداً نام‌های شیطانی دارند (مانند: شاخ شیطان، شماره شیطان و غیره).



و مردم از این علائم استفاده می کنند با آنکه می دانند شیطانی است و یا در جشنواره هایی چون هالوین، کارنیوال و بعضی از کانسرت ها اشتراک می کنند و به خواست خود آن مراسم را انجام می دهند با آنکه چیزهای شیطانی را در آن می بینند.

آن ها پیام ها و علائم شیطانی را در آهنگ ها و بازی های ویدیویی (ویدیوگیم) می بینند.



و با آن هم به شنیدن آن آهنگ ها و بازی کردن آن گیم ها ادامه می دهند.

شیطان همه چیز را برای تان آشکار ساخته و در روز قیامت می گوید: من را نه بلکه خود را ملامت کنید؛ چون من به وضوح به شما نشان دادم که چنین و چنان چیز شیطانیت و شما را به انجام آن دعوت کردم و شما با وجودی که آنرا می دانستید از من پیروی و از فرمان الله متعال سرپیچی کردید.

سبحان الله در روز قیامت چنین چیزی وجود ندارد که پدرم پیامبر بود و یا مادرم متقی بود، نه نه نه... اعمال تان شما را به بهشت و یا به جهنم می برد.

الله متعال می فرماید: که شیطان در جهنم یک خطبه می دهد و او می گوید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ﴾ «الله متعال شما را به حق وعده داد»، ﴿وَوَعَدْتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ﴾ «و من نیز به شما وعده دادم و من به شما خیانت کردم، من به وعده خود وفا نکردم» و سپس او چیزی گفت که من می خواهم شما خواهران و برادران گرامی متوجه آن شوید؛ او گفت: ﴿وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ﴾ «من هیچ قدرتی بر شما نداشتم» شیطان می خواهد از خود دفاع کند، او می گوید: من هیچ قدرتی بر شما نداشتم، ﴿إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَأَسْتَجِبْتُمْ لِي﴾ «جز اینکه من شما را به گناه دعوت کردم و شما نیز اطاعت کردید» [ابراهیم: ۲۲].

همین؛ شیطان می گوید: برو به کازینو.



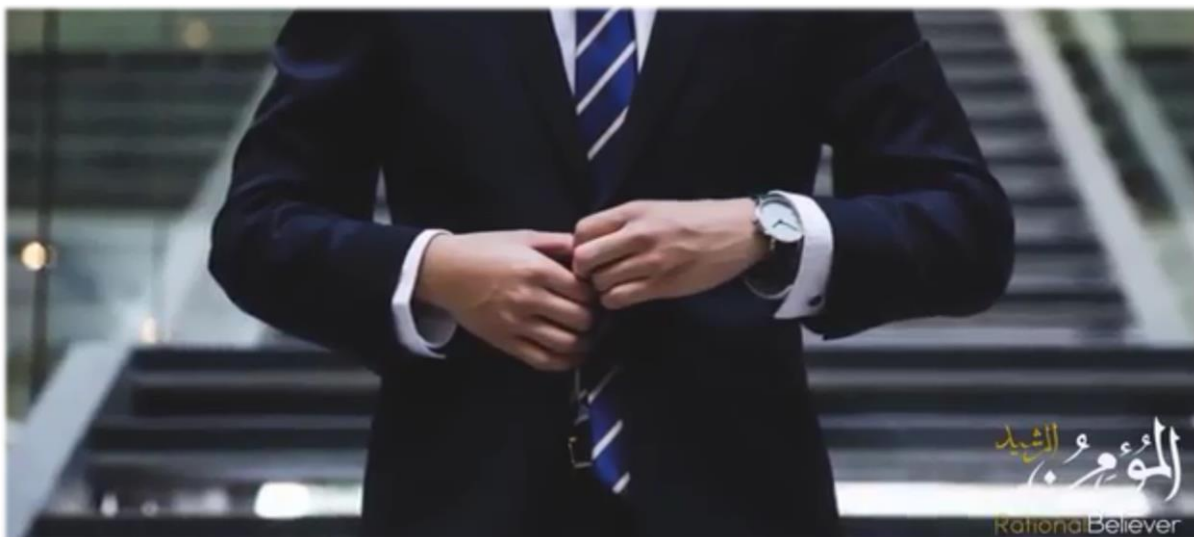
شیطان به شما می گوید: اینترنت را برای چیزی که حرام است صرف کن.



شیطان به شما می گوید: معامله ربا (سود) کن.



شیطان به شما می گوید: لاف بزن و به رخ دیگران بکش؛ چون تو در این کشور و در آن کشور زندگی می کنی.



شیطان به شما می گوید: این از لیاقت توست و چون تو زیرک هستی می توانی تمام این ثروت را بدست بیاری.



شیطان شما را می فریبد؛ او می گوید: ﴿وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ﴾ «من هیچ تسلطی بر شما نداشتم، من هیچ کنترولی بر شما نداشتم، جزء اینکه شما را به گناه دعوت کردم و شما پذیرفتید»، ﴿فَلَا تَلُومُونِي وَوَلُّواْ أَنفُسَكُمْ﴾ سپس می گوید: «مرا ملامت نکنید، مرا نه بلکه خود را ملامت کنید» شیطان می خواهد از خود دفاع کند، من هیچ تسلطی بر شما نداشتم؛ جزء اینکه شما را دعوت به گناه کردم و شما از من پذیرفتید، مرا نه بلکه خود را ملامت کنید.

قسمت شانزدهم:

چهرهٔ تاریک

فمینیسم.



قسمت شانزدهم: چهره تاریک فمینیسم.

ابن عمر روایت می کند که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «دجال به مرقناه (نزدیک مدینه) می آید و اکثراً زنان به سمت اش می روند تا حدی که مردی به سراغ زن، مادر، دختر، خواهر و خاله اش رفته و آن را محکم می بندد تا مبادا به دجال پیوندند»^۱.

این حدیث به ما می گوید که اکثر پیروان دجال زنان خواهند بود و اینکه تأثیر گذاری فریب دجال بالای زنان آنقدر زیاد خواهد بود که نیاز است مردان فامیل بگونه اجباری مانع زنان شوند تا اینکه فریب دجال را نخورند این یعنی وقتی که مأموریت دجال به اوج خود می رسد، چیزی عجیبی در دنیای زنان رخ خواهد داد.

یک فریب بزرگ در جهان زنان امروز جریان دارد که باعث می شود زنان به حدی فاسد شوند که وقتی دجال را ببیند به سادگی به او ملحق شوند و این فریب در عقب پدیده یی به نام فمینیسم پنهان است و این بدین معنی نیست که تمام زنان فریب دجال را خواهند خورد؛ چون خواهرانی هستند که ایمان شان قوی تر از اکثر مردان است؛ بلکه بدین معنیست که اکثر پیروان دجال زنان هستند که طوری تحت تأثیر فتنه های دجال قرار گرفته اند که تلقین ذهنی شده و ظرفیت تفکر منطقی را از دست می دهند، آن ها هر چه را که دجال و پیروانش به خوردشان می دهد، باور می کنند و اینگونه است که آن ها به او «دجال» می پیوندند؛ بنابراین، آن ها همچون روبات در دستان دجال خواهند بود.

حال زمانی که ما به موضوعات فمینیسم نظر می اندازیم، باید بدانیم که فمینیسم ای که در غرب است کاملاً متفاوتتر است از آنچه که ما منحیث یک مسلمان فکرش را می کنیم؛ چون اساس و تاریخی که فمینیسم را در غرب بوجود آورده متفاوت است از آنچه که برای مسلمانان است. بعضی از حقوقی که فمینیسم غربی معرفی کرده کاملاً ضد فامیل و ضد سرشت زنانه است که باعث ترویج همجنسگرایی میان زنان و اعمال انحرافی دیگر می شود، این در سازمان ملل متحد منشور شد، در کانفرانس های زنانه شان این موضوعات حمایت می شود، دامنه چیزی که مناسب و عادلانه بود حال به یک فمینیسم رادیکال مبدل شده که مردان را دشمن تلقی نموده، آن ها

سخن از جامعهٔ مرد سالار می‌زنند که یگانه راهی که زنان می‌توانند واقعاً آزاد باشند این است که از شوهر خود طلاق بگیرند، آنرا گرفته و می‌توان صاحب طفل شد.



مخصوصاً حال که بواسطهٔ تکنالوژی زنان می‌توانند بدون دخالت مرد بچه دار شوند، آنها بانک اسپرم دارند که هماهنگ کرده.



بناءً می‌گویند ما نیاز به مردان نداریم، البته نیاز به مردان دارید که اسپرم تولید کنند؛ بناءً اینطور نیست که به مردان نیاز نداشته باشید... درست؟!

اما موضوع این است که حتی ازدواج را به دیدهٔ ظلم بالای زنان می‌بینند؛ چون این مفکوره که مرد سرپرست فامیل است و... قبول ندارند، آن‌ها این را ظلم می‌پندارند، بناءً آن‌ها بالای نظام خانوادگی حمله‌یی را راه اندازی کرده‌اند و این بحث چیز است که تمام کانفرانس‌های زنان را فرا گرفته، کانفرانس‌هایی که مرتبط به ملل متحد و غیره هستند فمینیست‌هایی آمریکایی و اروپایی بر مباحثات غالب شده‌اند.

می‌خواهید بدانید اجندای اصلی در عقب فمینیسم چیست؟ ببینید اهداف اصلی آن‌ها چیست.

تا سال ۲۰۰۰ فرزندان خود را طوری بزرگ خواهیم کرد که به نیروی بشری باور داشته باشند نه به خداوند (گلوریا استاینم، رهبر جنبش فمینیستی آمریکا و مأمور سی آی ای).

از آن جا که ازدواج باعث بردگی زنان می‌شود واضح است که تمرکز جنبش زنان باید بیشتر روی حمله به این تشکیل "فامیل" باشد (شیلا کرونین یک رهبر رادیکال فمینیست).

خاتمه دادن به ازدواج یک شرط لازمی برای آزادی زنان است؛ بناءً برای ما مهم است که زنان را ترغیب به ترک شوهران‌شان کنیم، تمام تاریخ را باید به دیدهٔ ظلم بر زنان از سر نوشت، ما باید به ادیان گذشته چون "افسون و جادوگری" برگردیم (مکتوب درج شده (اعلام فمینیسم) در سال ۱۹۷۱).

برای اینکه اطفال را با مساوات بزرگ کنیم، باید آن‌ها را از فامیل‌ها جدا ساخته و در اجتماع بزرگ‌شان کنیم، ما باید آن‌ها را از هر گونه تأثیر گذاری مردان دور نگه داریم (ماری جووین رئیس فمینیست مکتب پژوهش روی).

زنان مهربان‌ترین کاری که یک فامیل بزرگ برای یکی از نوزادان خود می‌تواند اینست که او را بکشد (مارکارت سنگر بنیانگذار (والدین پلان شده) منجر به رژه در سقط جنین).

سقط جنین نیاز مبرم میلیون‌ها زن در سراسر دنیا است برای تحقق رویای (فردای بهتر) شان (بنیاد اکثریت فمینیستی).

باید فامیل‌ها از بین رفته و مردم راه بهتری برای همزیستی بیابند، فروپاشی فامیل‌ها یک روند انقلابی عینی است (لیندا گوردون - فمینازی).

این عجیب است که امروز زنان در مورد نقش خود در اجتماع سردرگم هستند، آن‌ها حیران هستند؛ چون تلاش‌های زیادی تحت نام فمینیسم صورت می‌گیرد تا اینکه باعث چنین سردرگمی میام مردم شود و در نتیجه ازدواج‌ها و فامیل‌ها تهداب اصلی نظام اجتماعی و اخلاقی در معرض خطر قرار دارند و بیشتر این مشکلات زیرپای جنبش فمینیسم است؛ چون ذهن زنان را طوری تغییر داده که زنان ارزش واقعی خود و مسئولیت‌های مهمی که خالق‌شان برای‌شان داده را فراموش کرده‌اند. چیزی که عوام در مورد فمینیسم فکر می‌کنند این است که زنان خواهان معاش مساوی بوده و از سخت‌گیری‌های خاص اجتماعی آزاد باشند و ممکن فکر کنیم که این جنبش‌ها برای خاتمه دادن به ظلم علیه زنان؛ اما اجندای اصلی خیلی جدی‌تر است.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «یا ابن مسعود! إنَّ من أعلامِ السَّاعةِ وأُشراطِها مُلْكُ الصِّبْيَانِ ومُؤامِرَةُ النِّسَاءِ»^۱.

«ای ابن مسعود! یکی از علائم قیامت این است که مردم جوان ثروتمند خواهند شد و جنبش‌هایی فاسد ساختن زنان به وجود می‌آید».

این پیامبر ماست که سخن می‌گوید، او صلی الله علیه وسلم می‌فرماید مردم جوان ثروت عظیم خواهند داشت مثل مارک زاکربرگ که قبل از ۳۰ سالگی صاحب ثروت چند میلیارد دلاری شد.

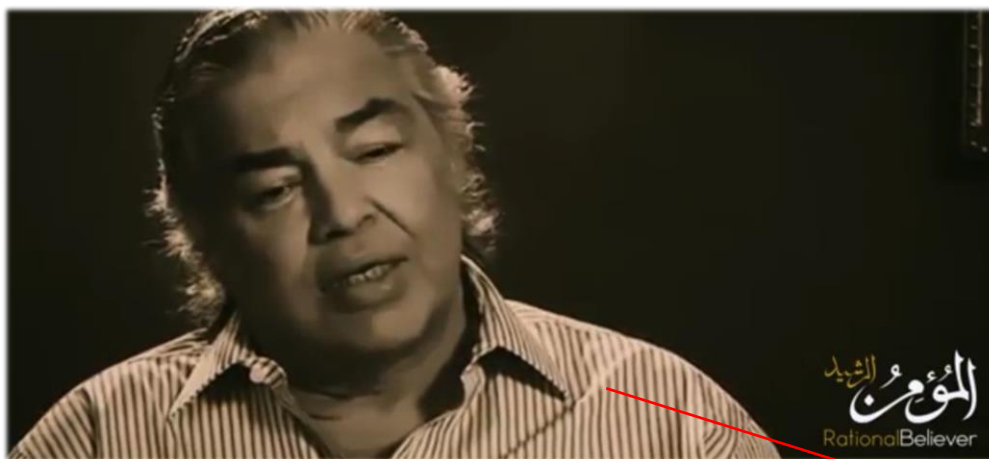


و خواهید دید و جنبش‌هایی را خواهید دید که سبب فاسد شدن زنان می باشد، ببینید چه کسی در عقب این جنبش "فمینیزم" است.

اسامه بن زید روایت می کند که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: عن أسامة بن زيد -رضي الله عنهما- عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «ما تركتُ بعدي فتنةً أضرَّ على الرجال من النساء»^۱.

اسامه بن زید روایت می کند که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «بعد از خود فتنه‌یی خطرناک‌تر از زنان را برای مردان نگذاشتم».

هیچ راهی قوی‌تر از زنان برای نفوذ در مردان نیست، آن‌ها باید مطالعه اصلی ما باشند، ما باید خود را متمرکز به افکار خوب آن‌ها کرده و آن‌ها را تشویق به آزادی از استبداد افکار عمومی و ایستادگی برای حقوق‌شان کنیم، این یک تسکین بی نظیر برای ذهن برده شده آن‌هاست که از هر گونه بند رها شوند؛ چون آن‌ها فقط در تمایلات خود (تحسین شخصی) افراط می کنند (آدم وایسهاوپت بنیانگذار شبکه ایلومیناتی).



می گوید: یکی از چیزهایی که به من گفتند این بود که ما یک شب در خانه او بودیم و حرف می زدیم شروع به خندیدن کرد و گفت: آرونفکر میکنی دلیل جنبش آزادی زنان چه بود؟؛ چون

تا آن زمان در موردش عادی فکر می کردم، گفتم: چیزهایی از قبیل حق زنان برای کار کردن و حقوق (معاش) مساوی با مردان، درست همانطور که می خواهند حق رای دادن داشته باشند، شروع به خندیدن کرد و گفت: تو یک احمق هستی و من گفتم: چرا احمق هستم؟ گفت بگذار برایت بگویم هدف اصلی عقب آن چه بود؛ گفت ما (راکفیلرها) این جنبش را تأمین مالی کردیم ما جنبش آزادی زنان را تأمین مالی کردیم و ما کسانی هستیم که تمام رسانه‌ها و مجلات را در کنترل داریم، بنیاد راکفیلرها گفت دو دلیلی اساسی وجود داشت؛ دلیل اولی اینکه قبل از آزادی زنان، نیم جامعه تکس نمی پرداختند و دلیل دومی این بود که حال اطفال در سنین کوچکتر به مکتب (مدرسه) می روند و ما می توانیم افکارشان را از همان سنین کنترل کنیم و اینگونه نظام فامیلی را از بین می بریم و اطفال والدین خود را نه بلکه دولت، مکتب و ادارات را چون فامیل می بینند، بنابراین این دو دلیل اساسی برای نهضت آزادی خواهی زنان بود که من آنرا تا آن زمان یک چیز خوب می پنداشتم؛ اما وقتی نیت، اهداف و منشأ شوم آنرا دانستم، شرارت را در عقب آن (چیزی که فکر می کردم یک حرکت خوب است) دیدم. آرون آیا می دانی که گلوریا استاینم در یکی از کتاب‌هایش اقرار کرده که سی آی ای (مجله مس) را حمایه مالی کرده؟ نه اصلاً نمی دانستم، هیچگاه نشنیده بودم، سی آی ای پشتیبان مالی (مس مگزین) بود؟ مس مگزین را با اهداف بیان شده (گرفتن مالیه از زنان و از بین بردن نظام فامیلی) حمایه کرده، شوخی نکن، اصلاً نشنیده بودم، خوب اگر چه هدفی که در عقب آن بود را می دانستم، ولی نمی دانستم که سی آی ای در آن دست دارد، او (گلوریا استاینم) افتخار می کرد، که سی آی ای می خواست او را در راستای کمک به زنان همکاری کند، بنابراین آن را حمایه کرد، بله... هدفشان تفرقه انداختن و حکومت کردن است، کاری که آن‌ها کردند این بود که روی مشکلات اصلی تمرکز کنند، از طرق مختلف اصلاحاتی در امور زنان آوردند؛ ولی هدف طبقه ممتاز کمک کردن آن نبود، می خواستند واقعا اصلاحاتی آورده و مردان را از آنان دور سازند. (پایان)

دلیلی که ما باید این جنبش را جدی بگیریم این است که آن‌ها جبهه گیری می کنند، حدس و گمان‌هایی را بوجود می آورند، مفکوره‌ها روشنفکری مغرورانه ای که در جامعه برپا شده و جایگاه خاصی پیدا کرده، آن‌ها قانون و محکمه‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و بر سیستم آموزشی تأثیر عظیمی می گذارند، تنها کاری که باید بکنید این است که نگاه واقع بینانه‌یی بر سیستم

دانشگاه‌ها بیندازید، آنجا جایست که معلمین مکاتب (مدرسه‌ها) آموزش می‌بینند و اینگونه خواهید دید که به چه شکلی از طریق سیستم آموزشی، ذهنیت دهی می‌کنند. آن‌ها سعی بر این دارند که قوانینی را ایجاد کنند، و ما ناچاریم که با همان قوانینی که اساسات اخلاق و دیدگاه‌های دینی را از بین می‌برند، زندگی کنیم و افکار خود را از هر طریق ممکن بالای مردم تحمیل می‌کنند؛ خواه از طریق آموزش باشد، خواه سرگرمی و در نتیجه جامعه تلقین شده‌یی خواهیم داشت که تمام افکار شیطانی آن‌ها را پیروی می‌کند.

متأسفانه امروز بعضی از مردم (حتی خواهران مسلمان) از جنبش فمینیستی پیروی می‌کنند بدون اینکه هدف شومی که در عقب آن نهفته است را بدانند؛ چون اکثراً حقیقت پشت پرده این جنبش از دیدگاه عوام پنهان می‌ماند اگر چه خیلی آشکار است. ببینید چگونه آنرا از طریق صنعت موسیقی ترویج می‌دهند و ببینید مردم چگونه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، آن‌ها ارزش‌های اخلاقی که سبب خیر فامیل‌ها و اجتماع می‌شود، را هدف قرار داده‌اند.



چهارده قرن قبل، در قرن هفتم میلادی رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در خطبة الوداع، در آن خطبه فرمود: «یا ایها الناس، ألا إن ربکم واحد» «ای مردم پروردگارتان یکی است»، «وإن أباکم واحد» «و پدر همه‌ی تان آدم -علیه السلام- یکی است»، «ألا لا فضل لعربی علی أعجمی» «به الله سوگند هیچ برتری عرب نسبت به عجم ندارد»، «ولا لعجمی علی عربی» «و نه عجم کدام برتری نسبت به عرب دارد»، «ولا لأحمر علی أسود» «و نه سفید پوستی بر سیاه پوست برتری دارد»، «ولا لأسود علی أحمر» «و نه سیاه پوستی بر سفید پوستی»، «إلا بالتقوی» «جز بر حسب تقوای شان».

این بیانیه چهارده قرن قبل، بیانیه‌ی برای حقوق مدنی و عدالت است که ممالک غربی در قرن نوزدهم و بیستم به آن دست یافتند؛ بنابراین ما پیشینه متفاوتی داریم، قوانین ما قوانین الهیست که خالق (جهان و هر چه در آن است) آنرا نازل کرده، آن کلام و یا بیانیه را که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- چهارده قرن قبل ارائه کرده در هیچ تمدنی پیدا کرده نمی‌توانید! از قرن هفتم الی قرن بیستم، جایکه یک بیانیه واضح برای مساوات و مخالفت به ملت‌گرایی و قوم‌گرایی، ارائه شده باشد؛ هر قدر سخت هم جستجو کنید چنین بیانیه‌ی نخواهید یافت در تمام کشورهای اروپایی، کشورهای شرق دور، شرق نزدیک، اصلاً وجود ندارد و دلیل آنکه آن بیانیه در آن زمان ارائه شده بود، زمانی که در هیچ جای دیگر چنین چیزی ارائه نشده این است که وحی از جانب الله متعال بود؛ به همین دلیل چهارده قرن قبل ارائه شده بود، زمانی که هیچ کسی در هیچ جای دنیا به آن فکر نمی‌کرد.

بناء وقتی ما به موضوعات فمینیسم مشاهده می‌کنیم، باید آن‌ها را از این زاویه ببینیم که اسلام از قبل به اساسات حقوق زن پرداخته، همه‌اش در اسلام موجود است، حقوقی که برای منفعت زنان است، همه در اسلام موجود اند.

هیچ طرز تفکری، هیچ جنبش سیاسی، هیچ ارتشی، هیچ تمدنی، هیچ فرهنگی، مانند اسلام حقوقی برای زنان در نظر نگرفته؛ زنان زنده به گور و دختران در نوزادی کشته می‌شدند، هیچ حقی برای شان قائل نمی‌شدند، زنان در همه جوامع برده بودند حتی کشورهای اروپایی، آن‌ها برده بودند و خرید و فروش می‌شدند، هیچ حقوقی نداشتند، کشته می‌شدند و وقتی اسلام

آمد برای شان تحت قانون، حقوق مساوی قائل شد و نیز واضح ساخت که زن روح (نفس) دارد، حال این ممکن است عجیب به نظر برسد.

الله متعال می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ﴾ [المدثر: ۳۸].

«هر نفسی مسؤول اعمال خود است».

و این ممکن عجیب باشد، چرا می گوییم زنان روح دارند؟ ما آنرا می دانیم؛ اما از کلیسای عیسویان در قرن بیستم پرسیده شد آیا زنان روح دارند؟ و بعضی از کشیشان و کاهنان گفتند: نه! آن‌ها موجوداتی فاقد روح هستند؛ تا قرن بیستم با این تفکر بودند.

اسلام حق مالکیت را نیز به زنان ارائه کرده که دارائی اش به خودش تعلق دارد که مهر مبلغی از دارائی است که معنی دارد نه اینکه یک چیز سمبولیک باشد، نه اینکه بی ارزش باشد و یا رشوه‌یی برای پدر؛ بلکه مفهومی دارد و آن اینکه دارائی خانم می باشد. اسلام این حقوق مالکیت را بوجود آورد، بنابر این تا امروز حق دارد که مالک دارائی خود باشد و بالای حساب بانکی خود حق دارد، مجبور نیست که پول خود را در حساب بانکی شوهرش واریز کند. اسلام نیز می گوید که او مجبور نیست که تخلص (نام خانوادگی) شوهرش را بر خود بگذارد، او می تواند نام خانوادگی خود را حفظ کند، او پدر و مادر خود را دارد.

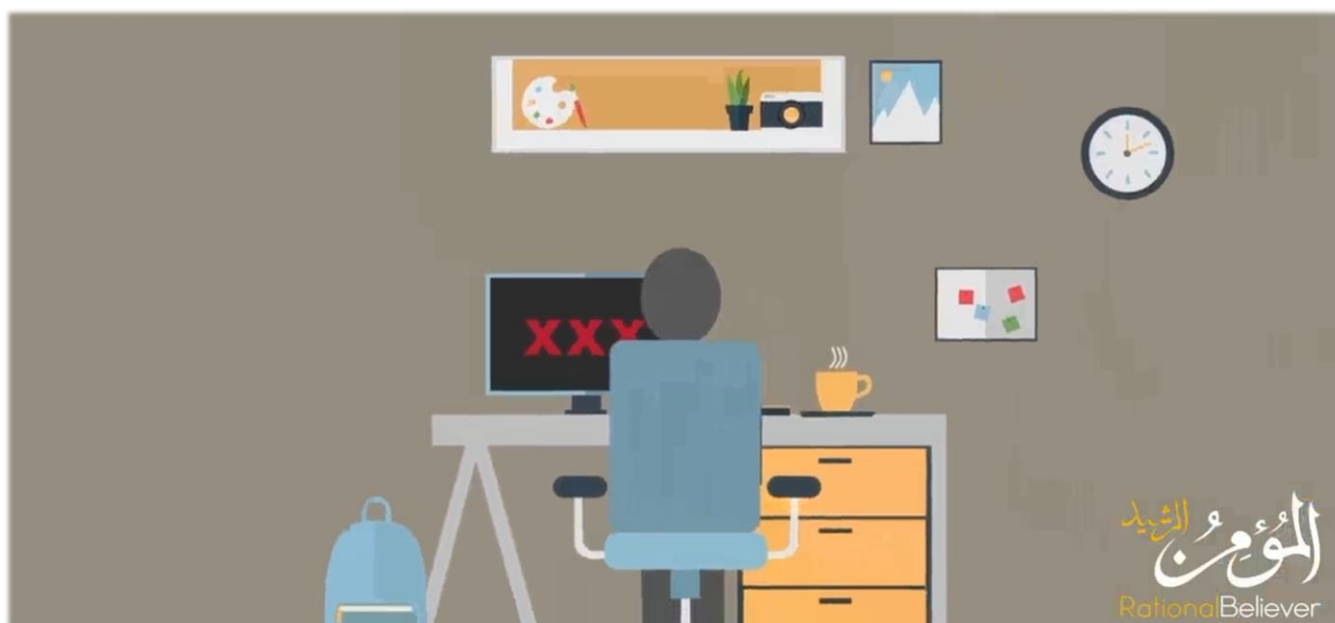
حقیقت اینست که فشار مداوم در این برای استقلال است که این دو فرد باهم ازدواج کرده اند، زوجین زمانی زوجین می گوییم معنی اش همراه است، زوجین دو همراه که مکمل همدیگر هستند که خصوصیات شان این نباشد که با هم مشکل تراشی و دعوا کنند؛ بلکه مکمل همدیگر باشند.



قسمت هفدهم:

صنعت پورن و فیلم‌های

مستهجن.



قسمت هفدهم: صنعت پورن و فیلم‌های مستهجن.

از ثوبان -رضی الله عنه- روایت است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «گروهی از امتم را می‌شناسم که در روز قیامت با اعمال خوب به بزرگی کوه‌های تهمامه می‌آیند؛ اما الله متعال آنها چون گرد و غبار پراکنده کرده و از بین خواهد برد. ثوبان گفت: ای رسول الله خصوصیات آن را برای من بگو تا نشود که نادانسته یکی از آنان باشیم، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمود: آنان برادران شما و از نژاد شما هستند و مانند شما نماز شب را بر پا می‌دارند؛ اما وقتی تنها می‌شوند حدود الله را زیر پا می‌کنند»^۱.

زمانی که او این کار را می‌کند، فکر می‌کند به کسی آسیب نمی‌رساند؛ اما نمی‌داند که قربانی خودش است، نمی‌داند که در حال سقوط در سرایشی اعتیاد است، آن هم نوعی اعتیاد که خطرناک تر از هر نوع دیگر است؛ چون به سادگی قابل دسترس بوده و هیچ موانعی برای آن وجود ندارد، علاوه بر آن، آنقدر تأثیر عمیقی دارد که از بین برد آن از روان قربانیانش کار دشواریست. این وضعیت بطور چشمگیری گسترش یافته و هیچ کس از آن سخن نمی‌گوید.

تأثیرات فیلم‌های مستهجن بر مغز انسان.

فیلم‌های مستهجن از طریق چشم وارد عنبیه شده و باعث ترشح مواد کیمیاوی در مغز شما می‌شود، موادی چون دوپامین، سروتونین، اپینفرین و اکسیتوسین و این‌ها مواد طبیعی هستند که مغز شما آن‌ها را تولید می‌کند، این مواد ضروری هستند. زمانی که شما مواد مخدر خطرناکی را استفاده کرده و یا فیلم‌های مستهجن را تماشا می‌کنید، مغز شما مقدار بیش از حد این مواد کیمیاوی را تولید می‌کند، بعد از تماشای فیلم مستهجن مغزتان به این مقادیر بیش از حد عادت کرده و آنها را تحمل می‌کند، تصاویری که یک بار باعث ترشح مقدار معینی از این مواد می‌شود، دیگر تأثیر را نخواهد داشت، برای اینکه عین هیجان را بدست بیاورید، نه تنها به تصاویر بیشتر؛ بلکه به نوع خشن تر آن نیاز دارید، مغزتان به همان مقدار از مواد کیمیاوی وابسته شده و خود را تلقین می‌کند که گویا این نورمال است و بنابراین، به آن وابسته خواهید شد؛ این یعنی اعتیاد؛ همین روند با کوکائین و هروئین نیز اتفاق می‌افتد.

فیلم‌های مستهجن ایمان تان را تضعیف می‌کند.

امروز در دنیای کاملاً بی‌شرمانه‌ی زندگی می‌کنیم، دنیایی که در آن می‌توانید از هر صفحه‌ی اینترنتی در موبایل‌تان فیلم تماشا کنید، عصری که در آن فیلم‌های مستهجن صاحب ثروت چندین تریلیون دالری است، صنعتی که هدف‌اش اینست که هر یک از شما به نحوی مشتری تولیدات‌شان باشید، اینکه هر مرد، زن و طفل دچار این چیزها شوند، همین را آرزو دارند که شما معتاد شده و یکی دیگر از مشتریان تولیدات‌شان باشید، این تحفه‌ی فیلم‌های مستهجن به جامعه است که مردم را منحرف ساخته و به حیوان مبدل می‌سازد و متأسفانه بعضی از شما آغشته به این اعتیاد هستید و این چیزها را در اینترنت مشاهده می‌کنید، تماشا کرده و در حافظه‌ی موبایل‌های‌تان ذخیره می‌کنید و شما دیگر احساس بدی نمی‌کنید، آن را برای خود توجیه کرده اید و هر چند وقت یک بار احساس بدی می‌کنید؛ اما به آن باز می‌گردید، با خود می‌گویید: آه حداقل به کسی آسیب نمی‌رسانم، حداقل این کار را با کسی دیگری نمی‌کنم، فقط تماشا می‌کنم، و این اشکالی ندارد؛ اما می‌دانید چه اتفاقی برای شما می‌افتد؟ روح شما از درون از بین می‌رود، برای تان روحی باقی نمی‌ماند، بنابراین نمازهای‌تان خالی هستند؛ حتی نمی‌توانید در حال نماز خواندن اشکی بریزید؛ چون قلب‌تان خالی از ترس الله عزّوجلّ شده، بخاطر چیزهای مبتذلی که در این مدت تماشا می‌کردید، شما را از انسان به حیوان مبدل ساخته، زنی از کنارتان می‌گذرد، فکر می‌کنید پارچه‌ی گوشت از بغل‌تان عبور می‌کند، به این فکر نمی‌کنید که انسانی که از کنارتان می‌گذرد شایسته‌ی احترام است، به دقت به هر کس و هر چیز توجه می‌کنید، دائماً در حال دیدن و خیره شدن هستید، برای‌تان مشکل است که نگاه‌تان را پایین بیاورید، خواه در مترو باشید، خواه در دانشگاه، خواه در کار باشید و یا در جاده قدم بزنید، می‌دانید! اصلاً رفتار‌تان را اصلاح کرده نمی‌توانید، تابلویی را می‌بینید به آن نگاه می‌کنید و دوباره نگاه می‌کنید و برای بار سوم هم نگاه می‌کنید، هیچ فرصتی را برای تخریب روح خود با چشمان‌تان از دست نمی‌دهید، شما کاملاً معتاد شده‌اید و بعد می‌پرسید: برادر چگونه می‌توانم در نماز خشوع داشته باشم؟ در چه دنیایی زندگی می‌کنید؟

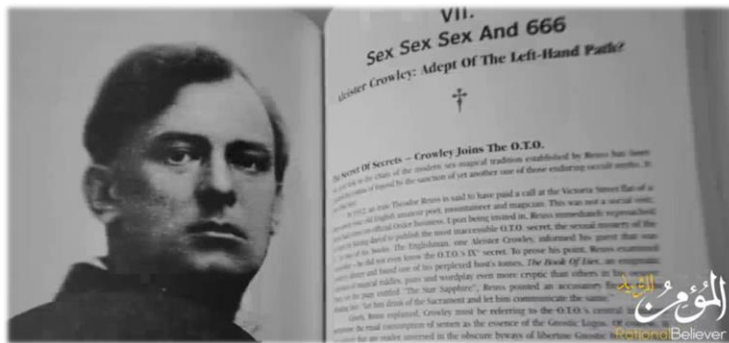
ای برادران! بخصوص شما و می دانم که برخی از خواهران نیز این مسئله را دارند، این یک واقعیت غمناک است، این یک جنگ است، این از هر جنگ نظامی کرده خطرناک تر است، این جنگی است که روح مان را تخریب می کند و این به خانه های مان راه پیدا کرده؛ می دانید! اگر من بخواهم اطفالم را تا حد ممکن از این چیزها محافظت کنم، زمانی که فرزندم به مکتب (مدرسه) می رود، فرقی نمی کند که مکتب اسلامی باشد، احتمالی آماری بسیار بالایی وجود دارد که یک دوستش در آید و یا موبایلش، برایش بگوید: این را ببین.



امروزه این یک واقعیت انکار ناپذیر است، خیلی دور از دسترس نیست و من باید فرزندانم را به دنیای آلوده‌یی که قرار است در آن بزرگ شود، آماده سازم و هیچ راه گریزی از این چیزها وجود ندارد، در همه در دسترس است، یک ویدیوی اسلامی را مشاهده می کنید؛ می دانید! یوتیوب به تعقیب آن ویدیوهایی را پیشنهاد می کند و یک چیز مبتذل در میان آن می باشد و حتما باید چیز مبتذلی در میان آن کلیپها باشد و فکر نکنید که این اتفاقی است، من به تئوری های توطئه برانگیز علاقه ندارم؛ اما فکر نمی کنم که این چیزها تصادفی باشند و چیزی که به شما رخ می دهد این است که یک ویدیو را می بینید و به تعقیب اش چیز مبتذلی را دیده و روی آن کلیک می کنید و باز هم چیز دیگری را کلیک می کنید و باز کلیک می کنید و در نهایت به تماشای چیزهای منجر کننده می روید.

پورن نوعی از آئین‌های شیطانی است.

پورن یک عملکرد روانی از جادوی جنسی بابل باستان است که بخاطر تأثیر گذاری میلیاردها انسان به منظور قبول کردن و اطاعت کردن از برنامه‌های ایلومیناتی، گسترش یافته است؛ بنابراین اصلحی است که برای تخریب اجتماع، تسهیل برنامه‌های شیطانی علیه بشر و برده ساختن افرادی که بواسطه آن تلقین ذهنی می‌شوند.



پورن از زمان‌های بسیار قدیم تا کنون، توسط روسپی‌ها و اعضای معابد مخفی بمنظور پرستش جنیات استفاده می‌شود، هنگام تماشای فیلم‌های مستهجن، اساساً فرد دچار هوشیاری تغییر یافته و بسیار قابل توجه می‌شود، حالت خلسه‌یی که از مشاهده این ویدیوها بوجود آمده، باعث می‌شود که فرد در معرض ارتباط با جنیاتی قرار گیرد که از طریق انحراف جنسی تغذیه می‌شوند که باعث می‌شود بسیاری از افراد سیری ناپذیر، معتاد، پرخاشگر و افسرده بوده و متمایل به انجام هر نوع شرارت باشند.



بنابراین وسیله‌ی برای احضار شیاطین است. به همین لحاظ اکثر افرادی که آغشته به تماشای این فیلم‌ها هستند، توسط این موجودات (جنیات) تسخیر می‌شوند و امروزه این بواسطهٔ تکنالوژی و اینترنت به یک آئین بزرگ مبدل شده که نه تنها توسط بازیگران این صنعت؛ بلکه بواسطهٔ بینندگان هم (در هنگام تماشای آن) عملی می‌شود، یک نوع آئین شیطانی جهانی.



شاید فکر کنید که بینندگان فقط تماشا می‌کنند و این به معنای اشتراک در چنین آئین نیست؛ برای درک این موضوع باید سه نکته را به خاطر بسپارید.

اول- در چنین مراسم مرموز افرادی هستند که فقط بمنظور مشاهده کردن، اشتراک می‌کنند و شما با دیدن آن فیلم‌ها دقیقاً همین کار را می‌کنید.

دوم- شما آن‌ها را با خرید آن فیلم‌ها و یا با مشاهدهٔ آن بطور آنلاین حمایت مالی می‌کنید.

سوم- شما با تماشای این فیلم‌ها برای آن‌ها تبلیغ می‌کنید.

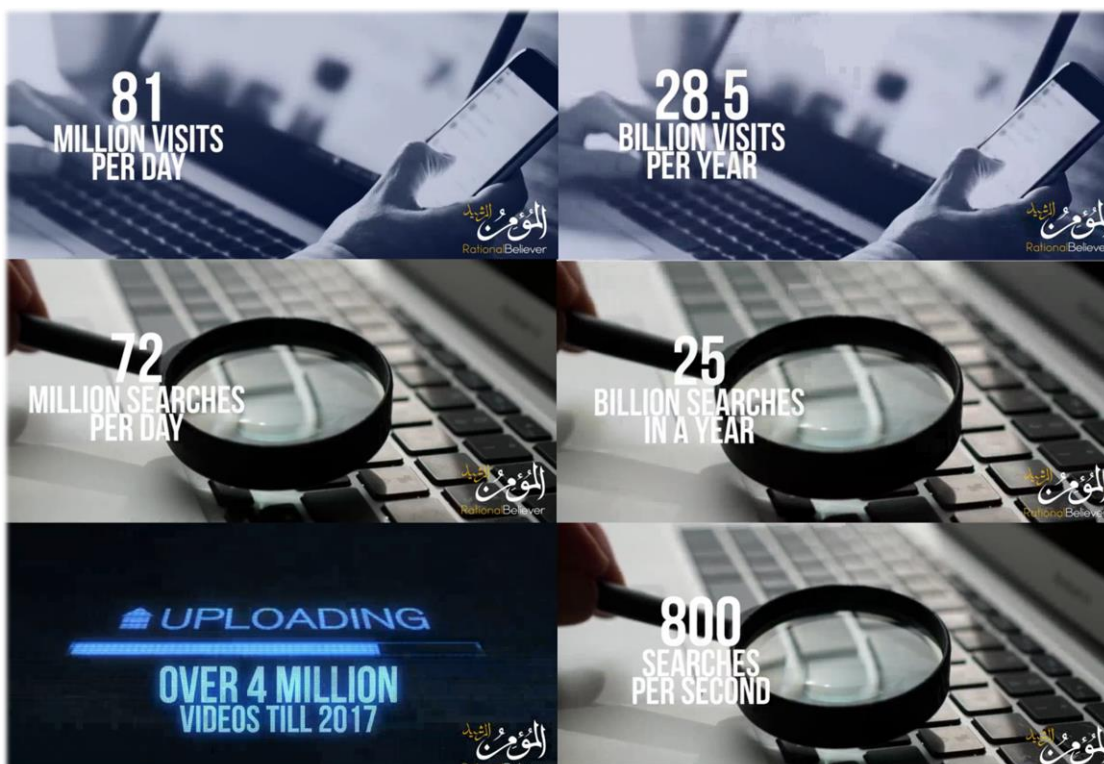
چون وقتی شما ویدیویی را تماشا می‌کنید، الگوریتم‌ها آن را به افراد بیشتر پیشنهاد می‌کند تا عدهٔ بیشتری آن را تماشا کنند و در نتیجه ایمان‌تان را تضعیف کرده و باعث می‌شود شما تسخیر شده و نیز متمایل به ارتکاب گناهان بیشتر شوید.

آمارِ صنعتِ فیلم‌های مستهجن.

مطالعه‌یی در سال ۲۰۱۷ میزان استفادهٔ سالانه از یکی از بزرگترین سایت‌های فیلم‌های مستهجن را نشان می‌دهد؛ بیست و هشت و نیم میلیارد بازدید در سال، بطور اوسط ۸۱ میلیون بازدید در روز، بیست و پنج میلیارد جستجو در یک سال این یعنی ۷۲ میلیون جستجو در روز و یا ۸۰۰ جستجو در ثانیه، بیشتر از ۴ میلیون ویدیو در این وبسایت آپلود شده که این مساویست با ۶۰۰۰۰۰ ساعت ویدیو این یعنی اگر فردی بخواهد تمام این ویدیوها را بدون وقفه تماشا کند، برایش ۶۸ سال را در بر خواهد گرفت.

مقدار محتویاتی که در این سایت منتقل می‌شود ۲/۱۰ جی بی در روز، ۷۱۰۱ جی بی در دقیقه و یا ۱۱۸ جی بی در ثانیه، می‌رسد. این محتویات به اندازه‌یی است می‌تواند حافظهٔ تمام آیفون‌هایی که فعلا در جهان در حال استفاده است را پر کند؛ این فقط آمارِ یک وبسایت در یک سال بود.

حال تصور بکنید که بیش از چهار میلیون وبسایت چنین محتوا را تولید می‌کند.



بزرگترین گروهی که این فیلم‌ها را آنلاین مشاهده می‌کنند، جوانانی در رده سنی ۱۲ الی ۱۷ هستند که فقط نوزده درصد کل بینندگان را تشکیل می‌دهد. اوسط سنی آغشته شدن به این فیلم‌ها ۱۱ سالگی است. از هر ۱۰ جوان ۹ تای آن بین سنین ۸ تا ۱۶ آغشته هستند.



در هر ثانیه ۳۰۰۰۰ نفر در حال تماشای این فیلم‌ها هستند. ۳۰٪ درصد معتادان به این فیلم‌ها، زن‌ها هستند و این درصدی در حال رشد است.

سازمان اسکاتلند یارد برآورد کرده بر اساس گزارش آن‌ها در مورد استفاده جنسی از اطفال در اینترنت، هشتاد میلیون مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته؛ آسیب بزرگی به کودکان کوچک، کودکان بی‌گناه، هشتاد درصد قاچاق انسان برای صنعت فیلم‌های مستهجن بوده، این منجر کننده است، باید باعث استفراغ کردن مان شود؛ اما این چیز است که در سیاره ما اتفاق می‌افتد. کی‌ها این فیلم‌ها را جستجو می‌کنند، اگر واقعاً این کار را با شماره‌های مربوط به... این احصائیه بر اساس تعداد افرادی که به اینترنت دسترسی دارند در تناسب به بزرگی جمعیت شان، محاسبه شود، کشورهای اسلامی را می‌بینیم که در جستجوهای شان بیش از حد بوده اند؛ حتی در ایالات متحده رتبه اول را در تعداد داندوها داشته! در سیاره ما چی رخ می‌دهد؛ این در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، شما کتمان‌گر هستید اگر این را انکار کنید؛ حتی ممکن است افرادی در اینجا به این مشکل دچار باشد.



ببینید با اجتماع چی کرده اند؛ آن ها تله‌یی ساخته‌اند که جامعه را از اخلاق دور ساخته و آن را به یک جامعه مریض مبدل کرده، جایی که مردم به دین و ارزش‌های اخلاقی اهمیت نداده بلکه بنده هوس‌ها شده‌اند.

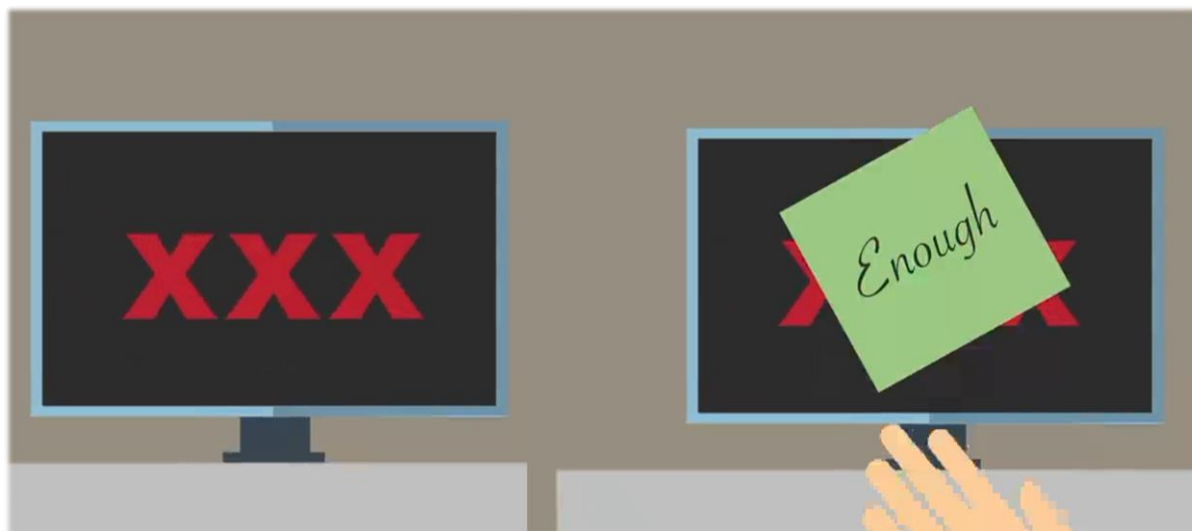
این یکی از بزرگترین فتنه بر روی زمین است که دشمن‌تان (شیطان) آنرا چون اسلحه‌یی علیه شما استفاده کرده تا ایمان‌تان را ضعیف بسازد؛ چون او می‌داند که جامعه‌یی با ایمان ضعیف به آسانی پیرو دجال خواهد شد؛ حتی جنبش‌های وجود دارند که می‌خواهند ارتباط جنسی با محارم را قانونی سازند.



پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا سَمِعَ أَحَدُكُمْ بِالْجَالِ فَلْيَنْعِ عَنْهُ» «اگر کسی از شما در مورد دجال شنید کوشش کند که از دجال دوری کند» و سپس فرمود: «فَإِنْ أَحَدُكُمْ يَحْسِبُ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ فَيَتَّبِعُهُ بِمَا يَبْعُدُ بِهِ مِنَ الشَّهْوَاتِ» این حدیث در مسند احمد است. «فردی از شما می‌گوید که مؤمن هستم؛ اما وقتی دجال آمد می‌رود و از او پیروی می‌کند» به خاطر آنچه از هوس‌ها و خواسته‌ها است را با خود می‌آورد، ما مردمی را داریم که به این چیزها معتاد هستند، آن‌ها اغوا شده‌اند: ﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾^۱ «شما کسی را که خواسته‌های خود را به عنوان یک خدا در نظر گرفته است، ندیده‌اید»، اگر شما از هوس‌های تان پیروی کنید، شما این هوس‌ها را خدای خود می‌سازید و الله متعال خدای غیور است، ((اینه غیور، یغار علی دینه و علی طاعته)) او غیور است، او تعالی بر دین و طاعت خود غیور است.

چگونه از این اعتیاد‌رهای یابیم.

آیا چنین اتفاقی برای شما رخ داده است که درست بعد از تماشای چنین فیلم‌هایی با خود گفته‌اید: کافیت، باید تماشای این فیلم‌ها را متوقف کنم.



کاری که من می‌کنم درست نیست و باید توقفش دهم، اگر بله باید بدانید که شما تنها فردی نیستید که با این مشکل مواجه است، اما مطمئناً بهتر از آن‌هایی هستید که مرتکب این گناه می‌شوند؛ اما اصلاً پشیمان نیستند.

قدم‌های زیر این شاء الله به شما کمک می‌کنند که به تماشای این ویدیوها خاتمه داده و صفحه جدیدی را در زندگی‌تان آغاز کنید.

قدم اول: خودتان را برای توقف آن قانع سازید.

اگر هنوز قانع نشده‌اید، بیشتر در مورد ضررهای این فیلم‌ها بر مغز، رفتار، ازدواج و تمام زندگی‌تان بیاموزید و کوشش کنید مقدار گناهی که به حساب‌تان می‌افزاید را تصور کنید تا اینکه بدانید کاری که می‌کنید اشتباه است و باید به این عادت خاتمه دهید. هر گاه احساس ضعف کردید توانایی‌تان را به یاد بیاورید و افکار منفی را به مثبت تغییر دهید.

قدم دوم: نماز را بر پا دارید و از الله متعال طلب کمک کنید.

نماز آدمی را از فحشاء و منکر باز می‌دارد^۱. به خاطر داشته باشید که الله متعال شما را بر اساس نیت‌تان کمک کرده و مسیر توبه را برای‌تان باز می‌کند.

قدم سوم: خودتان را ارزیابی کنید.

حالت کنونی‌تان را بررسی کرده و به این سؤالات پاسخ دهید: چرا به این سرحد رسیدم؟ چه چیزها مرا به دیدن این فیلم‌ها وادار می‌کنند؟ این به شما کمک می‌کند تا ریشه مشکل را دریابید و با آن مقابله کنید.

قدم چهارم: همین حالا به آن خاتمه دهید.

همان لحظه‌یی که تصمیم به توبه کردن گرفتید، توبه کنید و آن را به فردا و روزهای دیگر به تأخیر نیندازید و از الله متعال بخواهید تا شما را از این تله رها سازد.

۱- ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵].

قدم پنجم: وسایل تان را پاک کرده و روابط غلط را از بین ببرید.

اتاق تان را با حذف کردن آن تصاویر و فیلم‌ها از کامپیوتر، موبایل و وسائل دیگر، پاک سازید، صفحاتی که شما را به این ویدیوها مسیر می‌دهد را تعقیب نکنید، رابطه‌ی تان را با دوستانی که شما را به سوی این تله تشویق می‌کند، از بین ببرید.

قدم ششم: از تنهایی و تنبلی بپرهیزید.

هیچگاه کوشش نکنید که تنها باشید، کلید اتاق تان را دور بیاورید. هر گاه از کامپیوتر استفاده می‌کنید، دروازه اتاق تان را باز بگذارید و برای اوقات فراغت تان برنامه ریزی کنید؛ چون تنهایی و تنبلی زمانیست که شیطان بیشتر از هر وقت دست به کار می‌شود.

قدم هفتم: مراقب ازدواج تان باشید.

اگر تا به حال ازدواج نکرده‌اید، بدانید که تماشای این فیلم‌ها یکی از بزرگترین دلایل ناتوانی جنسی بعد از ازدواج است؛ اما اگر ازدواج کرده‌اید، باید بدانید که این ویدیوها مهم‌ترین دلیل شکست ازدواج است، متوجه ازدواج تان باشید، وقت بیشتر را اختصاص داده و از همراهی با همسر تان لذت ببرید؛ این به شما کمک می‌کند تا شهوت تان را کنترل کنید.

قدم هشتم: مشوق‌ها را از بین ببرید.

کوشش کنید مشوق‌هایی که شما را تشویق به دیدن این فیلم‌ها می‌کند را از بین ببرید بطور مثال، زمانی که نیازی نیست، کامپیوترتان را روشن نکنید؛ چون روشن کردن بی مورد کامپیوتر به شما فرصت می‌دهد که به آن فیلم‌ها برگردید، خودتان به آن خاتمه دهید قبل از اینکه به لبه پرتگاه برسید.

قدم نهم: یاد بگیرید که با اوقات شهوت چگونه برخورد کنید.

شما باید بیاموزید که با اوقات شهوت چگونه برخورد کنید، یک دوره شهوت با حداقل شروع شده به اوج می‌رسد و دوباره فروکش می‌کند، تمام این دوره کمتر از ۳۰ دقیقه است. پس بار

دیگر وقتی احساس شهوت به شما رخ داد، بدانید که پس از دقایقی خاتمه می یابد و می توانید بر آن غلبه کنید.

قدم دهم: دچار وسوسه قدرت نشوید.

هیچ وقت چنین فکر نکنید که من قوی هستم و می توانم هر ویدیویی را بدون اینکه بر من تأثیر داشته باشد تماشا کنم؛ این یکی از خطرناک ترین دلایل برای بازگشت به اعتیاد است.

قدم یازدهم: مراقب فرزندان تان باشید.

هیچگاه فکر نکنید که هنوز فرزندان تان برای افتادن در این تله، کوچک هستند، مراقب عادت های شان باشید و هر چند وقت یکبار فعالیت های شان را کنترل کنید، نگذارید سنین کوچک از موبایل های هوشمند استفاده کنند (موبایل های هوشمند آنان را هوشمند نمی سازد).

قدم دوازدهم: دوباره این ویدیو و متن را مشاهده و مطالعه نموده و آن را با دیگران در اشتراک بگذارید.

هر گاه این قدم ها را فراموش کردید؛ دوباره این ویدیوها را تماشا کرده و آن را با دوستان تان شریک سازید و آنان را در این مشکل یاری کنید.

معتاد عزیز! پیروزی تو در برابر اعتیاد بزرگترین پیروزی تو در زندگیست، زمانی که در آئینه نگاه کرده و یک انسان آزاد و موفق را ببینی، کسی که قوی و خوشبخت است؛ اما اگر در آئینه نگاه کنی و فردی را ببینی که بنده هوس ها و شهوت است که کاملا وابسته باشد چگونه چنین فردی که از درون شکسته، می تواند در زندگی موفق باشد؟!

الله عزّ وجلّ حال هیچ مردمی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن مردم حال شان را تغییر دهند^۱.

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُمَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱].

قسمت هجدهم:

تغییر در خلقتِ الله

(عهدی از سوی شیطان).



قسمت هجدهم: تغییر در خلقتِ الله (عهدی از سوی شیطان).

شیطان به الله متعال وعده چهار چیز را داد:

او گفت: ﴿وَلَا ضَلَّٰلَتُهُمْ﴾ [النساء: ۱۹۹].

«من آنان را گمراه خواهم ساخت».

و امروز می بینیم که اکثر مردم بجای اینکه بنده الرحمن باشند؛ بنده شیطان شده اند.

و سپس شیطان گفت: ﴿وَلَا مَنِّيَنَّهُمْ﴾ [النساء: ۱۹۹].

و گفت: «من آنان را به علایق و خواست های باطل وا می دارم».

و سبحان الله! می توان این علایق و خواست های غلط را دو بخش عمده تقسیم نمود:

نوع اول - خواهشاتِ نفسانی هستند، خواست هایی که برای جسم تان دارید و شما نظری به اجتماع بیاندازید که چگونه تسلیم خواسته های شیطان شده، واقعا می بینید که تبدیل به یک جامعه شهوت گرا شده است، اجتماعی که حاوی جنون جنسیست؛ جامعه یی که، اگر بتوانید در آن رابطه جنسی بی خطر داشته باشید، شما را تشویق به شهوت رانی می کند؛ زیرا به گفته آن ها این کار یک چیز جسمی (فیزیکی) است، در حالی که از نظر اسلامی این یک چیز معنوی است، زمانی که شوهری به خانم اش نزدیک می شود دعاهایی را می خواند و الله متعال آن طفل را حفاظت خواهد کرد و علماء می گویند که این اولین حق فرزند است؛ چون این یک چیز معنویست و به جامعه بنگرید که اگر تا سن ۱۶ سالگی بکارت خود را از دست نداده باشید، مردم فکر می کنند مشکل دارید؛ این چیز است که اجتماع به ارمغان آورده به همین دلیل یکی از هفت گروهی که در روز قیامت زیر سایه الله متعال می باشند جوانی است که در عبادت به الله متعال رشد نموده باشد، چنین فردی زیر سایه الله متعال خواهد بود؛ بناءً نوع اول خواست های شهوانی اند: ﴿وَلَا مَنِّيَنَّهُمْ﴾ من آنان را به خواست های شهوانی وادار خواهم کرد.

نوع دوم - اینکه شیطان شما را به باور داشتن به آرزوهای دروغین دنیایی، می فریبد، شما را وادار می سازد که به آرزوهای دروغین این دنیا بارومند باشید و او این دنیا را هدف زندگی تان قرار

می دهد؛ نه تنها این دنیا را هدف زندگی تان قرار می دهد؛ بلکه حتی به شما فرصت نمی دهد که به هدف اصلی زندگی فکر کنید.

سبحان الله! ببینید که چگونه وعده های شیطان تحقق می یابند. می دانید! آن ها به شما تلویزیون دادند و سپس برای تان ویدیوهایی تهیه کردند و سپس برای تان دی وی دادند و سپس برای تان کانال های ماهواره ای دادند و به اندازه یی کانال در اختیار شما گذاشتند که حتی نمی توانید آن ها را شمارش کنید و سپس برای تان موبایل (گوشی همراه) دادند و سپس برای تان موبایل های هوشمند صوتی دادند و سپس برای تان موبایل های کمره دار (دوربین دار) دادند و سپس برای تان موبایل های هوشمند تصویری دادند و سپس برای تان اینترنت دادند و سپس اینترنت را در موبایل های تان امکان پذیر ساختند، درست مانند اینکه در پوسترها می گویند: تا زمانی که بمیرید، خرید کنید و زمانی که مُردید همین شیطان می گوید: ﴿فَلَا تَلُومُونِي وَوَلُّوْاْ اَنْفُسَكُمْ﴾ [ابراهیم: ۲۲].

«مرا نه بلکه خود را ملامت کنید».

من شما را فرا خواندم و شما اطاعت کردید و مانند میلیاردها انسانی که قبل از شما مکیده شدند این دنیا شما را نیز می مکد، مانند میلیاردها انسانی که قبل از شما مکیده شدند و به همین دلیل الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ [القصص: ۷۷].

«سهم این دنیا را فراموش نکن».

امام قرطبی گفته است: «سهم شما از این دنیا کفن است» یعنی یگانه چیزی که از این دنیا

با خود خواهید برد، کفن است.



سومین وعده شیطان این بود: ﴿وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ﴾ [النساء: ۱۱۹].

«به آنان فرمان می‌دهم که گوشِ چهار پایانِ خود را سوراخ و قطع کنند».

کاری که مشرکین می‌کردند این بود که گوشِ حیوانات را سوراخ و یا قطع می‌کردند و آن‌ها را به نام خدایان رها می‌کردند و می‌گذاشتند که برود.



این مورد اشاره به آئین خرافاتی اعراب دارد، بین آن‌ها مرسوم بود که اگر شتری پنج یا ده بار، باردار می‌شد، قسمتی از گوشش را قطع و یا سوراخ می‌کردند و آن را بنام خدایانِ خود رها می‌کردند و این را بر خود حرام می‌دانستند که توسط آن کاری را انجام دهند و نیز شترِ مذکری که باعث تولد ده شتر می‌شد را متبرک می‌دانستند و قطع کردنِ گوشِ حیوان را نشانی برای تبرک آن می‌دانستند.

نویسنده تفسیر المظهري تذکر داده که این یعنی زمانی فرا می‌رسد که شیطان به انسان امر می‌کند که خلقتِ الله را تغییر دهد و شما امروز این را مشاهده می‌کنید.

به جامعه ببینید، جامعه مصرف کننده جایکه کوشش دارند مرغ بدون پر تولید کنند.

اخیرا در سویس مگسی را یافتند که در آن یک ژن مخصوصی را کشف کردند و این ژن را آیلُس (فاقد چشم) نامگذاری کردند و وقتی که فهمیدند، که اگر این ژن را در هر قسمتِ بدنِ آن مگس تزریق کنند در آنجا چشمی بوجود می آید و این ژن را در ۱۴ قسمتِ بدنِ این مگس تزریق کردند و در آن چهارده قسمت چشم رشد کرد؛ ببینید این یعنی بازی کردن با خلقتِ الله متعال؛ اما این به اینجا ختم نمی شود، آنهایی را ببینید که به اوج موفقیت رسیدند، کسانی چون مایکل جکسون، می دانید چند سال پیش او ظاهر خوبی داشت و به اوج موفقیت رسید و سپس فریبِ این دنیا را خورد، او فکر می کرد که باید ابزار رضایت بیشتری باید وجود داشته باشد؛ اما بعداً خواهند فهمید که رضایت و خوشنودی واقعی، رضایت قلب است، یگانه وقتی که می توان به خوشنودی واقعی رسید، زمانی است که خالقت را می شناسی و سپس او (مایکل جکسون) چه کرد؟ شروع به تغییر دادنِ ظاهر خود کرد و حال ببینید ظاهرش اصلا به انسان نمی ماند.



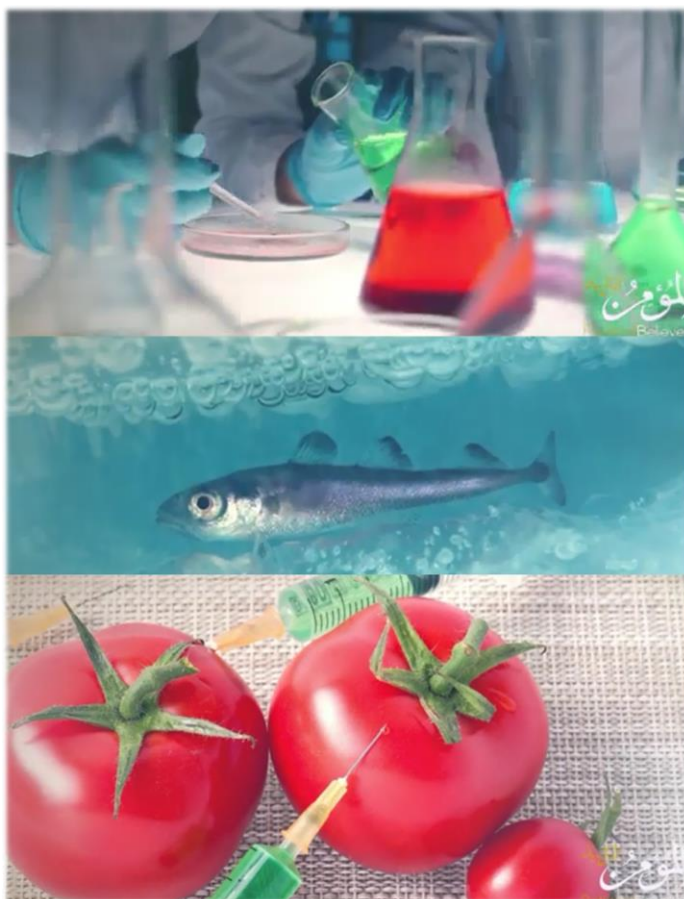
و چهارمین وعده شیطان: ﴿وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾ [النساء: ۱۱۹].

«من آن‌ها را وادار به تغییر در خلقت الله خواهم کرد».

سبحان الله! می‌دانید... معنی عرفی این آیه این بود که تراشیدن ریش را، تغییر در خلقتِ الله متعال می‌کردند؛ چون ریش نشانه یک مرد است. چیدن ابرو به معنی تغییر در خلقتِ الله بود؛ اما چون کتاب الله مقید به زمان و مکان نیست، برای هر زمانی مناسب است؛ چون این کتاب تا روز قیامت رهنمای بشر است.

امروز این آیه به امروز به غذاهای اصلاح شده ژنتیکی اشاره می‌کند، این تغییر در روند طبیعی است، تغییر در خلقتِ الله.

بینید وقتی ژن ضد یخ را از ماهیان قطبی می‌گیرند و آن را در بادمجان رومی (گوجه فرنگی) تزریق می‌کنند تا اینکه بیشتر دوام کند.



این بازی کردن با خلقتِ الله است؛ چون اگر باور کنید یا نه، ماهی هیچ ربطی به بادمجان رومی ندارد، اصلاً چنین نیست. این غذای اصلاح شدهٔ ژنتیکی است، شما با خلقتِ الله بازی می‌کنید؛ اما بدتر از آن، آن‌هایی هستند که در تلویزیون ظاهر شده و می‌گویند: آه من یک مرد هستم که در جسم یک زن قید هستم، من یک زن هستم در جسم یک مرد.



و این‌ها کسانی‌اند که خلقتِ الله را تغییر می‌دهند و ببینید! چه تغییری در خلقتِ الله متعال بزرگتر است، چه تغییری در خلقتِ الله متعال بزرگتر است از آنکه مردی خود را به زن و زنی خود را به مرد مبدل سازد.

و این چهارمین وعدهٔ شیطان بود و امروز شاهد تحقق یافتنِ آن هستید؛ چه تغییری بزرگتر از آن که مردی خود را به زن و زنی خود را به مرد شبیه سازد.



سالانه میلیاردها دلار برای برنامه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی به منظور ترویج این چنین چیزها مصرف می‌شود.

ایلیس و ارتش وفادارش از هر ثانیه استفاده نموده تا مردم را گمراه ساخته، آن‌ها را از ارزش‌های اخلاقی دور سازند و نیز به تغییر در خلقتِ الله تشویق کنند؛ تغییر در خلقت در حدی که انسان شبیه حیوان شود.



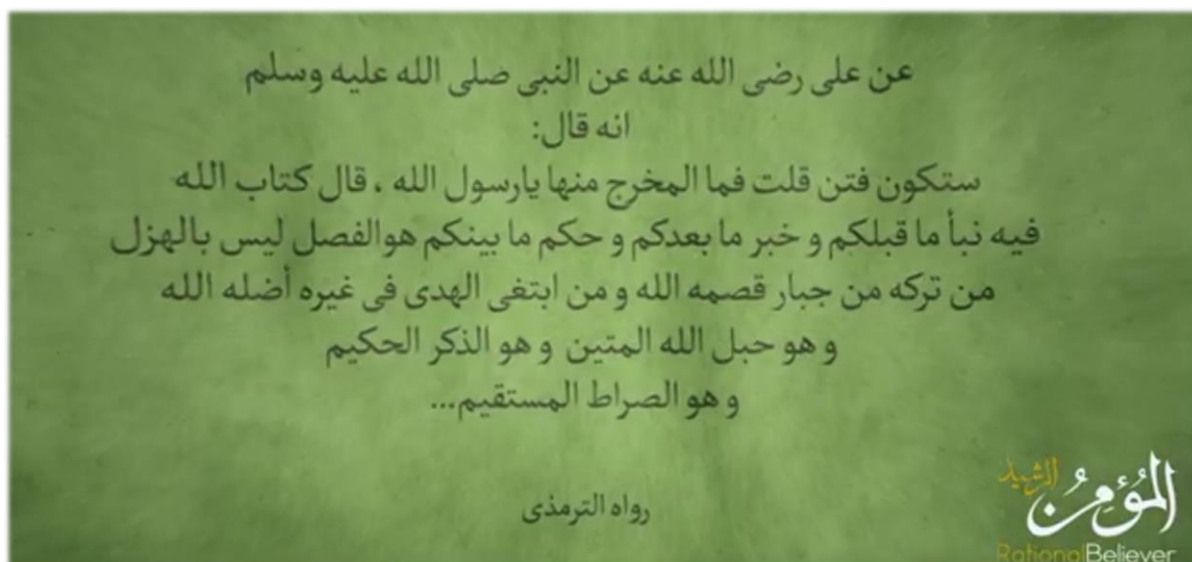
آیا فکر می‌کنید این‌ها فقط برای شوخی هستند؟!

اما ایلیس به شما می‌خندد وقتی که می‌بیند شما وعده‌هایش را عملی می‌کنید؛ او می‌خواهد فرزندان آدم -علیه السلام- پست‌تر از حیوان شوند. به همین دلیل مردم را قانع می‌سازد که خود را شبیه به حیوان ساخته و از خواهشاتِ نفسانی خود پیروی کنند.

هرگر فکر نکنید که شیطان نیروی مرموزی دارد که او را قادر به گمراه ساختن شما نموده؛ او به سادگی در رأس سیستم قرار دارد و مردمی هستند که برنامه های او را پیش می برند و جامعه از این برنامه های پیروی می کند، به همین سادگی مردم را گمراه می کند.

خود و فرزندان تان را از تله های او دور داشته باشید. فرزندان تان را از ارزش های اخلاقی باخبر ساخته و آنان را با کتاب الله متعال رشد دهید.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرماید:



«به قرآن چنگ بزنید، کتاب الله حکمی است میان شما، چیزیست که بین شما حکم می کند، چیزیست که حق را از باطل جدا می سازد و برای شوخی نیست و اگر آن را به شوخی بگیرید، پس گوش کنید به سخنان پیامبر ﷺ که می فرماید: هر کسی هدایت را در چیزی جز کتاب الله جستجو می کند، از روی کبر که گویا هدایت در فلسفه و ایدئولوژی دیگری غیر از آن قرآن نهفته است، الله متعال گردنش را می شکنند و هر کس هدایت را در چیزی دیگری جز کتاب الله جستجو کند، الله او را گمراه خواهد ساخت.»

لازم نیست این دو جمله را بیان کنید که بدانید چرا امت اسلام امروزه در حالت انحطاط هستند. رسول الله این را چهارده قرن قبل بیان نموده، هر زمانی که مسلمانان فکر کنند عزت شان در چیزی دیگری نهفته است، الله متعال آنان را خوار خواهد ساخت.

به صحابه -رضی الله عنهم- ببینید، آن‌ها کسانی بودند که دیگران آنان را اسفل سافلین (پست‌ترین پست) می‌خواندند و وقتی پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آمد، آنان را تغییر داد، او در آن‌ها انگیزه و تحرکی بوجود آورد و سپس همین کسانی که مردم آنان را اسفل سافلین می‌خواندند، تبدیل به بهترین مردم روی زمین پس از انبیاء -علیهم السلام- شدند، چه چیزی باعث آن شد؟... اسلام.

ببینید برای دیگران فلسفه و ایدیولوژی دیگر کار می‌کند؛ اما برای مسلمانان جز اسلام چیز دیگر کارا نیست، چون این امتی است که الله متعال در قرآن در موردشان فرموده: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به الله ایمان دارید».

حال اگر فکر می‌کنید عزت‌تان در کدام فلسفه یا ایدیولوژی دیگری نهفته است، فریب خورده‌اید. یگانه وقتی که مسلمانان عزت داشتند وقتی بود که به کتاب الله پابند بودند. به تاریخ رجوع کنید و سپس وقتی که از دین الله روگردان شدند؛ الله متعال نیز از آنان روگردان شد، به همین دلیل ما امروز خود را در حالت انحطاط می‌یابیم، حالت مسلمانان را ببینید و وقتی دانستیم که مشکل امروزی ما ناشی از روگردان شدن مان از دین الله است؛ دوباره به قرآن و سنت رجوع می‌کنیم، دوباره به سخنان رسول الله -صلی الله علیه وسلم- رجوع کرده راه حل را می‌یابیم؛ اما مشکل اینجاست که ما راه حل را در هر مسیر دیگر جز مسیر اصلی می‌جوییم به همین خاطر در حالت مریضی به سر می‌بریم.

آیا ما امروزه مریض نیستیم؟

آیا ذهن جوانان مغشوش نیست که به چه تمسک جوییم؟

آیا قلب‌ها مریض نیستند؟

زیرا جامعه انگیزه‌های بسیاری دارد که شما را به جهت‌های مختلف می‌کشاند و به هر اندازه که در راه‌های گوناگون بروید به همان اندازه گیج می‌شوید؛ چون ما به جهت‌های بسیاری سوق داده می‌شویم:

اذهان مریض هستند؛

قلب‌ها مریض هستند؛

افکار مغشوش هستند؛

و یگانه چیزی که این مریضی را درمان می‌کند چیست؟ آنست که وقتی به بام بروید و چیزی را ببینید که کاملاً صاف و مستقیم است، کاملاً مستقیم مانند افق، سپس همه سردرگمی برداشته می‌شود و همینگونه ما فقط یک راه حل داریم و الله متعال آن را در شروعِ سورهٔ کهف (سورهٔ الکهف) بیان نموده، او تعالی می‌فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ [الکهف: ۱].

«همه ستایش از آن الله متعال است، کسی که بر بنده اش (رسول الله) کتابی را نازل کرد و هیچ انحرافی در آن به جا نگذاشته است».

قسمت نوزدهم:

سیستم آموزشی و برده‌داری نوین.



قسمت نوزدهم: سیستم آموزشی و برده داری نوین.

آموزش کلید موفقیت است که می توان با آن دانش، تجربیات و اخلاق را حاصل کرد که برای فرا گرفتن به منظور «دانستن هدف اساسی هستی» پیشرفت و ترقی می باشد؛ اما نظام آموزشی امروزی طوری طراحی نشده که شما را به موفقیت واقعی برساند؛ بلکه به شما احساس آن را می دهد که روز به روز فهمیده تر می شوید؛ اما در واقعیت دید شما را نسبت به حقیقت به پیمانۀ محدودی باریک می سازد؛ چون یکی از مؤثرترین شیوه های برای کنترل اجتماع اینست که قدرت تفکر آزاد را از آنان بگیرد و برای شان فرصت ندهد تا خارج از محدوده تعیین شده فکر کنند.



نظام آموزشی نوین توسط افراد ثروتمند و پرنفوذ تشکیل شده تا بواسطه آن بقیه اجتماع را به بردگی درآورند، طوریکه آنان را کارگردان با تجربه و مطیع ساخته اند تا با آنان کارخانه و دفاتر خود را مجهز ساخته و فعال نگهدارند؛ بنابراین آن ها مکاتب (مدارس) را ساختند تا کارگران بی فکر و وابسته به بار آورند نه افراد متفکر آزاد اندیش و مستقل.

به سخنان این فرد دقت کنید.



می گوید: اگر شما به دور میزی نشسته باشید و بگوئید چیزی که ما می خواهیم، پیدا کردن راهی است که بواسطه آن دیدگاه افراد جوان را مطابق میل خودمان تغییر دهیم، طوری که هر قدر بالغ و بالغ تر شوند، کاملاً پیرو حقیقتی (دیدگاه) شوند که ما می خواهیم، شاید فردی بگوید: خوب! ممکن چنین نباشد... اما می دانید نکته ایده آل چیست؟ کاری که ما می کنیم اینست که ما سیستمی داریم که با آن اطفال را از سنین ۴ یا ۵ سالگی، حداقل برای پنج روز در هفته از والدین دور می سازیم و افکار آنان را تا سنین ۱۷ و ۱۸ سالگی در کنترل داریم، این ایده آل به نظر می رسد، خوب! این چیز است که اتفاق می افتد و آن را سیستم آموزشی می دانیم... بله و این شستشوی مغزی است. (پایان سخنانش)

در قسمت های قبلی آموختیم که مؤثرترین شیوه کنترل جامعه اینست که افکار مردم را در کنترل داشته باشیم. حال! به نظرتان مؤثرترین شیوه برای کنترل افکار چیست؟

اینست که شما به فردی این حس را منتقل سازید که گویا او به مرور زمان آگاه تر و فهمیده تر می شود، حال آنکه او را باریک فکر ساخته و توانایی تفکر آزاد را از او می گیرید و این همان چیزی است که امروز سیستم آموزش و پرورش انجام می دهد. در واقع سیستم آموزشی طولانی است

که توسط آن افراد از کودکی تا بزرگسالی از طریق برخی از روش‌های از قبل ساخته شده توسط طبقه ممتاز، شستشوی مغزی می‌شوند.

خوب! این روش‌های از قبل ساخته شده کدام‌ها اند؟

یکی از آن روش‌ها، صرف زمان و انرژی بیشتر برای «شکل دهی رفتاری» است نه تدریس، شکل دهی رفتاری یعنی استفاده از قوانین پاداش و مجازات بمنظور اینکه افکار، احساسات و اخلاق کسی را عمداً شکل دهی کنید. قوانین بیش از حد در مکاتب ضروری نبوده؛ بلکه بیشتر بخاطریست که دانش آموزان احساس ناتوانی و عصبانیت کنند نه اینکه فضای یادگیری بهبود یابد.

دوباره به سخنان این فرد توجه بفرمایید.



می‌گوید: قرضه کنترل می‌شوند، بیایید جوانان را تا گلو در قرض غرق کنیم... قرضه‌های هنگفت تا آنکه بقیه عمر خود را صرف باز پرداخت آن کنند، فقط به این منظور که توسط وقایع برنامه ریزی شده توسط سیستم کنترل شوند.

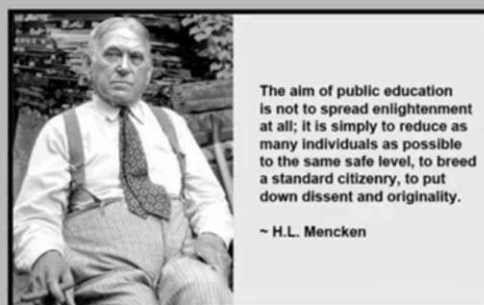
این یک لیست عالی است، این همان چیزی است که شما از مکتب (مدرسه) می آموزید.



المؤمن
Rational Believer

حقیقت از سوی مقامات می آید، ذکاوت یعنی داشتن توانایی «حفظ کردن و تکرار کردن»؛ حفظ و تکرار دقیق مستحق پاداش است، عدم رعایت قوانین مستحق مجازات است. مطابقت: از نظر فکری و اجتماعی.

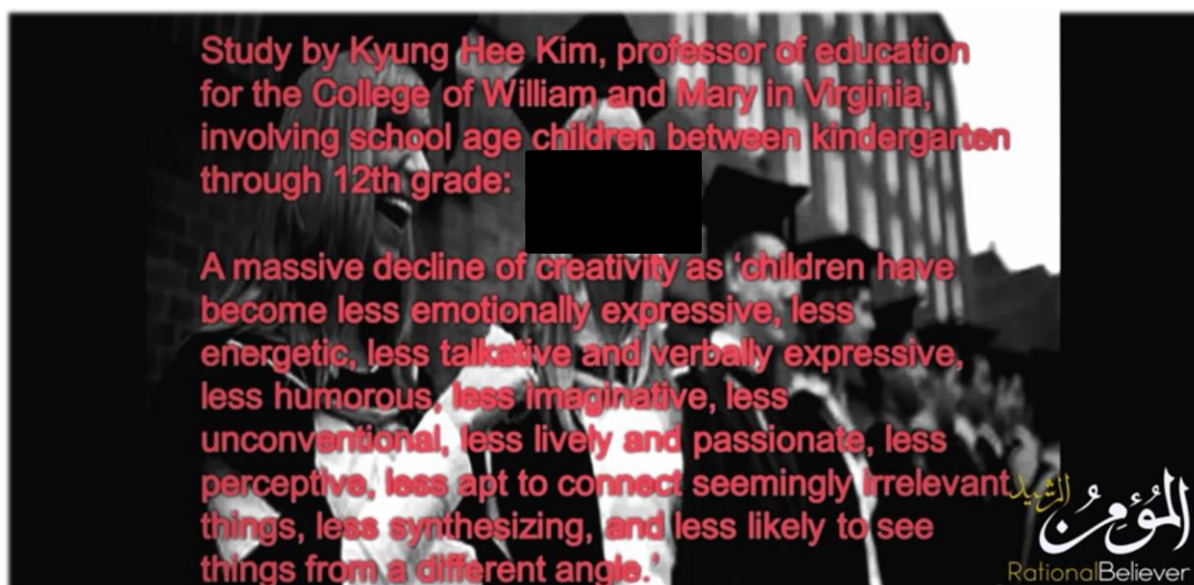
ایج ال مینکن.



المؤمن
Rational Believer

می‌گوید: هدف سیستم آموزشی اصلاً توسعه روشنفکری نیست؛ بلکه پایین آوردن سطح آگاهی افراد در حد امن است تا اینکه بخاطر کنار گذاشتن اختلافات و اصالت، شهروندان استاندارد ببار بیاورند.

و مطالعه در کالج ویلیام و ماری در ویرجینیا انجام شده که با آن تغییرات شخصیتی، افراد را که به مکتب می‌رفتند، را بررسی کرده‌اند و آن‌ها به این نتیجه دست یافتند. کاهش چشمگیری در خلاقیت؛ زیرا دانش آموزان به موارد ذیل مواجه شده‌اند.



ضعف در بیان عاطفی، کم‌انرژی، کم‌حرف، بیان شفاهی ضعیف، شوخ‌طبعی اندک، قدرت تخیل ضعیف کمتر غیر متعارف بوده، داری شور و تحرک کم، قوه ادراک ضعیف، ضعف در ربط دادن چیزهایی که نامربوط به نظر می‌رسند. ضعف در آمیختن با اجتماع و ضعف در بررسی موضوعات از زاویه‌های مختلف. این چیز است که آن‌ها فهمیدند اتفاق می‌افتد، برای مردمی که بیشتر و بیشتر به سیستم وصل می‌شوند و حال آن‌ها می‌خواهند سیستمی را پیاده کنند و می‌خواهند که اطفال بقیه عمر خود را، به منظور باز پرداخت قرض به سیستم، سپری کنند.

حال پیشنهاد من اینست، سؤال من اینست برای چه این کار را می‌کنید؟ چرا می‌خواهید خود را به سیستم وصل کنید و چرا به آن‌ها اجازه می‌دهید تا به شما بگویند که در مورد هر چیز

چگونه فکر کنید؟ و اگر آنچه را که می‌خواهند باور کنید را در ورق امتحان ننویسید؛ کامیاب نخواهید شد. (پایان سخنانش)

سیستم آموزش و پرورش ساعات و کتب درسی را نیز طوری تنظیم می‌کند که تا حد ممکن قطعه و پراکنده باشد طوری که همه موضوعات در تکه های نامربوط آموخته می‌شود. به این ترتیب دانش آموزان موضوعات هر بخش را بشکل مجزا حفظ کرده و می‌توانند مسائل کارخانگی خود را حل کنند؛ اما این قطعات مجزا هیچگاه در ذهن شان یک تصویر کلی را بوجود نمی‌آورد که از کل موضوع، درک واقعی و لازمی را داشته باشند تا اینکه بتوانند از ایده‌ها و روش‌های اصلی استفاده کنند؛ بنابراین دانش‌آموزان در انجام کارها فقط به روشی که آموزش داده می‌شوند، مهارت پیدا می‌کنند و توانایی دستیابی به روش‌های بهتر را از دست می‌دهند و اینگونه است که آن‌ها مانند «ربات‌های پروگرام شده» می‌شوند که بدون کدام سؤالی به کار خود می‌پردازند.

چرا دانش‌آموزان ما قادر به تفکر نیستند؟

چرا نمی‌توانند استدلال کنند؟

چرا در سراسر جهان نتایج امتحانات اغلباً بد است؟

اگر چه خودم کاملاً بر خلاف امتحان هستم؛ اما حتی با ماتریکس (ساختار) سیستم خودشان، سیستم‌شان ناکام است. وقتی به کسالت دانش‌آموزان در سیستم نوین آموزشی آمریکا، مشاهده کنید، به کسالت شاگردان توجه کنید، به چهره‌هایی که با آن به طرف مکتب (مدرسه) می‌روند، توجه کنید و من شاهد هستم، من در سراسر ایالات متحده در دانشگاه‌ها تدریس کرده‌ام، به چهره‌های شان و به کسالتی که دارند توجه کنید.

اولین دلیل اینست که فکر می‌کنند «چرا من این چیزها را می‌خوانم؟».

این برای چه بدرد می‌خورد؟

هدف و کاربرد آن چیست؟

آنهایی که زیرک هستند در همان ابتداء متوجه می شوند، مانند بیل گیتس که هیچگاه سندی از دانشگاه هاروارد نگرفت؛ چون او دانشگاه را کنار گذاشت.



این کاریست که افراد زیرک انجام می دهد.

استیف جابز از دانشگاه بیرون شد.



تمام این میلیاردرها دانشگاه را کنار گذاشتند؛ چون آن ها از همان ابتداء فهمیدند که من می خواهم پول بدست بیاورم و این راهش نیست، پس اگر به دانشگاه می روید که در آینده کسب معاش کنید وقتتان را ضایع می کنید؛ حتی همین حالا بعضی از مدیر عاملان پیشگام در آمریکا، شما را تشویق به بر کنار گذاشتن دانشگاه می کنند، تشویق دانشجویان به بر کنار

گذاشتن دانشگاه منابع قابل دسترس قدیمی؛ چون بعضی از چیزهایی که شاگردان در مکتب می آموزند در هیچ زمینه قابل استفاده نیست، هیچ نوع آموزش حرفه‌یی به آن‌ها نمی‌دهد، این حقیقت است.

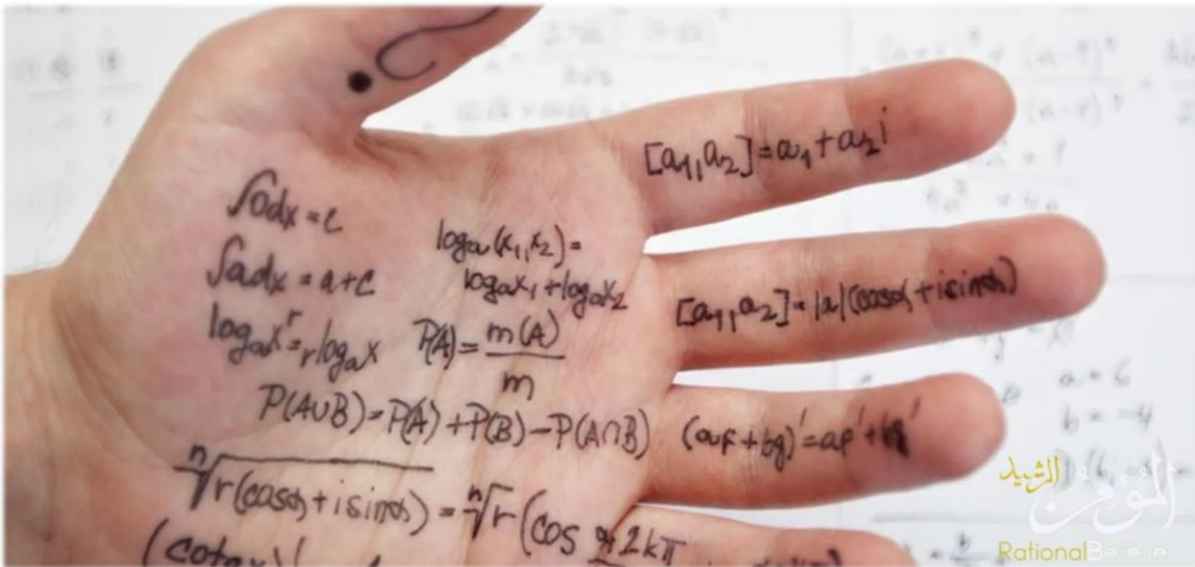
استدلال قوی وجود دارد که امروزه مواد درسی دانشگاه منسوخ و از کار افتاده است.

آلفرید نورث وایتهد یکی از برجسته‌ترین ریاضی‌دانان قرون نوزدهم و بیستم.



می‌گوید: یگانه و مهم‌ترین نوع ریاضیات در جهان مدرن «احصائیه» است که حتی اصلاً آنرا در مکتب تدریس نمی‌کنند، در حالیکه دانش آموز مکتب (مدرسه) متوسطه می‌تواند بر آن تسلط یابد، مضمون مشکل نیست؛ احصائیه خیلی از چیزهایی که در اطراف ما است را تعیین می‌کند، همواره از احصائیه کار گرفته می‌شود؛ اما به دانش آموزان تدریس نمی‌شود تا این خود دانش آموزان در این زمینه کورس بگیرند. ممکن اندکی در دانشگاه و یا مکتب بیاموزند؛ ولی زیاد نه.

چرا هندسه و الجبر را می‌آموزند، در کلاس نشسته اند و تعجب می‌کنند، این چه معنی دارد؟ چرا باید این را یاد بگیرم؟ چرا باید بدانم که $2X+3X$ مساوی به چه می‌شود؟ برایم مهم نیست؛ زیرا هیچ معنای اساسی برای همه این موارد وجود ندارد، هیچ فلسفه آموزشی واقعی در پشت این چیزها وجود ندارد.



تقلب را در مکاتب و دانشگاه‌های ما به شکل گسترده مروج ساخته‌اند، این مشکل بزرگیست.

روش دیگر اینست که در ذهن دانش آموزان این تصویر را حک می‌کنند که برای زندگی فقط یک مسیر وجود دارد، مسیری که باعث می‌شود شما به روش خاصی فکر کنید و همواره به شما می‌گویند برو به مکتب (مدرسه)، دیپلومات را بدست بیاور، دوره ماستری ات را سپری کن و برای شغل ثابتی پیدا کن؛ تمام این کارها را بکن و گرنه در زندگی ات موفق نخواهی بود.

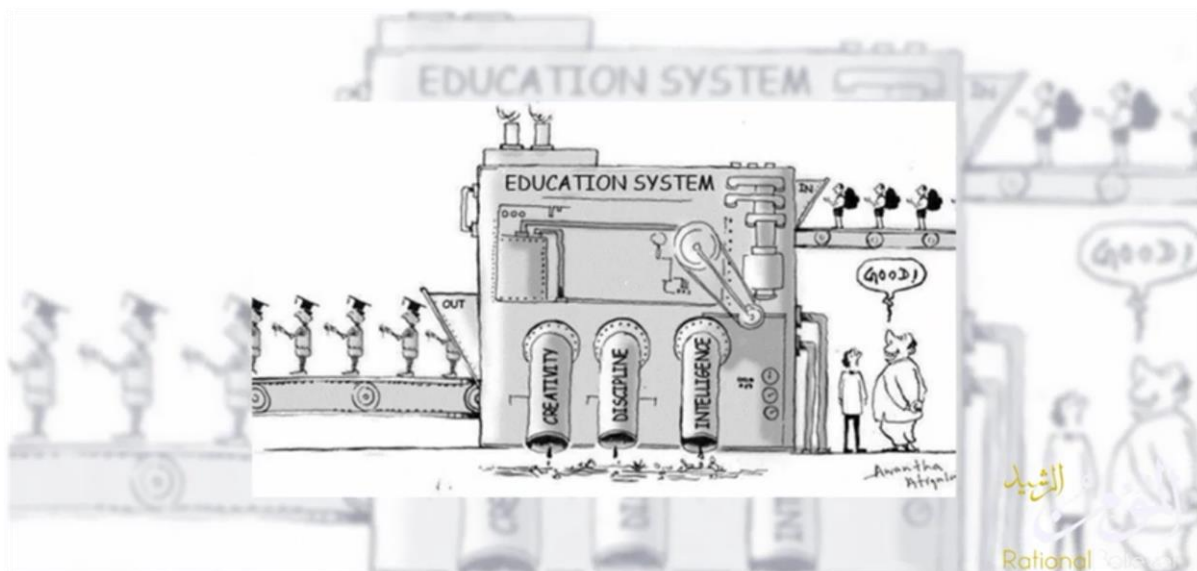
توجه بفرمایید.



می‌گوید: چرا این یک موضوع قبول شده است که باید به مکتب بروید و سپس باید به دانشگاه بروید، آه بله باید به دانشگاه بروید، باید این کار را بکنید، آه تو چانس آن را داری که به دانشگاه بروی؛ ولی از چانست استفاده نمی‌کنی، آه تو دیوانه‌یی و من دیگر با تو حرف نمی‌زنم و من پدرت هستم و از این قبیل سخن‌ها... درست! و من این اعتراضات جوانان و دانشجویان را در لندن می‌بینم که در مورد بلند رفتنِ فیسِ دانشگاه بوده تا جوانان را بگونه‌ی افزایشیِ قرض‌دار ساخته و به این طریق آن‌ها را در شروع زندگی‌شان در کنترل داشته باشند و من می‌بینم که جوانان در این اعتراضات و واکنش‌هایی از این قبیل دارند که خیلی هم خوب است و سپس دوباره به کالج و دانشگاه می‌روند! تنها راهی که تغییر ایجاد می‌کند این است که آن‌ها از رفتن امتناع ورزند، در سیستم عضو نشوید و سپس می‌بینی که می‌گویند اگر دانشگاه نروم شغلِ خوبی نخواهم یافت. من شاهد هستم که دانشجویان در فروشگاه‌ها در حال پر کردنِ قفسه‌ها اند.



یقیناً که شما خلاقیت آن را دارید که یک زندگی خوبی برای تان درست کنید، بدون اینکه از این ماشین ساسیج عبور کنید.



بیایید! ما می توانیم، ما نیازی به این سیستم خونین نداریم. (پایان سخنانش)

روش دیگری شامل دستکاری حقایق در کتاب‌های آموزشی است تا اینکه تصویر غلطی از دنیا را در ذهن مردم ایجاد کنند، از همه بدتر کتاب‌های تاریخ و ساینس هستند؛ زیرا آن‌ها برای ذهن متوسط بیش از حد ساده شده‌اند و توسط کمیته‌های خاص با اجندهای سیاسی نگاشته شده‌اند، بنابراین تصویر اصلی که در ذهن دانشجویان تجسم می‌شود به ندرت دقیق است؛ چون آن‌ها قصد می‌خواهند که دانشجویان عقایدی را دنبال کنند که توسط سیستم پشتیبانی می‌شوند.

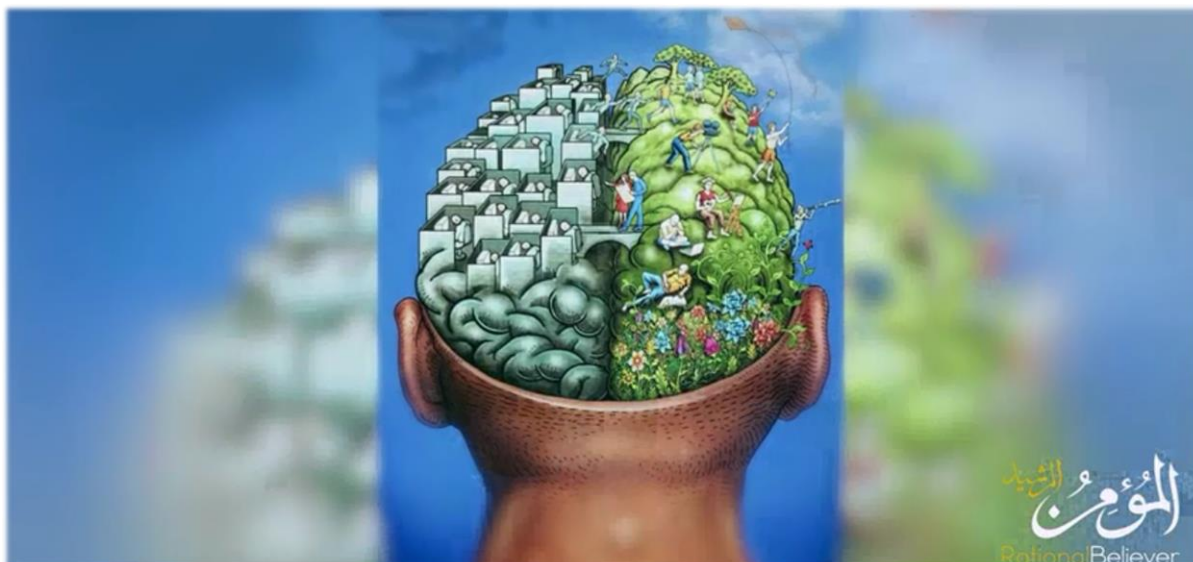


به سخنان این فرد دقت کنید.



می گوید: تمام سیستم؛ چون مغز ما دارای دو نیم کره است، قسمت سمت چپ که مربوط کلمات بوده و با آن حقایق هستی را ادراک می کنیم و قسمت راست مغز که مربوط می شود به خلاقیت، الهامات و روابط و قسمت دیگر همان جسم پینه‌یی است که این دو را با هم وصل می کند. اولتر از همه ما فقط اندکی از مغزمان را استفاده می کنیم که این خود سؤال برانگیز است و دیگر اینکه، کاری که سیستم می کند این است، سیستم را «زندان بانان مغز چپ» اداره می کنند و سیستم آموزشی این کار را با تزریق اطلاعات از طریق مکاتب و دانشگاه‌ها در سمت چپ مغزتان انجام می دهد و سپس در وقت امتحان از شما می خواهد که تمام آن اطلاعات را بازگو کنید و اگر چیزهایی را که می خواهد باور کنید را در ورق امتحان بازگو کنید، کامیاب خواهید شد. هر کسی که آن اطلاعات را در سمت راست مغز خود تحلیل کرد و یا گذاشت و یا سؤال کرد و آن تحلیل را در امتحان بنویسید، چنین اشخاص در صنف اخلاص گر پنداشته می شوند، (گرداننده برنامه: بله همینطور است)، چیزی که اتفاق می افتد اینست که اگر می خواهید داکتر شوید و یا بطر عجیبی یک سیاستمدار، یک ژورنالیست، کسی که اغلب در صنایع کار می کند و یا تمام این عرصه‌هایی که سیستم را کنترل می کند، مسلک‌ها و کلاً منظورم هر بخشی که باشد است، شما باید جوانی‌تان را طوری سپری کرده باشید که همواره این اطلاعات را در سمت چپ مغزتان قرار داده و آن را دوباره در ورق امتحان بازگو کنید؛ اگر بخواهید که معلم شوید، باید این پروسه را طی کنید، سپس شما به کالج معلمان می‌روید،

جایی که به شما می آموزند که چگونه این کار را با دیگران کنید، سپس شما خودتان با اطفال این کار را می کنید؛ تمام این سیستم توسط «زندانیان مغز چپ» اداره می شود.



اگر به سیستم مکاتب توجه کنید، چیزهایی که توسط این سمت مغز پردازش می شوند، مثلاً «منحصر به فرد بودن»، آن‌ها دائماً به نفع «برنامه‌های درسی مغز چپ» تقلیل می یابند و این بطور سیستماتیک اینطور است و من باید همیشه به مردم گوش زد کنم، این در سطح افرادی که به ظاهر سیستم را اداره می کنند، سیستماتیک نبوده؛ بلکه سیستم در سطوح تاریک تر طراحی می شود، جایی که منشأ تمام اهداف است و آن‌ها می دانند که چی کار می کنند (گرداننده برنامه می گوید: بله، در امتحانات آنچه اتفاق می افتد این است که برای اینکه جایگاهی در این سیستم اجتماع پیدا کنید، باید تمام باورها و خواسته‌های سیستم را تأیید کنید). (پایان سخنان)

سیستم آموزشی به این تمرکز ندارد که علم را به شاگردان منتقل سازد؛ بلکه به سه نکته‌ی که برای سیستم مهم است تمرکز دارد:

یک- آن‌ها روی حافظه شما کار می کنند نه هوش‌تان، آن‌ها شما را وادار به حفظ مضامینی می کنند که از قبل طراحی شده اند، نه به این منظور که شما چیزی بیاموزید؛ بلکه می خواهند افکار شما را از تمرکز نمودن بالای موارد مهمتر باز دارند.

دوم- مضامین از قبل طراحی شده به ندرت بالای موضوعات اخلاقی و دینی بحث کرده و بیشتر تمرکزشان بالای انکار خداوند و ترویج بی دینیست. اگر به شما از دوران کودکی تا سنین بلوغ، همواره دروغ‌هایی گفته شود شما آن دروغ‌ها را؛ چون حقیقت مطلق باور می‌کنید و بسیار مشکل است که به شیوه دیگری فکری کنید و متأسفانه والدین حتی به آن وقت نمی‌گذارند تا از فرزندان خود بپرسند که روزانه چه چیزهایی را می‌آموزند.



سوم- آن‌ها به شما به همان پیمانه‌ی علم را یاد می‌دهند که فقط قادر به پیشبرد کار ادارات و کارخانه‌ها باشید؛ چون آن‌ها فقط کارمندان مطیع می‌خواهند تا سیستم را فعال نگهدارند.

نمی‌دانم چه تعداد از شما در مورد مطالعه (تسکیگی سیفلس) آگاهی دارد؛ مطالعه‌ی که در آن فیزیکدانان این کشور سیفلس را در بدن آمریکایی‌های آفریقایی تزریق می‌کردند که تأثیرات آن را به مرور زمان مشاهده کنند، مطالعه مشهور؛ اما فقط در همین اواخر فهمیدیم که آن‌ها این کار را نه تنها در می‌سی‌سی‌پی؛ بلکه در گواتیمالا هم انجام داده‌اند، آن‌ها در سال ۱۹۴۰ در آمریکای مرکزی در بدن مردم سیفلس، گانوریا و دیگر امراض را تزریق می‌کردند تا اینکه تأثیرات این امراض را بالای مردم مشاهده کنند.

این‌ها دانشمندانی بودند که بهترین دانشگاه‌های آمریکا تقدیم جامعه کرده، همان دانشگاه‌هایی که افرادی را به بار آورد که خانه‌های همه‌تان را چپاول (دزدی) کردند، اموال‌تان را دزدی کردند، همان مردم؛ این‌ها حاصلات دانشگاه‌های آمریکایی هستند و تا وقتی که به این واقعیت نرسیم، اگر به مردم معنی و هدف را نفهمانید، شما هیولا ببار می‌آورید، بیماری به نام «تمدن» را بوجود می‌آورید.

این چیز است که اتفاق می‌افتد اگر آموزش را از قداست جدا کنید و تا زمانی که ما ریشه‌های واقعی آموزش و پرورش را دوباره برقرار نکنیم و اگر معنی و هدف آموزش و علم را برقرار نکنیم، خواهیم دید که از این بدتر و بدتر خواهد شد. اکنون مسلمانان فرصت خوبی دارند؛ چون ما مردمی هستیم که هنوز بدون در نظر داشت خودمان، بخاطر پیامبران -صلی الله علیه وسلم- چون وقتی او فرمود: «یکی از علائم قیامت آنست که مردم علم را برای غیر از رضای الله فرا می‌گیرند».

آموختن برای بدست آوردن پول بیشتر نبود؛ بلکه برای این بود که انسان بهتری شویم، نه بخاطر فراگیری علم؛ بلکه بخاطر رضای الله متعال.

قسمت بیستم:

ساینس (علم) و

شستشوی مغزی.



قسمت بیستم: ساینس (علم) و شستشوی مغزی | نظریه تکامل و نظریه فرازمینی‌ها (آدم فضایی‌ها).

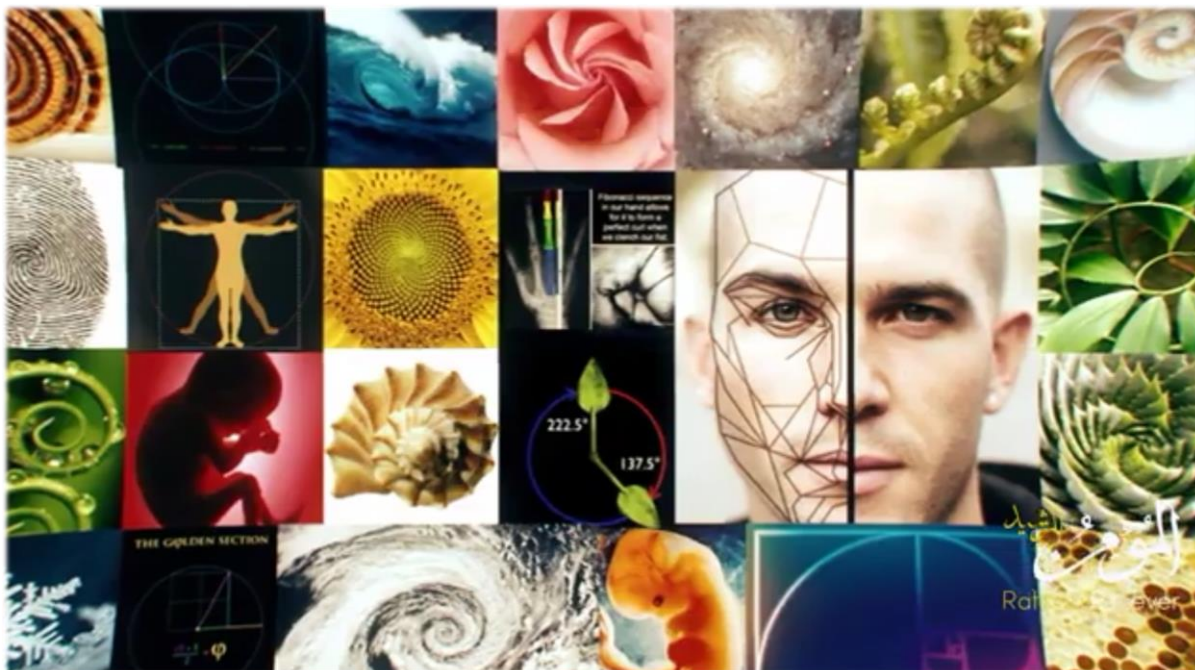
ساینس فعالیتی فکری و عملی است که شامل مطالعه سیستماتیک ساختار و رفتار جهان فیزیکی و طبیعی از طریق مشاهده و آزمایش است، فقط جهان فیزیکی که ما با حواسمان ادراک می‌کنیم را مورد مطالعه قرار می‌دهد و قادر نیست چیزهایی که مربوط به جهان فیزیک نمی‌شود را شرح دهد، چیزهایی از قبیل: موجودیت خالق، موجودیت روح، اخلاقیات و غیره؛ اما دانشی که از ساینس می‌گیریم ما را به حقیقتی فراتر از این جهان فیزیکی می‌رساند. ساینس متشکل از حقایق و نظریات است و اینجاست که مشکل بوجود می‌آید؛ چون نظریات همیشه درست نمی‌باشند، برخی از آن‌ها اشتباه ثابت می‌شوند و برخی از آنها دروغ‌هایی هستند که عمداً به خورد مردم داده می‌شوند و از طرفی دیگر اکثر مردم کورکورانه هر چه که خوردشان داده می‌شود را قبول می‌کنند؛ زیرا امروزه پیروی کورکورانه یک امر عادی است، پس علت قابل اعتماد بودن این نظام برده‌داری چیست؟ دو علت دارد:

اول - سیستم آموزش اجباری دولتی که به آن سیستم مدارس دولتی نیز گفته می‌شود.

دوم - رسانه‌ها.

بواسطه این دو وسیله شستشوی مغزی، آن‌ها تمام اطلاعاتی که شما بدست آورید را کنترل و دستکاری می‌کنند، نه برای مدتی کوتاه؛ بلکه برای یک دوره طولانی مدت. تصور کنید! از کودکی وارد سیستم آموزش دولتی شده و تا جوانی تان ادامه می‌دهید، جایکه شما دائماً اطلاعاتی را به عنوان واقعیت‌های قابل اعتماد بدست می‌آورید و سپس همواره در بعضی از مستندها و فیلم‌ها با عین اطلاعات مواجه می‌شوید، اطلاعاتی که دائماً در تلاشند شما را متقاعد کنند که هیچ دلیلی در عقب هستی وجود ندارد، آن‌ها چیزهایی را به شما یاد نمی‌دهند که باعث شود هدف هستی‌تان را درک کنید و یا چیزهایی که باعث شود خالق‌تان را بشناسید؛ مثلاً: هیچگاه در مورد اهمیت «سلسله فیبوناچی» چیزی برای تان نمی‌گویند که خود دلیل روشنی بر وجود یک طراح است؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که اگر چنین اطلاعاتی بدست آورید، مغز شما به شدت قادر به تجزیه و تحلیل اطلاعات بوده و به سادگی به این نتیجه می‌رسد که طراحی (خالق) در عقب همه این چیزهاست و به همین دلیل هیچگاه این چیزها را در مکتب (مدرسه)

نمی آموزید، شاید اندکی در دانشگاه به آن اشاره شود؛ اما حتی در آنجا دلیلی که در عقب آن وجود دارد را توضیح نمی دهند.



آن‌ها فقط موضوعاتی را انتخاب می کنند که مطابق به اجندای سیستم باشد و به همین دلیل است که می بینیم این بازیگران به عنوان دانشمند روی صحنه ظاهر شده و ذهن‌تان را با نظریات و توضیحات الحادی‌شان پر می کنند، آن‌ها آنقدرها که فکر می کنید باهوش نیستند، آنها توسط سیستم به عنوان دانشمندان معتبر معرفی می شوند تا اینکه مردم سخنان‌شان را باور کنند.

صدها هزار دلار برای ساخت یکی از آن مستندها هزینه میشود و تمام هزینه آن را سیستم می پردازد، پس باید محتوای آن مستندها خواهشات سیستم را برآورده سازد، بنابراین سیستم فقط دانشمندی را که با شرایط و ضوابط آن‌ها موافق هستند ارتقاء می دهد و به همین دلیل مشهورترین دانشمندان کسانی هستند که بی دین هستند.

آیا فکر می کنید این تصادفیست که امروزه هیچ نامی از دانشمندان اسلامی که پیشگامان ساینس بودند، برده نمی شود.



صدها دانشمندِ مسلمان مانند این‌ها وجود داشتند که در زمینه‌های مختلف علمی پیشگام بودند؛ اما هرگز نام آن‌ها را در مکتب نشنیده‌اید.

ما باید به خاطر داشته باشیم که ریشهٔ علوم زیست‌شناسی، فیزیولوژی، کیمیا (شیمی)، فیزیک، ریاضیات و غیره از دین اسلام ریشه گرفته، دین اسلام ما را تشویق به پژوهش و تحقیق می‌کند^۱ تا در مورد جهان فیزیکی خود آگاهی حاصل کنیم؛ بناء مسلمانان پیشین جهش بزرگی را در دانش تجربه کردند که باعث ایجاد اولین دانشگاه‌ها در جهان شد، مانند دانشگاهی که در قرطبه است، می‌دانید! مراکز علوم اسلامی، نه تنها منحصیث مراکز علوم اسلامی؛ بلکه منحصیث مراکز علوم معاصر نیز تلقی می‌شد و همین مراکز بود که باعث رشد گسترده‌یی در ساینس شد.

این تصادفی نیست که شما هیچ یک از مطالعات، نظریه‌ها یا کشفیات دانشمندان را در برنامهٔ درسی مکتب یا در هیچ مستند علمی نمی‌بینید.

۱- ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [العنكبوت: ۲۰].

این نیز تصادفی نیست که امروز هیچ یک از دانشمندان مسلمان نمی‌تواند این فرصت را پیدا کند که به عنوان یک دانشمند برجسته در روی صحنه ظاهر شود؛ در واقع پایگاه‌های علمی فقط کسانی را انتخاب می‌کنند که برنامه‌های سیستم را پیش ببرند، کسانی که هر چه سیستم بخواهد را بگویند.

البته تمام اطلاعاتی که به شما می‌دهند اشتباه نیست، اکثر معلوماتی که از پایگاه‌های علمی بدست می‌آورید درست اند؛ اما تمرکز بیشتر روی موضوعات (اطلاعات) درست نبوده؛ بلکه بیشتر نظریات غلط مورد بحث قرار می‌گیرند.

آنها در پخش اطلاعات از دو شیوه کار می‌گیرند:

اول- آن‌ها اطلاعات غلط را ارائه می‌کنند و با برخی از دلایل بی‌ربط از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند تا شما را قانع سازند که آن را به عنوان حقیقت بپذیرید و بسیاری از نظریه‌ها را می‌بینیم که در گذشته تصور می‌شد صحیح باشند؛ اما امروز همه آن‌ها نظریات رد شده‌اند، حال تصور کنید که چند نسل آن‌ها را به عنوان حقیقت باور داشته‌اند.

دوم- آن‌ها اطلاعات واقعی را ارائه می‌دهند و دلیلی که در عقب آن نهفته است (خالق) را پنهان می‌کنند، در عوض آنها توضیحاتی غلط (مانند تصادف) را ارائه می‌کنند که گویا علت موجودیت تمام هستی است و اینگونه آن‌ها الحاد را در جامعه ترویج می‌دهند.



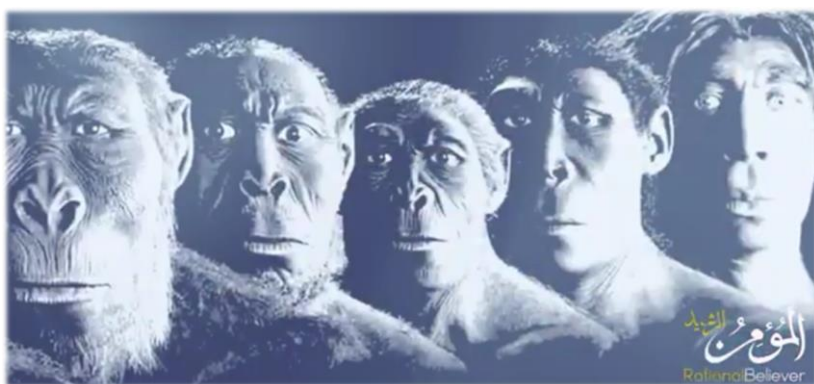
این عالم مسلمان می‌گوید: برای تان مثالی می‌زنم، یکی از پسرانم بیولوژی (زیست‌شناسی) می‌خواند و معلم بیولوژی اش شروع به سخن گفتن در مورد اینکه چگونه همه چیز بوجود آمده،

کرد؛ به بیان دیگر از بیولوژی به کیهان شناسی رفت به جای اینکه تمرکزش فقط روی بیولوژی (علم زیست شناسی) باشد، وارد بحث در علم هستی (هستی شناسی / کیهان شناسی) شد که کاملاً یک بخش مجزا است؛ اما فیلسوفانی همچون «داوکنیز» زیست شناس هستند؛ اما چون آن‌ها می‌دانند که علم شان در مورد سؤالات اساسی هستی، ناچیز است، آنها غالباً این انگیزه یا اصرار را دارند که به متافیزیک و فلسفه بپردازند، حتی اگر آن‌ها در این علوم آموزش ندیده باشند؛ اما آنها افراد زیرک هستند، مطالعه می‌کنند و به همین خاطر در مورد منشأ هستی نظریه‌پردازی کرده و موضع‌گیری می‌کنند، بیولوژی کاملاً یک بخش متفاوت است، بناء مهم است که بخاطر بسپارید که بسیاری از نتیجه‌گیری‌های کیهان شناسی آنها نادرست است؛ بطور مثال: آنها به پروردگار (خالق) باور ندارند، اکثر این کیهان شناسان می‌گویند: که اگر بیگ‌بنگ (انفجار عظیم) رخ داده باشد، پس احتمال وجود جهان‌های موازی هم است بنابراین، این پروسه‌یی است که طی آن جهانی دیگر را به وجود می‌آورد، همه اینها کاملاً حدس و گمان هستند و سپس فرمولهای جادویی را روی تخته می‌نویسند، شما تصاویری با آینشتین‌را می‌بینید، همه جادو است. جبریش، می‌دانید جبریش از چی گرفته شده؟ ریشه‌اش بر می‌گردد به جابر بن حیان؛ چون آن‌ها وقتی کتاب‌های جابر به اروپا رسید آنها توان درک آن را نداشتند و به همین خاطر به آن جبریش (مزخرف) می‌گفتند، این مصدر شناسی درست است، بنابراین فورمول‌ها را می‌نویسند که البته شما قادر به درک آن نیستید، فقط پانزده نفر در روی زمین این فورمول‌ها را میدانند درست؟ و سپس می‌گویند: آه! در فیزیک کوانتوم چنین چیزی امکان‌پذیر است که اشیاء خود بخود بوجود می‌آیند. (پایان سخنانش)

آن‌ها می‌دانند که چگونه حقیقتی را که در آن زندگی می‌کنید، را دستکاری کنند، به مغزتان بیاندیشید تمام واقعیتی که تجربه می‌کنید با مغز شما درک می‌شود، مغز شما مسؤول درک، پردازش، تجزیه و تحلیل داده‌هایی است که از محیط پیرامون خود می‌گیرید و سپس با کمک دانش قبلی که دارید، مغزتان با این داده‌ها (اطلاعات) را رد می‌کند یا آن‌ها را به عنوان حقیقت می‌پذیرد، حال لحظه‌یی به این بیاندیشید چه اتفاقی می‌افتد اگر کسی از کودکی تا کنون همواره با برخی از اطلاعات جعلی و نظریه‌های غلط مغز شما را تغذیه کند؟

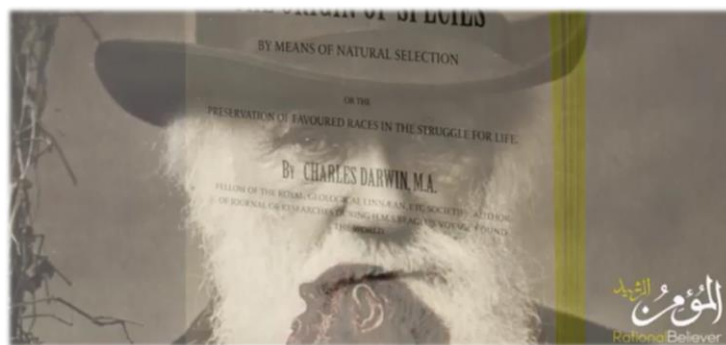
مغز شما به آن اطلاعات عادت کرده و آن را به عنوان حقیقت می‌پذیرد و نمی‌تواند غیر از آن فکر کند و این همان کاری است که سیستم با شما انجام می‌دهد، این بدان معنی است که بخشی از واقعیتی که تجربه می‌کنید با دروغها ساخته شده است و در نتیجه اکثر مردم این دروغها یا اطلاعات غلط را حقیقت مطلق پنداشته و زندگی خود را بر اساس آن‌ها بنا می‌کنند.

امروزه بیشترین تمرکز ساینس روی نظریه تکامل داروینی و اکتشافاتی که در زمینه کیهان شناسی صورت می‌گیرد، است.



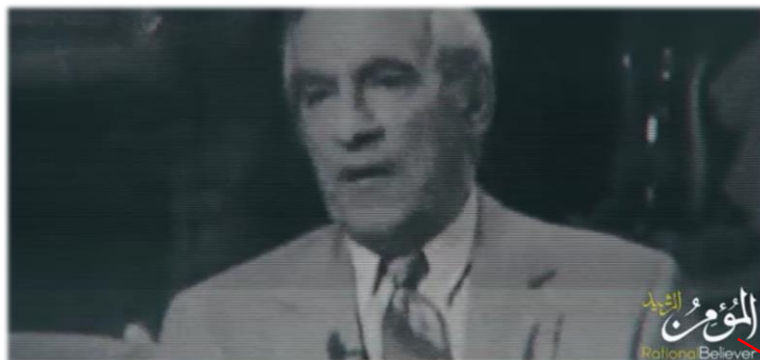
با تئوری تکامل داروین، آن‌ها به شما القاء می‌کنند که باور کنید همه چیز طی میلیاردها سال از یک گونه به گونه دیگر با انتخاب طبیعی از طریق برخی رخدادهای متوالی تصادفی در حال تکامل است و بنابر این، انسان نیز نتیجه همین پروسه (روند) است.

آن‌ها می‌خواهند شما را متقاعد کنند که چیزی به نام خلقت وجود ندارد و داستانِ آدم -علیه السلام- جعلی است. آیا می‌دانید که چارلز داروین کی بود و چگونه به فکر پردازش نظریه تکامل افتاد؟



او نواسه (نوه) اراسموس داروین (یک فریماسون) بود. اراسموس داروین طبیب، فیلسوف و شاعر بود که سال‌ها قبل از چارلز داروین در شعرهای خود در مورد تکامل گفته بود.

این فیلم مصاحبه راجر مورنو (عضو سابق فرقه فراماسونری) است که حقیقت تئوری تکامل را فاش می‌کند.



می‌گوید: کشیش گفت که او نقشه شیطان برای فریب بشر بدینگونه دسیسه بزرگیست که در ذهن دارد و او گفت که چگونه شیطان می‌خواهد این نقشه را عملی کند و گفت که فردی به نام داروین و فردی دیگری به نام توماس اندریوهاکسلی توسط جنیات استفاده می‌شد؛ چون آن‌ها در زمان کودکی‌شان توسط داکتران هپنوتیزم (کنترول ذهن) شده‌اند و آن‌ها فهمیدند که این دو، سوژه‌های واقعا خوبی برای هدایت مردم به این باور هستند، باوری را که شیطان می‌خواهد وارد زنده‌گی مردم کند؛ زیرا بعد از شورای بزرگ عالی تصمیم گرفته شد که شیطان خودش شخصا داروین را در تنظیم اصول نظریه‌های تکامل تدریس خواهد کرد، او توسط خود لوسیفر تدریس می‌شد و در آن زمان شیطان و مشاورین جنی‌اش این‌را فهمیده بودند، اگر کسی منجر به اعتقاد به نظریه تکامل شود، در زندگی او (هفته آفرینش) که در انجیل ذکر شده است و سعادت اصلی و نهایی آن فرد را از بین خواهد برد، با آن این کار را خواهند کرد، یعنی سعادت فرد از بین خواهد رفت... بله و او یک بیانیه بی‌نظیری داد او گفت که بر اساس گفته جنیات، گفت: هر کسی که تئوری تکامل را تدریس کند، کشیش یک نظام بزرگ دینی تلقی می‌شود، ببینید! آن‌را نظام دینی می‌گویند (تئوری تکامل‌را)؛ زیرا این یک سیستم آموزش برای مردم است که به منظور خارج شدن آنها از آئین مسیحیت ایجاد شده و او گفت: که هر معلم این تئوری در نظر

جنیاتِ شخصی محترم شمرده شده و یک بخشش/رتبه بسیار ویژه از خود شیطان دریافت می‌کند! یعنی بخاطر فریب، متقاعد کردن و تغییر دین در مردم، برایش قدرتی داده خواهد شد، سه ظرفیت در اختیار معلمان این تئوری قرار گرفته است، این همه‌اش نیست، کشیش گفت که معلمان این تئوری آنقدر نزد شیطان ارزش دارند که در نظر همه در آسمان‌ها و کهکشان‌ها! او عده‌یی از جنیات زیبا و مغرور را در خدمت‌شان خواهد گذاشت که تا آخر عمر در اختیار آن‌ها باشند. (پایان سخنانش)

و از طرف دیگر کیهان شناسانی از «ناسا» ادعای اکتشافاتی را می‌کنند؛ مثلاً: کشف سیاراتی که گویا شبیه زمین هستند مثل «کپلر ۲۲ بی» و یا «گلایزه ۵۸۱ جی» با این کار، آن‌ها می‌خواهند شما را متقاعد کنند که سیارات قابل زیست دیگری نیز در کیهان وجود دارد و سپس حرف از وجود موجودات فرازمینی می‌زنند و می‌گویند که ممکن این سیارات متعلق به آن‌ها باشد.



و این عجیب است که امروزه موضوع فرازمینی‌ها یکی از داغ‌ترین موضوعات در ساینس است.

خوب! آیا فرازمینی‌ها و موجودات زنده دیگر در قسمت‌های دیگری از این کیهان پهناور وجود دارد؟

در حقیقت این موضوع یکی از موارد غیب است و علم آن فقط نزد الله متعال است؛ اما آیاتی در قرآن عظیم‌الشأن وجود دارد که ممکن دلالت به وجود موجودات زنده‌ی دیگر در قسمت دیگری از این عالم کند، جایی که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۸].

«و الله چیزهایی آفریده که شما نمی دانید».

و او تعالی در آیه دیگری می فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ﴾ [الشوری: ۲۹].

«و از نشانه‌های قدرت او آفرینش آسمان‌ها و زمین و پراکندن جنبنندگان در آن دو است».

نظر به این آیات و آیات دیگری در قرآن ما نمی‌توانیم وجود موجودات زنده دیگر را در نقاط دیگر عالم هستی رد کنیم؛ اما آنچه این دانشمندان به شما می‌گویند دروغ بوده و اجندای بزرگی را در پی دارد.

بشقاب پرنده‌ها در حقیقت هواپیماهای ساخته دست بشر با قابلیت‌های پیشرفته فنی هستند که بواسطه انسان هدایت می‌شوند.



و آن‌ها از سیاست، علم و صنعت سرگرمی برای دادن اهمیت بیشتر به این پدیده استفاده می‌کنند، تا شما باور کنید که آن‌ها واقعا وجود دارند.



آن‌ها می‌خواهند شما را متقاعد کنند که این همیشه فرازمینی‌ها بودند که با پیامبران در تماس بوده‌اند و چیزی به چون ملائک یا خداوند وجود ندارد.

این پدیده در واقع مادیگرا ساختن جهان است تا جهان را کاملاً خالی از عقاید مذهبی کنند.



فردی که تصویرش در بالاست، در یک گفتگو می‌گوید: ما می‌دانیم که چه نوع حادثه‌یی باید بوده باشد، ما می‌دانیم که چه نوع حادثه‌یی باید برای وجود حیات اتفاق افتاده باشد.

گرداننده برنامه می‌پرسد: و این حادثه چیست؟

می‌گوید: این حادثه عبارت از مبدأ یک مالیکول خود تکثیر بود.

گرداننده برنامه: درست! اما چگونه اتفاق افتاده؟

می‌گوید: برایت گفتم، ما نمی‌دانیم.

گرداننده برنامه: پس نمی‌دانید که چگونه آغاز یافته؟

می‌گوید: نه، مثل هر کس دیگر من هم نمی‌دانم.

گرداننده برنامه: چه فکر می‌کنید آیا این امکان دارد که طراحی هوشمندانه پاسخی برای بعضی از موضوعات ژنتیکی و تئوری تکامل داروین باشد.

می‌گوید: می‌تواند به این شکل باشد که در گذشته‌ها در قسمتی از کائنات تمدنی بر اساس قوانین داروینیزم تکامل یافته و به تکنالوژی پیشرفته‌یی دست یافته باشد و نوعی از حیات را طراحی کرده و بذر آن‌را به این سیاره افشاند، حال این یک احتمال است، یک احتمال

جذاب و من فکر می‌کنم که ممکن است طوری که می‌توان برای آن شواهدی بدست آورد، اگر به جزئیات بیوشیمی (زیست‌شناسی مولکولی) نگاه کنید، شواهدی برای وجود یک طراح هوشمند را خواهید یافت. (پایان گفتگو)

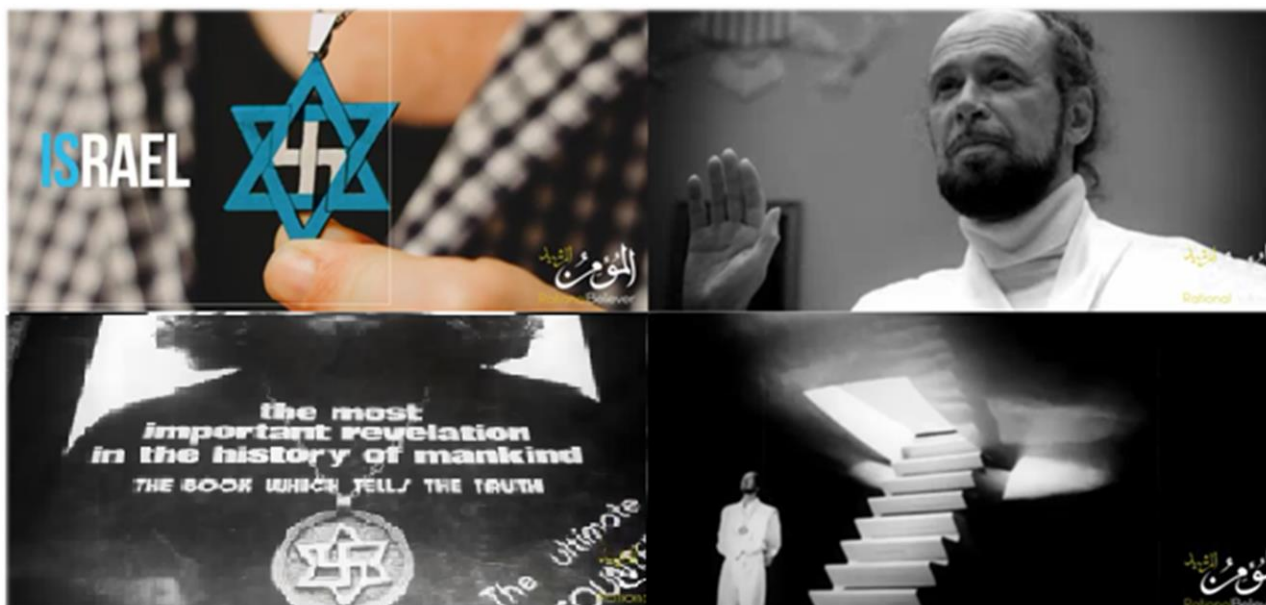
ریچارد داوکینز معتقد است که دلیل وجود حیات روی زمین یک طراح هوشمند است؛ زیرا نه او، و نه سایر تکامل‌گرایان قادر به آوردن تعریف دیگری جز طراحی هوشمندانه برای منشأ حیات هستند؛ اما بخاطر کبرشان اعتقاد به طراح حقیقی حیات (الله متعال) را رد می‌کنند و در عوض پدیده دروغی بنام «فرازمینی‌ها» را ایجاد کرده‌اند تا مردم این پدیده خیالی را باور کرده و آن‌ها را خالق خود بیندارند.

طنز قدیمی در مورد یک دانشمند وجود دارد که در مورد خلقت حرف می‌زد و بعد از سخنانش از میان شنونده‌گان پیر زنی برخاست و گفت: تو واقعا خیلی نادان هستی، آیا نمی‌دانی که تمام دنیا بر پشت یک لاک پشت (سنگ پشت) قرار دارد؟ دانشمند خندید و گفت: پس بگو آن لاک پشت بر روی چی قرار دارد؟ و پیر زن به او نگاه کرد و گفت: تو خیلی احمقی؛ خیلی احمقی؛ همینطور تا بی‌نهایت لاک پشت‌ها بر سر همدیگر قرار دارند، حال همه می‌خندند که چه پیر زنی نادانی! (لاک پشت‌ها بر سر همدیگر قرار دارند) چقدر احمقانه! درست، حال برگردیم به عصر امروزی، شما دانشمندی را می‌بینید که روی استیج ایستاده و در مورد انفجار بزرگ منحیث مبدأ هستی و در مورد تکامل بر اساس انتخاب طبیعی توضیحی برای تنوع حیات حرف می‌زند، از او بپرسید، منشأ حیات چیست؟ می‌دانید جواب‌شان چیست؟ رایج‌ترین پاسخی که امروزه می‌دهند، می‌گویند حیات از فضاء بروی زمین آمده یک بار دیگر، درست مثل آنچه در مورد آن صحبت می‌کنیم، این پاسخ چیزی را نمی‌دهد بله، آن‌ها می‌گویند حیات توسط فرازمینی‌ها بروی زمین آمده؛ فرازمینی‌ها چگونه بوجود آمده‌اند؟ آن‌ها حیات را چگونه بدست آوردند؟ آه! آن‌ها حیات را از موجودات ناشناخته دیگر بدست آوردند و آن‌ها حیات را از کجا گرفتند؟ مبدأ فرازمینی‌ها چیست؟ منشأ اصلی حیات چیست؟ موجودات ناشناخته دیگر، موجودات ناشناخته دیگر، موجودات ناشناخته دیگر؛ حال شما این دانشمندان

به اصطلاح هوشیار را می بینید که مانند همان پیر زن بجای این که بگویند: «همه اش تسلسل نزولی لاک پشت ها تا بی نهایت است» بله.

آیا آماده اید که یکی از پلیدترین نقشه های شیطان را بدانید؟

آنها وجود خالق را رد می کنند و ادعا می کنند که دلیل همه چیز بر حسب تصادف است؛ بنابراین، آن ها ادیان توحیدی را به اجندای موجودات فرازمینی ربط می دهند و برای پشتیبانی از این استدلال آن ها دین جدیدی (رائلیسم) با خدایان جعلی (فرازمینی ها) و پیامبر جعلی (رائل) ایجاد کردند.



اولین آیه بایبل را ببینید! کتاب پیدایش، فصل ۱، آیه ۱؛ می گوید: «در آغاز خداوند آسمانها و زمین را آفرید» (کلمه خداوند در زبان عبری "الوهیم" است).

آن ها معتقدند که کلمه الوهیم که در کتاب مقدس یهودیان برای خدا به کار رفته است، در واقع نام موجودات فرازمینی است که بشر را با فناوری پیشرفته خلق کرده اند و بنابراین کلمه «الوهیم» در طول تاریخ به عنوان خدایان اشتباه گرفته شده است؛ آن ها می خواهند که کل بشریت فرازمینی ها را به عنوان خالق خود بپذیرند و دنیا را برای آمدن آن ها به زمین آماده کنند.

در حقیقت آن‌ها سومین معبد را برای آمدن دجال می‌سازند.



و هدف آن‌ها این است که مردم را معتقد سازند که او (دجال) یکی از آن موجودات فرازمینی است؛ بنابراین وقتی که دجال ظهور کند، کسانی که به بشقاب پرنده‌ها و فرازمینی‌ها باور دارند، او را؛ چون خالق خود خواهند پذیرفت.

صبر کنید! اگر بشقاب پرنده‌ها یک پدیده جعلی هستند، پس کسانی که موجودات عجیب و غریبی را مشاهده کردند چه؟

۱- برخی از این ادعاها جعلی است و مدعیان در بدل پول ادعای دروغین می‌کنند.

۲- برخی از کسانی که این ادعا را می‌کنند، شاهد یک صحنه ساختگی بوده‌اند.

۳- در بیشتر موارد، افراد موجودات واقعی (جن) را دیده‌اند.

توجه: جن می‌تواند به اشکال مختلف ظاهر شود.

و داستان‌های زیادی وجود دارد از مردمانی که به آن‌ها اعتماد دارم، از تجارب‌شان در مورد جن و صحرا شنیده‌ام، پس مردمانی هستند که چنین تجاربی داشته‌اند، ما تمایل داریم بسیاری از این موارد را که برای مردم اتفاق می‌افتد، نادیده بگیریم؛ مثل: ربوده شدن توسط موجودات

ناشناخته، آدم ربایی کاریست که جنیات از سابق می‌کنند؛ چون جنیات اختطاف (آدم‌ربایی) می‌کنند. می‌دانید! مردم توسط جن‌ها ربوده می‌شوند و بالای‌شان کارهایی صورت می‌گیرد و داستان‌هایی از این قبیل مردم زیادی را می‌بینید که در سراسر دنیا چنین چیزهایی را تجربه کرده‌اند.

حال می‌خواهم شما را به شروع ببرم، جایی که إبلیس دشمنی‌اش را با بشر آغاز کرد، آیا می‌دانید که چرا از سجده کردن به آدم -علیه السلام- انکار کرد؛ چون او به آدم -علیه السلام- حسادت کرد، اگر چه الله متعال به جنیات خصوصیات شگفت‌انگیزی اعطاء کرده که ما انسان‌ها از آن برخوردار نیستیم؛ مثلاً: آنان قدرت بیشتری دارند به اشکال مختلف ظاهر می‌شوند، از دید ما پنهان هستند وارد بدن‌مان می‌شوند و غیره خصوصیات که ما از آن برخوردار نیستیم؛ اما یک چیزی است که باعث حسادت إبلیس شده و آن عقل/هوش است؛ انسان‌ها نسبت به جنیات باهوش‌ترند و شیطان بخاطر حسادت‌اش گفت: «من از آدم -علیه السلام- بهترم و به او سجده نمی‌کنم» و از همان لحظه تا به حال او، از هر فرصتی استفاده می‌کند تا نشان دهد که او و فرزندانش بهتر از انسان‌ها هستند و امروز یکی از بزرگترین برنامه‌هایش اجندای فرازمینی‌هاست. در حقیقت چنین موجوداتی که مردم بنام فرازمینی‌ها از طریق فیلم‌ها و مستندهای علمی می‌شناسند، وجود ندارد، بشقاب پرنده‌ها فناوری پیشرفته‌ی نظامی هستند و در عقب آدم‌ربایی‌هایی واقعی جنیات هستند که موجودات فرازمینی نبوده؛ بلکه موجودات (فرا بعدی) هستند که ساکن زمین هستند.

می‌دانید رائل کیست؟



رائل یک فراماسون درجه ۳۳ است که رائلیسیم را بر اساس تعالیم لوسیفر بنیان گذاری کرد و او همیشه با جنیات در تماس بود که به او می گفتند چگونه اجندای شان را پیش ببرد. پس اجندهای این دین ماسونیک (رائلیسم) چیست؟

اول - آن ها می خواهند مردم را متقاعد کنند که خدایی وجود ندارد.

دوم - اِبلیس و فرزندانش می خواهند که مردم را متقاعد سازند که موجودات ناشناخته که در حقیقت همان جنیات اند نسبت به بشر هوشیارتر اند، حتی در حدی که پیروان این دین، آن ها را خالق خود دانسته و به آن ها سجده می کنند؛ زیرا این وعده اِبلیس است که نشان دهد او از بشر برتر است و بجای اینکه او به آدم -علیه السلام- سجده کند، انسان باید به او و فرزندانش سجده کنند.

سوم - تشویق مردم در انجام اعمال شیطانی و حمایه از جنبش هایی فیمینیزم جنسی مثبت، همجنسگرایی و غیره.

چهارم - آماده ساختن جامعه برای نظم نوین جهانی.

حال می دانید چرا مردم فریب چنین دروغ هایی را می خورند؛ چون آن ها بالای نظام آموزشی و دانشمندی که در رسانه های ظاهر می شوند، اعتماد دارند و طوری که قبلا یادآوری کردیم، رسانه ها و نظام تحصیلی اکثرا بالای چیزهایی تمرکز دارند که سیستم از آن ها می خواهد، دانشمندان ورزیده و واقعی این نظریه های بیمار را پیشنهاد نمی کنند؛ بلکه کوشش می کنند که دانش واقعی در مورد هستی را انتشار دهند و روز به روز شاهد افزایش تعداد دانشمندی هستیم که به الله متعال ایمان دارند؛ زیرا علم واقعی همیشه نشانگر وجود ذاتی خردمند در عقب این واقعیت فیزیکی است. تعداد افزایش دهنده یی از دانشمندان نسبت به نظریه داروین شک دارند.



A SCIENTIFIC DISSENT FROM DARWINISM

"We are skeptical of claims for the ability of random mutation and natural selection to account for the complexity of life. Careful examination of the evidence for Darwinian theory should be encouraged."

Scientists listed by doctoral degree or current position.

<small>Philip Skellam Lyle H. Jensen Mikhail Gershik Lev Belousov Eugene Bull</small>	<small>Emeritus, Evan Pugh Prof. of Chemistry, Pennsylvania State University Professor Emeritus, Dept. of Biological Structure & Dept. of Biochemistry Full Professor, Institute of Dendrology Prof. of Embryology, Honorary Prof., Moscow State University Ph.D. Genetics</small>	<small>Member of the National Academy of Sciences University of Washington, Fellow AAAS Polish Academy of Sciences Member, Russian Academy of Natural Sciences Institute of Developmental Biology, Russian Academy of Sciences</small>
<small>Emil Palecek K. Mestis Orouha Ferenc Jeszenszky M.M. Ninan</small>	<small>Prof. of Molecular Biology, Masaryk University, Leading Scientist Shell Professor of Geology & Deputy Vice-Chancellor, Univ. of Nigeria Former Head of the Center of Research Groups Former President</small>	<small>Inst. of Biophysics, Academy of Sci., Czech Republic Fellow, Nigerian Academy of Science Hungarian Academy of Sciences Honorary Academy of Sciences, Bangalore University (India)</small>

Public Foundation Senior Research Fellow, EMBL/Max Planck Institute of Molecular Biology Honorary Academy of Sciences (Russia)

می‌گویند: ما به ادعاهایی در مورد قابلیت جهش تصادفی و انتخاب طبیعی منحیث پاسخی برای پیچیده‌گی حیات شک داریم؛ باید بررسی دقیقی روی شواهد تئوری داروین صورت گیرد. بیش از هزار دانشمند دارندهٔ مدرک (پی اچ دی) از سراسر جهان این لیست را امضاء کرده‌اند.



**OVER 1,000 PhD SCIENTISTS
WORLDWIDE HAVE
SIGNED THE LIST.**

J. C. Meredith
Siddarth Pandey
Brian Pittman, II
Gordon Mills
A. Clyde Hill
Alex S. Bonner
Stephen C. Meyer
William Parsell
Paul Ramey
Christopher Morley

Stephen C. Tenforde
David Reed
Charles D. Johnson
J. Mizobe
David Reigstad
Mark Shubert
Arthur John Jones
Patricia Hoff
Cliff Heinrich

W. Chuanxin
Zhi-H. Ahn
Dan Reynolds
Gino Magalhães
Andrew Scahill
Yanyu Rickard
Adam W. Start
Mehmet H. H. H. H.
David Roberts
Martin Baumgart
Mahmoud Fakheri
Quinn Rogers
Linda Hilly
Daniel Rizzo
David Suckale
Robert Bugge
Eberhard Y. Y. Y.
Theodore Sato
Julio Melendez
Ray Serrano
Thomas Serrano
James F. Drake
David N. Sweet
Fernando Sauer

Associate Professor, Chemical Engineering
Assistant Professor of Chemistry
Ph.D. Organic Chemistry
Emeritus Professor of Biochemistry
Ph.D. Soil Chemistry
Ph.D. Computer Engineering
Ph.D. Philosophy of Science
Ph.D. Physical Chemistry
Ph.D. Mathematical Statistics
Astronomer (Ret.)

Ph.D. Mechanical Engineering
Ph.D. Economics
Ph.D. Chemistry
Associate Professor of Neuropsychology (M.D., Ph.D. Medicine)
Ph.D. Physics
Ph.D. Zoology
Ph.D. Zoology & Comparative Physiology
Director, Rice Space Institute
Senior Research Assistant, Protein & Peptide Structure & Function D.

Associate Professor of Mathematics
Professor of Electrical Engineering (retired)
Ph.D. Organic Chemistry
Professor of the History of Science & Technology
Ph.D. Civil Engineering
Ph.D. Engineering Physics
Ph.D. Environmental Health
Ph.D. Plant Biology
Ph.D. Soil Chemistry
Associate Researcher, Department of Psychology (Ph.D. Neurosci)
Professor of Mechanical Engineering
Prof. of Physiological Chemistry, Dept. of Molecular Biosciences
Associate Professor, Dept. of Center Public Health & Behavioral Sci.
Professor of Chemistry
Professor Civil Engineering & Environmental Science
Chief Plant Ecology & Evolution
Professor & Director of Research Center
Ph.D. Physics
Professor, Department of Biochemistry & Pharm...
Ph.D. High Energy Particle Physics
Professor of Biology
Ph.D. Atmospheric Science
Ph.D. Physics
Professor, Department of Meteorology and Ph.../p>

و در این تصویر:



در تصویری صفحه قبلی، مجموعه افرادی که دارای مدرک پی اچ دی هستند، هر یک به ترتیب می‌گویند: من شک دارم در ادعاهایی که برای قابلیت جهش تصادفی و انتخاب طبیعی من حیث پاسخی برای پیچیده‌گی که پاسخی برای پیچیده‌گی حیات باشد.

در مدت زمان کوتاه (چهل سال) بله در مدت چهل سال می‌بینید که تعداد روز افزونی از دانشمندان به یک خالق اعتقاد دارند و نمی‌توانند که وجود خالق را انکار کنند؛ بلکه به وجود خالق اعتقاد دارند و به چیزهایی که ساینس پیشنهاد می‌کند (مثل بیگ بنگ). مشکل این است که این سیستم دانشمندان معتقد به الله متعال را ارتقاء نمی‌دهد، بر عکس آن‌ها ترجیح می‌دهند کسانی را ارتقاء دهند که روی صفحه آمده و ادیان مشخصی را نقد کنند. آن‌ها هیچگاه یهودیت را نقد نمی‌کنند، بر عکس اکثرشان حامیان قوی اسرائیل هستند، حال فکرش را بکنید، منظوم این است که با عقاید آنها بسیار متناقض است؛ اما همانطور است که می‌بینید، اکثر آن‌ها می‌پرهیزند از این که بالای یهودیت انتقاد کنند، بنظر بیشتر بخاطریست که اگر این کار را بکنند، به مشکل مواجه خواهند شد و آن‌ها می‌دانند که منفعت‌شان در چیست، وقتیکه بالای نصرانیت (عیسویت) انتقاد می‌کنند کاملاً بر اساس اصول عقیده انتقاد می‌کنند که برای‌شان قابل قبول نیست؛ اما وقتی می‌خواهند بالای اسلام انتقاد کنند، اصلاً روی اصول عقاید انتقاد نمی‌کنند؛ زیرا اصول عقاید اسلامی موضوع بحث‌شان نیست؛ بلکه همیشه روی موارد عمیق احساسی بحث می‌کنند؛ مثلاً: می‌گویند: اسلام یک گروه تروریستی است و یا می‌گویند: اسلام زنان را منکوب (رنج دیده و متضرر) می‌کند. یک لحظه صبر کنید! اگر اسلام زنان را منکوب می‌کند، چرا اکثر کسانی که امروز به اسلام گرایش پیدا می‌کنند آن‌هم در کشورهای جهان اول؛ مثل: آمریکا، کشورهای اروپایی و غیره چرا اکثرشان زنان هستند؟! آنان زنان هوشیار هستند که به اسلام رو می‌آورند، آن‌ها زنان نادان نیستند؛ بلکه زنان فهمیده و با اندیشه‌عالی هستند که به اسلام می‌گروند، چرا؟ اگر اسلام زنان را منکوب می‌کند، چرا آن‌ها مسلمان می‌شوند؟! از خودشان بپرسید، جواب تان را خواهید گرفت، این بخاطریست که اسلام هیچگاه زنان را منکوب نمی‌کند، می‌دانید! اکثر آن‌ها می‌گویند: آزادی اصلی را در اسلام یافتیم.

شما باید قسمتی از وقتتان را با اطفالتان سپری کنید و از آنها در مورد چیزهایی که از مکتب و رسانه‌ها می‌آموزند، پرسید و آنها را از دسایس شیطان آگاه سازید و به آنها کمک کنید بیاموزند که چگونه درست را، از غلط تفکیک کنند، این به آنها کمک می‌کند که فریب دروغ‌هایی که بنام ساینس گفته می‌شود، را نخورند.

خوب! آیا تمام این معلومات به این معنیست که شما نباید ساینس را بیاموزید؟

ما نباید در مورد هر آنچه ساینس به ما می‌گوید بدبین باشیم؛ بلکه باید بیاموزیم، تدبر کنیم و درست را، از غلط تفکیک کنیم و در عین حال نباید هر چه را که به ما گفته می‌شود، کورکورانه قبول کنیم، ساینس در حقیقت روشی است برای کسب دانش از طریق مشاهده طبیعت و در آیات متعددی از قرآن، الله متعال ما را به مشاهده طبیعت امر می‌کند و از ما می‌خواهد که روی نشانه‌های موجود در هستی تفکر کنیم.

مشخصاً در اسلام، دین و علم به عنوان دو طرف مکمل یک واقعیت در نظر گرفته شده‌اند، طوریکه هیچ تضادی بین این دو وجود ندارد؛ زیرا هر دو از یک منبع سرچشمه می‌گیرند، برعکس قرآن مردم را به تفکر، تجسس، درک، انتقاد و یا یافتن حقیقت بر اساس برهان، ترغیب می‌کند؛ بنابراین ما باید ساینس را در روشنایی ایمان بیاموزیم و حقیقت را از طریق نشانه‌هایی که الله متعال در هستی گذاشته است درک کنیم، او تعالی تمام هستی را پر از نشانه‌ها خلق کرده برای کسانی که به آنها تأمل می‌کنند.

قسمت بیست و یکم:

خطرِ محصولاتِ دستکاری

شده‌ی ژنتیکی (GMO).



قسمت بیست و یکم: خطر محصولات دستکاری شده‌ی ژنتیکی (GMO).



Zach Bush (Medical Director Revolution Health Center) می‌گوید: من فکر می‌کنم این یک موضوع خیلی مهمی است، نظر به اینکه در مورد ارگانیزم‌های اصلاح شده‌ی ژنتیکی «جی ام او» مشاجره‌های سیاسی، اجتماعی و دینی وجود دارد؛ چون این در مورد غذا است، غذایی که با آن اطفال مان را تغذیه می‌کنیم و از آنجا که شدت احساسی در این موضوع وجود دارد و یکی از مواردیست که موقعیت ما به عنوان مصرف کننده را تضعیف کرده، این تقریباً شبیه تئوری توطئه به نظر می‌رسد، درست است؛ اما در واقع اینطور نیست، این فقط مارش رفتار انسان و تجارت بزرگ طی یک قرن است. (پایان سخنانش)

بعضی از بینندگان ما در قسمت هجدهم در بخش نظریات گفتند که ارگانیزم‌های اصلاح شده‌ی ژنتیکی هیچ مشکلی ندارند و گویا در این مورد زیاده‌روی می‌کنیم؛ پس بیایید به عمق این موضوع پرداخته و جنبه‌ی تاریک آن را درک کنیم.



Jeffrey Smith (American Consumer Activist) می‌گوید: اول‌تر از همه «جی ام او» چیست؟ ارگانیزم اصلاح شده‌ی ژنتیکی، فرآیندی است که طی آن ژن‌های جداگانه و یا زنجیره‌ای از ژن‌ها را، از دی ان ای یک ارگانیزم گرفته و به دی ان ای ارگانیزم دیگر جابجا می‌کنند. این فرآیند به‌خودی خود مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند و آن‌ها حتی روی آن تمرکز

نمی‌کنند؛ بلکه بیشتر روی تغییر دادن خصوصیات ژنتیکی تمرکز دارند، حال پنج محصول غذایی عمده اصلاح شده ژنتیکی وجود دارد: سویا، جواری (ذرت)، پنبه، کنولا، لبلبو (چغندر) و همچنان ششم الفالفا که به عنوان یونجه برای حیوانات استفاده می‌شود. هر شش آن‌ها یک ویژگی مهندسی شده‌اند که به آن تحمل علف کش می‌گویند، آن‌ها عموماً ژن را از باکتری‌ها می‌گیرند و آنرا در «دی ان ای» نباتات جابجا می‌کنند تا بتوانند بر روی این نباتات، علف‌کش بپاشند، علف‌کشی که در حالت عادی می‌تواند آن‌ها را از بین ببرد؛ پس محصولاتی که برای «راوند آپ» مهندسی شده‌اند را می‌تواند با «راوند آپ» اسپری کرد و محصولاتی که برای «لبرتی لینک» مهندسی شده‌اند را می‌تواند با «لبرتی» اسپری کرد و در نتیجه محصولات این علف‌کش‌های زهری را به خود جذب می‌کنند و ما آنرا می‌خوریم، بعداً در این مورد حرف خواهیم زد که خوردن این علف‌کش‌ها چه ضراری را در پی دارد.

نوع دیگر آن محصولات زراعتی «بی‌تی» می‌باشد، «بی‌تی» یعنی باسیلوس تورینگنسیس که در اصل یک نوع زهر است یک حشره‌کش، شکم حشرات را می‌شکافد تا آن‌ها را از بین ببرد که از باکتری‌های طبیعی خاک ناشی می‌شود؛ بناء ژن را از باکتريا گرفته و در «دی ان ای» جواری و پنبه جابجا می‌کنند، بنابراین اکنون این گیاهان سموم دفع آفات هستند، با این لحاظ حدود ۸۰٪ محصولاتی که مهندسی ژنتیک دارند، مهندسی شده‌اند تا هنگام پاشیدن «علف‌کش زهری» از بین نروند و حدود ۲۰٪ آن‌ها حشره‌کش زهری تولید می‌کند. (پایان سخنانش)

گفتمان دو فرد دیگر مرتبط به این موضوع که می‌گویند: تا اینکه محصولات مان از بین نرود؛ اما همه چیزهای دیگر در اطراف آن می‌میرد، حشرات، کرم‌ها در خاک، همه علف‌های هرز، باکتری‌های مفید در خاک، این زهر در نبات جذب شده و قابل شستن نیست و مشکل آن این است که یک ماده‌ی شیمیایی به نام گلايفوسیت در آن وجود دارد که باکتری‌های داخل روده را از بین می‌برد که هفتاد درصد سیستم ایمنی بدن مان وابسته به آن است، بدون آن باکتری‌های روده ما نمی‌توانیم تریپتوفان تولید کنیم، بدون تریپتوفان بدن ما سروتونین تولید نمی‌کند، بدون سروتونین نمی‌توانیم قند خون را تنظیم کنیم.



Zach Bush (Medical Director Revolution Health Center) می‌گوید: یک آمار باور نکردنی فقط ۱/۰٪ است، یک هزارم درصد گلایفوسیت و یا «راوند آپ» که بصورت جهانی اسپری می‌شود، می‌تواند هدف خود را بزند (گرداننده‌ی برنامه: آه!) و ۹۹/۹۹ درصد این ماده شیمیایی در هنگام شستشو درست به سیستم‌های آب ما می‌رود و هرگز به هدف درمانی خود با علف‌های هرز نمی‌رسد حتی اگر بخواهید، چیز ترسناکی که در مورد این زهر وجود دارد این است که در آب منحل می‌شود و طبیعت اکثر زهریات خود را به صورت زهر محلول در چربی ایجاد می‌کند و این مهم است؛ زیرا این سموم توسط قارچ‌ها با میسلیوم در خاک جدا می‌شوند و یا می‌تواند توسط حشرات چربی شما دور شود تا اینکه در جریان خون شما قرار نگیرد و به مغز و دیگر اعضای بدن تان نرسد، بنابراین سموم محلول در چربی به نوعی رویکرد طبیعت هستند، سموم محلول در آب رویکردی ساخته‌ی بشر است و این بسیار خطرناک است؛ چون به هر جا می‌رود و اگر یکبار وارد محیط زیست شود، به آب‌های زیر زمینی آمیخته شده و تبخیر شده و با ابرها یکجا می‌شود و در نهایت دوباره به زمین می‌بارد، بنابراین ما کلاً یک ایکوسیستم/محیط زیست زهری ایجاد می‌کنیم. (پایان سخنانش)

آیا می‌دانید بزرگترین شرکت تولید کننده‌ی بذره‌های اصلاح شده‌ی ژنتیکی کدام است؟

شرکت مونسانتو تا اواخر دهه‌ی ۹۰ مونسانتو یک شرکت شیمیایی بود که با تهیه‌ی معجون‌های زهری کشنده به ارتش ایالات متحده در طول تلاش‌های امپریالیستی به قدرت رسید، شرکتی که باعث شد ۴،۸۰۰،۰۰۰ ویتنامی تحت تأثیر مستقیم ترکیبات دهشتناک آن قرار بگیرند.

نظامیان ایالات متحده در حال پاشیدن سم اجنت اورنج (محصول مونسانتو) در جریان جنگ ویتنام.



قربانیان نقص مادرزادی «اجنت اورنج».



و امروز مونسانتو یکی از بازیگران اصلی کشاورزی بین المللی است که محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی و کشنده‌های علف‌های هرز مانند «راوند آپ» که حاوی گلایفوسیت است را تولید می‌کند.



Zach Bush (Medical Director Rerolution Health Center) می‌گوید: گلايفوسیت در سال‌های ۱۹۵۰ (۵۷ یا ۵۸) توسط یک محقق جاپانی کشف شد و آن را در قفسه‌یی گذاشته بود و به گمانم دانسته بود که این سم برای محیط زیست خطرناک است؛ بنابراین او به نوعی این ارگانوفاسفیت را کشف کرد و آن را ثبت اختراع کرد، مونسانتو آن حق اختراع را با مبلغی اندک خریداری کرد و سپس آن را به بازار عرضه کرد و اولین حق ثبت اختراع آن به عنوان یک آنتی‌بیوتیک مورد استفاده قرار گرفت نه به عنوان کشنده‌ی علف هرز (گرداننده‌ی برنامه؛ واقعاً!) و این اندکی جالب است که... می‌دانید؟ آن‌ها از تأثیرات بیولوژیکی این سم آگاهی دارند با آنکه همواره ادعا می‌کنند که این زهر هیچ تأثیر بیولوژیکی بالای انسان ندارد، آن‌ها می‌دانستند که این باعث کشته شدن زندگی در سطح بسیار ابتدایی است آنهم بر اثر آنتی‌بیوتیک ضد میکروبی‌اش و این در جریان چندین سال به عنوان ضد ویروس و غیره دوباره ثبت اختراع شده است؛ بنابراین آن‌ها دیده‌اند که هر چیزی که آن را لمس کند چه گیاه، چه حشره، آنرا خواهد کشت و روند عملکرد آن جالب است؛ چون توانایی مسیر انزایمی که آنرا «مسیر شیکیمیت» می‌نامند را مسدود می‌کند، این انزایم‌ها اسیدهای آمینه معطر حلقوی را ایجاد می‌کنند؛ بنابراین ما به نحوی یکی از این آمینو اسیدها را بواسطه‌ی گلايسين از معادله خارج کرده‌ایم و سپس با همین ارگانوفاسفیت زهر گلايسين، مسیر شیکیمیت را مسدود می‌کنیم و ما به طور ناگهانی توانایی ساخت «اسیدهای آمینه معطر حلقوی» خود را از دست می‌دهیم که شامل چیزهایی مانند تریپتوفان است. می‌دانید این یک ابزار بازاریابی ظریف است که شرکت‌ها از آن استفاده کرده‌اند، گلیفوسیت اکنون توسط تمام شرکت‌های شیمیایی ساخته می‌شود و پنج بزرگترین شرکت در ایالات متحده هم آنرا تولید می‌کنند و بیشتر آن در چین تحت حق اختراع ۲۰۰۷ تولید می‌شود؛ پس امروزه هر شرکت این مواد شیمیایی را تولید می‌کنند و چیزی که از

نقطه نظرِ بازاریابی به آن اشاره می‌کنند این است که می‌گویند: این ماده هیچ ضرری برای انسان ندارد؛ چون این مسیر انزایمی فقط در باکتری‌ها و نباتات وجود دارد و استفاده‌ی آن فقط باعث کشتن آن‌ها می‌شود؛ اما از آنجا که انسان‌ها این مسیر انزایمی «مسیر شیکیمیت» را ندارند، گلایفوسیت هیچگاه انسان‌ها را مورد هدف قرار نمی‌دهد این چیز است که آن‌ها ادعا می‌کنند؛ اما اگر برسید که آن مسیر انزایمی چیست؟ و کارکردش چیست و یا آنچه که ما آنرا آمینو اسیدهای ضروری می‌نامیم یعنی اسیدهای آمینه‌یی که بدن انسان نمی‌تواند تولید کند، اکثر این آمینو اسیدهای ۲۶ گانه را وجود ما ساخته نمی‌تواند، بنابراین چهار مورد از این اسیدهای آمینه ضروری حداقل نیمی از آن‌ها اکنون از معادله خارج شده‌اند و می‌گویند: خوب این برای انسان‌ها مهم نیست؛ چون فقط در نباتات رخ می‌دهد، درست! اما انسان‌ها وابسته به نباتات و باکتری‌ها هستند تا آن آمینو اسیدهای لازمی که خود قادر به ساخت آن نیست را بدست آورد، بنابراین ما در واقع زیر مجموعه‌یی از الفبا را از خود دزده‌ایم، تصور کنید که صبح بیدار شده‌اید و باید به محل کار خود بروید و باید مثل امروز پرکار باشید؛ اما فقط قادر به استفاده‌ی ۱۹ حرف از ۲۶ حرف باشید. (پایان سخنانش)

خوب! انگیزه‌ی اصلی آن‌ها از تولید محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی چیست؟

برخی از شما ممکن است فکر کنید که این یک رویکرد علمی است که به بشر کمک می‌کند تا به گرسنگی پایان دهد.

Zach Bush (Medical Director Revolution Health Center) همین فرد باز می‌گوید: من فکر می‌کنم به طور کلی مصرف کننده‌گان با این اعلانات پی در پی گیج می‌شوند که گویا محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی نیاز جدی برای تغذیه‌ی مردم جهان است، هفت میلیارد مردم داریم که باید برای شان غذا تهیه کنیم، اگر تخم‌ها اصلاح شده‌ی ژنتیکی وجود نمی‌داشتند به گرسنگی مواجه می‌شدیم (گرداننده: و من این را قبلا هم شنیده بودم، نظر شما در این مورد چیست؟ آیا این ادعاء صحت دارد که بدون تخم‌های اصلاح شده‌ی ژنتیکی در سطح جهانی به گرسنگی مواجه می‌شویم) نظر من منفی است، حتی احتمالش را هم نمی‌بینم، اگر تمام محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی را از بازار جمع کنیم هنوز هم قادر خواهیم بود که جهان را با

همین بی‌کفایتی که امروز وجود دارد تغذیه کنیم، هنوز هم گرسنگی وجود ما در حال حاضر بزرگترین قحطی در طول تاریخ بشریت را در جنوب صحرای آفریقا داریم که هیچ پوشش خبری و علاقه‌ی سیاسی در این زمینه وجود ندارد، در حقیقت همین اکنون بالای صد میلیون زندگی در صحرای آفریقا در خطر مرگ از گرسنگی بسر می‌برند و روزانه ده‌ها هزار انسان جان‌شان را بر اثر گرسنگی از دست می‌دهند، بنابراین اول- ما جهان را تغذیه نمی‌کنیم نه به این بخاطر که محصولات وجود ندارد؛ بلکه به این خاطر که زیربنای سیاسی و آگاهی اجتماعی برای توزیع درست غذا وجود ندارد، بنابراین مشکل گرسنگی هرگز مربوط به تولید محصولات نیست؛ بلکه به نظر من این همیشه یک مشکل سیاسیست و در ثانی اینکه در سال ۱۹۹۵ میلیاردها نفر روی زمین بودند و محصولات اصلاح شده ابتداء در ۱۹۹۶ روی کار آمد، ما اصلاً در ۱۹۹۵ به گرسنگی که به اثر قحطی باشد مواجه نشدیم تا اینکه بخاطرش محصولات اصلاح شده را بوجود بیاوریم بنابراین، این یک استدلال غلط و مصنوعی است که ما بدون بذره‌ای اصلاح شده‌ی ژنتیکی به گرسنگی مواجه خواهیم شد و جهان را تغذیه نمی‌توانیم این کاملاً ساختگی است؛ زیرا ما فقط باید ۲۰ سال پیش را بنگریم که ما در این مدت جهان را با بی‌کفایتی تغذیه کرده‌ایم و می‌کنیم؛ حتی همین اکنون با تمام محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی. (پایان سخنانش)

در واقع انگیزه‌ی اصلی آن‌ها پول است و با کمی تحقیق خواهید فهمید که محصولات اصلاح شده درآمد بیشتری نسبت به محصولات ارگانیک دارند.

اطلاعات فزاینده‌ی در مورد تأثیرات منفی گلايفوسیت بر اکوسیستم، گیاهان، حشرات و سایر موجودات زنده از جمله سلامت انسان وجود دارد: اوتیسم، بیش‌فعالی، نقص مادرزادی، بیماری سلیاک، سندرم روده تحریک پذیر، مشکل تولید مثل، کم‌کاری تیروئید، بیماری مزمن کلیه، بیماری قلبی، بیماری کبدی، افسردگی، کولیت و سرطان.



محصولات اصلاح شده و «راوند آپ» باعث عدم تعادل هورمونی می شود با در نظر داشت خطرات محصولات اصلاح شده ی ژنتیکی می توان دید که آن ها به سلامت شما اهمیت نمی دهند؛ بلکه بیشتر به فکر عواید خود هستند.



Jeffrey Smith (American Consumer Activist) می گوید: اف دی ای می گوید: ما اصلاً نیازی به آزمایش کردن این محصولات نداریم کاملاً بی خطر هستند و اگر در مورد صنعت فناوری آن بپرسید مونسانتو در وبسایت خود می گوید نیاز به هیچ نوع آزمایش فردی نیست، من می گویم بلکه... آزمایش همین اکنون بالای همه مان جریان دارد، مشکل این است که هیچ گروه کنترلی و هیچ نظارتی وجود ندارد با این حال وقتی به مطالعات تغذیه ی حیوانات نگاه می کنید، وقتی به آنچه مردم می گویند زمانیکه از شر محصولات اصلاح شده خلاص می شوند نگاه می کنید، وقتی می بینید که داکتران (پزشکان) به هزاران مریض خود رژیم غذایی حاوی محصولات غیر اصلاح شده ی ژنتیکی تجویز می کنند، وقتی تأثیرات مثبت بالای احشام را می بینید از سویا و ذرت اصلاح شده دور می شوند، به گفته ی کشاورزان و دامپزشکان و هنگامی که به بیماری هایی که از زمان معرفی محصولات اصلاح شده ی ژنتیکی افزایش یافته اند نگاه می کنید، داستان کاملاً برعکس است. (پایان سخنانش)



و اگر اندکی هوش دارید که فکر کنید، این نادانی که ما آنرا هوموساپین می نامیم، می تواند بهبود ببخشد، می تواند بهبود ببخشد! در کمال دانه‌ی‌را که الله متعال خلق کرده بهبود ببخشد، دانه حیات اگر به آن انسان باور دارید... این بگفته‌ی یونانیان باستان گستاخیست، این چیز است که انسان را خراب می کند... تکبرش، باورش به اینکه می تواند کارهایی را انجام دهد که صلاحیت انجام آن‌ها را ندارد و نشانه‌ی یک انسان هوشیار این است که حدود خود را بشناسد که حدود خود را بشناسد، واقعا ما باید پرسیم که آنجا چه خبر است و سکوت ما همدستی است، فرد ساکت در جنایت راضی است، اگر ایستاده‌اید و شاهد وقوع یک جنایت هستید شما بخشی از آن جنایت هستید که به آن کمک و پشتیبانی می کنید اگر در برابرش کاری انجام ندهید؛ چون سکوت نشانه‌ی رضایت است. ما باید بلند شویم! اروپایی‌ها تعداد زیادی بیرون رفتند و راهپیمایی کردند تا از غذاهای اصلاح شده‌ی ژنیتیکی جلوگیری کنند و هنوز... این چیزها، مردم حتی در این موارد بحث نمی کنند؛ زیرا ما یک سیستم آموزشی داریم که ما را مطیع می سازد که ما را مانند... جان‌تایلرگاتو گفت: این باعث می شود مردم اوامر را بپذیرند هر چند احمقانه باشند! آن‌ها را وادار به قبول کردن می سازد مردمی هستند که... خانم پیری در انگلیس بود و چای می ریخت و قیماق (خامه‌اش) نزدش بود و در هنگام ریختن چای گفت: چیز عجیبی را در مورد این قیماق می دانی، به یاد دارم وقتی جوان بودم قیماق خیلی سریع از بین می رفت؛ اما این قیماق اصلاً از بین نمی رود تا دو هفته دوام می آورد. پدر بزرگم گفت: او یک باغ داشت و به ما می گفت، اگر ما یک کرم در سیب پیدا می کردیم، او می گفت: سیبی را که یک کرم نخورد من نیز نمی خورم! جدا در مورد بیاندیشید مردم! بادنجان رومی (گوجه فرنگی) که کبودی نداشته باشد را نمی خورم، به مغازه‌ها بروید فکر می کنید که در یک فیلم ساینسی تخیلی هستید، رنگ‌ها متفاوت‌اند، اینگونه سیب‌ها را از کجا بدست می آورند، من به خاطر ندارم که سیب به این شکل بوده باشد، من به خاطر ندارم که توت زمینی (توت فرنگی) به این شکل بوده باشد.



جدا! فکر می کنید... چه جریان دارد؟! این چیزها در جلوی چشم‌تان رخ می دهد، باید بیدار شویم و زندگی خود را دوباره به دست خود بگیریم.

ما باید مزارع ارگانیک را تشویق و پشتیبانی کنیم، ما باید باغ‌های ارگانیک را تشویق کنیم، ما باید در خط مقدم جنبش مطالعه خانه شهری باشیم؛ این‌ها مواردی است که مسلمانان باید درگیر آن شوند.

قسمت بیست و دوم:

خطر غذاهای فرآوری

شده (فست فود).



قسمت بیست و دوم: خطر غذاهای فرآوری شده (فست فود).

چیز دیگری که بسیار مهم است، شناخت مشکل غذایی است. در آمریکا از آنجا که شکر (قند) می‌تواند در نقاط مختلف بسیار ارزان‌تر تولید شود، آن‌ها تمام این محدودیت‌ها را برای واردات شکر اعمال کردند و بنابراین آمریکایی‌ها شربت ذرت تولید شده در آمریکا را می‌خورند و از این شربت چربی می‌گیرند؛ زیرا شربت ذرت در واقع منبع خوبی از شکر نیست.



ROBERT LUSTIG (PEDIATRIC ENDOCRINOLOGIST) می‌گوید: شکر سمی

است به این معنا که باعث مجموعه خاصی از تغییرات بیوشیمیایی که برای سلامتی انسان مضر است می‌شود، بی در نظر داشت کالری‌اش و از این نظر خیلی شبیه الکل است. الکل بخاطر مالیکول و سمیت ذاتی‌اش خطرناک است، بخاطر متابولیسم و اثراتش بر بدن می‌شود. تمام امراض ناشی از الکل دیابت نوع ۲، چربی کبد و امراض مغزی، همه‌ی این امراض را در اطفال شاهد هستیم و آن‌ها الکل نمی‌نوشند؛ اما متأسفانه از شکر (قند) استفاده می‌کنند، شکر الکل اطفال است. اطفال بدون استفاده از الکل دچار امراض الکلی می‌شوند و دلیلش این است که شکر الکل آن‌هاست. نتیجه: مواد اعتیادآور؛ اعتیادآور هستند. بنابراین شما فهمش را دارید که این ماده‌ی اعتیادآور صحت و زندگی شما، فامیل‌تان و افراد ماحول‌تان را تباه می‌کند و شما هیچ کاری در برابر آن انجام داده نمی‌توانید؛ چون اعتیادآور است، همین تعریفش است؛ زیرا بیوشیمی قوی‌تر از هر گونه رفتاری است که می‌توانید در برابر آن انجام دهید، این تعریف اعتیاد است. نبردی در جریان است، یک انقلاب، انقلابی بدون خون‌ریزی، انقلابی در زمینه‌ی تغذیه و سلامت است که هم اکنون به اوجش رسیده تا حدی؛ زیرا ما اکنون آموخته‌ایم که صنایع غذایی

و صنعتِ شکر واقعاً به طرز کاملاً منفی بر دانش و تحقیق ۴۵ سال پیش تأثیر گذاشته است که منجر به این فرض شد که گویا همه‌اش تقصیر کالری است؛ که همه‌اش تقصیر چربی‌های اشباع شده است؛ که همه‌اش تقصیر خوراک زیاد و سوخت کم است. لازم است بدانیم که آن یک خبرِ دروغ بود، ما حال می‌دانیم که آن‌ها همه یک اشتباه بودند و وادار کردنِ مردم به دست کشیدن از چیزی که ۴۵ سال به آن اعتقاد داشتند کارِ ساده‌یی نیست. (پایان سخنانش)

مهم‌ترین مطالعه‌یی که تا کنون در مورد تغذیه انجام شده است، تحقیق چین توسط داکتر کمپبل و محققانش است. او محقق درجه یک از پرینستون بود که با آکسفورد همکاری کرد، او دانشمند کاملاً معتبری بود. مواردی در باره‌ی مطالعهٔ چین که بسیار مهم هستند، اول اینکه نتایج تا حدی رادیکال بود که حتی هرم غذایی تغییر کرده است برای اینکه علمی‌تر گفته باشم؛ اما از آنجا که گوشت و لبنیات در رژیم غذایی کاملاً به حداقل رسیده بودند.



صنایع گوشت و لبنیات در ایالات متحده چنان سخت تحمیل کردند که در واقع هرم را تغییر دادند. این یعنی علم دیگر در خدمت بشریت نه؛ بلکه در خدمت منافع شرکت‌ها است، دقیقاً به همین معناست. در مطالعه‌ی چین آنچه آن‌ها دریافتند این است که در جاهایی که پروتئین ناشی از گوشت و لبنیات کمتر از ۵٪ بود، هیچ سرطانی وجود نداشت.

مطالعهٔ اصلی در حیدرآباد در هند انجام شد و دانشمندانِ هاروارد به آن خندیدند و گفتند: اوه آن‌ها باید قفس‌ها را مخلوط کرده باشند، کمپبل این علم را بارها و بارها تکرار کرد. نکاتی در مورد مصرف گوشت و لبنیات، اول از همه گوشت و لبنیات امروز، گوشت و لبنیاتی نیست که

مادربزرگ و پدربزرگ مان می خوردند، گوشتی که مادربزرگ و پدربزرگ می خوردند دست ناخورده بود، چیزی که امروزه به آن ارگانیک (طبیعی) می گویند، آن‌ها واژه‌ی بنام «ارگانیک» نداشتند؛ چون پنجاه سال پیش همه چیز ارگانیک بود. ارگانیک و دست نخورده، حیواناتی که به خوشی در مزرعه پرورش می یافتند، جایی که حیوانات را با ترحم مراقبت می کردند، دهقانان با حیواناتشان انس داشتند، با آن‌ها با وقار رفتار کردند.

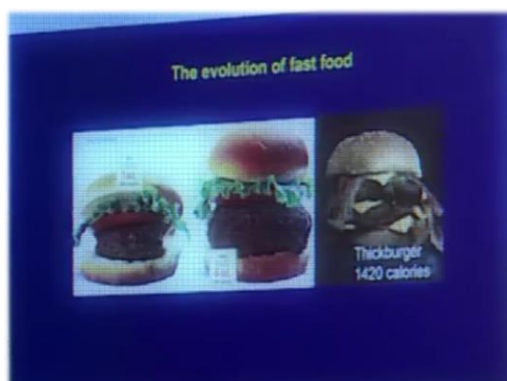


این فرد می گوید: پس غذای فرآوری شده (دستکاری شده) چیست؟

چیزهای زیادی است؛ اما من می‌خواهم آن‌ها را برای شما لیست کنم و داده‌هایی برای حمایت از ادعاها وجود دارد که هر یک از این‌ها یک مشکل است، در غذاهای فرآوری شده فیبر بسیار کمی وجود دارد. اسیدهای چرب امگا ۳ بسیار کمی وجود دارد که ضد التهاب هستند، ریز مغذی‌های بسیار کمی وجود دارد؛ اما چربی بیش از حد آمینو اسیدهای شاخه‌یی که در موجودات غذایی حیوانات تغذیه شده با ذرت یافت می‌شوند، بیش از حد اسیدهای چرب امگا ۶ که التهاب‌زا هستند، مواد افزودنی بیش از حد، امولسیون کننده‌های بیش از حد که اکنون فکر می‌کنیم ممکن است باعث بیماری‌های خود ایمنی خاصی شود، نمک بیش از حد اکنون داده‌های مرتبط به هر یک از این‌ها وجود دارد؛ اما هیچ داده‌ی مسبب وجود ندارد و هیچ یک از این‌ها به ویژه مصرف شخصی شما را تحریک نمی‌کند جز مورد آخری که قند است. وگری کنل و متیاس کلوم از نشان دادن این جلد نشنل جغرافی چشم‌پوشی کردند، این جلد می‌گوید که شکر به طور خاص اعتیادآور است. در واقع با توجه به معیارهای «دی‌اس‌ام-۵» برای اعتیاد شکر اعتیادآور بوده و مقاومت در برابر آن غیرممکن است و چیزی است که بدمزه بودن غذاهای فرآوری شده را تحت پوشش قرار می‌دهد و صنایع غذایی می‌دانند که وقتی آن‌را در

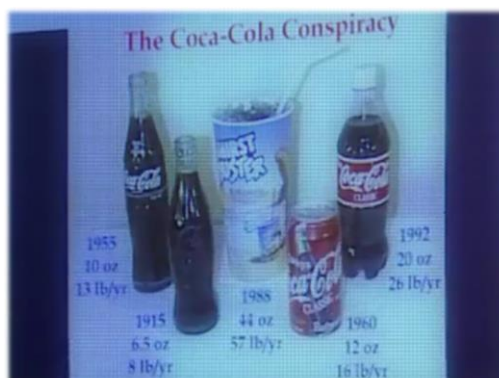
محصولاتشان اضافه کنند، شما بیشتر می خرید، این نشانگرِ غذای فرآوری شده است؛ زیرا از ۶۰۰۰۰۰ مورد موجود در مواد غذایی آمریکایی، ۷۴٪ آن حاوی شکر است که داکتر پاپکن برای شما گفت.

بیایید در مورد مصرف آن حرف بزنیم، بنابراین همه خواهند گفت: ما پُرخوری می کنیم که همینطور هم است.



در این تصویر: در سمت چپ همبرگرِ وایت کسل را داریم، در وسط بایزیگ بای و در سمت راست هارددیزتیک برگر و ما حتی برگر شش دالری داریم در کارل جونیور که دو هزار کالری دارد.

من این سلاید را به طور مشخص توطئه‌ی کوکاکولا می نامم.



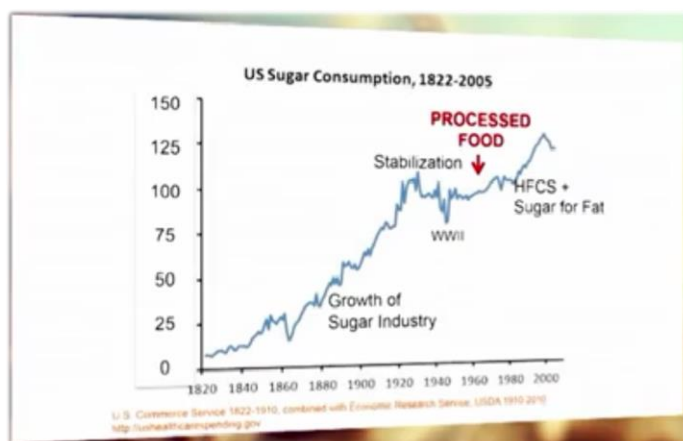
و شما می توانید اندازه‌های مختلف آن را ببینید، خوب! چرا من آن را توطئه می نامم؟

در کوک چی است؟

کافیین؛ که ادرار آور است، بنابراین شما آب از دست می دهید.

نمک؛ بنابراین نمک بیشتری دریافت می کنید.

چه اتفاقی می افتد که نمک مصرف می کنید و آب از دست می دهید؟ تشنه تر می شوید؛ پس چرا اینقدر شکر در کوک وجود دارد؟ تا اینکه متوجه نمک نشوید، اینجا می توان دید که ما در آمریکا چقدر شکر مصرف کرده ایم، نه در سی سال؛ بلکه در دوصد سال اخیر و ظهور مواد غذایی فرآوری شده در سال ۱۹۶۵ در آنجا ذکر شده است.



حال بیابید در مورد صحت حرف بزنیم؛ بنابراین در طول ۲۰ سال گذشته می توانید نگاهی بیندازید و ببینید، فشارخون پایین، کلسترول پایین، میزان فعالیت های فیزیکی بالا، میزان سگرت کشیدن پایین. ما باید از سلامتی بهره مند شویم؛ ولی نمی شویم؛ زیرا چاقی و دیابت از سقف بالا زده، کاملاً از سقف بالا زده و آن ها تمام هزینه های مراقبت های بهداشتی همه کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت را می جوند.

کوکاکولا می گوید: تضعیف چاقی توسط همه ی ما عملی خواهد شد، آن هم بر اساس یک فهم کلی، همه کالری ها حساب می شوند، مهم نیستند از کجا حاصل می شوند از جمله کوکاکولا و هر چیز دیگری با کالری و می گویند فهم کلی است. من به فهم کلی باور ندارم، من به علم و معلومات باور دارم؛ زیرا علم می گوید برخی کالری ها بیش از دیگر باعث بیماری می شوند؛ چون کالری های مختلف بگونه ی مختلف متابولیزم می شوند، از آنجا که یک کالری چنانچه پنداشته

می شود کالری نیست، این را بیوشیمی تغذیه‌یی می نامند و هرگاه این را بدانید خواهید فهمید که همه‌ی کالری‌ها یکسان نیستند و کالری قند فاحش‌ترین نوع کالریست.

به قیمت غذا نگاهی بیندازید، غذای صحتی دو برابر قیمت‌تر از غذای غیر صحتی است و با نرخ ۱۷ پنی در هر پوند در حال افزایش است در مقایسه با غذای فرآوری شده که در هر پوند ۷ پنی است؛ بنابراین می‌گویید: صبر کن! این بدان معناست که غذای فرآوری شده معامله‌ی بهتری است، غذای غیرصحتی معامله‌ی بهتری است. خوب در واقع ۳ کشوری که کم‌ترین «جی‌دی‌پی» را صرف غذا کرده‌اند: ایالات متحده، انگلیس و استرالیا، البته این سه بالاترین آمار چاقی را دارند و نیز سه کشوری با آمار مریضی بالا هستند.

پس بیایید که امتیاز دهی کنیم:

میزان مصرف - خیلی بالا.

میزان سلامتی - فاجعه.

در واقع اگر این یک پروتوکول «آی آر بی» می‌بود، سال‌ها پیش به دلیل مرگ‌ومیر متوقف شده بود.

محیط زیست - به وضوح منفی.

شرکت‌ها - قبلاً بالا؛ اما اکنون درگیر مشکلات بزرگی هستند.

مصرف کنندگان - در کوتاه مدت یک برنده؛ ولی در دراز مدت یک بازنده‌ی بزرگ چاقی.

و سر انجام جامعه - یک فاجعه.

امروز دکتر کاتز به شما گفت که رژیم‌های غذایی زیادی وجود دارد که مؤثر واقع شده‌اند، هر رژیم غذایی که مؤثر واقع شده، یک رژیم غذایی با شکر کم و فایبر زیاد بوده. می‌دانید یک رژیم غذایی با شکر کم و فایبر زیاد را چه می‌نامند؟ آن را غذایی واقعی می‌نامند، این است هر رژیمی که مؤثر واقع شده، یک غذای واقعی. غذای فرآوری شده آزمایشی است که ناکام است. نام

دیابت را باید «بیماری غذایی فرآوری شده» بگذاریم؛ زیرا این همان چیزی است که هست. (پایان سخنانش)

ما بیش از حد غذای فرآوری شده می‌خوریم، تمام این سرطان... امروز از هر چهار نفر یک نفر مبتلا به سرطان می‌شود، امراض قلبی، دیابت، هفتاد درصد افراد در برخی از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس بالای ۴۰ سال به دیابت نوع ۲ مبتلا هستند (هفتاد درصد!) آن‌ها همین غذاهای فرآوری شده را می‌خورند و می‌نوشند. سرطان در آفریقای غربی به مرض واگیر تبدیل شده است؛ زیرا آن‌ها همه این غذاهای فرآوری شده را می‌خورند. غذاهای سالم و تازه بخورید، غذاهای خوب بخورید این بخشی از دین ماست. الله متعال بدون ذکر حلال و طیب از غذا یاد نمی‌کند. غذای خود را به عنوان منبع تغذیه قرار دهید، غذای خالی نخورید، خیلی غذا نخورید، واقعاً.

اجازه دهید برخی از آمارهای مربوط به فست‌فود را در آمریکا بررسی کنیم، منبع: (www.partnersforyourhealth.com). آمریکایی‌ها بطور اوسط ۱۲۰۰ دلار را سالانه صرف فست‌فود می‌کنند. آمریکایی‌ها بطور عموم سالانه ۵۰ میلیارد دلار را صرف فست‌فود می‌کنند. پنجاه و هشت درصد جوانان آمریکایی حداقل یک بار در هفته در بیرون غذا می‌خورند. از هر ۲۵ نفر ۱۱ نفر آزمایش انتی‌بیوتیک ناموفق داشتند. در سال ۲۰۱۵ چربی‌های ترانس که در غذاهای سرخ شده استفاده می‌شوند، توسط «اف دی آ» منحصراً افزایش دهنده‌ی سطح کلسترول شناخته شدند؛ بنابراین خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی که یکی از مهم‌ترین دلایل مرگ و میر در ایالات متحده است را افزایش می‌دهد.

یک کوکاکولای بزرگ حاوی ۸۶ گرم شکر است، رژیم غذایی حاوی شکر بالا که به بیماری‌های قلبی مرتبط است. مصرف مقادیر زیاد شکر باعث متابولیسم چربی می‌شود.

انگیزه‌ی اصلی آن‌ها پول است و سلامتی شما برای آن‌ها مهم نیست. فشارخون بالا، چاقی، سرطان و دیگر امراض مزمن می‌شود. مک‌دونالد باور دارد که استفاده‌ی زیاد فست‌فود باعث تغییرات ژنتیکی می‌شود و تغییر در رژیم غذایی علایمی چون علایم ترک نیکوتین و مورفین را دارد. ما در استارباکس می‌دانیم که کافی می‌تواند یک ماده‌ی سمی باشد و استفاده‌ی زیاد آن

باعث امراض خطرناکی چون امراض قلبی، فروکشی اسید، بی‌خوابی و مشکلات ولادی در زنان شده که به شدت اعتیادآور است و باعث نیوروتر انسیمیترها می‌شود و ترک آن باعث سرگیجه، سردردی‌های متواتر، خستگی، تحریک‌پذیری و بی‌خوابی می‌شود. ما ادعا کرده‌ایم که طرفدار تجارت عادلانه باشیم؛ اما کمتر از یک درصد دانه‌های کافی به گونه‌ی درست تهیه می‌شود، کارکردهای ما شامل استفاده از شیر «آر بی جی اچ» که می‌تواند سرطان‌زا باشد نیز است.

بنابراین مطمئن شوید که شرکت شما یک شرکت خوب است و مطمئن شوید که غذای‌تان غذای خالص باشد. این مواردی است که مسلمانان باید در آن سهیم شوند، ما باید رد کنیم... فکر نکن... من می‌خواهم به مک‌دونالد بروم و یک ماهی حلال داشته باشم، جداً؛ چون مک‌دونالد در کل، هر چیزی در مورد مک‌دونالد، بر خلاف پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و سنتش است، من آزادانه سخن می‌گویم^۱، کاری ندارم که دیگران چه می‌گویند، من برای‌تان می‌گویم که فست‌فود چیز است که مردم را تباه می‌کند و ما باید با استفاده‌ی فست‌فود مخالفت کنیم؛ کوکاکولا ننوشید، پپسی کولا ننوشید، کالفرکولا ننوشید، کولا ننوشید. آب بنوشید، شیر بنوشید، اگر می‌خواهید شیر سویا بنوشید؛ اما این نوشیدنی‌ها که هیچ چیز خوبی برای شما ندارد را ننوشید و روش تولید آن‌ها ناسالم است.

ما مصرف ناپایدار پلاستیک داریم، اگر برگردید و به تعداد قوطی‌های پلاستیکی نگاه کنید، بوتل‌های پلاستیکی آب وجود دارد که دوباره به آنجا برگشته‌اند، ما در اسنا یک زباله‌دانی داریم؛ زیرا ما در حال نوشیدن هستیم، این پایدار نیست و نمی‌توان آن را پایدار نگاه داشت.



ما باید روش‌های جایگزینی برای نحوه‌ی مصرف چیزها پیدا کنیم، ما باید به سبز بودن متعهد باشیم، دین سبز (اسلام).



اما ما باید تعهد داشته باشیم، من کف‌زدن نمی‌خواهم (سخنران مسلمان برای مخاطبانش می‌گوید)، تعهد واقعی می‌خواهم، من می‌خواهم مردم به تغییر زندگی خود متعهد شوند، ما باید در خانه‌های خود سرمایه‌گذاری کنیم. ما در مورد تحریم اسرائیل صحبت می‌کنیم، من در مورد تحریم همه‌ی آن‌ها صحبت می‌کنم، اگر می‌توانید نام آن‌ها را تشخیص دهید، باید آن‌ها را تحریم کنید؛ زیرا این افراد در حال نابودی این کره‌ی خاکی هستند، آن‌ها بیش از حد مصرف می‌کنند، آن‌ها بیش از حد به فروش می‌رسانند.

کاستکو یک بحران است، کل ذهنیت کاستکو، آیا می‌دانید آن‌ها حتی به سالون‌های کاستکو برچسپ نمی‌زنند؛ بنابراین شما نمی‌دانید که در کاستکو چی می‌گذرد؛ زیرا آن‌ها می‌خواهند شما در اطراف سرگردان شوید؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که مردم خرید غیر ضروری خواهند داشت و بیشتر از حد نیاز خرید می‌کنند، این روان‌شناسی اجتماعی است، ذهن‌تان را مانند موش‌هایی که در «مارپیچ» سرگردان هستند، دستکاری می‌کنند و ما باید با این نوع ذهنیت مخالفت کنیم؛ زیرا این باعث نابودی مردم می‌شود. قوانین تأثیری بر این افراد ندارد، آن‌ها قانون را کنترل می‌کنند، تنها چیزی که روی این افراد تأثیر خواهد گذاشت این است که ما دیگر از آن‌ها حمایت نکنیم؛ چون آن‌ها سناتورهای مان را خریده‌اند؛ آن‌ها نمایندگان کنگره‌ی ما را خریده‌اند، ما باید کشور خود را پس بگیریم و روش انجام این کار با آموزش خودمان است و آموزش دیگران و تعهدات اخلاقی، تعهدات اخلاقی برای اینکه بخشی از جنونی که در آن هستیم، نباشیم. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ [بقره: ۱۴۳].

«تا گواهانی بر مردم باشید». شاهد بشریت باشید.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [بقره: ۱۱۰].

«شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید».

شما بهترین جامعه‌یی هستید که به وجود آمده است، ما باید آن معانی را مجسم کنیم. مردم واقعا متأسفانه قربانی شده‌اند؛ اما به دلیلِ عدمِ هوشیاری ما است، این عدمِ هوشیاری ما است. بنابراین این کاملاً ضروری است که ما بخشی از آن شویم، بخشی از راه حل، نه بخشی از مشکل؛ اما ما باید این کار را با تعهدِ واقعی اخلاقی انجام دهیم، این یگانه راه است.

قسمت بیست و سوم:

پروژه فرا انسانیسم

(ترانس هیومانیزم).



قسمت بیست و سوم: پروژه فرا انسانیت (ترانس هیومانیزم).

ترانس هیومانیزم (فرا انسانیت) یک حرکت فلسفی است که از تغییر وضعیت انسان با توسعه و در دسترس قرار دادن فناوری‌های پیچیده‌ای که به‌طور وسیع قادر به اصلاح یا تقویت عقل و فیزیولوژی انسان است، حمایت می‌کند. هدف اصلی این جنبش رسیدن به «نقطه وحدت» است. نقطه‌ای در آینده نزدیک که فناوری آنقدر سریع در حال تغییر خواهد بود که ما برای بقای خود، مجبور خواهیم شد تا خود را با هوش مصنوعی تقویت کنیم و چنین پنداشته می‌شود آغاز یک تمدن جدید خواهد بود، تمدنی که در آن دیگر وابسته به جسم فیزیکی خود نخواهیم بود و این که هزاران برابر هوشمندتر از حال خواهیم بود. روند مریضی و پیری برعکس خواهد شد. فقر و گرسنگی از بین خواهد رفت و در نهایت بر مرگ غلبه خواهیم کرد. مادامی که چنین چیزی را می‌شنوید، سؤالاتی در ذهنتان خطور می‌کند: آیا باید چنین تفکری را باور کنیم؟ آیا ممکن است هدف نهایی ترانس هیومانیزم تحقق یابد؟ یا فقط نظریه‌ای بیش از حد خوش بینانه است که توسط دانشمندان مطرح شده است؟ و یا حتی تبلیغاتی برای پیشبرد برنامه‌های سیستم است؟ قبل از پاسخ دادن به این سؤالات می‌خواهم بگویم که این یک پروژه واقعی است که در حال انجام است. افرادی در سراسر جهان وجود دارند که روی این پروژه کار می‌کنند. افرادی که برای این کار اختصاص داده شده‌اند، از رهبران ملی و رهبران نظامی گرفته تا دانشگاه تا مشهورترین فلاسفه و دانشمندان. آن‌ها متعهد به انجام این پروژه به‌عنوان تحقق گام بعدی در تکامل انسان هستند.

بنابراین^۱، انسان دارای سرشتی است که ثابت است. ما سرشت انسانی داریم. اکنون برایتان جنبشی به وجود آورده‌اند (جنبش فرا انسانیت) که در حال حاضر یک مشکل بسیار جدی در کره زمین است؛ چون افراد مشخصی وجود دارند، منظورم این است... چند نفر وارد فرودگاه تورنتو شده‌اند؟ آیا متوجه پیام‌های بازرگانی بانک «اچ‌اس‌بی‌اس» شدید؟ چند نفر با دیدن آن‌ها متأثر شدند؟ آن‌ها در هر طرف بودند. جهان جدیدی در حال آمدن است. آن‌ها تصویری از مگس با دوربین برای چشمش داشتند. دموکراسی کجاست؟ چه کسی رای می‌دهد که مگس، چشم دوربین داشته باشد یا خیر؟ منظورم این است که مانند فرانکنشتاین است مانند فیلم

۱- از خلال سخنرانی یک عالم مسلمان.

«دکتر فرانکشتاین در دنیای مدرن رها شده است» و این توسطِ ناسا و گوگل تأمین مالی می‌شود، توسطِ میلیاردهایی که خواهانِ «داونلودکردنِ معلومات» هستند و این جنبشی است به سمتِ ایجادِ انسانِ مرکب، جایی که تکنالوژی با بیولوژی ادغام می‌شود و آن‌ها خیلی جدی روی این پروژه کار می‌کنند. منظورم این است که این پروژه جدی است. هوشِ مصنوعی یک پروژهٔ جدی است، آن‌ها می‌خواهند به این نقطه وحدت برسند. بنابراین ما حالاتی را تجربه می‌کنیم که نسل‌های قبلی نکرده‌اند. (پایان سخنانش)

هدفِ آن‌ها، طوری که می‌گویند این است که انسان با دستگاه‌هایِ هوشِ مصنوعی قوی ارتباط برقرار کند. آن‌ها می‌خواهند در قیاسِ میکروسکوپی واردِ سطوحِ ژنتیکی شده تا «دی‌ان‌ای» انسان را به‌طورِ دائمی لغو کرده و یک مدلِ برتر ایجاد کنند.

آیا ممکن است اهدافِ تذکر یافتهٔ ترانس‌هیومانیزم تحقق یابد؟ تا چه حدی ممکن است؟ از آن‌جا که فرا انسانیسیم یک جنبشِ فلسفی است، بیشترِ ایده‌هایِ آن بر اساسِ حدس‌هایِ خوش‌بینانه است. در واقع برخی از ایده‌هایی که تحتِ مفهومِ فرا انسانیسیم شناخته شده‌اند امکان‌پذیر هستند؛ اما همهٔ آنچه آن‌ها می‌گویند درست نیست؛ به عنوانِ مثال: آن‌ها می‌توانند برخی از دستگاه‌ها را در بدنِ فردی پیوند بزنند تا در زندگی روزمره به او کمک کند.



اما مواردی مانند از بین بردنِ مرگ یا بارگذاری حافظه و قوهٔ ادراکِ فرد در برخی از دستگاه‌ها به‌منظورِ این که به او این توانایی را بدهد که از بدنِ فیزیکی خود مستقل باشد و برای همیشه در فضای مجازی (داخلِ کامپیوتر) زندگی کند، چیزی است که کاملاً غیرممکن است. این تفکر که شما در حافظهٔ کامپیوتر زنده خواهید بود، بلافاصله شما را به‌عنوانِ موجودی ابدی طبقه‌بندی می‌کند و اکثرِ آنانی که در عقبِ این نظریه‌پردازی هستند، می‌دانند که دسترسی به زندگی

جاودانه در این دنیا محال است؛ اما آن‌ها به دو دلیل، عمداً چنین نظریاتِ جذابی را ارائه می‌دهند:

۱. ایجادِ چنین طرزِ تفکر که وجودِ الله سبحانه و تعالی را انکار کنند و این که تصور کنند که اگر به این (نقطه وحدت) برسند، خود می‌توانند خدا شوند.

۲. می‌خواهند شما را با این نظریات مشغول سازند تا این که متوجه برنامه‌های واقعی (که در عقب این جنبش جریان دارد) نشوید. بنابراین این یک حرکت بسیار جدی است که نه تنها مربوط به پیشرفت در هوش مصنوعی بوده؛ بلکه برخی مسایل اصلی دیگر که مربوط به تغییر نسل بشر می‌شود را نیز پوشش می‌دهد؛ مانند: واکسن، مواد غذایی دستکاری شده، مهندسی ژنتیک جنین انسان و غیره.



آن‌ها قصد دارند از ژنتیک، رباتیک، هوش مصنوعی، فناوری نانو، زیست‌شناسی مصنوعی، نور و فارماکالوژی و سایر شاخه‌های خاص علم برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. می‌دانید در عقب این جنبش کیست؟

فرا انسان‌یسم ابتدا در دهه (۱۹۵۰) توسط یک نژادشناس برترِ نظم‌نویین جهانی بنام جولیان هاکسلی و بنیاد راکفلر، به‌عنوان نام جدید برای شبه علم نژادشناسی تأسیس شد. بنابراین هاکسلی را عموماً بنیانگذارِ فرا انسان‌یسم می‌دانند. جولیان هاکسلی نواسه (نوه) توماس هنری هاکسلی (عضو خانواده سلطنتی و فراماسون) بود. توماس هنری هاکسلی زیست‌شناس و انسان‌شناس انگلیسی بود. او به دلیل حمایت از نظریه تکامل چارلز داروین به «سگ وفادارِ داروین» معروف است. از آن جا که خانواده هاکسلی یکی از حامیان قوی نظریه تکامل است، جولیان هاکسلی ایده فرا انسان‌یسم را به عنوان گام بعدی در تکامل بشر مطرح کرد و از سوی

دیگر، ارتباطی قوی بین فرا انسانیسیم و رئالیسم یا (دسیسه‌ی موجودات فضایی) وجود دارد. رئالیسم معتقد است که انسان را موجودات فضایی با فناوری پیشرفته خود خلق کرده‌اند و این که انسان‌ها در آینده نزدیک می‌توانند به همان نوع فناوری دسترسی داشته باشند که به آن‌ها اجازه می‌دهد جاودانه، فوق‌العاده هوشمند و قدرتمند شوند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به راحتی با خالق خود (موجودات بیگانه) ارتباط برقرار کنند. این دقیقاً همان چیزی است که دانشمندان و رهبران معنوی جنبش فرا انسانیسیم می‌گویند. دلیل این که چرا فرا انسانیسیم، داروینیسیم و رئالیسم با هم مرتبط‌اند، این است که همه‌ی آن‌ها توسط یک سازمان ایجاد شده‌اند و کسانی از شما که قسمت بیستم این مجموعه را تماشا کرده‌اند، ریشه و برنامه‌های شیطانی داروینیسیم و رئالیسم را می‌دانند. اکنون فرا انسانیسیم گام بعدی در برنامه‌های آن‌ها است.

چرا باید این موضوع را جدی بگیریم!؟

خوب، دلیل این که ما این موضوع را پوشش می‌دهیم این است که این موضوع برای دانشمندان و پیروان آن‌ها بسیار دلچسپ و جدی است که به‌زودی به یک ذهنیت جهانی تبدیل خواهد شد و در عقب این پروژه سرمایه‌گذاران کلیدی مانند دارپا، سی‌آی‌ای، گوگل، آمازون و سایر مؤسسات و شرکت‌های مهم وجود دارد و چندین هدف شیطانی وجود دارد که آن‌ها می‌خواهند از طریق این جنبش به آن‌ها برسند:

۱. پیشرفت فناوری‌های نظامی.

مثال خوب آن این است که آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاع (دارپا++) میلیون‌ها دلار بودجه را برای ایجاد برنامه‌ای برای طراحی زیستی، اختصاص داده است که قرار گرفته‌ی (دارپا)، ایجاد یک نوع زندگی مصنوعی (روباتیک) خواهد بود که جاودانه بوده و از آن به‌منظور تقویه‌ی ارتش نظامی کار گرفته خواهد شد.

۲. از بین بردن حریم خصوصی و ایجاد کنترل بیشتر بر اجتماع.

پیشرفت تکنالوجی همیشه تهدیدی جدی برای زندگی خصوصی مردم بوده و هر مرحله در تکامل تکنالوجی یک گام بسوی فرا انسانیسیم است. در واقع یکی از اهداف اصلی سیستم این است که از طریق پیشرفت در فناوری کنترل بیشتر بر زندگی شما اعمال می‌کند. استفاده از

دستگاه‌ها به آن‌ها این امکان را می‌دهد که بدانند کجا می‌روید، چه کار می‌کنید، چه می‌خورید و غیره.



و حتی به این وسایل خارجی نیز بسنده نمی‌کنند؛ بلکه می‌خواهند شما دستگاه‌ها را در بدن خود وصل نموده و آن را به‌عنوان بخشی از بدن خود حمل کنید.



به این ترتیب آن‌ها می‌توانند به‌حریم خصوصی شما دسترسی بیشتری داشته باشند؛ یک نمونه آن میکروچیپ‌ها هستند.



۳. انکار وجود روح و الله عز وجل.

کل مفهوم فرا انسانیسیم بر دیدگاه مادیگرایی استوار است. یعنی پیروان این جنبش به موجودیت روح اعتقاد ندارند. آن‌ها می‌گویند این برای انسان ممکن است که بر مرگ غلبه کند و برای این ادعا آن‌ها دو استدلال اصلی را ارائه کرده‌اند:

اول: جاودانگی بیولوژیکی.

آن‌ها معتقدند تا زمانی که بدن به خوبی کار می‌کند، شما می‌توانید زنده باشید؛ بنابراین آن‌ها بر این عقیده‌اند که پیری یک بیماری است و ما زمانی به فناوری‌ای دسترسی خواهیم داشت که می‌تواند روند پیری را معکوس کند و تا زمانی که بدن ما جوان است ما سالم خواهیم ماند و مرگ بر ما تأثیر نمی‌گذارد، جز این که فاجعه‌ی خارجی رخ دهد.

دوم: جاودانگی سایبرنتیک.

به این معنی که مردم به حدی می‌رسند که هوشیاری آن‌ها در کامپیوتر جاسازی یا بارگیری می‌شود تا بتوانند برای همیشه (در داخل فضای مجازی) زندگی کنند؛ در حالی که بدنشان از بین می‌رود.

می‌بینید که چگونه مردم را تلقین می‌کنند که باور کنند روح وجود ندارد؟! و این که آن‌ها می‌توانند تا ابد زنده باشند؟

کسانی که در سطوح بالای سیستم هستند می‌دانند که غلبه بر مرگ، غیرممکن است؛ اما فقط این ایده‌ها را در ذهن آن دسته از جوانان وارد می‌کنند که از دانش کافی برای مقابله با آن برخوردار نیستند و در نتیجه باعث می‌شود با پذیرش این ایده‌های فریبنده، ایمان خود به خداوند را، رها کنند.

۴. سبب بی‌اخلاقی و تغییر رفتار در مردم شدن.

مشهورترین دانشمندان، آینده‌پژوهان، مهندسان ژنتیک و فیلسوفان از سراسر جهان در لینکن سنتر یا «جی اف ۲۰۴۵» برای بحث در مورد یک استراتژی جدید برای تکامل انسان، گرد هم می‌آیند و به طرز عجیبی برخی از اعضای این جنبش، رهبران معنوی هستند. این بدان معناست که آن‌ها نه تنها بر تغییر جنبه جسمانی یک انسان بلکه جنبه‌ی معنوی آن نیز کار می‌کنند؛ به بیان ساده، آن‌ها حتی روی عقاید و رفتار مردم کار می‌کنند. به همین دلیل است که

آن‌ها در مورد اصلاح ژینوتایپ و فینوتایپ صحبت می‌کنند. ژینوتایپ مجموعه‌ای از ژن‌های موروثی است که شامل ویژگی‌های فیزیکی یک فرد است و فینوتایپ اصطلاحی است که برای صفات و رفتارهای قابل مشاهده افراد، استفاده می‌شود؛ بنابراین با اصلاح این دو، آن‌ها نه تنها فیزیولوژی انسان را تغییر می‌دهند؛ بلکه رفتار آن‌ها را نیز تغییر می‌دهند؛ تغییر در نحوه صحبت کردن، نحوه راه رفتن، نحوه واکنش به محیط و غیره. تغییر در حدی که امور غیراخلاقی، عادی شود.



آیا این واقعاً سرگرمی است یا از بین بردن ارزش‌های اخلاقی شما؟!
 آن‌ها این کارها را آنقدر عادی کرده‌اند که حتی بعضی از مسلمان‌ها، آن‌ها را سرگرمی می‌دانند. این، به این دلیل است که ابلیس (شیطان) بسیار متعهد به نابودی روح مردم است و ارتش خود را برای حمله به آن‌ها از هر طرف می‌فرستد.

﴿وَلَا ضَلَّئَهُمْ وَلَا مَنِيَّتُهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ﴾ [النساء:

۱۹۹].

شیطان گفت: «حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم و (آن‌گاه که بدین وسیله ایشان را فرمانبر خود کردم، هر چه را خواستم) بدیشان دستور می‌دهم و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله:) گوش‌های چهارپایان را قطع می‌کنند و بدیشان

دستور می‌دهم و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند (و حتی دین خدا را تغییر می‌دهند و فطرت توحید را به شرک می‌آیند)».

بنابراین آن‌ها در مورد تغییر نسل بشر نه تنها در مرکز لینکلن گرد هم می‌آیند و بحث می‌کنند؛ بلکه در همه دانشگاه‌های پیشرفته مانند آکسفورد و استنفورد و غیره گرد هم می‌آیند.



در واقع آن رهبران معنوی، پیروان خود را متقاعد می‌کنند که باورها رالیسم را بپذیرید؛ حتی اگر چنین وانمود کنند که مسیحی، یهودی یا بودایی هستند.
۵. ترویج همجنسگرایی.

انستیتیوت بروکینگز که یکی از مراکز تحقیقاتی کلیدی در مورد فرا انسانیسیم است؛ آینده مجموعه قانون اساسی را می‌نویسد و در مقاله‌ی شماره ۹ و ۱۰ این مجموعه، آن‌ها در مورد جوامع همجنسگرایی مهندسی‌شده‌ی ژنتیکی، در آینده نزدیک صحبت می‌کنند. این بدان معناست که آن‌ها روی تغییر میل جنسی جنین‌ها از طریق دستکاری ژن‌ها، کار می‌کنند. همچنین در تحقیقی توسط ماکسول مهلمان و تیم استادان حقوق وی، از انسان برای انجام آزمایشاتی برای اصلاح ژنتیکی بشر، به‌عنوان بخشی از مرحله‌ی بعدی تکامل، استفاده شده است. مواردی دیگری که برای این منظور استفاده می‌شود، محصولات اصلاح‌شده‌ی ژنتیکی و تولیدات پروسس شده می‌باشد. اضرار طولانی‌مدت محصولات اصلاح‌شده‌ی ژنتیکی و تولیدات پروسس شده عبارتند از:

اول: بلوغ جنسی پیش از وقت در اطفال که باعث می‌شود امیال و خواهشات جنسی در آن‌ها در سنین کوچک‌تر بروز کند.

دوم: به هم خوردن تعادل هورمون‌ها که در برخی موارد منجر به اختلال و تغییر میل جنسی می‌شود؛ بنابراین به این ترتیب هورمون‌ها نامتعادل می‌شوند و از طرف دیگر از طریق رسانه‌ها روی روانِ شما کار می‌کنند؛ خواه رسانه‌های اجتماعی باشد یا برنامه‌های تلویزیونی یا حتی تبلیغات تجاری؛ بنابراین با استفاده از تغییرات ژنتیکی (ژینوتایپ) سعی می‌کنند فیزیولوژی افراد را نسبت به همجنسگرایی تغییر دهند و از طرف دیگر با کمک رسانه‌ها، روی روانِ مردم کار می‌کنند تا این که رفتارِ آن‌ها را به سمتِ همجنسگرایی سوق دهند.



می‌بینید که چگونه می‌خواهند ذهن و بدنِ شما را برای پذیرشِ برنامه‌هایِ شیطانی خود آماده کنند؟! لحظه‌ای به نسلِ آینده‌ی خود فکر کنید و تصور کنید اگر ارزش‌هایِ اخلاقی را به آن‌ها آموزش ندهید و آن‌ها را از این برنامه‌هایِ شیطانی آگاه نکنید، چه اتفاقی برای آن‌ها می‌افتد.

قسمت بیست و چهارم:

بزرگ‌ترین فتنه‌ی

عصر.



قسمت بیست و چهارم: بزرگ‌ترین فتنه‌ی عصر.

این قسمت بسیار درخواست شده بود تا یک بار دیگر پوشش داده شود؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین فتنه‌های این عصر و زمان است.



از راست به چپ:

اولی می‌گوید: فکر نمی‌کنید بعضی کاربران بگویند، ببین! من می‌توانم با تبلیغات کنار بیایم، من می‌دانم دقیقا چه کار می‌کنم، خدمات رایگان در اختیارم قرار داده شده، شاید آن‌ها فکر کنند من را کنترل می‌کنند؛ اما من مواظب خود هستم.

دومی می‌گوید: مشکل اینجاست که تکنیک‌های رفتاری برای فردی که تحت کنترل و نفوذ قرار می‌گیرد، اکثرا غیر قابل درک‌اند و این راهکارها سابقه‌ی طولانی دارند و از دیر وقت به این طرف مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در واقع نکته‌ی اصلی پنهانی بودن این تکنیک‌ها است، این یک رویکرد میکانیکی برای کنترل افراد است و چون به صورت الگوریتمی است و ارتباط‌های مستقیم فردی در آن دخیل نیست، کاربران متوجه نمی‌شوند که چه اتفاقی برای‌شان می‌افتد. پایان گفت‌وگوی این دو فرد.

شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی این رسانه‌ها را در واقع طوری طراحی کرده‌اند که اعتیادآور باشد. این را من نمی‌گوییم؛ بلکه طراحان حقیقی رسانه‌های اجتماعی می‌گویند. آن‌ها می‌گویند: هدف اساسی از ایجاد رسانه‌های اجتماعی جلب توجه هر چه بیشتر شما بود. چرا می‌خواستند توجه هر چه بیشترتان را جلب کنند تا بتوانند تبلیغات بیشتر از محصولات نشر کنند و شما آن را ببینید و دوباره بیایید، درست؟ و آن محصولات را بخرید و شرکت‌ها پول بیشتر بدست آورند، به خاطر سود خودشان.



گرداننده برنامه می گوید: به نظر می رسد حیل‌های زیادی اینجا در جریان است. مهمان برنامه می گوید: من نامش را می گذارم «رقابت برای رسیدن به انتهای ساقه‌ی مغز کاربران» برای جلب توجه افراد به هر قیمتی که شده. فرض کنید من یوتیوب هستم و من مقدار قابل ملاحظه‌ی توجه مردم را به خود جلب کرده‌ام. بزرگ‌ترین رقیب یوتیوب چه است؟ احتمالا فیس‌بوک یا ببینید، مدیر عامل نتفلیکس اخیرا ابراز کرد که بزرگ‌ترین رقبای نتفلیکس، احتمالا یوتیوب، فیس‌بوک و خواب هستند. (گرداننده: خواب؟! بلی، خواب؛ چون در ختم روز مردم وقت کافی دارند و اگر شما وقت افراد را به نفع خود استفاده نکنید، فردی دیگری، برنامه‌ی دیگری و یا بخشی از زندگی دیگران آن را به خود اختصاص خواهند داد. پس این خدمات در واقع با هم در رقابت‌اند بر سر اینکه ما وقت خود را در کجا به مصرف برسانیم چه در خواب باشیم یا با دوستان، این مبارزه جریان دارد تا توجه هر چه بیشتر ما را به خود جلب کنند. پایان.

شاوون پارکر، رئیس اسبق فیس‌بوک می گوید: فرایند فکری که در عقب ساخت این برنامه‌ها موجود بود؛ مثلا: در عقب ایجاد فیس‌بوک که پیشتر از همه ایجاد شد، آن فرایند فکری کاملا در این مورد بود که چگونه وقت و توجه آگاهانه‌ی هر چه بیشتر شما را به خود اختصاص دهیم. پایان.

می دانید زمان چقدر با ارزش است؛ الله عزّ و جلّ در قرآن به زمان قسم یاد می کند:

﴿وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾﴾ [العصر: ۱-۲].

«سوگند به زمان (که سرمایه‌ی زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است). انسان‌ها همه زیان‌مندند».

و الله سبحانه و تعالی فقط در صورتی به چیزی قسم یاد می کند که خیلی با ارزش باشد تا اهمیت آن را برای ما نشان دهد.

رسول الله ﷺ می فرماید: «لا تَزُولُ قَدَمًا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ»^۱. «پاهای فرد در روز قیامت حرکت نخواهد کرد تا آنکه در مورد چهار چیز مورد پرسش قرار نگیرد: در مورد عمرش، عمر خود را در چه چیزی صرف نموده است. عمر خود را چگونه به پایان رسانده است». با تمام آن زمانی که الله عز و جل در اختیارش قرار داد، چه کرد.



از چپ به راست:

اولی می گوید: جامعه به تدریج تاریک شده است با طرحی که همه را همواره تحت نظارت قرار داده است و همگی تحت یک نوع فرایند آرام تغییر رفتاری قرار دارند. فرایندی که اکثر مردم را پریشان و بداخلاق ساخته است. فرایندی که به طور خاص نوجوانان را افسرده ساخته است که می تواند شدید هم باشد. بناء وقتی فشار قابل ملاحظه در زندگی شان رونما می گردد، آن ها به افراد رو نمی آورند؛ بلکه به دستگاه های در دست داشته ی خود، به رسانه های اجتماعی و به چیزهایِ رو می آورند که برای شان موقتا آرامش می دهد. دانشمندان صراحتا می دانند افرادی که وقت خود را وقف فیس بوک می کنند، از افسردگی بیشتری رنج می برند در مقایسه با کسانی که کمتر وقت خود را وقف فیس بوک می کنند. پایان.

انزوا، کودک شما وقت بیشتری را وقف رسانه های اجتماعی می کند به جای اینکه آن وقت را با پدر و مادر خود و یا با خواهر و برادر خود سپری کند.

رسانه های اجتماعی یک نوع اسلحه است که شیطان را قادر می سازد به دو تا از اهداف اصلی اش برسد:

نخست: این رسانه ها باعث می شوند شما بالای زندگی فریبنده اجتماعی خیالی تمرکز کنید و شما را از هدف اصلی زندگی که الله سبحانه و تعالی برای تان داده است، دور می سازد.

دوم: شیطان با این وسیله شما را از فامیل و جامعه دور و منزوی می‌سازد. این انزوا باعث می‌شود که شما مرتکب گناه شوید. یک وسیله‌ی مناسب برای شیطان به منظور جدا ساختن و تسخیر.

رسول الله ﷺ در حدیثی که در صحیح مسلم نقل شده، می‌فرماید: «ابلیس ارتش خود را به منظور انجام فساد به بیرون می‌فرستد. نزدیک‌ترین آن‌ها به ابلیس از لحاظ درجه، شریک‌ترین آن‌ها در انجام فساد اند. شیاطین نزد ابلیس آمده و هر یک در مورد فعالیت‌های آن روز خود به او گزارش داده و می‌گویند: من امروز چنین و چنان کردم. ابلیس می‌گوید: شما هیچ کاری نکردید. سپس یکی از آن‌ها آمده و می‌گوید: من امروز یک زوج را از زوجه‌اش (خانم را از شوهرش) جدا کردم. ابلیس می‌گوید: بلی، تو! تو! تو مرد من هستی، پیش بیا و بر سرش تاج می‌گذارد»^۱.

اندکی به این بیندیشید. استعمال دخانیات حرام است. کشتن حرام است. زنا حرام است. هر گناهی که باشد، حرام است. طلاق حرام نیست؛ اما چرا شیطان از طلاق خوشحال می‌شود؟ چرا؟ دشمن‌تان چه را دوست دارد؟ تفرقه‌انداختن و حکومت کردن را. با طلاق او می‌تواند که میان اولین واحد یک اجتماع، تفرقه و جدایی ایجاد کند؛ چون جامعه از چه تشکیل شده است؟ از واحدها، خشت‌های (آجرهای) یک دیوار را تصور کنید. فامیل نخستین خشت در اجتماع است، اولین واحد.

قبل از به وجود آمدن این فناوری‌ها، کودکان در وقت فراغت، بازی‌های معمولی را انجام می‌دادند. وقت خود را با فامیل سپری می‌کردند؛ اما بعد از به وجود آمدن این فناوری‌ها، کودکان بیشتر وقت خود را وقف رسانه‌های اجتماعی می‌کنند، وقت بیشتر خود را صرف فیس‌بوک، یوتیوب و توییتر می‌کنند.

الله متعال می‌فرماید:

﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵].

«با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه‌ی بایسته‌ای رفتار کن».

با پدر و مادرتان به نیکی وقت بگذرانید. کودکانتان را آموزش دهید. زمان کافی با کودکانتان سپری کنید و فردا کودکانتان با شما وقت خود را سپری خواهند کرد.

حال کودک خودش را با دیگران در رسانه‌های اجتماعی مقایسه می‌کند؛ فلان شخص، دوستم در رسانه‌های اجتماعی آیفون ۶ دارد، من هم می‌خواهم داشته باشم. فلان دوستم آیفون ۷ دارد، من هم می‌خواهم داشته باشم. او خودش را با دیگران در تجملات دنیا مقایسه می‌کند. برادران و خواهران عزیزم! ارزشش را ندارد که خود را با دیگران روی تجملات دنیا مقایسه کنیم.

ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و توییتر می‌گوید: مردم (در رسانه‌های اجتماعی) طوری به نظر می‌رسند که گویا زندگی بهتری از حقیقت‌شان دارند. آن‌ها از لحظاتی که واقعا خوشحال بودند در صفحات اجتماعی تصویر می‌گذارند. تصاویر را تغییر حالت می‌دهند تا بهتر به نظر برسند حتی اگر تغییر هم ندهند، حداقل تصویر را از میان جمع انتخاب می‌کنند، تصویری که بهتر نورپردازی شده و از زاویه‌ی مناسب گرفته شده، پس دیده می‌شود، مردم خیلی زیباتر از چیزی که واقعا هستند به نظر می‌رسند و خیلی خوشحال‌تر از چیزی که هستند به نظر می‌رسند؛ پس اگر در انستاگرام به دیگران ببینید با خود خواهید گفت، مردم چقدر زیبا هستند؛ اما من چنین زیبایی ندارم و خوشحال هم نیستم و این باعث می‌شود که به فرد احساس پشیمانی دست دهد؛ اما در واقع افرادی زیادی هستند که فکر می‌کنند خیلی خوشحال‌اند در حالی که آنقدر هم خوشحال نیستند، برخی‌هایشان واقعا خیلی افسرده و پشیمان‌اند. برخی افرادی که خیلی خوشحال به نظر می‌رسند، در واقع غمگین‌ترین افراد روی زمین‌اند. خلاصه اینکه هیچ کسی نیست که همیشه وقت خوب به نظر برسد، مهم نیست چه کسی باشد. پایان سخنانش.

خیلی شرم‌آور است که به منظور گرفتن لایک بیشتر، مجبور باشیم از اپلیکیشن دیگری استفاده کنیم که بلیون‌ها دالر درآمد دارد که مرا ببخشید اگر این را می‌گویم که مرا شبیه یک خرگوش یا گربه (پشک) نشان می‌دهد و یا شبیه سگ و هر چیز دیگر؛ چون فیلتر دارد، می‌دانم هیچ‌کس این کار را به این منظور نمی‌کند که بخواهد همانند حیوانات معلوم شود، این کار را می‌کنند که چهره‌ی‌شان را پوشش متفاوتی بدهند و زیباتر به نظر برسند و سپس از مردم توقع دارند که زیبایی‌شان را تحسین کنند و در عین حال به دیگران می‌گویند می‌خواهم همان‌طور که

هستم مرا بپذیرند و اگر نمی‌پسندند من همانی‌ام که هستم، برایم مهم نیست مردم چه فکر می‌کنند، واقعا! پس این کارها برای چه است؟

اگر واقعا می‌خواهید مقایسه کنید، در اعمال‌های نیک مقایسه کنید، در اعمال نیک:

﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ [حدید: ۲۱].

«بر یکدیگر پیشی بگیرید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همسان پهنای آسمان و زمین است».

از همدیگر پیشی بگیرید در طلب بخشش و به سوی رفتن به بهشت.

آن‌ها رسانه‌های اجتماعی را طوری طراحی کردند تا شما محصول باشید، به الله قسم به همین منظور آن را طراحی کردند. شاون پارکر، رئیس اسبق فیس‌بوک در مورد رسانه‌های اجتماعی چه می‌گوید؟



می‌گوید: این یک حلقه‌ی بازخورد برای اعتبار اجتماعی است، این دقیقا چیزی است که به ذهن یک هکر مانند خودم می‌رسد؛ چون شما از یک آسیب‌پذیری روانشناسی انسان، سوء استفاده می‌کنید. پایان سخنانش.

حلقه‌ی بازخورد اجتماعی یعنی وقتی شما در رسانه‌های اجتماعی تبدیل به محصول می‌شوید سپس برای خود ارزش تعیین می‌کنید اینکه چقدر ارزش دارید، این باعث می‌شود که برگردید دوباره و دوباره، بیشتر و بیشتر و بیشتر؛ چون حال یک مورد شخصی است در رابطه به شما و اینکه چه ارزشی در جامعه دارید. این باعث می‌شود که شما اشتباهات پندارید که رسانه‌های اجتماعی برای شما این ارزش را داده است.



این فرد می‌گوید: این حلقات بازخورد مبتنی به دوپامین کوتاه‌مدت را که ایجاد کرده‌ایم، نحوه کارکرد جامعه را از بین می‌برد؛ عدم گفتمان رو در رو، عدم همکاری، اطلاعات غلط، دروغ. این مشکل منحصر به آمریکا نیست، در مورد تبلیغات روسی هم نیست این یک معضله‌ی جهانی است. به نظر من، ما هم‌اکنون در وضعیت واقعا بدی قرار داریم، مبنای نحوه ارتباطات مردم با همدیگر را از بین می‌برد. من فکر می‌کنم که ما در اعماق ذهن، ما به نحوی می‌دانستیم که اتفاق بدی خواهد افتاد. ما ابزاری به‌وجود آوردیم که بافت‌های اجتماعی را از بین می‌برد. این حقیقت وضعیت ما است و من تمام شما را منحیث رهبران آینده جهان تشویق می‌کنم، واقعا درک کنید که چقدر این موضوع حیاتی است، اگر این جانور را تغذیه کنید، شما را از بین خواهد برد. پایان سخنانش.



مارک زاکربرگ می‌گوید: ما دید کافی نسبت به مسؤولیت خود نداشتیم و این یک اشتباه بزرگ بود، اشتباه من بود، معذرت می‌خواهم. پایان سخنانش.

منتظر قسمت‌های بعدی باشید ان شاء الله.
پناه می‌بریم به الله متعال از شر شیطان رانده شده.
سپاس بی‌پایان الله متعال را که به بنده بی‌بضاعت توفیق عنایت کرد تا بتوانم این مجموعه‌ی
مفید و مهم را از ویدیو به متن برگردانم.
وصلی الله علی عبده ورسوله نبینا محمد وعلی آله وأصحابه وأتباعه بإحسان إلی یوم الدین.

رجب ۱۴۴۳ هـ. ق

دلو ۱۴۰۰ هـ. ش

فبروری ۲۰۲۲ م

Email: daei0093@gmail.com

Telegram: <https://t.me/ZendagiBaIslamZibast>

